



بی‌رستان
barestan.info

نامگذاری و وجہ تسمیه آبادی‌های گیلان

دکتر حسن دادرس
مهندس فرامرز کوچکی زاد



تبرستان
www.tabarestan.info

بَرَسْتَان

تبرستان

www.tabarestan.info

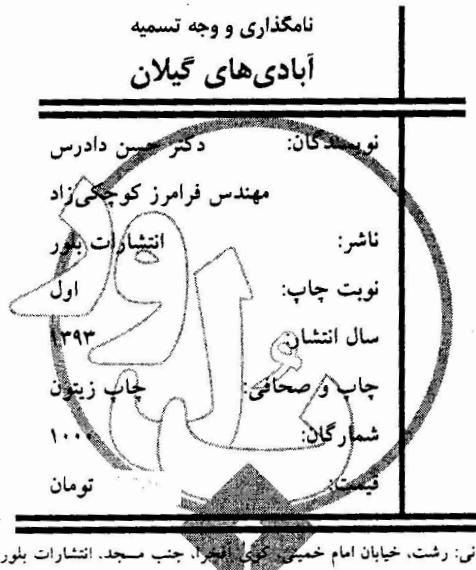
نامگذاری و وجه تسمیه
آبادی‌های گیلان

تبرستان
www.tabarstan.info

دکتر حسن دادرس
مهندس فرامرز کوچکی زاد

سرشناسه	: دادرس، حسن، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	: نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / حسن دادرس، فرزاد کوچکی‌زاد.
مشخصات نشر	: رشت : نشر بلور، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۶-۱۷۷-۴ : ۱۳۹۳
شابک	
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: روستاهای ایران -- گیلان -- نام‌ها
موضوع	: نام‌های جغرافیایی ایران -- گیلان
شناسه افزوده	: کوچکی‌زاد، فرامرز، ۱۳۲۸-
رده بندی کنگره	: DSR ۲۰۴۹/۸۲۳۵۲
رده بندی دیوبی	: ۹۵۵/۲۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۲۵۸۸۹

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان



نشانی: رشت، خیابان امام خمینی، کوچه امیر، چهارراه مسجد، انتشارات بلور
تلفن: ۰۱۳۱-۲۲۴۵۷۵ - ۰۱۳۱-۲۲۴۶۱۷ - ۰۱۳۱-۲۲۵۴۶۱۷ فکس: ۰۱۳۱-۲۲۵۴۶۱۷

هرماه: SMS: ۰۹۱۲۱۹۷۵۱۳۳
۰۵۰۰۲۰۶۰۵۰۶۰
Email: boloor_publications@gmail.com

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
۱۱	بخش اول: منشاء نام‌ها
۱۱	۱- اسمی برگرفته از عناصر چهارگانه
۱۵	۲- اسمی برگرفته از خصایص طبیعی زمین
۴۳	۳- اسمی برگرفته از نام جانوران
۵۷	۴- اسمی برگرفته از نام گیاهان
۷۵	۵- اسمی برگرفته از اعداد
۷۹	۶- اسمی برگرفته از نام اقوام و ایل‌ها
۹۱	۷- اسمی برگرفته از نام اشخاص
۹۶	۸- اسمی برگرفته از رنگ‌ها
۱۰۴	۹- اسمی برگرفته از مشاغل و صنایع
۱۱۷	۱۰- اسمی برگرفته از افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی
۱۲۰	۱۱- اسمی برگرفته از نام‌های مذهبی
۱۲۹	۱۲- اسمی برگرفته از تحریف و مخفف
۱۳۲	۱۳- اسمی برگرفته از اماکن نظامی و دفاعی
۱۳۴	۱۴- اسمی تغییر یافته پس از انقلاب اسلامی
۱۳۵	۱۵- اسمی برگرفته از فصول سال

۶ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

۱۳۶	- اسامی برگرفته از نام کانی‌ها
۱۳۷	- اسامی برگرفته از مسایل اقتصادی و معیشتی و بازارها
۱۳۹	- اسامی برگرفته از اقلیم مخصوص گیلان
۱۳۹	- اسامی برگرفته از امور کشاورزی گیلان
۱۴۵	- اسامی برگرفته از پدیده‌های آسمانی
۱۴۷	بخش دوم: وند واژه‌ها
۱۹۳	بخش سوم: فرهنگنامه آبادی‌ها
۴۲۷	بخش چهارم: لغت نامه
۴۴۳	منابع مورد استفاده

پیشگفتار:

مکان یابی و استقرار سکونتگاه‌های روستایی تابعی از عوامل محیط طبیعی در درجه اول می‌باشد به گونه‌ای که فراهم بودن بستر جغرافیایی موجب شکل گیری استقرارگاه‌های روستایی گردیده است.

از آنجایی که انسان‌ها مسکن روستایی و حتی معیشت و اقتصاد خود را بر اساس داده‌های طبیعی بنیان گذارده‌اند انعطاف نسبت به محیط زیست از گذشته‌های دور حتی در تمدن‌های بشری نمایان می‌باشد و به تبع آن وجه تسمیه (علت نامگذاری) غالب روستاهای استان گیلان به علت تنوع در تیپ، معیشت، زبان، فرهنگ و قومیت، اقلیم از محدود استان‌های کشور است.

زیرا که تنوع در توپوگرافی (منطقه کوهستانی، پایکوهی، جنگلی، جلگه‌ای، ساحلی و...). اقلیم (تنوع آب و هوایی در غرب و شرق بویژه در شمال استان گیلان با میانگین بارش ۲۰۰۰ - ۱۸۰۰ میلی متر و جنوب استان گیلان مانند لوشن حدود ۳۰۰ میلی متر). معیشت (زراعت بویژه برنج، بازداری مانند مرکبات، فندق، زیتون، چای، کیوی و...). زنبورداری. جنگل‌داری. صنایع دستی و بومی (تنوع صنایع دستی که مواد اولیه آن در خود منطقه تهیه و تولید می‌گردد). صید (در سواحل دریای کاسپین و تالابها و رودخانه‌ها). شکار و بویژه گردشگری روستایی. زبان و قومیت (گیلک، تالش، آذری، کردی. تات فارسی و...). مذهب (شیعه، سنی، مسیحی و...). ماکیت. منابع آب. نوع خاک. جنس زمین. اوضاع اجتماعی و فرهنگی و... در جای جای استان گیلان به چشم می‌خورد.

و به تبع آن نام گذاری روستاهای استان گیلان بطور مستقیم و غیر مستقیم مرتبط با داده‌های طبیعی و اقلیمی استان گیلان می‌باشد، که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد. بطوری که بعضی از روستاهای گیلان دارای چندین معنی و توصیف بوده که همه معانی کاملاً مناسب و منطبق با محیط جغرافیایی می‌باشد.

این کتاب نه تنها برای اهل علم کتابی خواندنی و آموختنی بویژه دانشجویان محترم مقاطع مختلف که در تحقیقات علمی و پژوهشی و مدیران و مسئولان دست اندرکار استان مرجعی خواهد بود در شناخت هرچه بیشتر استانی که در طول حیات پرافتخار واحیاء فرهنگ، سنت و ارزش‌های الهی در آن دایی مردانی حتی با نثار خون پاک خود نگاهبانی و نگهداری کرده‌اند.

امید است زحمات فوق مقبول پیشگاه حضرت پروردگار و مطبوع طبع دوستداران علم و فرهنگ قرار گیرد و این کتاب از راهنمائی‌ها و محبت‌های خوانندگان صاحب نظر، بی‌بهره نماند.

دکتر حسن دادرس - مهندس فرامرز کوچکی زاد

مقدمه: ۴۰

بررسی نام آبادی‌های گیلان قبل از بوسیله شادروان جهانگیر سرتیپ پور انجام گردید اما بعلت گذشت زمان و تغییرات در تقسیم‌بندی جدید کشوری نیاز به بررسی مجدد ما ودار به این تحقیق نمود. استان گیلان در آمار سال ۱۳۸۵ دارای ۱۶ شهرستان، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان و ۲۶۹۵ روستای دارای سکنه می‌باشد. بررسی ناموازه همه آبادی‌های یک استان نیاز به زمان بیشتر و تحقیق زیادتر و حتی هزینه گزاف دارد که تنها با کمک یک ارگان دولتی امکان پذیر می‌باشد. از آنجایی که بعضی از واژه‌ها بومی و محلی و برخی فارسی یا به زبان‌های دیگر هستند ترتیب الفبایی برتر از بقیه روش‌ها بوده و آن را بر گزیده ایم. ملاک نام آبادی‌ها بر اساس نامگذاری سازمان جغرافیایی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان می‌باشد. در مورد آبادی‌هایی که دارای چند نام هستند از همه نام‌ها استفاده شده است. همچنین در باره آبادی‌هایی که معنی نام آن‌ها مشخص نگردید در این کتاب تنها به موقعیت جغرافیایی آن‌ها اکتفا شد. این مجموعه تنها اختصاص به معنی واژه‌ها دارد و برخی از واژه‌ها دارای چند معنی هستند. ممکن است بعضی از واژه‌ها دارای معانی زشت و مسخره باشند اما در ازای معانی دیگر قابل برابری هستند.

باتوجه به استقبال خوانندگان از چاپ کتاب فرهنگ معانی آبادی‌های گیلان

۱۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

و نیز اصلاحات مربوط به جامانده‌های چاپ اول تصمیم بر این گرفته شد که با همکاری اساتید دانشگاهی این اشکالات برطرف گردد.

۱- در کتاب فرهنگ معانی آبادی‌های استان گیلان نام برخی از آبادی‌ها از جمله دو شهر بزرگ فومن، کومله از قلم افتادند که در این کتاب همراه چند مورد جزئی آورده شدند.

۲- یاد آور می‌شوم که برخی از نام‌های جغرافیائی مربوط به محلات و متدائل بین مردم یک منطقه بوده و در تقسیمات سیاسی کشور ثبت نشده‌اند مانند محله لرجان که محل سکونت کوچندگان مناطق ییلاقی به قشلاقی می‌باشد و یا هفت دغان که اسم یک جنگل می‌باشد و همچنین فیض محله که یک آبادی محسوب نمی‌شود بلکه محله‌ای در نزدیکی آبادی اردجان است. به همین دلیل این اسمی در کتاب آورده نشده است.

۳- برخی از آبادی‌ها قسمت علیا در استان گیلان قرار داشته ولی قسمت سفلی در استان مجاور می‌باشد که بطور طبیعی این اسمی نیز در کتاب آورده نمی‌شود.

بخش اول: منشا نام‌ها:

تبرستان

www.tabarestan.info

کلیات: در نامگذاری آبادی‌های گیلان چند مقوله مورد تأثیر می‌باشد که به اختصار میتوان آن‌ها را در گروه‌های مختلف طبقه بندی نمود.

۱ - اسمی برگرفته از عناصر چهار گانه: یعنی آب، باد، آتش و خاک.

۱-۱ آب: به معنی مایع حیات که در تمام شخونات زندگی نقش دارد. آبادی‌هایی که در نامگذاری آن‌ها از کلمه آب استفاده گردیده است عبارتند از:

آچالگی: روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. اگر پسوند گی را حاصل مصدر دارندگی در نظر بگیریم آب چالگی چاله‌ای است که در آن آب جمع شود. اما اگر واژه گی را به مفهوم آبگیر و حوضچه آب آمده باشد بنابر این آب چالگی محل دارای آبگیر خواهد بود.

آبدنگسر: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبدنگ دستگاه شالی کوبی است که با نیروی آب کار می‌کند. آبدنگسر روستای کنار دستگاه آبدنگ می‌باشد.

آبدوچال: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمینی که در آن آب در داخل گودال باشد.

آبرود: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی مجاور آب رودخانه.

آبکنار: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی کنار

مرداب انزلی.

اشکراب: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. اشک یاد آور قوم ساکن در ایران باستان می‌باشد. اشکراب دهکده مجاور آبگیر است که سکنه آن قوم اشک هستند.

بداب: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمین دارای آب نامرغوب و پر تلاتم.

تلاطب دره: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که پشته‌ای از آب درون دره آن بگذرد.

تنگاب: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. روستایی که رودخانه باریکی از آن می‌گذرد.

چولاب: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. سرزمینی با آب گل آلود.

دو آب: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای مجاور دو رودخانه.

دواپ مردخ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده مجاور دو رودخانه در منطقه مردخ.

روشن آب سر بالا: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی بالایی رودخانه آب زلال.

روشن آب سر پائین: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی پائینی رودخانه آب زلال.

ریاب: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین افزونی آب. روشتایی آب.

زرآبچه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. در اصل زرد آبچه سرزمین دارای رودخانه آب گل آلود می‌باشد.

سفید آب: ر. ج: وپر سر. جریان کف آلود آب موجب سفیدرودخانه شده است.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۳

سیلاب کش: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی مجاور محل سیلاب رودخانه.

فی آب: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. فی بیانگر زمان و مکان است بنابراین سرزمین در آب می‌باشد.

کلاب: روستای دهستان دینا چال بخش پره‌سر رضوانشهر. آبادی دارای آبگیر بزرگ.

کبوتر آبکش: روستای دهستان اوشیان بخش چلیکسر رودستاز مجاور بودن روستا با حوضچه‌ای که کبوتران از آب آن استفاده می‌کنند موجب انتخاب چنین اسمی شده است.

گرمابدشت: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مجاور دشت دارای آبگرم معدنی.

گرمابرود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای چشممه آبگرم.

گلابخواران: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین آب گل آلود.

گلاب محله (کولاک محله): روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. سرزمینی که بر اثر طغیان رودخانه گل آلود باشد.

هردو آب: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. دهکده مجاور دو رودخانه.

۲- آتش: جسم گرم روشن. آذر. اخگر. شعله. آبادی‌هایی که در نام آن‌ها از کلمه آتش استفاده گردیده عبارتند از:

آتش‌سرا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی بقایای آتشکده قدیمی.

آتشگاه: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی محل قرار گرفتن آتشکده.

آتشگی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. به علت روشن بودن دائمی آتش توسط تنها سکنه در این مکان به آتشگی معروف می‌باشد.

آذرچه: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. به معنی آتش کوچک می‌آید. ممکن است تنور کوچک و یا آتشدان کوچک کنار دهکده باشد.

۳ - ۱ باد: حرکت جریان هوا را باد گویند. در گیلان بادها دارای نام‌های مختلف می‌باشند. آفتاب بوشو (باد غربی). بیچ باد (باد سرد زمستانی). بیرون وا (باد از سمت شمال مرداب). خزری (باد شمال دریایی خزر). خشک وا (باد از سمت شرق مرداب). دشت وا (باد سمت شمال غربی گیلان). سرتوك (باد شمال شرقی). سیawa (باد جنوب غربی مرداب). گتاروا (باد از جنوب مرداب). کوتیم وا (باد جنوب شرقی). گرم وا (باد گرمش). گیله وا (باد از سمت دریا). میان وا (باد وسط دریایی خزر). آبادی‌هایی که در نام آن‌ها از اسم بادها استفاده گردیده عبارتند از:

بزاستان: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که در آن نسیم زیاد بوزد. عده‌ای آن را سرزمین زنبوران می‌دانند.

بز کویه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین باد خیز. عده‌ای آنرا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

بز گویه: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین باد خیز. ویامحل پرورش زنبور عسل.

بزگاه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مکان. عده‌ای آنرا سرزمین باد خیز و یا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

گیلووا دشتان (گیلووا): روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمین دشتی که باد گیله و به آن بوزد.

گیلووا محله: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی و سرزمین محل وزش باد گیله و.

۴ - ۱ خاک: بخشی از پوشش زمین. آبادی‌هایی که در نام آن‌ها از کلمه خاک

استفاده گردیده عبارتند از:

خاک شور: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی با خاک سور.

خاکیان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی و سرزمین خاکی.

۲ - اسمی برگرفته از خصایص طبیعی زمین: یعنی کاره، کوه، چشمه (خانی). رود، استخر (اسطلخ). دشت، دریا، صحراء پیشنهاد شده است.

۱ - استخر: استخردر فارسی از واژه استبر معنی آبگیر و سل آمده است. آبادی‌هایی که در نام آن‌ها از کلمه استخر استفاده گردیده عبارتند از:

استخر بیجار (سل بیجار - اسطلح بیجار): روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای آبگیری که آب شالیزار را تامین کند

استخرسر: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. آبادی کنار آبگیر.

استخر گاه: روستای دهستان دشت ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبدار. آبادی دارای آبگیر.

ایوان استخر: روستای دهستان شیرجوپشت بخش روبدنه لاهیجان. ایوان هم معنی پیشگاه بوده و ایوان استخر یعنی دهکده جلوتر از آبگیر.

سیاه استخر: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای آبگیر کوهستانی.

۲ - اسطلح: واژه گیلکی استخز به معنی آبگیر و سل بوده و در نام آبادی‌های زیر آمده است:

اسطلخ بیجار: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای آبگیری که آب مورد نیاز شالیزارها را تامین کند.

اسطلخ جان: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات. آبادی دارای آبگیر معنی می‌دهد.

اسطلخ زیر (سل چه): روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال.
روستایی که در قسمت پائین آن آبگیر باشد.

اسطلخ کوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی دارای آبگیر در منطقه کوهستانی معنی دارد.

خشک اسطلخ: روستای دهستان علیآباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت.
آبادی دارای آبگیر خشک شده.

سیاه اسطلخ: روستای دهستان پیربازار بخش مرکزی رشت. آبادی دارای آبگیر پر گل و لای که آب آن از کوه آمده باشد معنی دارد.

سیاه اسطلخ: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سر. آبادی دارای آبگیر با آب کوهستان معنی دارد.

سیاه اسطلخ سقط الملک: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای آبگیر گل آلود متعلق به خاندان سقط الملک.

سیاه اسطلخ میرزا ریبع: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت.
آبادی دارای آبگیر گل آلود متعلق به خاندان میرزا ریبع.

شکار اسطلخ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی کنار آبگیر محل شکار.

نواسطلخ: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای آبگیر تازه ایجاد شده.

۳ - ۲ پشته: به معنی زمین برجسته. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

ارزن پشته: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین تپه‌ای کشت ارزن.

بوپشته‌سر: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار تپه.

بیجار پشته: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که شالیزارهای آن روی تپه و بلندی باشد.

پشته: روستای دهستان رستم‌آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار. آبادی روی تپه.

پشته: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی روی تپه.

پشتهان: روستای دهستان دشتولی بخش رحمت‌آباد و بلوکات روDOBار. سرزمین دارای چند پشته.

پشته‌سرا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاوقور لنگرود. آبادی و سرزمین تپه‌ای.

پشته کریم محله (پشته کوچلان): ر. ج: پشته بخش مرکزی تالش. آبادی روی تپه کریم محله.

پشته کلاه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روDOBار سرزمین و آبادی تپه‌ای.

پشته هیر: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی کنار تپه‌ای که مسیر بادشمال می‌باشد. عده‌ای آنرا سرزمین آتش می‌دانند.

پنبه‌پشته: روستای دهستان خرجیل بخش اسلام تالش. روستایی که در تپه‌های آن پنبه کشت شود.

پیرپشته: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی تپه قدیمی.

چهار سوپشته: روستای دهستان لات لیل بخش اطاوقور لنگرود. آبادی که از چهار طرف تپه دارد.

خراسان‌پشته: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد روDOBار. آبادی روی تپه خاوران.

دیو شل‌پشته: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی بالای تپه دلیران لنگ. خانه خدای روشنائی روی پشته.

رادار‌پشته: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. در اصل راه دارپشته آبادی قرار گرفته در مسیر پشت تپه درختان است.

زین‌پشته: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده‌ای که برای رسیدن به آن باید از این تپه عبور نمود.

سیاه رودپشته: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار.
آبادی روی تپه پشت رودخانه.

شمشادپشته (شمشدپشته): روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر
رودسر. سرزمین دارای تپه‌های پراز شمشاد.

صدایپشته: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی قرار گرفته
در پشت دستگاه خرمن کوبی پرسرو صدای

فشنگلپشته: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی روی تپه
تشکیل شده از پسته برنج.

فسوپشته: روستای دهستان شیرجو پشت بخش رود بنه لاهیجان. فشو صدای
خرمن کوب. فشوپشته آبادی پشت دستگاه خرمن کوب.

فندقپشته (حوله چولا): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا.
آبادی روی بلندی جنگل فندق.

کرفپشته: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی تپه پراز
سرخس. عده‌ای آن را سرزمین درختان افرا می‌دانند.

کرفپشته ایلیاتی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی
تپه پراز سرخس و محل سکونت طایفه ایلیاتی.

کرفپشته تازه‌آباد: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پر
از سرخس تازه بنا شده.

کرفپشته گالشی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی تپه
پراز سرخس که گالش نشین باشد.

كمال‌الدين‌پشته: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. سرزمین
تپه‌ای محل سکونت خاندان کمال‌الدین.

کیش‌پشته: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی روی تپه
شمشاد زار.

کیوان‌پشته: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمینی که

توسط خاندان کیوان‌آباد گردید.

گردپشته: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی اطراف تپه.

لکه‌پشته (قنبه محله): روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی روی تپه محل رویش درختان لیلکی.

مازوو کله‌پشته: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین تپه‌ای محل رویش درخت بلوط.

مازی کله‌پشته: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین تپه‌ای محل رویش درختان بلوط.

میان‌پشته: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی میان تپه‌ها.

۴ - ۲ جو: به معانی نهر. رودخانه. جوی. در نام آبادی‌های زیر آمده است:
بالا لمین جوب: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی بالاتر از رودخانه لمین.

پائین لمین جوب: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی پائین رودخانه لمین.

جو بن: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. سرزمین محل عبور رودخانه.

جو بنه: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. سرزمینی که از آن رودخانه عبور کند.

جو پشت: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. آبادی پشت رودخانه.

جوپشت: روستای دهستان گوکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی پشت رودخانه.

جوپستان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین پشت رودخانه.

جو پیش: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی جلوی رودخانه.

سنگ جوب: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگ جوب: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

شیرجوپشت بالا: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی بالایی پشت رودخانه شیر جو.

شیرجوپشت پائین: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی پائینی پشت رودخانه شیر جو.

گیجو: روستای دهستان خرچگیل بخش اسلام تالش. سرزمین دارای سفره آب زیر زمینی که پس از خروج رودخانه پیچ و خم دار تشکیل دهد.

۵ - ۲ خانی (چشممه): چشممه با نام خانی در گیلان بسیار فراوان بوده و در نام آبادی‌های زیر آمده است:

پرویزخانی: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و چشممه متعلق به خاندان پرویز.

تلوم خانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی که چشممه آن در میان خارستان باشد.

درویشخانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای چشممه‌ای که آب آن را دراویش متبرک نموده‌اند.

دله خانی: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. دله جانوری از خانواده سمورها می‌باشد. دله خانی چشممه مورد استفاده دله‌ها. عده‌ای آن را دالخانی یا چشممه عقاب می‌دانند.

سرچشممه: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین کنار چشممه.

سرخانی: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی سرچشم.

سفیدخانی: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی دارای چشمۀ سفید.

سیاهخانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای چشمۀ کوهستانی.

کلاچخانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای چشمۀ‌ای که جولانگاه کلاع‌ها باشد

گرمخانی: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای چشمۀ آبگرم.

لارخانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای چشمۀ با آبشخور پله‌ای.

لیهخانی: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. چشمۀ گود باطلاقی آبگیر.

ماسوله‌خانی: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی کوهستانی بلند دارای چشمۀ.

مگس‌خانی: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمینی که در اطراف آن چشمۀ‌های محبوس زیاد باشد. عده‌ای آن را سرزمین پر از صدای وزوز حشرات میدانند.

ونه‌خونی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین دارای چشمۀ آبشخور کبوتران.

هالوخانی: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین دارای چشمۀ و پراز درخت گوجه سبز.

۶ - ۲ دره: گودال عمیق. شکاف بین دوکوه. فورفتگی بزرگ. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

آسیاب دره: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی

مجاور دره‌ای که کارگاه آرد کوبی در آن قرار دارد.

باباجان دره: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. وجود زیارتگاه آقاسید کاظم در دره موجب چنین نام شده.

پسین دره: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی بعد از دره.

پسین دره: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی بعد از دره.

پشت دره لنگه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین و آبادی قسمت عقب دره.

پل دره: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی کنار دره بعد از پل.

پلنگ دره: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمینی که در دره‌های آن پلنگ باشد.

پلنگ دره: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمینی که دره آن جولانگاه پلنگ باشد.

پیل دره: روستای دهستان املس جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی دارای دره بزرگ.

تاریک دره: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی با دره تاریک.

تلاب دره: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که پشته‌ای از آب درون دره آن بگذرد.

تنگ دره (کمال محله - مال محله): روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور دره باریک.

خجه دره: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی کنار دره‌ای که در آن درخت خوج رویش کند.

درو پشت: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. آبادی پشت دره.

دره جیر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دره پائینی.

دره دشت: روستای دهستان دشتول بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. آبادی دشت مجاور دره.

دره محله (دارا محله): روستای دهستان رحمتآباد بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. آبادی داخل دره.

دیو دره: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. سرزمین دره بزرگ. عده‌ای آن را دره موجودات موهومی می‌دانند.

رز دره: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی با دره پر از درختان انگور.

زنش دره (ایراکی): روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. دره منطقه طوفانی و باران خیز.

شلشه دره: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمین دره‌ای که تنها قوم شال از آن عبور می‌کردند. عده‌ای آن را دره گذرگاه شغال‌ها می‌دانند.

شیر دره: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی درون دره شیر.

کل دره سفلی: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دره پائینی مقر بزهای کوهی.

کل دره علیا: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین بالایی مقر بزهای کوهی.

کیش دره: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمین دره‌ای شمشاد زار.

مازو دره: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین دره‌ای پر از درختان بلوط.

ورگه دره: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که در دره اطراف آن گرگ زیاد باشد.

هلو بن دره: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دره‌ای که در آن درخت گوجه سبز رویش کند.

۷ - دریا: گودال بزرگ پر آب. در نام آبادی‌های زیر آمده است:
خشکه دریا: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ملسا. آبادی بنا شده روی آبگیر عظیم خشک شده.

دریا بن: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمینی که به دریا ختم شود.

دریاسر: روستای مرکز دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی نزدیک دریا.

دریا کنار: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی کنار دریا.
۸ - دشت: به معانی سرزمین وسیع و هموار. صحرا. هامون. میدان سبز. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

اوله دشت: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین کنار دشتی قدیمی. ابتدای دشت.

باغدشت: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین دشتی که در آن باغ باشد.

بیلیا بین شکر دشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی درون شکار گاه کنار دشت.

پلط دشت: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمینی که در دشت‌های آن درخت افرا باشد.

توساو دشت (تساودشت): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کنار دشت باتلاقی پر از درختان توسکا.

توبی دشت: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دشتی پر از درختان انجیلی.

جواهر دشت: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی بالای دشت.

چالدشت: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. سرزمین دشتی با گودال‌های فراوان.

دره دشت: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی دره دشت مجاور دره.

دشتان سر: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهیز رضوانشهر. آبادی سر دشت.

دشت دامان: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهیز رضوانشهر. سرزمین سرسبز دشتی.

دشت رز: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. رز در بعضی از منابع به معنی برنج آمده و دشترز سرزمین دشتی برنج کاری می‌باشد.

دشت علم: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. دشتی که در گذشته علم معروفی در آن بر پا بود.

دشتک: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دارای دشت کوچک.

دشتگان: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی رودبار. سرزمین دشت مانند.

دشت میان: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی درون دشت.

دشتولیل: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین دشتی وحشی.

روم دشت: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دشت مخصوص چرای رمه.

زرین دشت (زیر گند دشت): روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی زیر تپه کوچک درون دشت.

سرای دشت: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دشتی دارای قلعه.

سر دشت: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار دشت.

سفید دشت: ر. ج: سیفه دشت بخش پرهسر رضوانشهر.

سیاه دشت بن: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین دشت و صخره.

سیفه دشت (سفید دشت): روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین دشتی پر از درختان سپیدار.

شرمدشت: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دشتی پر از درختان ممرز.

شرمدشت (عزت‌آباد شرمدشت): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پر از درختان ممرز.

فصیل دشت: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین دشتی پر گل ولای که دارای قلعه و حصار باشد.

قره دشت (قره داشت): روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی دشت سیاه به علت تراکم درختان.

کله دشت: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین دشت سار.

گرمابدشت: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مجاور دشت دارای آبگرم معدنی.

گیلووا دشتان (گیلووا): روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمین دشتی که باد گیله وا به آن بوزد.

لاله دشت: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمینی که در آن لاله وحشی رویش کند.

لومه دشت (لومه دشت): روستای دهستان خرجیل بخش اسلام تالش. آبادی درون دشتی که سپاه در آن اطراف کرده بود.

متلا دشت: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. دشت صخره‌ای.

مرزدشت: روستای دهستان کتهسر بخش خمام رشت. دهکده‌ای که مرز آن یک دشت باشد.

مریم دشت: روستای دهستان بی بالان بخش مرکزی رودسر. سرزمین دشتی که محل سکونت خاندان مریم نام باشد.

نصر دشت **Masar dasht**: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. در اصل مسر دشت به معنی سرزمین دشتی سبره زار با شبهم‌های بخ زده می‌باشد.

ملجا دشت: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین دشت محل رویش درخت نارون.

میان دشت: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی درون دشت.

نی دشت: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی کنار دشت نیزار.

واقعه دشت: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. در اصل واق دشت سرزمین قور باقه‌ها است.

ویزا دشت (بیلاقی ویزا دشت): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی درون دشت پر از درخت گردو.

هره دشت: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. سرزمین دشت بلند.

هره دشت: روستای دهستان لیسار بخش کرگانروود تالش. سرزمین دشت بلند.

هره دشت شمالی: ر. ج: لپا قاصدق سرزمین دشت بلند محل رویش گیاه هربنگ.

هره شوندشت: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین دشت بلند محل رویش گیاه آقطی یا پلم.

هلو دشت: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. سرزمین دشت پر از درخت گوجه سبز وحشی.

۹ - دول: به معانی دره. گودی. آبگیر. عمیق. گودال بزرگ. پیچ وخم. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

خری دول (خوی دول): روستای ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای گودال بزرگ.

دول بین: روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش. آبادی دارای آبگیر.

دول کوه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای کوه و دره.

دوله زمین: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی دارای آبگیر گود.

دوله سر: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی کنار آبگیر.

دوله ملال: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی درون دره پر از درخت لرک (کله).

زرد دول: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی قرار گرفته در دل دره.

سیاه دول: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی کنار دره کوهستان صخره‌ای.

سیاه دوله: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمین دره سخت.

عنبرا دول: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی دره‌ای مکان کشت برنج عنبر بو.

کما دول: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین تپه و دره.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۹

نارنج دول: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین دره‌ای پر از درخت نارنج.

هو دول: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی همان دره.

۱۰ - ۲ روود: از مظاهر طبیعت بصورت: نهر. جوی. رودخانه. کانال. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

آبرود: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی مجاور آب رودخانه.

اتروود: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی مجاور رودخانه گسترده.

بالا تنو روود: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین بالایی منطقه پر آب.

بالارود: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. بالاتر از رودخانه

بالا رودپشت: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه آستانه اشرفیه. آبادی بالاتر از پشت رودخانه.

بالا گزاف روود: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی بالاتر از رودخانه گزاف روود.

برا روود: روستای دهستان دلفک بخش خورگام رودبار. آبادی براه افتاده کنار رود.

بیجروود کل: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی بالای تپه کنار رودخانه پر پیچ و خم شیطان روود.

پائین تنوروود: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پائین رودخانه باریک.

پائین روود پشت: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی پائینی پشت رودخانه.

تنطف روود: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. کنار رودخانه پیچنده.

تنازارود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. تنها از رودخانه.
تنگ رود: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای
رودخانه باریک.

توسه رود: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. سرزمینی
که رودخانه آن از میان درختان توسکا عبور کند.

جانشروع: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. جانشین رود.
جفروود بالا: روستای دهستان چاپار خانه بخش حمام رشت. آبادی بالای
رودخانه تو خالی.

جفروود پائین: روستای دهستان لیچارکی حسن رود بخش مرکزی بندر انزلی.
آبادی پائین رودخانه تو خالی.

چاکرود: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کنار رودخانه
درون دره.

چکرود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد
رودسر. آبادی کنار رودخانه کم آب.

چلمانرود (چلمروود): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر.
دهکده کنار رودخانه‌ای که در اطراف آن توت فرنگی وحشی رویش کند.

حسن رود: روستای دهستان لیچارکی حسن رود بخش مرکزی بندر انزلی.
آبادی رونق گرفته توسط خاندان حسن.

خرارود: روستای مرکز دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل.
دهکده‌ای که رودخانه بزرگ از آن عبور کند.

خرم رود: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین آفتاد
گییر که رودخانه از آن می‌گذرد.

خشک رود: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. آبادی بنا شده
در بستر رودخانه خشک.

دهنه سر سپید رود کهنه: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه

اشرفیه. آبادی سر دهنۀ رودخانه خشک.

دیو رود: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار.
سرزمین رودخانه وحشی و بزرگ و روشن.

دیو رود: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمینی که رودخانه وحشی و بزرگ و روشن از آن عبور کند.

رشته رود: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. دهکده کنار رودخانه درون گودی.

رودآباد: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار.
دهکده‌ای که به علت عبور رودخانه از آن آباد گردید.

رودبار: شهرستان جنوبی استان گیلان. سرزمین کنار رودخانه.

رودبار چیره (رودبار جیر ۵ه): روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن.
آبادی پائین کنار رودخانه.

رودبار دهسر: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. دهکده سر رودخانه.

رودبارسرا: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. دهکده مجاور رودخانه.

رودبارسرا: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده کنار رودخانه.

رودبارسرا: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه.

رودبارگ: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده کنار رودخانه کوچک.

رودبارگی: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. دهکده کنار رودخانه کوچک.

رود بر ۵ه: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. دهکده کنار رودخانه.

رودبنه: دهستان و شهر و مرکز بخش رودبنه لاهیجان. سرزمینی که در اثر مجاورت با رودخانه آباد گردید.

رود پشت: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی پشت رودخانه.

رودپشت: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی پشت رودخانه.

رود پیش: روستای مرکزدهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. دهکده جلوی رودخانه.

رود خانه: روستای دهستان دشتولی بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. دهکده‌ای که رودخانه از آن بگذرد.

رودسر: شهرستان شرق استان گیلان. سرزمینی که چند رودخانه از آن می‌گذرد.

رودسر: روستای دهستان بلوکات بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. آبادی سر رودخانه.

رودسر تازه‌آباد: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده تازه بنا شده در کنار رودخانه.

رود کل: روستای دهستان کنارس بخش کوچصفهان رشت. دهکده روی تپه کنار رودخانه.

رود کنار: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی کنار رودخانه.

رود گوابر: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین جایگاه رودخانه.

رود میانه: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. آبادی کنار رودخانه میانی.

سرا رود: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه.

سر فریرود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. دهکده مجاور رودخانه زیبا.

سز رود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی کنار رودخانه رونده.

سفید رود (ماستخور - علی آباد پائین): روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. کلمه اوستایی اسپت رود آبادی کنار سفید رود.

سنگرود: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگسرود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی سر رودخانه با بستر سنگی.

سیاه رودبار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی مجاور رودخانه‌ای که از کوهستان صخره‌ای آمده باشد.

سیاه رودپشتہ: روستای دهستان رستمآباد شمالی بخش مرکزی رودبار. آبادی روی تپه پشت رودخانه.

سیاهه رودکنار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده‌ای که رودخانه سیاه رود از آن می‌گذرد.

سیاهه رود: روستای مرکز دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کنار رودخانه کوهستانی.

سیگارود: روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی مجاور رودخانه‌ای که از کوه سخت سرچشممه می‌گیرد.

شاهرود: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که رودخانه بزرگ از آن می‌گذرد.

شصتانروود بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی بالای رودخانه شصتان.

شصتانروود پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی پائین رودخانه شصتان.

شفا رود: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده‌ای که

رودخانه شفاف رود از آن بگذرد.

طولا رود (طولارود پائین): روستای مرکز دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی پائین رودخانه گل آلود.

طولارود بالا(قجله محله – علی بیک محله): روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی بالایی رودخانه گل آلود.

علیسروود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. در اصل علی سررود سرزمین متعلق به خاندان علی که در سر رودخانه باشد.

کاکرود: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم آباد روستای آبادی کنار رودخانه محل سکونت اقوام کاک.

کاکرود: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی کنار رودخانه محل سکونت طایفه کاک.

کانروود: روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل استارا. آبادی کنار رودخانه‌ای که با کنده شدن نقب ادامه مسیر می‌دهد.

کرارود جمشید آباد: روستای دهستان رستم آباد جنوبی بخش مرکزی روبار. سرزمین راه رودخانه پر شکوه جلال آبادی رونق یافته توسط خاندان جمشید.

کرگانروود: بخش شهرستان تالش. آبادی و سرزمین کهن رود یا کوهان رود.

کره رود: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. سرزمین رودکشیف.

کفته رود: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. در اصل کبوتر رود یعنی رودخانه‌ای که کبوتران از آن آب می‌خورند عده‌ای آن را سرزمین رودخانه افتاده می‌دانند.

کلامروود: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی روی تپه بلند مجاور رودخانه. عده‌ای آن را جایگاه خانواده کنار رودخانه می‌دانند.

کوره رود: روستای دهستان خرجیل بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که راه کوهستانی آن کنار رودخانه باشد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۵

کوره رودبار: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده‌ای که راه کوهستانی آن کنار رودخانه باشد.

کنه رود پشت: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. دهکده پشت رودخانه قدیمی.

کیا رود: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه کوهستان.

گرگرود: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی مجاور رودخانه سرخ.

گرمابرود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای چشمه‌آبرگم.

گنجارود: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. در اصل کنج رود به معنی کنار این رودخانه.

گیلزا رود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی گیلک نشین کنار رودخانه.

لتروود: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار رودخانه منشعب شده.

لرود: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای رودخانه گل آلود.

لرود بن: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. لر رود کوچک حاصل از سیلاب و لرود بن سرزمین مجاور چنین رودخانه.

لله رود: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی کنار نیزار رودخانه.

لیا رود: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین گود کنار رودخانه.

لیسه رود: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی کنار رودخانه پر حلزون.

لیسه رود تازه آباد: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی تازه
بنا شده مجاور روودخانه پر حلوون.

مرسا رود: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین ایاز خیز
کنار روودخانه.

ملک رود: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین رود
بزرگ.

میان رود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد
رودسرا. دهکده‌ای که از وسط آن روودخانه بگذرد.

میان رود: روستای دهستان بیلاقی اردہ بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده‌ای که
از وسط آن روودخانه بگذرد.

میان رود (مینه رود): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر.
دهکده‌ای که از وسط آن روودخانه بگذرد.

میان فر رود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار.
آبادی پیش روودخانه.

میان فریروود: روستای دهستان بیلاقی اردہ بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی
کنار روودخانه باشکوه.

میان فر رود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار.
آبادی پیش روودخانه.

میان فریروود: روستای دهستان بیلاقی اردہ بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی
کنار روودخانه باشکوه.

نشتروود کل: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی سایه گاه پشته
کنار روودخانه.

نورود: روستای دهستان جیرهنده بخش لشت نشا رشت. آبادی کنار روودخانه
تازه.

ویسروود: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. دهکده کنار

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۷

رودخانه پراز درخت گردو. عده‌ای آن را آبادی چند کوچه می‌دانند.
هشت‌رود چونی (هوشت‌رچونی): روستای دهستان حويق بخش حويق تالش.
آبادی کنار رودخانه هشت شاخه.

۱۱-۲ رودخان: به معانی رودخانه. نهر. جوی. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

چنار رودخان (چنار رودخانه): روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین محل رویش درختان چنار کنار رودخانه.

قلعه رودخان: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور قلعه تاریخی حسامی.

کره رودخان: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. سرزمین رودخانه سخت و کثیف.

گشت رود خان: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. سرزمین زیبای دور رودخانه با چراگاه مشترک.

۱۲-۲ صحراء: زمین نسبتاً صاف و تقریباً بی آب و علف. در نام آبادی‌های زیر آده است:

الکی صحراء: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین دشتی که به غلط صحراء گفته می‌شود.

گوراب جیر صحراء: محله‌ای از روستای گوراب‌جیر بخش خمام رشت.

۱۳-۲ کوه: برآمدگی عظیم و مرتفع سطح زمین، اوج، پیله ابریشم، غلاف پنبه، گیاه کوکنار، بلندی معنی داشته و در نام آبادی‌های زیر آمده است:

اسطلخ کوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. آبادی دارای آبگیر در منطقه کوهستانی.

ایشکوه بالا محله Ishkuh: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. عیش کوه یا کوهستان عاشقان منطقه بالایی.

ایشکوه پائین محله: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل.

کوهستان عاشقان منطقه پائینی.

باباکوه: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین کوهستانی مقدس.

برمکوه: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. برم یعنی آبگیر و استخر. برم کوه آبادی کنار آبگیر کوهستانی می‌باشد.

پرامکوه: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسر. کوهستان پرندگان.
پرج کوه: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی و سرزمینی که کوه دیوار آن محسوب شود.

پرشکوه Parashku: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی و سرزمین جنگل کوچک کوهپایه.

پس طالکوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی بعد از کوهستان محل رویش گیاه تال (پیچک). برخی آن را آبادی بعد از کوهستان پلنگ‌ها می‌دانند. و برخی آن را بعد از کوه دراز معنی نموده‌اند.

پیر کوه سفلی: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی بالای کوهستان قدیمی.

پیر کوه علیا: روستای مرکز دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی پائین کوهستان قدیمی.

پیش کوه بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی بالای نزدیک کوه.

پیش کوه پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی پائینی نزدیک کوه.

تازه آباد کردسر اکوه: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی نوبنیاد کوهستانی کرد نشین.

ترشکوه: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. آبادی کوهستان پیر از گیاه ترشک.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان ۳۹ /

تیمور کوه (تمبر کل): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کوهستانی محل سکونت خاندان تیمور.

جمـا کـوهـ Jamakuh: روستای دهستان ساحلی جوکنـدان بـخش مرـکـزـی تالـشـ. تـحرـیـفـ کـلمـهـ جـنـبـ کـوهـ یـاـ کـنـارـ کـوهـ. عـدـهـ اـیـ آـنـ رـاـ سـرـزـمـینـ جـمـعـ چـنـدـ کـوهـ مـیـ دـانـدـ.

حسـنـیـ کـوهـ: روستای دهستان شـوـئـیـلـ بـخـشـ رـحـیـمـآـبـادـ روـدـسـرـ. آـبـادـیـ کـوهـسـتـانـیـ محلـ سـکـونـتـ خـانـدانـ حـسـنـ.

حسـینـ کـوهـ: روستای دهستان گـشتـ بـخـشـ مرـکـزـیـ فـوـمـنـ سـرـزـمـینـ کـوهـسـتـانـیـ کـهـ توـسـطـ خـانـدانـ حـسـینـآـبـادـ گـرـدـیدـ.

دخـالـهـ کـوهـ: روستای دهستان خـرـجـگـیـلـ بـخـشـ اـسـالـمـ تـالـشـ. آـبـادـیـ بـینـ دـوـ رـشـتـهـ کـوهـ.

دوـالـ کـوهـ: روستای دهستان آـلـیـانـ بـخـشـ سـرـدارـ جـنـگـلـ فـوـمـنـ. آـبـادـیـ مـجاـورـ کـوهـسـتـانـ کـهـ سـکـنـهـ آـنـ درـ تـهـیـهـ نـوـعـیـ گـیـوـهـ بـهـ نـامـ دـوـالـ شـهـرـتـ دـارـنـدـ. عـدـهـ اـیـ آـنـ رـاـ سـرـزـمـینـ کـمـرـبـندـ کـوهـ مـیـ دـانـدـ.

دوـسـتـ کـوهـ: روستای دهستان رـضـاـ محلـهـ بـخـشـ مرـکـزـیـ روـدـسـرـ. تـحرـیـفـ کـلمـهـ دـوـزـدـ کـوهـ یـاـ پـناـهـگـاهـ کـوهـسـتـانـیـ دـزـدـانـ.

دولـ کـوهـ: روستای دهستان مـاسـالـ بـخـشـ مرـکـزـیـ مـاسـالـ. آـبـادـیـ دـارـایـ کـوهـ وـ درـهـ.

دـیـزـ کـوهـ: روستای دهستان رـسـتـمـآـبـادـ شـمـالـیـ بـخـشـ مرـکـزـیـ روـدـبـارـ. درـ اـصـلـ دـیـگـ کـوهـ دـهـکـدهـ کـوهـسـتـانـیـ دـارـایـ حـفـرـهـهـایـ دـیـگـ مـانـدـ.

رانـکـوهـ: شهرـ وـ مرـکـزـ بـخـشـ رـانـکـوهـ اـمـلـشـ. سـرـزـمـینـ روـیـ آـنـ کـوهـ. عـدـهـ اـیـ آـنـ رـاـ روـیـانـ کـوهـ بـهـ معـنـیـ کـوهـ حدـ وـ مـرـزـ گـیـلـانـ وـ مـازـنـدـرـانـ مـیـ دـانـدـ.

سـبـزـ کـوهـ: روستای دهستان اـطـاقـورـ بـخـشـ اـطـاقـورـ لـنـگـرـودـ. آـبـادـیـ درـ کـوهـسـتـانـ سـبـزـ.

سوـخـتـهـ کـوهـ: روستای دهستان آـهـنـدـانـ بـخـشـ مرـکـزـیـ لـاهـیـجانـ. آـبـادـیـ مـجاـورـ

کوهستان سوخته.

سوخته کوه: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی روی کوهستان دچار خشکسالی شده و سوخته.

سور کوه: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی کوهستان پر از درخت زربن.

سیاوش کوه: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کوهستانی رونق گرفته توسط خاندان سیاوش.

سیاه کوه: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین کوهستان سخت.

سیاه کوه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین کوهستان سخت.

سیاه کوه: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین کوهستان سخت.

شاد کوه (شاه کوه): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی مجاور کوه بزرگ.

شالاما کوه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین کوهستانی محل سکونت اقوام شال.

شیر کوه: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی کوهستانی جولانگاه شیر کوهی.

شیر کوه چهارده: روستای مرکز دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی نزدیک کوهستان درمنطقه چهارده.

شیرکوه محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده محل کوهستانی بزرگ.

صالح کوه: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کوهستان نیکو.

طاسکوه: روستای مرکز دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین کوهستان سنگین و ملال انگیز.

طالش کوه: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کوهستانی طالش نشین.

طالکوه: روستای دهستان خورگام بخش خور گام رودبار. آبادی و سرزمین کوهستانی پر از گیان پیچک تال. عده‌ای آن را تالکوه یا سرزمین کوهستانی پلنگ‌ها می‌دانند. کوهستان دراز.

طراز کوه: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمین محل تقسیم آب رودخانه. مکان معامله ارباب و رعیت.

عباس کوه: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کوهستانی رونق گرفته توسط خاندان عباس.

فتح کوه: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. در اصل پتکوه سرزمین کوهستانی پت و پهنه.

کردسرما کوه بالا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی بالای کوهستانی سکنه اقوام کرد.

کردسرما کوه پائین: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پائین کوهستانی سکنه اقوام کرد.

کشکوه Kashkuh: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار کوه.

کوشکوه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دامنه کوهستان.

کوه بن: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی روی کوه.

کوه بن: ر، ج: کوبن بخش شاندرمن ماسال. آبادی روی کوهستان.

کوه بنه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی منتهی به کوه.

کوه بیجار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوهستانی دارای شالیزار.

کوه پس: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی بعد از کوه.

کوهستان: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. آبادی و سرزمین کوهستانی.

کوهستان: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی و سرزمین کوهستانی.

کوهستان (ویل دیو): روستای دهستان خطبه سرا بخش کنگانروود تالش. آبادی کوهستانی کنار چاله شیطانی.

کوهستان حویق: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. آبادی کوهستانی در منطقه حویق.

گالشکلام لیلا کوه (میان سرا - بالاسرا): روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی لیلا کوه که محل سکونت دامداران کوه نشین باشد.

گاو کوه (گاکو): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کوهستانی محل پرورش گاو.

گلکوه: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه سرا. آبادی کوهستانی پر گل و گیاه.

گلو کوه: روستای دهستان شاندر من بخش شاندرمن ماسال. آبادی کوهستانی پر پیج و خم.

لیشاکوه: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین کوهستانی محل لجن زار آبگیر.

لیفکو خندان: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین کوهستانی رویش گیاه محلی لیف (صابونی) که بصورت غنچه باز شده باشد.

لیفکوه (لیفکو): روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی

کوهستانی محل رویش گیاه صابونی لیف.

لیلا کوه: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. سرزمین کوهستانی پراز درختان لیلکی.

مثلا کوه: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین مثل این کوه.

مطلا کوه: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. کوهستان سنگی.

ملا کوه: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی کوهستانی محل مکتب خانه.

موسی کوه: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمین کوهستانی محل سکونت خاندان موسی.

میان کوه: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی میان کوهستان.

نیاکوه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی جلوی کوهستان.

هرزل کوه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. در اصل هر ضلع کوه دهکده‌ای که از هر طرف به کوه ختم شود.

۳- اسامی برگرفته از نام جانوران: استان گیلان از نظر وجود جنگل دارای شرایط ویژه‌ای می‌باشد. جنگل نیز محیط زیست مناسبی برای جانوران بوده و به همین دلیل تنوع جانوری در گیلان بسیار بالا است. این تنوع جانوری در نامگذاری آبادی‌ها اثر گذاشته و برخی از روستاهای نام خود را از نام جانوران بومی منطقه در برگرفته‌اند. در زیر این روستاهای همراه جنوران محلی معروفی می‌گردند:

آلیما: تحریف الوغ به معنی عقاب. نوع عقاب ماهی گیر بانام علمی

Pandion. haliaetus

اسب: با نام علمی *Equus. cabalus* از حیوانات سودمند بوده و اسب خزر گونه بسیار باسابقه می‌باشد. امروزه در منطقه رضوانشهر بهترین اسبها پرورش داده می‌شوند.

بز: جانور اهلی علفخوار با نام علمی *Capra. domestica*. در دامداری‌های مناطق کوهستانی گیلان پرورش داده می‌شود.

بلنگ: از جانوران گوشتخوار جنگلی گیلان می‌باشد.

توکا: گونه‌ای پرنده با نام علمی *Turdus. philomelos*.

جوکول: زنجره سبز برنج با نام علمی *Elymana. sulphurella*.

چنگر: پرندۀ‌ای از خانواده مرغابی‌ها با نام علمی *Fulica. atra*.

چی چی نی: نام محلی گنجشک با نام علمی *Passer. domesticus*.

چیری: سهره معمولی یا فینچ *Carduelis. carduelis*.

دال: نام محلی عقاب با نام علمی *Gyps. fulvus* و کرکس (لاشخور) با نام علمی *Aegypius. monachus*.

دله: جانور گوشتخوار گونه‌ای از گربه وحشی با نام علمی *Mustel. eversmanni*.

راب: از انواع حلزون بدون صدف (لیسه) با نام علمی *Aeion. rufus*.

زل: مخفف کلمه زالو با نام علمی *Hirudo. officinalis* گونه‌ای جانور خون‌خوار.

زنبور عسل: با نام محلی بز و بوژایه و نام علمی *Apis. mellifera* در بیشتر نقاط گیلان پرورش داده می‌شود.

زیزا: نام محلی گونه‌ای پرنده بنام سینه سرخ ایرانی با نام علمی *Irania. gutturalis*.

شانه بسره: پرندۀ‌ای کاکل به سر از هدهدها با نام علمی *Upupa. epops*.

شانه کا: گونه‌ای هدهد با نام علمی *Upupa. epops*.

شتر: حیوان علفخوار بارکش با نام علمی *Camelus. dromedarius*.

شغال: در گویش محلی شال بوده و نام علمی آن *Canis. aureus* است که در تمام نقاط گیلان پراکنده‌اند.

شکول: گونه‌ای موش درختی *Glis. glis* و موش خرما *Putorius. fure* شیر: در گذشته شیر کوهی *Felis. leou* در گیلان بوده است.

غاز: از پرنده‌گان آبزی با نام علمی *Ancer. ancer*. قرقاول: از پرنده‌گان خوش گوشت با نام چوری و نام علمی *Phasianus. colchicus*.

قوش: پرنده‌ای از خانواده شاهین‌ها با نام علمی *Falco. cherrug* کبوتر: از پرنده‌گان با نام علمی *Columba. palumbus*.

کپور: گونه‌ای از ماهیان از خانواده *Cyprinidae*.

کچلک: گونه‌ای از مارمولک‌ها از خانواده *Agamidae*.

کرک: مرغ خانگی و دیگر ماقیان‌ها را گویند.

کرم: از جانوران بی‌مهره.

کرم ابریشم: پرورش کرم ابریشم با نام علمی *Bombyx. mori* و نوغان‌داری از دیر باز در گیلان برقرار بوده و برخی از روستاهای نام خود را از واژه‌های مربوط به نوغان‌داری گرفته‌اند.

کشکرت: گونه‌ای پرنده با نام زاغچه *Pica. pica*.

کلاچ: پرنده‌ای با نام کلاچ از خانواده *Corvusidae*.

کلار: قورباغه *Pelobates. syriacus* و *Rana. ridibunda* در گویش شرق گیلان و غرب مازندران.

کَل: بزکوهی با نام علمی *Capra. ibex*.

گاو: این حیوان مفید باتابا علمی *Bos. domestica* در مناطق کوهستانی گیلان پرورش داده می‌شود. در گویش محلی با نام‌های: گُو. گاب معرفی می‌گردد.

گاو‌میش: گاو کوهان دار با نام علمی *Buffelus. bubaius* در منطقه تالش

۶ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

گربه: حیوان گوشتخوار با نام علمی *Felis. catus* و فراوان در همه نقاط.
گرگ: از جانوران وحشی با نام محلی ورگ و نام علمی *Canis. lupus* در همه نقاط گیلان می‌باشد.

گوسفند: این حیوان علفخوار با نام علمی *Ovis. aries* در همه مناطق گیلان پرورش داده می‌شود.

لاک پشت: از دوزستان بومی گیلان با نام علمی *Emys. orbicularis* لل: در غرب گیلان به جوکول یا زنجره سبز برنج *Elymana. sulphurella* گفته می‌شود. در شرق گیلان به پشه میوه گفته می‌شود.
لواس: روباه با نام علمی *Vulpes. vulparis*.

مار: از خزندگان فراوان در گیلان با گونه‌های مختلف..

مرغابی: از پرنده‌گان آبری با گونه‌های مختلف.

مش: زنبور عسل با نام علمی *Apis. mellifera*

موس: گنجشک درختی با نام علمی *Passer. monatanus*

موس: از جوندگان فراوان در تمام نقاط با گونه‌های مختلف.

وراز: همان گراز با نام علمی *Sus. scrofa* می‌باشد.

ورگ: همان گرگ با نام علمی *Canis. lupus* می‌باشد.

آبادی‌ها: اماکنی که نام آن‌ها برگرفته از نام جانوران محلی می‌باشند عبارتند از:

اسفمن‌سر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. محل نگهداری دام‌های سر سیاه.

بزاستان: روستای دهستان ماجیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین زنبوران.

بُزچاله: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. گودال گذرگاه بزها

بَزکویه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. محل پرورش زنبور عسل.

بزکویه: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلچای رودسر. مکان پرورش زنبور عسل.

بزگاه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. محل پرورش زنبور عسل.

پره: روستای دهستان دشتول بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین بچه زنبوران.

پشت مخ: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزاکوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی پشت کندوی زنبوران.

پلنگ پاره: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. محل پاره شدن دامها توسط پلنگ.

پلنگ پشت: روستای دهستان چوبه بخش احمدسر گوراب شفت. تپه گذرگاه پلنگ.

پلنگ دره: روستای دهستان دشتول بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. دره جولانگاه پلنگ.

پلنگ دره: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. دره جولانگاه پلنگ.

پلنگ سرا: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین پلنگان.

پلنگ گل: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. تپه گذرگاه پلنگان.

پیلام پستانک: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین پرورش پیله کرم ابریشم.

پیل بور: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. مکان پرورش اسب‌های سرخ.

پیله باغ: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. باغ پرورش کرم ابریشم.

پیله سرا: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین پرورش کرم ابریشم.

تلا بن: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین صخره‌ای محل پرورش ماکیان.

تلابنک: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. مکان صخره‌ای محل پرورش ماکیان.

توکامجان: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین گذرگاه پرنده توکا.

جوکول بندان: روستای دهستان سراوان بخش سنگرشت. محل بند آمدن عبور و مرور توسط نوعی حشره با نام جوکول (زنجره سبر بونج).

چنگریان: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. محل شکار پرنده‌ای بنام چنگر.

چوری: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین قرقاوی.
چی چی نی کوتله: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین جولانگاه گنجشکها.

چیران: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین گونه‌ای از پرنده‌گان با نام محلی چیری.

حایمر: روستای دهستان طولادرود بخش مرکزی تالش. محل زندگی مارها.
حلیمه جان: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. در اصل آلیماجان یعنی گردشگاه عقاب.

خنقچه: روستای دهستان پیربازار بخش مرکزی رشت. مکان نگهداری قوچها.
خیل گاوان: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. مکان اردوگاه گاوهای.

دلچه: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. سرزمین گونه‌ای از عقاب‌های کوچک.

دلدیم بزرگ: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین عقاب‌ها.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۹

- دلفک: دهستان بخش خورگام روبار. سرزمین عقاب و لاشخور (کرکس).
- دله خانی: روستای دهستان سردارجنگل بخش سردارجنگل فومن. مکان چشمۀ مورد استفاده گونه‌ای از سمور.
- دلیجان: روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین گذرگاه عقاب‌ها.
- دلیجان: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین جولانگاه عقاب‌ها.
- دلیجان: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمین عقاب‌ها.
- دليوندان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین عقاب.
- دهشال: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده گذرگاه شغالان.
- زربیل: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. در اصل زل بیل به معنی آبگیر پر از زالو است.
- زردلجه: روستای دهستان سردارجنگل بخش سردارجنگل فومن. سرزمین عقاب طلایی.
- زنگول بره: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای روسر. آبادی محل نگهداری گوسفندان و برده‌های ان. عده‌ای آنرا راه عبور خوکهای وحشی می‌دانند.
- زیزاکش: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین محل وفور پرندۀای بنام زیزا.
- زیگسار: روستای دهستان طاهرگوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین گونه‌ای پرنده بنام زیگ.
- سالو محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. سرزمین زالوها
- سیاه خولک: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین چکاوک‌ها

۵۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

شارم: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی جولانگاه شغال‌ها.

شالتوک: روستای دهستان سردارجنگل بخش سردارجنگل فومن. سرزمین و قله محل شغال‌ها.

شالکا: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی جولانگاه شغال‌ها

شالکو: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. محل گندو شغال‌ها. آبادی بافت‌گان شال.

شاندرمن: شهر و مرکز بخش شاندرمن ماسال. سرزمین تولید و پرورش زنبور عسل.

شانکاور: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین پرنده شانه بسر. برخی آن را سرزمین زنبور داران می‌دانند.

شانگهای پرده: روستای دهستان لیجارکی بخش مرکزی بندرانزلی. دیوار هدده نشین.

شکال گوراب: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبگیر محل شغال‌ها.

شلشه دره: روستای دهستان آلیان بخش سردارجنگل فومن. دره عبور شغال‌ها. دره عبور قوم شال.

شیرایه: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. در گذشته گذرگاه شیر بوده است.

شیرایه: روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی رودسر. در قدیم گذرگاه شیر بوده است.

شیرچاک: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. در قدیم دره شیرها بوده است.

شیر دره: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. در گذشته دره شیرهای کوهی بوده است.

شیرک ده: روستای دهستان دلفک بخش خورگام رودبار. دهکده گذر گاه شیر کوهی.

شیرکوه: روستای دهستان رحمتآباد بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. کوهستان جولانگاه شیر کوهی.

طالکوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین کوهستانی پلنگ‌ها. برخی آن را سرزمین گیاه پیچک تال می‌دانند.

علی بزایه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا زیست. آبادی محل پرورش زنبور عسل.

فبیل گاوسرما: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی دارای آبشخور گاوهای.

فشتکه: روستای دهستان چاپارخانه بخش خمام رشت. سرزمینی که در آن صدای مار زیاد باشد.

فیشم: روستای دهستان رحمتآباد بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. سرزمین پر از سروصدای مارها.

قاضده: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. در اصل غازده یعنی سرزمین غازها بوده است.

قوشه لانه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین جولانگاه قوش‌ها.

کاچا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین پرورش کرم ابریشم.

کبوتر آبکش: روستای دهستان اوشیان بخش چاپکسر رودسر. روستای دار آبگیری که کبوتران از آن آب می‌نوشند.

کپور چال: روستای دهستان چهارفریضه بخش مرکزی بندر انزلی. سرزمینی که در گودال‌های آن ماهی کپور بوده است

کتیک لاھیجان: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. تخت گاه

امیرنشین محل پرورش کرم ابریشم.

کچلام: روستای دهستان شیرجویشت بخش رودبنه لاهیجان. سرزمین پر از جانوری به نام کچلک (مارمولک).

کچل بن: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. سرزمین محل زندگی نوعی مارمولک به نام محلی کچلک.

کچلک: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندرانزلی. آبادی پرورش دهندگان کرم ابریشم.

کچوم محله: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش آبادی پرورش دهندگاه کرم ابریشم.

کرگان: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندرانزلی. محل پرورش مرغ و دیگر ماکیان.

کرم‌ماک: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. لجن زار پر کرم.

کشفی: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. سرزمین لاک پشتها.

کشکر محله: نام دیگر داروگر محله. روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی رودسر. سرزمین پر از کشکرت.

کشل: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین کوهستانی محل شکونت قوم شال. عده‌ای آن را محل گذر شفالان می‌دانند.

کشل آزادسر: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمینی که شغال‌ها آزادانه زندگی می‌کنند.

کشل آزاد محله: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمینی که شغال‌ها آزادانه زندگی می‌کنند.

کشل ورزل: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. جولانگاه کوهپایه‌ای شغال‌ها.

کفته رود: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. در اصل کبوتر رود یعنی رودخانه‌ای که کبوتران از آن آب می‌نوشند.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۵

کلاچای: شهر و مرکز بخش کلاچای رودسر. سرزمین کلاغ‌ها. سرزمین کنار رودخانه.

کلاچ خانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. چشمه جولانگاه کلاغ‌ها.

کلاچ خندان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت آبادی و سرزمین کلاغ‌های شلoug و پر سروصدای.

کلار ده: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین زیستگاه قورباگه‌ها.

کلا گوابر (بالا. پایین): روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین قورباگه‌ها.

کل چال: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. گودال آبگیر جولانگاه بزهای کوهی.

کل دره (سفلى. علیا): روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دره‌ای محل زیست بزهای کوهی.

کلدۀ: روستای دهستان کسیم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای که در گذشته محل زیست بز کوهی بوده است.

کلروود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دارای رودخانه آبشخور بزهای کوهی.

کلکاسرا: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی محل پرورش مرغ.

کلکاموس: روستای دهستان شوئیل بخش مرکزی رودسر. سرزمین گنجشک‌ها.

کلکوه: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سر. سرزمین بزکوهی.

کلمر: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. تپه مارها.

کلیشم: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو رودبار. سرزمین پرورش زنبور عسل.

کوشال: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. منطقه سکونت قوم شال. جولانگاه شغال‌ها.

کوشال شاد: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. منطقه بزرگ سکونت قوم شال. جولانگاه شغال‌ها.

کیاشکول: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی محل زیست گونه‌ای موش درختی.

گاچرا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین چراگاه گاوها.

گالش موسا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین گالش نشین پر از موش.

گاوکلی: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. سرزمین گاوهای روستایی.

گاوکول: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین تپه‌ای محل اطراف گاوها.

گاوکوه: روستای دهستان آلیان بخش سردارجنگل فومن. آبادی کوهستانی محل پرورش گاو.

گاوماست: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی پرورش گاو و تولید ماست.

گاومیشبان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. سرزمین مکان پرورش گاومیش.

گربه کوچه: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی گذرگاه گربه رو.

گمل: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین نگهداری شتر.

گمل سرا: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین نگهداری شتر.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۵۵

گوپل: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی کنار پل محل عبور گاوهای.

گوخس: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. در اصل گاو خوس یعنی مکان استراحت گاوهای می‌باشد.

گوراب لیشاوندان: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. سرزمین آبشخور گوساله‌ها.

گوسفند گویه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که در آن پشكل گوسفندزیاد بود.

گوکه: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین تپه‌ای محل نگهداری گاو.

گوگاه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. جایگاه پرورش گاو.

گوگاه: روستای دهستان اشکور علیاوسیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. جایگاه پرورش گاو.

گولک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینت پهلوانان قوم لک. برخی آن را سرزمین گاوهای لکه دار می‌دانند.

گوورد: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. سرزمین آبشخور گاوهای.

گیل موشا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی گیلک نشین پر از موش درختی.

للکن: روستای دهستان شنادرمن بخش شنادرمن ماسال. سرزمین پر از نوعی حشره به نام لل. برخی آن را کنار نیزار می‌دانند.

لواسی محله: روستای دهستان آهنداش بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین و محل زیست رویاهای.

لورون: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. مکان آبشخور چوبی گوسفندان.

لیسه روود: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی کنار رودخانه

پر حلزون.

لیسه رود تازه‌آباد: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی تازه بنا شده مجاور روودخانه پر حلزون.

ماتک: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین پرورش ماکیان.

ماچیان: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. مکان پرورش ماچه (دام ماده اهلی).

مادیان گوابر: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. جایگاه پرورش مادیان.

ماسال: شهرستان غربی گیلان. کوه بلند عقاب نشین.

مایستان (بالا. پایین): روستای دهستان اشکور علیاوسیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پر از مار و کرم.

مخ‌سر: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. محل پرورش زنبور عسل.

مخ‌شر: روستای دهستان دشت‌ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. گذرگاه و محل پرورش زنبور عسل.

مریان: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین مارها.

مسکین: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمین مرغابی‌های وحشی.

مشک‌پشت: روستای دهستان کته‌سر بخش خمام رشت. تپه زنبوران عسل.

مشکدی: روستای دهستان لیسار بخش کرگان‌رود تالش. سرزمین زنبور عسل.

مشه که: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال: مکان تولید و پرورش زنبور عسل.

مگس‌خانی: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. چشمه مگس‌ها

موش بیجار: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. شالیزار مورد دستبرد موش‌ها.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۵۷

موشنگا: روستای دهستان سراوان بخش سنگ رشت. سرزمین موش‌ها.

مشیامندان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبگیر مخصوص آبخور گوسفندان.

میش بیجار: نام دیگر آبادی موش بیجار.

میشکه: روستای دهستان آلیان بخش سردارجنگل فومن. دهکده کوهستانی محل پرورش میش.

واقعه دشت: روستای دهستان کسما بخش مرکزی ~~صومعه سرا~~. در اصل واق دشت یعنی سرزمین قورباغه‌ها می‌باشد

ورازگاه: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. سرزمین جولانگاه گرازها
ورگه دره: روستای دهستان خرچگیل بخش اسلام تالش. دره محل زیست گرگ‌ها.

ولگخانی: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. در اصل ورگخانی یعنی چشمہ گرگ‌ها می‌باشد.

ونه خونی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. چشمہ آبخور کبوتران.

۴ - اسمی برگرفته از نام گیاهان: سرزمین گیلان به لحاظ فراوانی گیاهان به سرزمین سبز معروف است. وجود جنگل‌ها و مراتع در شمال ایران همواره مورد تحسین دوست داران طبیعت و گردشگران بوده و هست. بسیاری از گیاهان در زبان محلی دارای اسمی خاص مربوط به منطقه می‌باشند که در نامگذاری برخی از آبادی‌ها نقش داشته‌اند. تقریباً ۲۰۰ آبادی در گیلان نام خود را مدیون نام گیاهان بومی می‌دانند. مهمترین گیاهانی که در نامواژه آبادی‌های گیلان دخالت دارند به شرح زیر می‌باشند.

آج: نوعی درخت افرا با نام علمی *Acer cappadocicum*

آزاد دار: درخت آزاد از خانواده نارون‌ها با نام علمی *Zelkova*

آغوز: درخت گردو با نام علمی *Juglans regia*

اربو (اربا): درخت خرمالوی وحشی با نام علمی *Diospyrus lotus*

اولس: نوعی درخت ممرز با نام علمی *Carpinus orientalis*

بلس: نوعی درخت افرای جنگلی با نام علمی *Acer insigne*

پلت: نوعی درخت افرا با نام علمی *Acer insigne*

توت: درخت توت سفید با نام علمی *Morus alba*

توسه: درخت توسکا با نام علمی *Alnus tourn.*

حج (خوج): درخت گلابی وحشی با نام علمی *Pyrus communis*

شبخوس: درخت گل ابریشم با نام علمی *Albizia julibrisin*

شرم: نوعی درخت ممرز با نام علمی *Carpinus betulus*

کرف: نوعی سرخس با نام علمی *Polypodium*

کهل: درخت لرک با نام علمی *Pterocarya fraxinifolia*

کیش: درخت شوشاد با نام علمی *Buxus sempervirens*

للکه: درخت لیلکی با نام علمی *Gleditsia caspica*

لی: نوعی درخت نارون با نام علمی *Ulmus procera*

مازو: درخت بلوط با نام علمی *Quercus castaneaefolia*

نارنج: نوعی از مرکبات با نام علمی *Citrus vulgaris*

ویزه (ویسا): درخت گردو با نام علمی *Juglans regia*

هلو (هلی): درخت گوجه سبز با نام علمی *Prunus divaricata*

آبادی‌ها: نام ۲۰۰ آبادی که بر گرفته از نام گیاهان بومی منطقه می‌باشد عیناً

از کتاب فرهنگ معانی آبادی‌های گیلان به طور کامل در زیر آورده می‌شود.

آجی بوزایه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشاء، سرزمینی که در آن

تنه درختان افرا پوشیده از سبزینه باشد

آجی بیشه: آبادی نزدیک رشت که اکنون قسمتی از شهر است. به معنی سرزمین پر از درخت افرا می‌باشد.

آزاد بن سفلی: روستای دهستان شبخووس لات بخش رانکوه املش. آبادی و سرزمین درختان آزاد معنی می‌دهد.

آزارستان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین محل رویش درخت آزاد معنی دارد.

آزارستانک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین کوچک پر از درخت آزاد معنی دارد.

آغوز بن: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روبدبار. آبادی دارای درختان گردو معنی می‌دهد.

آغوز بن: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی دارای درختان گردو معنی دارد.

آغوز بن کندسر: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد روتسر. آبادی سرتپه که پر از درختان گردو باشد معنی دارد.

آغوز چال: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. روستایی که در دره و گودال آن درخت گردو است.

آغوز چال (آغوز گوش): روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مجاور گودال بزرگ پر از درختان گردو معنی می‌دهد.

آغوز چکه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. روستای پر از درخت گردو که در فصل ممحصول ریزش گردو از درخت زیاد و محسوس می‌باشد.

آغوز کله: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد روتسر. سرزمین رویش درخت گردو معنی دارد.

آغوز کله: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی محل رویش درخت گردو می‌باشد.

آلاسر: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین پر از شقایق‌های وحشی معنی دارد.

آللان: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین مکان رویش آله وحشی (شقایق وحشی) می‌باشد.

آلله گوراب: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. سرزمین و میدانگاه پر از شقایق وحشی می‌باشد.

آلان: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر دهکده سرخ به علت وجود شقایق‌های وحشی.

آلکام: روستای دهستان دیناچال بخش پره‌سر رضوانشهر. سرزمین مکان رویش آله‌های وحشی معنی دارد. عده‌ای آن را محل سکونت طایفه آل معنی می‌نمایند.

آلمان: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی مکان رویش شقایق‌های قرمز معنی دارد.

آلمان: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. سرزمین محل رویش شقایق‌های قرمز معنی دارد.

آلمان لنگه: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمینی که بخشی از آن پوشیده از آله‌های قرمز وحشی (شقایق‌های وحشی) می‌باشد.

آلوبن: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. دهکده پر از درختان آلوجه جنگلی می‌باشد.

آلیان: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین آله‌های وحشی قرمز معنی دارد.

ارباستان: روستای دهستان شیر جو پشت بخش رودبنه لاهیجان. سرزمین پر از درخت خرمالو معنی دارد.

اربا سر: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی پر از درختان خرمالو معنی می‌دهد.

ارباسرا: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. آبادی پراز درختان خرمالو معنی می‌دهد.

اربو لنگه: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین دارای درختان خرمالو معنی دارد.

اربه بن: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی دارای درختان خرمالو معنی می‌دهد.

اربو کلایه: روستای دهستان شیرجویشت بخش رومنه لاهیجان. آبادی درختان خرمالو معنی دارد.

اربه لانه بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی منطقه بالایی درخت زار خرمالو که پرندگان در آن لانه تشکیل داده باشند.

اربه لنگه: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که بخشی از آن درخت خرمالو می‌باشد.

اززن پشته: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمینی که در آن ارزن کاشته می‌شود.

اسپید دار بن: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی کنار درختان سپیدار معنی دارد.

استه سرو: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و سرزمین محل رویش استه نوعی درختچه همیشه سبز خاردار که در زمستان به مصرف دام می‌رسد.

انارستان: روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین مکان رویش درخت انار معنی دارد.

انار کول: روستای دهستان رحمتآباد بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار. آبادی روی تپه درخت انار می‌باشد.

انبلان سرا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی و سرزمین محل رویش گیاه مامیران (انبل - انبرک) معنی دارد.

۶۲ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

انبو: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروود تالش. در اصل انبور به معنی سرزمین پر خزه می‌باشد.

انجیلان: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین درختان انجیر معنی دارد.

انجیل بنه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردارجنگل فومن. آبادی پر از درخت انجیر معنی می‌دهد.

انکیش (بالابیجار - پایین بیجار): دو روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی‌هایی که شالیزارهای آن مجاور درختان شمشاد باشند معنی می‌دهد.

باسکم چال: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمینی که در فرورفتگی‌های آن افرا رشد می‌کند.

باقلا کش: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی کنار کشتزار باقلا معنی دارد.

بلسبینه: روستای دهستان بلسبینه بخش کوچصفهان رشت. سرزمین پر از درختان افرا معنی دارد.

بلسلکله: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی مکان رویش درخت افرا معنی می‌دهد.

بلسکه: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای درختان افرا کوچک معنی دارد.

بنگ بر: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کنار محل رویش شاهدانه معنی دارد.

بیجار انجیل کچل بن: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. آبادی دارای شالیزارهای مرز بندی شده با درخت انجیر و نیز وجود جانور کوچکی به نام کچل که مشک آب را پاره می‌کند.

پا چنار: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روذبار. آبادی پای درختان

چنار معنی می‌دهد.

پالوته: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین پر از درختان بلوط معنی دارد.

پلختار: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. تحریف واژه پلخ دار به معنی سرزمین پر از درختان سپیدار می‌باشد.

پس طالکوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روستاوار. آبادی بعد از کوهستان پر از گیاه پیچک می‌باشد.

پلط گله: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرو. آبادی مکان رویش درختان افرا معنی می‌دهد.

پلط کلهسر: روستای دهستان سیاهروド بخش چابکسر رودسر. سرزمین محل رویش درخت افرا معنی دارد.

پلط دشت: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. آبادی که در دشت‌های آن درخت افرا می‌باشد.

پنبه پشته: روستای دهستان خرچگیل بخش اسلام تالش. سرزمینی که در تپه‌های آن پنبه کشت می‌گردد.

پی آغوز بن: روستای دهستان شویبل بخش رحیمآباد رودسر. سرزمینی که بعد از درختان گردوبی چرب است.

پیلم برا: روستای دهستان دینا چال بخش پرهسر رضوانشهر. در اصل پلم برا به معنی مکان رویش گیاه پلم است عده‌ای آن را باقیایی پیلمان شهر می‌دانند.

تربه برو: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. سرزمین مکان رویش نوعی لی به نام ترب می‌باشد. عده‌ای آن را آبادی کنار تربت معنی می‌نمایند.

تربه گوده: روستای دهستان لیجارکی حسن رود بخش مرکزی بندر انزلی. سرزمین محل رویش نوعی گیاه بومی به نام ترب (لی) که از آن حصیر

می‌باشد. عده‌ای آن را تراب گوده به معنی محل سکونت خاندان تراب می‌دانند.

ترشکوه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کوهستانی پر از گیاه ترشک معنی دارد.

تلیجان کرد: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین کرد نشین محل رویش گیاه پیچک تال است
توت باغ (دولاغوابر): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر.
سرزمین باغات درخت توت معنی دارد

توت کله (سفلی - علیا): دو روستای دهستان رضا محله بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پر از درخت توت.

توت نساء: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی پشت به آفتاب پر از درخت توت معنی دارد.

تو چاه آلمان: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشاء رشت. سرزمینی که در گودال‌های آن آلاوه‌های وحشی قرمز (شقایق‌های وحشی) می‌باشد
توسان: روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پر از درخت توسکا معنی می‌دهد.

توساودشت: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کنار دشت باتلاقی پر از درخت توسکا می‌باشد.

توسه چاله: روستای دهستان شوییل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دارای گودال مکان رویش توسکا می‌باشد.

توبیسرابندان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی دارای آبگیر در میان درختان توبی یا انجیلی.

توبی دشت: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین پر از درختان انجیلی معنی دارد.

جو کندان بزرگ: روستای دهستان ساحلی جو کندان بخش مرکزی تالش.

سرزمین تپه‌ای محل رویش جو معنی دارد. عده‌ای آن را سرزمین رودخانه بزرگ می‌دانند.

چلمانرود (چلمروود): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار رودخانه‌ای که در اطراف آن توت فرنگی وحشی رویش می‌کند. چnar بن: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین مکان رویش درختان چnar معنی دارد.

چnar رود خان: روستای دهستان چوبر بخش احمدسیر گوراب شفت. آبادی کنار رودخانه‌ای که پر از درختان چnar باشد معنی می‌دهد. چیت بن: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. چیت نوعی گیاه از انواع ترب است و چیت بن مکان کشت این گیاه می‌باشد.

خاص خانی (خاصه‌سرا): روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. چشمه‌ای که در میان سرزمین رویش گیاه محلی خاص می‌باشد. خاصه کول: روستای دهستان دشتولی بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. محل رویش گیاه خاص معنی دارد.

خالو باغ: روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای باغات گوجه سبز معنی دارد.

خجکه: روستای دهستان آلیان بخش سردارجنگل فومن. آبادی کوهستانی که در آن درخت خوج یا گلابی وحشی رویش کند معنی می‌دهد.

خجه دره: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی مجاور دره‌ای که در آن درخت امرود یا گلابی وحشی رویش کند معنی می‌دهد.

خرشتم: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی پای کوه که در آن یک نوع نعناع سیاه وحشی بروید معنی دارد.

خرشک: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی محل رویش گیاه بومی خرش.

خرف: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا.

سرزمین پر شده از سرخس می‌باشد.

خرفکام: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین مکان رویش سرخس و یا کنف است.

خرف کل: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمینی که در تپه‌های آن سرخس باشد معنی دارد.

خرف کوره: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی نزدیک کوره میان سرخس زار معنی دارد.

خمپته اربوسرا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین انشانه از درختان خرمalo است.

خنف چه: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی کوچک محل کشت کنف معنی دارد.

دشت رز: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. رز به معنی برنج آمده است و دشت رز سرزمینی برنج کاری شده می‌باشد.

دوله ملال: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی درون دره پر از درخت لرک (کهل) می‌باشد.

رزدار: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین درخت انگور معنی دارد.

رزدارستان: روستای دهستان بیلاقی ارد بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی پر از درخت انگور معنی می‌دهد. عده‌ای رزدار را درختی از خانواده توسکا می‌دانند.

رزدره: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کنار دره‌ای که پر از انگور می‌باشد.

زرگام: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین مکان رویش زرشک معنی دارد.

زره ژیه: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمینی که در

تپه‌های آن ذرت کشت می‌شود.

سالستان: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی پر از درخت سال معنی دارد.

سالکویه (بالا - پایین): دو روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. سرزمین پر از درخت محلی سال.

سخی بن: روستای دهستان سردارجنگل بخش سردارجنگل فومن. سرزمین درختان آزاد جنگلی معنی می‌دهد.

سر لیله: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود آبادی نزدیک درختان لیلکی معنی دارد.

سس مس: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین محل رویش نوعی گیاه انگلی و مانع به نام سس معنی دارد.

سفید داربن: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی پر از درخت سپیدار معنی می‌دهد.

سفید دشت: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین دشتی پر از درخت سپیدار.

سلی: روستای دهستان چلوند بخش مرکزی آستارا. سرزمین مکان رویش گیاه سیا ال نوعی ذغال اخته است.

سوخته کیش: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی که بر اثر سوزاندن شمشاد زار ایجاد گردید معنی دارد.

سه پستانک: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روذبار. سرزمین محل رویش گیاه سه پستان معنی دارد.

شاد راج سفلی: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد روذسر. آبادی پایینی سرزمین درختان بزرگ راج معنی دارد. عده‌ای آن را سرزمین قبه بزرگ خرمن می‌دانند.

شبخوس پهلو: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی

کنار درختان گل ابریشم معنی دارد.

شبخوس سرا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین پر درخت گل ابریشم می‌باشد.

شبخوس لات: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دشت آبرفتی که در آن شبخوس یا درخت گل ابریشم زیاد باشد.

شرم دشت: روستای دهستان شویل بخش رحیمآباد رودسر. آبادی درون دشت پر از درخت ممرز معنی دارد.

شرم دشت: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین پر از درخت ممرز معنی می‌باشد.

شرم لنگه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی که قسمتی از آن پر از درختان ممرز باشد معنی می‌دهد.

شکر باغان: روستای دهستان طاهرگوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی پر از باغات نیشکر معنی دارد.

شمشاد پشته: روستای اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی دارای تپه‌های شمشاد زار معنی دارد.

شمشاد سرا: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. آبادی مکان رویش شمشاد معنی دارد.

شیشار: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین پر از درختان شمشاد معنی می‌دهد.

شیله وشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین محل رویش گیاه شلمک نوع مرغوب معنی دارد.

طالکوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین کوهستانی پر از گیاه پیچک معنی می‌دهد.

عنبرادول: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین دره‌ای کشت شده از برنج عنبر بو است.

عنبران محله: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. آبادی مکان کشت برنج عنبر بو معنی دارد. برخی آن را دهکده محل رویش گیاه عنبرک یا مامیران می‌دانند.

فندق پشته: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی بلندی که دارای جنگل فندق باشد معنی می‌دهد.

کجیل: روستای دهستان خارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین مکان کشت کنجد معنی دارد.

کدوسرما: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی مکان کشت کدو معنی می‌دهد.

کرف پشته: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پر از درختان افرا معنی دارد. عده‌ای آن را سرزمین تپه‌ای پر از سرخس می‌دانند.

کرف چال: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمینی که در گودال‌های آن سرخس رشد می‌کند

کرفستان: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین محل رویش سرخس معنی دارد.

کرف کل: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی روی تپه سرخس زار معنی دارد.

کرف محله: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. سرزمین محل رویش سرخس معنی می‌دهد.

کلنکش: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمین خرفه زار معنی دارد.

کلنگران: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین محل رویش خرفه معنی دارد.

کلنگستان: روستای دهستان طاهرگوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین خرفه زار معنی دارد.

- کنیک: روستای دهستان دشتوبیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار، آبادی کشت کنف معنی می‌دهد
- کنسستان: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. سرزمین پر از درخت از گیل معنی دارد.
- کهلهستان: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی پر از درخت لرک معنی می‌دهد.
- کیشاک جان: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر، سرزمین شمشادهای کوچک معنی دارد.
- کیشا ویشه سفلی: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی پایین جنگل شمشاد معنی دارد.
- کیش پشته: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی مجاور تپه پر از شمشاد معنی می‌دهد.
- کیش چال: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار گودال پر از شمشاد می‌باشد.
- کیش خاله: روستای دهستان دینا چال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی شمشادهای باریک می‌باشد.
- کیش خاله: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی شمشادهای باریک می‌باشد.
- کیش خاله: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی شمشادهای باریک می‌باشد.
- کیش خانی: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای چشمہ در شمشاد زار می‌باشد.
- کیش دره: روستای دهستان آلیان بخش سردارجنگل فومن. سرزمینی که در دره آن شمشاد می‌باشد.
- کیش دبی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی

پراز بوته‌های شمشاد همراه وجود موجودات موهومی معنی دارد.

کیش روDBار: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور رودخانه در شمشادزار است.

کیشستان: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سر. آبادی پراز درختان شمشاد معنی دارد.

کیش محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین مکان رویش شمشاد معنی دارد.

گرد اولادست: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن آبادی که در اطراف آن درخت مرز باشد.

گرد کرف: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که اطراف آن را سرخس احاطه کند.

گرزنه چاک: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روDBار. سرزمینی که در دره آن گیاه گرزنه می‌باشد.

لات لیل: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی دشت آبرفتی که در آن لیلکی رویش کند.

لاله دشت: روستای دهستان بلسبنیه بخش کوچصفهان رشت. آبادی محل رویش لاله‌های وحشی معنی می‌دهد.

لاله گفشه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشاء رشت. سرزمین گبرها که مکان رویش لاله وحشی می‌باشد.

لشکاجان سفلی: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روDBسر. آبادی محل رویش گیاه انگلی لبلاب یا عشقه.

لکام: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین نیزار معنی دارد.

لله کا: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی پراز نیزار معنی دارد.

لله پشته: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی روی تپه

محل رویش درختان لیلکی می‌باشد.

لکه محله: روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش. آبادی و سرزمین محل رویش لیلکی معنی می‌دهد.

لیا قاصدک (هره دشت شمالی): روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی و سرزمین گودی که در آن گل قاصدک یا هربنگ رویش کند معنی می‌دهد.

لیچا (لیچاه): روستای دهستان جیره‌نده بخش لشتن‌نشاء رشت. سرزمین پر از درخت نارون در کنار گودال.

لیسار: شهر و مرکز بخش کرگانرود تالش. سرزمین مکان رویش گیاه بومی لی معنی دارد.

لیسارا: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. سرزمین محل رویش گیاه لی معنی می‌دهد.

لیسار محله: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. سرزمین محل رویش گیاه لی معنی دارد.

لیفکو: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی مکان رویش گیاه لیف یا صابونی است.

لیفکو خندان: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمین کوهستانی محل رویش گیاه لیف است.

لیفکوه: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی کوهستانی محل رویش گیاه لیف می‌باشد.

لیلا کوه: روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. در اصل لیل کوه به معنی کوهستان پراز درختان لیلکی معنی می‌دهد.

لیلکی: روستای دهستان شوییل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پراز درختان لیلکی معنی دارد.

لیما گوابر: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مکان

رویش درختان لیمو معنی دارد.

لیموچاه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشاء رشت. سرزمینی که در فورفتگی‌های آن درخت لیمو رشد می‌کند. عده‌ای آن را مکان دفن لیموهای اضافه در چاه می‌دانند.

مازو بن (مازی بن): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی پر از درخت بلوط است.

مازو دره: روستای دهستان شویل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمینی که در دره‌های آن درخت بلوط می‌باشد.

مازو کله‌پشته: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که در تپه‌های آن بلوط رویش کند.

مازو گاه: روستای دهستان شویل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین مکان رویش درخت بلوط معنی دارد.

مازی کله‌پشته: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمینی که در تپه‌های آن بلوط رویش کند.

مازی گوابر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. جایگاه رویش درختان بلوط معنی می‌دهد.

ملال: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین محل رویش درخت کهل یا لرک است.

ملال: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی محل رویش درخت کهل یا لرک می‌باشد.

ملجادشت: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. آبادی درون دشتی پر از درخت نارون معنی دارد.

میان رز (منرز): روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی میان درختان انگور معنی دارد. عده‌ای آن را دهکده میان شالیزارها معنی نموده‌اند.

نارنج بن: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین محل رویش درختان نارنج می‌باشد.

نارنج بن (بالا - پایین): دو روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی‌های مکان رویش درختان نارنج معنی می‌دهد.

نارنج دول: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین دره‌ای پر از درخت نارنج معنی دارد.

نارنج کل: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی روی تپه نارنجستان معنی دارد.

نارنج کلایه: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پراز درخت نارنج معنی دارد.

نارنج کلایه (سفلی - علیا): دو روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. آبادی‌های پر از درختان نارنج معنی می‌دهد.

نارنج لنگه پایین: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که قسمتی از آن در کشت درختان نارنج قرار داشته باشد معنی می‌دهد.

نوحدان: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشاء رشت. سرزمینی که در آن گیاه نوح یا لیلاب (دار دوست) رویش کند معنی دارد.

نوده مرخال: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی نو بنیاد در منطقه درختان بادام تلخ می‌باشد.

نی دشت: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار دشت نیزار است.

وزمی: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین مکان رویش درختان نارون معنی دارد.

ونه خونی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین پر از درختان زبان گنجشک که دارای چشممه نیز می‌باشد.

ونیستان: روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش. سرزمین پر از درختان

زبان گنجشک معنی دارد.

ویزا دشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی درون دشت پر از درختان گردو می‌باشد

ویسا دار: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی پر از درخت گردو معنی دارد.

۵- اسامی برگرفته از اعداد: برخی از اعداد در نام آبادی‌های گیلان آمده است:

۱- ۵ یک: سر سلسله اعداد به عنوان واحد. در آبادی‌های زیر آمده است:
تکام: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین جدا قرار گرفته.

تکرم Takaram: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. در اصل تک رمه سرزمین مکان پرورش یک نوع دام است.

تکی آباد: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. تنها سرزمین آباد شده در منطقه.

یکاورگ: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. همیشه آورنده اولین.

یکنم Yaknam: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. در اصل یک نام و عده‌ای آن را سرزمین یکبار بارندگی ونم می‌دانند.

۲- ۵ دو: عدد تک رقمی یک بعلاوه یک. در آبادی‌های زیر آمده است:
خاجان دو دانگ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. سرزمین دو قسمتی که مرز آن بوسیله فروفتگی و برآمدگی معلوم شود.
دوباج: نام دو روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت. آبادی بر گرفته از نام امیر دوباج حاکم وقت در منطقه لشت نشا.
دوبخش: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت.

سرزمین دو قطعه‌ای. این آبادی به نام‌های دباغ شهر، ملامحله، پائین محله کولک نیز نامگذاری شده است.

دو دران: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای دو درگاه امیر نشین.

دوسال ده: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. دهکده‌ای که هنگام نامگذاری دو سال از بنای آن گذشته بود.

دو گل: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که مشخصه آن دو درخت گل باشد.

دو گل سر: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. دهکده‌ای که با معروفیت دو درخت گل شناخته می‌شود.

دو گل سرا: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که مشخصه آن دو درخت گل باشد.

دو گور: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل دو بقعه آقا میر شجاع الدین و آقا سید علی. عده‌ای آن را سرزمین دو شهر قدیمی می‌دانند.

۳ - ۵ سه: عدد تک رقمی یک بعلاوه دو. در نام آبادی‌های زیر آمده است

سه پیران کاشانی: نام دیگر روستای سیاه پیران کاشانی.

سه پیران کسمایی: نام دیگر روستای سیاه پیران کسمایی.

سه چکه: نام دیگر روستای سر چکه سیاهکل.

سه سار: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین سه صخره‌ای. عده‌ای آن را سرزمین کوهسار می‌دانند.

سه شنبه: روستای مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. دهکده‌ای که در گذشته روزهای سه شنبه در آن بازار دایر بود.

طالم سه شنبه: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. دهکده‌ای که در روزهای سه شنبه در آن بازار برقرار می‌شود.

۴- چهار: عدد تک رقمی دو بعلاوه دو. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

چهار خانه‌سر بالا: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاھیجان. دهکده‌ای که دارای چهار خانه مشخص به سمت بالا است.

چهار خانه‌سر پائین: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاھیجان. دهکده‌ای با چهار خانه مشخص به سمت پائین.

چهارده: روستای دهستان املش شمال بخش مرکزی املش سرزمین تشکیل شده از چهار آبادی.

چهارده: دهستان بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین تشکیل شده از چهار آبادی.

چهار سوپشه: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی که از چهار طرف تپه دارد.

چهار فریضه: دهستان بخش مرکزی بندر انزلی. به علت قرار داشتن چهار آبادی ساحلی به نام‌های کول وئر، بشم، سنگاچین و کپورچال در این منطقه به چهار فریضه مشهور گردید.

خاجان چهار دانگ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. سرزمین چهار قسمتی که مرز آن بوسیله فرو رفتگی و برآمدگی مشخص گردد.

خلشا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین تهیه شاخه قطور در منطقه چهارده بزرگ.

شیر کوه چهارده: روستای مرکز دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی نزدیک کوهستان در منطقه چهارده.

کاچا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی و سرزمین گودالی نزدیک کوه متعلق به چهارده بزرگ. عده‌ای آن را سرزمین پرورش کرم ابریشم می‌دانند.

کته شصت آبادان چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای در ناحیه چهارده که با احداث ۶۰ خانه آباد گردید.

گاچرا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه.
سرزمین چراگاه گاو در منطقه چهارده بزرگ.

۵ - پنج: عدد تک رقمی چهار بعلاوه یک. در نام آبادی‌های زیر آمده است:
آنچه علی: نام دیگر بیجار بنه بالا.

پنجاه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. در اصل پنج جا
به معنی روستایی که از پنج محله تشکیل شده می‌باشد.
پنگا پشت: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی پشت
پنج کوه.

۶ - شش: عدد تک رقمی دو برابر سه. در نام آبادی‌های زیر آمده است:
ششکلایه: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی تشکیل شده از
شش منطقه.

ششگل: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی با
معروفیت وجود شش درخت گل.

ششلو: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. دهکده محل سکونت
شش طایفه.

۷ - هفت: عدد تک رقمی شش بعلاوه یک. در نام آبادی زیر آمده است:
هفت بند: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. روستای دارای
هفت سد محلی.

۸ - هشت: عدد تک رقمی دو برابر چهار. در نام آبادی‌های زیر آمده است.
هشت پر: نام دیگر تالش به علت وجود ساختمان هشت ضلعی ضرغام السلطنه
در ابتدای ورود شهر. برخی می‌گویند شهر تالش هشت ضلعی بوده و به
همین دلیل هشت بر یا هشت پر گفته می‌شود.

هشترود چونی (هوشتچونی): روستای دهستان حويق بخش حويق تالش.
آبادی کنار رودخانه هشت شاخه.

۹ - چهل: عدد دو رقمی. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

چلارس Chalaras: روستای دهستان املش شمالی بهش مرکزی املش. محل سکونت قبیله چل از منطقه البرز. عده‌ای آن را سرزمین نوعی انگور می‌دانند که مدت رسیدن آن چهل روز باشد.

چهل گاچه: روستای دهستان خارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین دارای چهل آغل.

۱۰ - ۵ پنجاه و هفت: این عدد دو رقمی در نام یک روستا آمده است: **خاله‌سرا ۵۷**: روستای مرکز دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. دهکده‌ای پر از سرخس که در کیلومتر ۵۷ جاده انزلی به تالش باشد.

۱۱ - ۵ پنجاه و نه: این عدد دو رقمی در نام یک روستا آمده است: **خاله‌سرا ۵۹**: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. دهکده‌ای پر از سرخس که در کیلومتر ۵۹ جاده انزلی به تالش باشد.

۱۲ - ۵ شصت: این عدد دو رقمی در نام آبادی‌های زیر آمده است: **شصتانرود بالا**: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی بالای رودخانه شصتان.

شصتانرود پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی پائین رودخانه شصتان.

کته شصت آبادان: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای که با احداث ۶۰ خانه آباد گردید.

کته شصت آبادان چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای در ناحیه چهارده که با احداث ۶۰ خانه آباد گردید.

۶ - **اسامی برگرفته از نام اقوام و ایل‌ها**: استان گیلان با وجود کوچک بودن نسبت به استان‌های دیگر از تعدد اقوام و طایفه‌های زیاد برخوردار می‌باشد. فراوانی اقوام در نام گذاری آبادی‌های گیلان اثر گذار بوده و برخی از روستاهای نام خود را از نام قبایل مربوط به محل سکونت خود برگرفته‌اند. در زیر این آبادی‌ها و قبایل مزبور معرفی می‌شوند:

آغاسی: طایفه مربوط به حسین قلی خان ایشیک آغاسی در زمان نادر شاه.

آمارد: از اقوام ساکن در عمارلو رو دبار.

ازدرها: از اقوام قرن هفتم هجری. ساکن در گیلان.

اسپهبدان: از طایفه‌های دوره اشکانی و ساسانی.

اسکاها: سکاها از اقوام آسیایی دوره هخامنشی می‌باشند.

اشک‌ها: از اقوام دوره اشکانی.

بلوچ‌ها: از اقوام صحرانشین جنوب شرقی ایران که تعدادی از آن‌ها در قرن هفتم به گیلان مهاجرت نمودند.

بویه: از خاندان دیالمه. ایرانی اصیل. در قرن‌های چهارم و پنجم در ایران حکومت نمودند.

تالش: از باقی ماندگان قوم کادس.

ترک: از اقوام بدوی در قرن ششم.

چپک: طایفه‌ای از دوره صفوی ساکن دهستان گفسه که خاندان شفیع و خاندان ناظمی از آن‌ها بجا مانده است.

چینی: گیلانی‌های قدیم به ترک زبان مغول چینی می‌گفتند.

خلج: از اقوام ترک قرن چهارم بومی خلjestan قم.

خلخالی: طایفه‌ای از نژاد آذری ساکن شهر خلخال.

سکاها: سکاها از اقوام آسیایی دوره هخامنشی می‌باشند.

شال: از طوایف بزرگ منطقه بوئین زهراي قزوین.

شاه مراد: از سلاطین شرق گیلان که در دوره آل کیاصر دو برادر سید را در کیاکلایه بریده بود.

شویل: قومی از فارس‌ها.

طالش: نوشتاری از واژه تالش.

علیوند: تیره‌ای از طایفه بکش فارس.

کاس: از اقوام ساکن در جنوب دریای مازندران. دارای دو طایفه کاس پی (ساکن کنار دریا) و کاس سی (ساکن کوهستان).

کاک: از اقوام کردهای کرمانشاه.

گرد: از اقوام آریایی ساکن در کوهستان‌های غرب ایران.

کوفی: از طوایف گذشته در منطقه تالش.

کولی: طایفه‌ای بیابان گرد با منشا هندی و افغانی

کیا: سلسله‌ای از سلاطین ایرانی گیلانی.

گالش: اقوام دامدار کوه نشین.

گیلک: قوم ساکن جلگه گیلان.

لک: طایفه‌ای از کردان و قشقائیان.

مازندرانی: اقوام ساکن مازندران.

آبادی‌ها: اماکنی که نام آن‌ها برگفته از نام اقوام و قبایل می‌باشند عبارتند از:

آغاسی: نام دیگر روستای اشیک آغاسی.

ازدها بلوج: روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت نشا. محل سکونت دو قوم ازدر و بلوج.

اسپهبدان: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. محل سکونت طایفه اسپهبدان.

اسک: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. مکان سکونت اسکاها.

اسکابن (استکابن): روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. محل سکونت قوم اسکا.

اسکده: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. محل سکونت اسکاها.

اسکلک (اسکولک): روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. محل سکونت قوم اسکا.

اشکال: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین سکونت اشک‌ها.

اشکراب: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. مکان سکونت قوم اشک در کنار رودخانه پر آب.

اشکر میدان: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. میدان گاه بزرگ محل سکونت اشک‌ها.

اشکمجان پهلو: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار محل سکونت اشک‌ها.

اشکلت: روستای دهستان سردارجنگل بخش سردارجنگل فومن. سرزمین محل سکونت قوم اشک.

اشکلن: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. محل سکونت طایفه اشک.

اشکور: دهستان بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین و قلعه بجا مانده از دوره اشک‌ها.

اشکیت: روستای دهستان املش شمال بخش مرکزی املش. محل سکونت قوم اشک.

اشکیک: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. مکان سکونت قوم اشک.

اشیک آغاسی: روستای دهستان خطبه‌سرای بخش کرگانبرود تالش. سرزمین و محل سکونت طایفه حسین قلی خان ایشیک آغاسی در دوره نادر شاه.

امشل: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. محل سکونت قوم شال کوچانده از قزوین.

ایلکوفی: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. محل سکونت ايل کوفي.

باجی سرا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی محل سکونت زنان کولی غیر گیلک.

باجی گوابر: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. محل سکونت

زنان کولی غیر گیلک.

بویه: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. روستای منسوب به آل بویه.

پایین محله کولک: نام دیگر دو بخش. روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. محل سکونت اهالی کوه نشین لک.

پیربست لولمان: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی کنار بست محل سکونت کولی‌ها.

ترک: روستای دهستان اوشیان بخش چاپکسر روستا سرزمین ترک نشین.

ترک محله: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش سرزمین ترک نشین.

ترک محله: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. محل سکونت ترک‌ها.

ترک محله آلالان: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین دشت شقایق‌های وحشی ترک نشین.

ترک نشین لوشان: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روبار. آبادی ترک نشین محل عبور سیلاب.

توکاس: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین محل سکونت اقوام کاس.

تی تی پریزاد: روستای دهستان شیرجوپشت بخش روبدنه لاهیجان. آبادی عمران یافته توسط تی تی پریزاد دختر قرا محمد چپک و همسر خان احمد گیلانی آخرین سلطان آل کیا.

چپک شفیع محله: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. محل سکونت طایفه چپک از خانواده شفیع.

چپک ناظمی: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. محل سکونت طایفه چپک از خانواده ناظمی.

چلک: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. مکان سکونت قوم چل

چلک: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. محل سکونت قوم چل.

چلوان‌سرا: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین نگهبانان قوم چل.

چوشل: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. مکان سکونت قوم شال شایعه پرداز.

چینی‌جان: روستای دهستان چینی‌جان بخش مرکزی رودسر. محل سکونت ترک زبانان باقی مانده از مغول‌ها.

خرچگیل: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام‌تالش. محل باج و خراج گیلک‌ها در ابتدای سرزمین ترک‌ها.

خلج‌لو: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. محل سکونت خلچ‌ها.
خلج‌ محله: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. مکان سکونت قوم خلچ.

خلخالیان: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. محل سکونت کوچانده‌های خلخال.

خلخالیان: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی سکنه کوچ کننده از شهر خلخال.

خواجه علیوندان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین محل سکونت خاندان علیوند.

خوشل: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین اختصاصی قبیله شال.

روهام بیک محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام‌تالش. دهکده محل سکونت خاندان روهام بیک.

سکام: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی محل سکونت اقوام سکاها.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۸۵

سوکاچا: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. آبادی محل سکونت سکاهای.

سیاه کرد گوابر: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. جایگاه کوهستانی محل سکونت کردها.

شاد مراد محله: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. محل سکونت خاندان شاه مراد.

شاد مراد محله: روستای دهستان ماجیان بخش کلچای رودسر. محل سکونت خاندان سلطان مراد.

شالده: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. مکان سکونت قوم شال

شالده: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. مکان سکونت قوم شال

شالکه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی کوهستانی محل سکونت اقوام شال.

شالما: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت. محل سکونت طایفه شال.

شالما: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. محل زندگی اقوام شال

شالماکوه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین کوهستانی محل سکونت اقوام شال.

شلشه دره: روستای دهستان آلیان بخش سردارجنگل فومن. دره عبور قوم شال. دره عبور شفال‌ها.

شلکه بانان: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. دهکده کوهستانی محل سکونت نگهبانان قوم شال.

شولم: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. محل سکونت قوم شول از فارس.

شوله: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. محل سکونت قوم شال که از فارس کوچ نموده‌اند.

طالشان: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. محل سکونت قوم تالش.
طالش کوه: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کوهستانی
تالش نشین.

طالش محله: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی تالش نشین.
طالش محله: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی تالش
نشین.

طالش محله: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی
تالش نشین.

طالش محله: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی تالش
نشین.

طالش محله بهمیر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی
تالش نشین.

عمارلو: بخش شهرستان رودبار. سرزمین منسوب به قوم آمارد.

کاسان: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. محل سکونت اقوام کاس.
کاس خورده: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. دهکده آفتاب
خور محل سکونت اقوام کاس.

کاشکی: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین محل
سکونت اقوام کاش (کاس).

کاکرود: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. محل سکونت
اقوام کرد طایفه کاک.

کاکرود: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. محل سکونت اقوام کرد
طایفه کاک.

کردآباد: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. محل سکونت اقوام
کرد.

کردخیل ولهم: روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت نشا رشت. سرزمین و

مکان اردوگاه کردها.

کردسرا کوه (بالا. پایین): روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود.
آبادی کوهستانی محل سکونت اقوام کرد.

کرد گاور: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین کوهپایه‌ای
کرد نشین.

کرد محله: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن سرزمین مکان
سکونت اقوام کرد.

کرد محله: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان سرزمین مکان
سکونت اقوام کرد.

کرد محله: روستای دهستان طاهرگوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین
مکان سکونت اقوام کرد.

کردسرا: روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل آستارا. آبادی و محل
سکونت اقوام کرد.

کرف پشته گالشی: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پر
از گیاه سرخس و گالش نشین.

کسما: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین محل
سکونت اقوام کاس.

کسمجان: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی محل
سکونت کاس‌ها.

کشل: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین کوهستانی
محل شکونت قوم شال. عده‌ای آن را محل گذر شغالان می‌دانند.

کوشال: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. منطقه سکونت قوم
شال. جولانگاه شغال‌ها.

کوشال شاد: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. منطقه بزرگ
سکونت قوم شال. جولانگاه شغال‌ها.

کولی‌سران: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی کولی نشین.

کیاسج محله: روستای دهستان ماقچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین اهالی هم شکل با خاندان کیا بیان.

کیاسرا: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین رونق یافته توسط خاندان کیا.

کیاسرا: روستای دهستان ماقچیان بخش گلاچای رودسر. سرزمین رونق یافته توسط خاندان کیا.

کیاشهر: شهر و مرکز بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. سرزمین آبادشده توسط آل کیا.

کیاکلايه: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی محل سکونت خاندان کیا.

کیا گهان: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. مکان سکونت آل کیا.

گالش خاله: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. مکان سکونت گالش‌ها در کنار رودخانه.

گالش خیل: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین و اردوگاه دامداران کوه نشین.

گالش خیل: روستای دهستان پیربازار بخش مرکزی رشت. سرزمین و اردوگاه دامداران کوه نشین.

گالش زمین: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دامداران کوه نشین.

گالش کلام: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. سرزمین دامداران کوه نشین.

گالشكلام ليلا كوه: روستای دهستان ديوشل بخش مرکزی لنگرود. سرزمین و محل سکونت دامداران کوه نشین.

گالش گاچه: روستای دهستان پیربازار بخش مرکزی رشت. آبادی کنار آبل

تابستانی دامداران کوه نشین.

گالش محله: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. سرزمین دامداران کوه نشین.

گالش موشا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین گالش نشین پر از موش.

گسکمینجان: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین گمینگاه اقوام کاس.

گولک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین پهلوانان قوم لک. برخی آن را سرزمین گاوها لکه دار می‌دانند.

گیلاده: روستای دهستان حیران بهش مرکزی آستارا. دهکده گیلک نشین در منطقه ترک‌ها.

گیلاکجان: روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی رودسر. آبادی سکنه گیلک.

گیلاکش: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی گیلک نشین در کوهستان.

گیلاملک: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی گیلک نشین.

گیلان ده: روستای دهستان خرچگیل بخش اسلام تالش. آبادی گیلک نشین در منطقه تالش.

گیلان ده (خلیف آباد): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی گیلک نشین در منطقه تالش.

گیلاوندان: روستای دهستان سنگر بخش ستگر رشت. آبادی و محل سکونت اقوام گیل.

گیلایه: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین آباد شده توسط اقوام گیل.

گیل بام: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی بلند و کوهستانی گیلک نشین.

گیل چالان: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی گیلک نشین کنار گودال.

گیل دولاب: دهستان بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین دره آبی گیلک نشین.

گیلهده: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. دهکده محل سکونت اقوام گیل.

گیلزا رود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی گیلک نشین کنار رودخانه.

گیلک محله آلالان: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی و سرزمین گیلک نشین پر از شقایق‌های وحشی قرمز.

گیل موشا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی گیلک نشین پر از موش درختی.

گیله‌سرا: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی گیلک نشین منطقه ماسال.

لک پشت: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. تپه محل سکونت قوم لک.

لولمان: دهستان بخش کوچصفهان رشت. محل سکونت کولی‌ها.

لولمان: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. محل سکونت کولی‌ها

مازندران محله: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. محل سکونت کوچ کنندگان مازندرانی.

مازندران محله بهمبرو: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. محل سکونت کوچ کنندگان مازندرانی.

هادی کیاشر: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. محل سکونت آل کیا.

۷- اسامی برگرفته از نام اشخاص: بسیاری از روستاهای با نام شخصی که موجب عمران و آبادی آن شده معروف گردیده و نام روستاهای برگرفته از نام اشخاص به شرح زیر می‌باشد:

ابراهیم: اسم شخص بوده در نام ۱ روستا آمده است: ابراهیم‌سرا.

ابوالقاسم: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: بلسکله سید ابوالقاسم.
احمد: اسم شخص بوده و در نام ۴ روستا بکار رفته است: احمد آباد.
احمدسر. احمدسر گوارب. کاس احمدان.

اسد: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: اسدسر.

اسفندیار: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: اسفندیارسرا.

اسماعیل: اسم شخص می‌باشد و در نام ۳ روستا آمده است: اسماعیل آباد.
اسماعیل‌سرا. اسماعیل گوارب.

اکبر: اسم شخص به معنی بزرگ در نام ۴ روستا آمده است: اکبرآباد (۲ روستا). اکبرسرا. نوخاله اکبری.

امیر: اسم شخص بوده و گاهی به معنی حاکم و سلطان بکار می‌رود. در نام ۱۰ روستا بکار رفته است: امیر آباد. امیر بکنده. امیر بیگلو. امیر کلایه. امیر کیاسر. امیر گوارب. امیر محله. امیر هنده (۲ روستا). باغ امیر بکنده.

امین: اسم شخص به معنی درستکار. در نام ۲ روستا آمده است: امین آباد (۲ مورد).
انوش: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: انوش محله. انوش محله جوکنдан.

ایمن: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: ایمن آباد.

باقر: اسم شخص بوده و در نام یک روستا آمده است. جیرسر باقر خاله

برزو: اسم شخص بوده در نام ۱ روستا آمده است: بربزو هندان (برزو خندان)

بهادر: اسم شخص با معنی پهلوان. در نام ۲ روستا بکار رفته است: بهادر کلایه.
بهادر محله.

بهرام: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: حاج بهرام محله.

پرویز: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: پرویزخانی.

پروین: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: پروین لنگه.

تقی: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: تقی‌سرا.

تی تی پریزاد: اسم دختر قرا محمد چپک بوده و همسر خان احمد خان گیلانی. در ۲ روستا آمده است: تی تی پریزاد تی کاروانسرای.

تیمور: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: تیمور گووه.

جعفر: اسم شخص بوده در ۴ روستا آمده است: جعفر آباد. سیاه جعفر. محمد جعفر محله. نوخاله جعفری

جمال: اسم شخص بوده در ۳ روستا آمده است: جمال‌آباد حلاج. جمال‌آباد کوسه. جمال‌آباد نظامی وند.

جمشید: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: کرارود جمشید آباد.

حسن: اسم شخص بوده و در نام ۹ روستا آمده است: حسن‌آباد (۲ روستا).

حسن بکنده. حسن دایرمان. حسن رود. حسن‌سرا. حسنعلی ۵۵. حسنی کوه. میرزا حسن لنگه.

حسین: اسم شخص بوده و در نام ۸ روستا آمده است: حسین‌آباد (۵ روستا). حسین‌آباد چاف. حسین‌سرا. حسین کوه.

حشمت: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: حشمت آباد.

خسرو: اسم شخص بوده و در نام ۲ روستا آمده است: خسرو آباد. خسرو محله.

خلیل: به معنی دوست یکدل و مهربان. همچنین اسم شخص. در نام ۵ روستا آمده است: خلیلان. خلیل‌سرا. خلیل محله. خلیله‌سرا (۲ روستا).

رحمت: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: رحمت آباد.

رحیم: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: رحیم‌آباد (۲ مورد).

رسول: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: شاه رسول.

رستم: اسم شخص بوده و در نام ۴ آبادی آمده است: رستم آباد (جنوبی، شمالی). رستم محله.

رضا: اسم شخص بوده در ۳ روستا آمده است: رضا محله (۳ مورد).

رمضان: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: رمضان بیجار.

روهام: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: روهام بیک محله.

سلیم: اسم شخص بوده در ۴ روستا آمده است: حاج سلیم محله، سلیم آباد. سلیم چاف، سلیم سرا.

سلیمان: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: سلیمان چپر، سلیمان داراب بالا.

شفیع: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: شفیع آباد.

شهباز: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: حاج شهباز محله.

صالح: اسم شخص به معنی درستکار و خوب در نام ۳ روستا آمده است: صالح بر، صالح سر، صالح کوه.

صفر: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: صفرآباد کندسر، صفرسرا.

صمد: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: صمد آباد.

ضیا: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: ضیابر، ضیا کوه.

طالب: اسم شخص در نام ۲ روستا آمده است: طالب آباد، طالب سرا.

طاهر: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: طاهر بیک محله، طاهر سرا، طاهر گوراب.

طهماس: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: طهماس گوابر.

عاشور: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: عاشور آباد.

عباس: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: عباس آباد، عباس کوه، عباس گوابر.

عبدالوهاب: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: کتمجان سید عبدالوهاب.

عزت: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: عزت‌آباد شرمندشت.

عسگر: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: عسگر‌آباد (۳ مورد).

علی: اسم شخص بوده و در نام ۴۳ روستا آمده است: آپنجلی. باباعلی. پیرعلی
ده. جانعلی آیاد. حسنعلی‌آباد. خواجه علی وندان. سبزعلی‌سرا. سی‌سر علی
شاهرود. شریفعلی‌سرا. شیخعلی بست. شیخعلی توشه. شیخعلی کلایه.
شیخعلی محله. شیر علی بیک محله. ظهراءعلی‌سرا. علی‌آباد (۵ روستا).
علی‌آباد پایین. علی‌آباد‌سرا. علی‌آباد کپورچال. علی اوسط محله. علی بوزایه.
علی بیک‌سرا. علی خان‌سرا. علی‌سرا (۴ روستا). علی‌سروود. علی کلایه. علی
نوده. علی وا. قصاب علی‌سرا. کتمجان یوسف علی. گنجعلی‌سرا. لطفعلی
گوابر. محمد علی یوردی. مژده علی. یا علی گوابر.

غلامرضا: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: غلامرضا باغ.

غلامعلی: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: غلامعلی‌سرا.

فخر: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: فخر آباد.

فلاح: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: فلاح آباد.

فیض: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: فیض آباد.

قاسم: اسم شخص بوده و در نام ۵ روستا آمده است: قاسم‌آباد (۴ روستا).
قاسم‌آباد سفلی.

قنبه: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: قنبه محله (۳ روستا).

کاظم: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: کاظم آباد.

کاوه: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: کاوه لنگه.

کریم: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: پشته کریم محله. کریم‌سرا.

كمال الدین: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: کمال الدین پشته.

کیوان: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: کیوان پشته.

لیلا: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: لیلا کوه.

مبارک: اسم شخص به معانی میمنت. یمن. مبارکی در نام ۳ روستا آمده است:

مبارکآباد (۳ روستا).

محسن: اسم شخص بوده در ۳ روستا آمده است: محسن آباد، محسن آباد پایین، نوبیجار محله محسن آباد.

محمد: اسم شخص بوده و در نام ۵ روستا آمده است: کج محمد گوابر، محمد آباد، محمد جان محله، محمد جعفر محله، محمد علی یوردی.

محمود: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: محمود آباد، محمود کیان، محمود لات.

مراد: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: شاد مراد محله (۳ مورد).

مرجان: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: مرجان آباد.

مریم: اسم شخص بوده و در نام ۲ روستا آمده است: مریم دشت، مریم گلشن.

منصور: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: منصور محله.

موسی: اسم شخص بوده در ۳ روستا آمده است: پیر موسی، موسی کلایه، موسی کوه.

مهدی: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: مهدی آباد، مهدی خان محله.

میرزا: اسم شخص بوده در ۴ روستا آمده است: سیاه اسطلخ میرزا ربیع، میرزا حسن لنگه، میرزا کوچک جنگلی، میرزا گلبدند.

ناصر: اسم شخص بوده و در نام ۴ روستا آمده است: با ناصر، ناصران، ناصرسرا، ناصر کیاده.

نصرالله: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: نصرالله آباد (۲ روستا)، نصرالله محله.

نصیر: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: نصیر محله.

نعمت: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: نعمت‌سرا.

نوروز: اسم شخص بوده در ۲ روستا آمده است: نوروز آباد، نوروز محله.

ولی: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: لیا شورسرای استاد ولی.

هاجر: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: سو هاجر.

- هادی: اسم شخص بوده. درنام ۲ روستا آمده است: هادی کیا شر. هادی گوابر.
- یدالله: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: حاج یدالله محله.
- یعقوب: اسم شخص بوده در ۱ روستا آمده است: یعقوبیه.
- یوسف: اسم شخص بوده و در نام ۷ روستا آمده است: کتمجان یوسف علی.
- یوسف‌آباد (۴ روستا). یوسف ده. یوسف محله.

تبرستان

- ۸ - اسامی برگرفته از رنگ‌ها: در نام پرخی از آبادی‌های با توجه به طبیعت منطقه اسم رنگ‌ها استفاده گردیده است که عبارتند از:
- ۱ - ۸ سفید: به عنوان مظہر روشنایی. پاکی. در نام آبادی‌های زیر آمده است:
- آق اولر (نواده): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی با خانه‌های سفید.
- آق مسجد (بش اولر): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. به معنی آبادی دارای مسجد با دیوار سفید. در گذشته این مکان به آبادی با پنج خانه سفید معروف بود.
- آق مسجد (رینه): روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. به معنی آبادی دارای مسجد با دیوار سفید.
- سفید آب: ر. ج: وبر سر. جریان کف آلود آب موجب سفیدرودخانه شده است.
- سفیدخانی: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی دارای چشمۀ سفید.
- سفید دار بن (سفیدار بن): روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی کنار درختان سپیدار.
- سفید دشت: ر. ج: سیفه دشت بخش پرهسر رضوانشهر.
- سفید رود (ماستخور - علی آباد پائین): روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. کلمه اوستایی اسپت رود آبادی کنار سفید رود.
- سفید سنگان (اسپی سنگن): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان ۹۷

فومن. آبادی دارای صخره و سنگ‌های روشن.

سفید سنگان: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی دارای صخره و سنگ‌های سفید.

سفید مزگی: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت. دهکده‌ای که ساکنان اولیه آن مژگان سفید داشتند.

گل سفید Gel sefid: روستای مرکز دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی و سرزمین دارای خاک سفید.

۲ - ۸ سیاه: مظهر تیرگی و تاریکی. به معنی سخت و سنگ لیز می‌آید و در نام روستاهای زیر آمده است:

بالامحله سیاه بلاش: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. بالا تراز محله تمشک سیاه (سیاه ولاش).

دهنه سیاه درون: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. دهکده دهنه ورودی دشوار رود به دریا.

سیابکون: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین کوهستانی سخت. دهکده کنار سیاه آب.

سیا پشت: ر. ج: سیاه پشت. سیا رستاق: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین کوهستانی.

سیاوان محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی محل نگهبانان کوهستان.

سیاوش گوه: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کوهستانی رونق گرفته توسط خاندان سیاوش.

سیاوه: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. سیاه آب.

سیاه استخمر: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای آبگیر کوهستانی.

سیاه استخر: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای آبگیر کوهستانی.

سیاه استخر: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای آبگیر کوهستانی.

سیاه بیجار: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. دهکده‌ای که شالیزارهای آن از آب کوه بهره گیرند

سیاه اسطلغ: روستای دهستان پیربازار بخش مرکزی رشت. آبادی دارای آبگیر پر گل و لای که آب آن از کوه آمده باشد معنی دارد.

سیاه اسطلغ: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سر. آبادی دارای آبگیر با آب کوهستان معنی دارد.

سیاه اسطلغ سقط الملک: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای آبگیر گل آلود متعلق به خاندان سقط الملک.

سیاه اسطلغ میرزا ربیع: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای آبگیر گل آلود متعلق به خاندان میرزا ربیع.

سیاه بیجار: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. دهکده‌ای که آب شالیزارهای آن از کوه تامین می‌شود.

سیاه بیل: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. آبادی دارای آبگیر مجاور کوه.

سیاه بیل: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی دارای آبگیر کنار کوه.

سیاه بیل: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی دارای آبگیر کنار کوه.

سیاه بین خوشابر: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی دارای قلعه کوهستانی.

سیاه پشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی پشت کوه.

سیاه پیران کاشانی (سه پیران کاشانی): روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی بقعه آقا سه پیران و محل سکونت خاندان کاشانی.

سیاه پیران کسمایی (سه پیران کسمایی): روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور بقعه سه پیران و محل سکونت اهالی کسما.

سیاه تن Syahtun: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سر. سرزمین کوهستان خاموش.

سیاه جعفر (سیا جعفر): روستای دهستان لیسار بخش کرگانروان تالش. آبادی کوهستانی محل سکونت خاندان جعفر.

سیاه چال (صفرآباد – کند سر): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین کوهستانی دارای گودال.

سیاه چال (ارشاد محله): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. کوهستان دارای گودال.

سیاه خانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای چشمده کوهستانی.

سیاه خاله‌سر (سالی‌سر – صالح سر): روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی محل عبور رودخانه دارای آب سیاه و سخت به علت عبور آب از خاک‌های آغشته به ذغال..

سیاه خولک: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین پر از پرندۀ چکاوک کوچک. عده‌ای آن را سرزمین کوهستانی با چاله‌های فراوان می‌دانند.

سیاه درویشان: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سر. آبادی دراویش سیاه پوش یا سیاه چهره. عده‌ای آن را رودخانه سخت جوش می‌دانند. گروهی آن را تحریف شده سیاه درفشان یعنی سیاه پرچم داران می‌دانند.

سیاه دشت بن: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمین

دشت و صخره.

سیاه دول: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی کنار دره کوهستان صخره‌ای.

سیاه دوله: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمین دره سخت.

سیاه رودبار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی مجاور رودخانه‌ای که از کوهستان صخره‌ای آمده باشد.

سیاه رودپشتہ: روستای دهستان رستم آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. آبادی روی تپه پشت رودخانه.

سیاه رودکنار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده‌ای که رودخانه سیاه رود از آن می‌گذرد.

سیاه صوفیان: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. سرزمین کوهستانی که توسط خاندان صوفی آباد گردید.

سیاه کاربن: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. در اصل سیاه کاروان مکان پیدایش کاروان از دور است. زمین سیاه و خشک.

سیاه کت: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی کنار تخته سنگ‌های صخره‌ای.

سیاه کرد گوابر: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. جایگاه کوهستانی محل سکونت کردها.

سیاه کش: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی گوشه کوهستان.

سیاه کش: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی گوشه کوهستان.

سیاه کش: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی گوشه کوهستان.

سیاه کش: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی گوشه کوهستان.

سیاه کشان: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی بین کوهستان‌ها.

سیاه‌کل: شهرستان شرقی استان گیلان. سرزمین کنار آب و کوه مردان کوهستان. برخی آن را سرزمین دارای گل سیاه می‌دانند.

سیاه‌کلده: روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. آبادی مردمان کوه نشین.

سیاه‌کلرود: روستای دهستان سیاه‌کلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی مردمان کوه نشین کنار رودخانه.

سیاه‌کل محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاه‌کل. سرزمین مردمان کوه نشین.

سیاه کله: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین کوهستانی.

سیاه کوچه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای گذرگاه تاریک به علت وفور درختان.

سیاه کوه: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین کوهستان سخت.

سیاه کوه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین کوهستان سخت.

سیاه کوه: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین کوهستان سخت.

سیاه‌گل (بشکلی محله - سیاه‌کل): روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی دارای گل و لای سخت.

سیاه گل چال (سیاه گل چای): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد

رودسر. آبادی دارای گودال پر گل و لای.

سیاه‌گل وندان: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. سرزمین پر گل و لای.

سیاه گوراب بالا: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوهستانی بالای دارای میدانگاه فروش محصول.

سیاه گوراب پائین: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوهستانی پائینی دارای میدانگاه فروش محصول.

سیاه لات: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. آبادی روی صخره دشت آبرفتی رودخانه.

سیاه لرزه: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین کوهستانی هراسناک.

سیاه مرد: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین مردمان کوهی.

سیاه مرز گوابر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. جایگاه آباد با مرز کوهستانی.

سیاه مزگی: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی محل سکونت اهالی سیه مژگان.

سیاه منسه بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی بالای کوهستان فرح انگیز.

سیاه منسه پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی پائین کوهستان فرح انگیز.

سیاهه‌رود: روستای مرکز دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کنار رودخانه کوهستانی.

سیاه وزان: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی مورد وزش بادهای سرد کوهپایه ای.

سیاهونی: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین خاک‌های سخت و پر کلوخ.

قره دشت (قره داشت): روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش. آبادی دشت سیاه به علت تراکم درختان.

قره سوی: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. سرزمین رودخانه سیاه.

۳ - ۸ سبز: رنگ جنگل و بهار طبیعت گیاهان. در نام آبادی‌های زیر آمده است.

سبز علی‌سرا: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. دهکده‌ای که توسط خاندان سبز علی‌آباد گردید.

سبز کوه: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. آبادی در کوهستان سبز.

۴ - ۸ سرخ: رنگ آتشین و آلاله‌های قرمز. در نام آبادی‌های زیر آمده است:
آلان: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آل به معنی سرخ و آلان دهکده سرخ به علت وجود شقایق‌های وحشی قرمز می‌باشد.

آلمان: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین مکان رویش شقایق‌های قرمز وحشی.

آلمان: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. سرزمی مکان رویش شقایق‌های وحشی قرمز.

آلمان لنگه: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. سرزمینی که قسمتی از آن پراز شقایق‌های قرمز وحشی باشد.

آلیان: دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی و سرزمین آلاله‌های وحشی قرمز. سرزمین سرخ رویان.

سرخ تله (سرخ قله): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی نزدیک کوه سرخ.

۵- ۸ زرد: رنگ پائیز، در نام آبادی‌های زیر آمده است:

زرد دول: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال، آبادی قرار گرفته در دل دره.

زرد کام: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت، سرزمینی که هنگام خزان کاملاً زرد می‌شود.

زرد کش: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار، در اصل زرد کش به معنی مکان چادر زدن کولی‌ها می‌باشد. عده‌ای آن را سرزمین کوهستانی زرد می‌دانند.

۹- اسمی برگرفته از مشاغل و صنایع: تنوع مشاغل در نام آبادی‌ها نیز اثر داشته است. مشاغل در گیلان با توجه به طبیعت منطقه از تنوع خاصی

برخوردار می‌باشد. وجود جنگل موجب گرایش به شکار، وجود دریا موجب گرایش به صید، وجود مراتع موجب گرایش به دامپروری، وجود زمین حاصلخیز موجب گرایش به کشاورزی، وجود مرز موجب گرایش به تجارت و... گردیده است. گوناگونی مشاغل در نامگذاری روستاهای گیلان نیز اثر داشته و مهمترین مشاغلی که اسم آنها در نام آبادی آمده است عبارتند از:

آسیابان: کسی است که در کارگاه آرد کوبی کار میکند.

آهنگر: کسی که در صنعت فلز آهن و ساخت لوازم آهنی کار میکند.

اوتار: در منطقه تالش به ساز آلات و نوازندگان آن اطلاق می‌شود.

باغبان: کسی که در کار پرورش گل و گیاه باشد.

پیله ور: کسی که در کار پرورش کرم ابریشم و نوغان داری باشد.

چاربدار (چارودار): کسی که کار آن تیمار و تعویض اسب‌های چاپارخانه باشد.

چاروق دوز: کسی که کفش‌های محلی می‌دوزد.

چماقدار: در گذشته کسی بوده که کار آن دریافت عوارض مالیاتی بود.

چموش دوز: کسی که کار آن دوختن نوعی کفش به نام چموش بوده است.

چوب تراش: کسی که کار آن تراش چوب و صنایع دستی چوب باشد.

چوپان: کسی که کار آن نگهداری و پرورش گوسفند باشد.

حلاج: کسی که در کار پنبه زنی باشد.

خراط: کسی که کار آن فرم دادن به چوب و تهیه صنایع چوب باشد.

خطیب: خطابه گو، خطبه خوان، واعظ.

خیاط: کسیکه کار آن دوخت و دوز لباس باشد.

رشته خشکاری: کسی که کار آن تولید نوعی شیرینی مخلوط به نام رشته و خشکار باشد.

سفالگر: کسی که در کار سفال سازی و کوزه گری باشد.

شال باف: کسی که کار آن بافتن انواع شال باشد.

شکارچی: کسی که کار آن صید پرنده، دیگر جانوران باشد.

صیاد: کسی که به ماهی گیری به پردازد.

صیقل کار: کسی که کار آن جلا دادن به فلز بوده و در حالت مجازی به آهنگر گفته می‌شود.

قصاب: کسی که کار آن کشتار دام و فروش گوشت باشد.

قنااد: کسی که کار آن پخت و تهیه انواع شیرینی و فروش آن باشد.

کلاه دوز: کسی که کار آن دوخت و دوز کلاه و فروش کلاه باشد.

گالش: دامداران کوه نشین را گویند.

گاودار: کسی که کار آن پرورش و نگهداری گاو باشد.

لاک کار: کسی که در کار تهیه لاک چوبی (نوعی طبق چوبی) باشد.

مرزبان: کسی که کار آن پاسداری و حفاظت از مرز می‌باشد.

نازک کار: کسی که کار آن تهیه صنایع دستی چوبی ظرفیف باشد.

نانوا: کسی که کار آن تهیه و پخت نان باشد.

نعلبند: کسی که کار آن تهیه نعل اسب و نصب آن به اسب باشد.
نگهبان: کسی که کار آن پاسداری و حفاظت باشد.

آبادی‌ها: اماکنی که نام آن‌ها برگرفته از مشاغل می‌باشد عباتند از:
آسیاب دره: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی
مجاور دره‌ای که کارگاه آرد کوبی در آن قرار دارد. تبرستان
آسیا بز: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. روستای کنار کارگاه
آرد کوبی.

آسیابرگ: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. دهکده کنار آرد
کوبی.

آسیابرگ: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کنار آرد
کوبی.

آسیاب سر: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده
نزدیک آرد کوبی.

آسیاب سر: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. روستای مجاور
آرد کوبی.

آسیاب سران: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی
نزدیک آرد کوبی.

خانه‌های آسیاب: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. دهکده‌ای
که خانه‌های آن کنار آرد کوبی هستند.

آهندان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی
که سکنه آن پیشه ور آهن آلات هستند.

آهنگر محله: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده‌ای که
محی سکونت و پیشه آهنگرها می‌باشد

اوخار: روستای دهستان لیسار بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین سکنه ساز و نقاهه
چیان.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان ۱۰۷

اوتار محله: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی و محله سازونقاره زنان.

اوتار محله شیرآباد: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی ساز و نقاره زنان منطقه شیرآباد بزرگ.

بازارده گلbag: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. محل سکونت و پیشه پرورش دهندگان گل و گیاه.

بازارگان محله: روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی روسر. آبادی و سرزمین مردم تجات پیشه.

باغبانان: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه باغبان.

بز کویه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین باد خیز. عده‌ای آنرا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

بزگویه: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای روسر. سرزمین باد خیز ویامحل پرورش زنبور عسل.

بزگاه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مکان. عده‌ای آنرا سرزمین باد خیز و یا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

پاتاوان: روستای دهستان طاهرگوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل سکونت دوزندگان پاتاوه نوعی چموش دور پا برای حفاظت از خار و خس.

پلاسی: روستای دهستان چوبیر بخش حويق تالش. محله دوخت لباس بومی به نام پلاس.

پوستین سرا: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی مرکز بافت پوشاک پوستین.

پیشه ور: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده سکنه شاغل.

پیلام پستانک: روستای دهشتان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین پرورش پیله کرم ابریشم.

پیله باغ: روستای دهشتان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین و باغ

پرورش پیله کرم ابریشم.

پیله‌سرا: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مکان پرورش کرم ابریشم.

تازه‌آباد موزیان: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی سکنه موزیان محلی.

تلابنک: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین صخره‌ای محل پرورش مکان.

تلابنک (تلابن): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی صخره‌ای محل پرورش مرغ و خروس.

تلیسین (تلسین): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی تهیه کنندگان نوعی پارچه مشابه گونی.

تلیکان: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. ذهکده سازندگان نوعی کیف.

جمال آباد حلاج: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی رودبار. سرزمین آباد شده توسط خاندان جمال که پیشه پنبه زنی داشتند.

چاپار خانه: روستای مرکز دهستان چاپارخانه بخش خمام رشت. آبادی مکان تعویض اسبان در قدیم.

چاروق دوز محله (امام دوست محله): روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. ذهکده‌ای که سکنه آن چاروق (کفش محلی) می‌دوزند.

چماقستان: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. سرزمین ماموران چماقدار مالیاتی.

چماقستان: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین ماموران چماقدار وصول مالیات.

چموش دوزان: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی سکنه دوزندگان نوعی پاپوش به نام چموش

چوب تراشان: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی سکنه صنایع ظریف چوب.

چوب تراش محله: روستای دهستان رستمآباد شمالی بخش مرکزی روبار. آبادی که سکنه آن در صنعت چوب دست دارند.

چوپان محله: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروود تالش. دهکده‌ای که بیشتر سکنه آن چوپان باشند.

چورک موزان: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی نانوایان و تهیه کنندگان نان مزه دار، نان مرغوب، نان خوش مزه.

حلاج محله: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که بیشتر سکنه آن تداف (پنبه زن) می‌باشند.

خراط محله: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی و سرزمینی که اهالی آن در کار چوب و خراطی مهارت دارند.

خراط محله (متعلق محله): روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. آبادی که متعلق به سکنه خراط باشد.

خشکار سرا: روستای دهستان اوشیان بخش چاپکسر روسر. سرزمین ابتدای منطقه خشک نسبت به منطقه مرطوب. عده‌ای آن را مرکز تهیه شیرینی محلی به نام خشکار می‌دانند.

خشکار وندان: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی مرکز تهیه نوعی شیرینی محلی به نام خشکار. عده‌ای آن را آبادی سکنه خشت کار می‌دانند.

خطبه‌سرا: روستای مرکز دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروود تالش. آبادی مکان خواندن خطبه عقد در منطقه.

خطبیان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه واعظ.

خطبیان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی سکنه واعظ.

خطبیب گوراب: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین و

۱۱۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

میدانگاه سخنوران.

حمام: شهر و مرکز بخش خمام رشت. سرزمین سازندگان خم و کوزه سفالین.

خمپته اربوسرا: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. خم یعنی کوزه و پته یعنی انشاشتہ. آبادی فوق سرزمین کوزه‌های انشاشتہ از دوشاب خرمalo می‌باشد.

خمسرو: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه سرا آبادی سازندگان کوزه‌های سفالی.

خمیران: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. روستای محل سکونت کوزه گران.

خمیران: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه کوزه گر.

خمیر محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین سازندگان کوزه و سفال.

خمیر محله: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین سازندگان کوزه و سفال

خمیر محله: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین تهیه کوزه و سفال.

خمیر محله: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی سازندگان کوزه و سفال.

خنقچه: روستای دهستان پیربازار بخش مرکزی رشت. سرزمین مکان نگهداری قوچ.

خیاط محله: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی سکنه خیاط پیشه.

درز گری: روستای دهستان چوبه بخش حويق تالش. سرزمین شکاف

کوهستان. عده‌ای آن را آبادی سکنه خیاط می‌دانند.

درزی گواپر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی محل سکونت خیاط پیشه.

درزی محله: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که بیشتر سکنه آن خیاط باشند.

دواں کوه: روستای دهستان آلیان بخش سردا جنگل فومن آبادی مجاور کوهستان که سکنه آن در تهیه نوعی گیوه به نام دواں شهرت دارند. عده‌ای آن را سرزمین کمریند کوه می‌دانند.

رزوان: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی نگهبانان باغ انگور. عده‌ای آن را سرزمین نگهبانان شالیزار می‌دانند.

سراوان: روستای مرکز دهستان سراوان بخش سنگر رشت. آبادی سر آب. یعنی آب نسبت به بقیه آبادی‌ها زودتر به آن می‌رسد. عده‌ای آن را سرزمین سکنه نگهبانان می‌دانند.

سیاوان محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی محل نگهبانان کوهستان.

شالکو (شالکوه): روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی محل سکونت شال بافان معنی. عده‌ای آن را سرزمین شغال‌ها می‌دانند.

شالکه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی کوهستانی محل سکونت اقوام شال. عده‌ای آن را محل سکونت شال بافان می‌دانند.

شاندرمن: شهر و مرکز بخش شاندرمن ماسال. سرزمین تولید و پرورش زنبور عسل.

شاندرمن محله: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. سرزمین محل سکونت اهالی کوچ کرده از شاندرمن.

شانکاور Shanekavar: روستای مرکز دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و سرزمین پر از پرندۀ شانه بسر. عده‌ای آن را سرزمین

زنبور داران می‌دانند.

شکار سرا: روستای دهستان بلسبن بخش کوچصفهان رشت. دهکده‌ای که خانه شکارچیان موجب آبادی آن گردید.

شکالم (شکاکم): روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی تپه‌ای محل بافندگان پارچه‌های درشت بافت.

شلکه بانان: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. دهکده کوهستانی محل سکونت نگهبانان قوم شال.

شولم: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین محل سکونت بافندگان نوعی پوشک به نام شوله. عده‌ای آن را محل سکنه قوم شول می‌دانند.

شوله: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین محل سکونت قوم شول که از فارس کوچ نموده‌اند. عده‌ای آن را مکان بافندگان شوله نوعی بالا پوش شبانه برای چوپانان می‌دانند.

صیقلان: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی محل کار و سکونت آهنگران و صیقل گران.

صیقلان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل کار و سکونت آهنگران و صیقل گران.

صیقلان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی محل کار و سکونت آهنگران و صیقل گران.

صیقلان ورزل: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی کنارکوه محل کار و سکونت آهنگران و صیقل گران.

صیقل بنه: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی محل کار و سکونت نعلبندان.

صیقل ۵۵: روستای دهستان دهگاه بخش کیا شهرآستانه اشرفیه. دهکده محل کار و سکونت آهنگران و صیقل گران.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان ۱۱۳ /

صیقل ده: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی زیبای جغرافیایی و محل کارآهنگران و صیقل گران.

صیقل سرا: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی محل کار و سکونت آهنگران و صیقل گران.

صیقل سرا: روستای دهستان دینا چال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی سکنه آهنگر و صیقل گران.

صیقل وندان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی منسوب به آهنگران و صیقل گران.

عوض لر صیاد لر (عیوض لر صیاد لر): روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستانه. آبادی محل سکونت طایفه عیوض که صیاد باشند.

قصاب سرا: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده‌ای که دارای کشتارگاه باشد.

قصاب علی سرا: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی محل سکونت قصاب علی.

قصاب محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. دهکده محل سکونت خاندان قصاب.

قصاب محله: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که محل سکونت خاندان قصاب باشد.

قندی سرا: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی سکنه قناد. کر باسد: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی مرکز تهیه کرباس.

کریاس سرای سفلی: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی پائینی سکنه بافت‌گان کرباس.

کریاس سرای علیا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی بالایی سکنه بافت‌گان کرباس.

کرگان: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی کهن. عدهای آن را آبادی محل پرورش مرغ می‌دانند.

کرده: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده محل تولید ابریشم نامرغوب. برخی آن را کیژده یا کیش‌ده سرزمن شمشاد می‌دانند.

کلاهدوز محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده سکنه کلاهدوز.

کلکاسرا: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی محل پرورش مرغ. برخی آن را آبادی ساخت وسایل تهیه نیشکر می‌دانند.

کلوس فروش-Kolosfrush: روستای دهستان دشتولی بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی فروشنده‌گان اسب. عدهای آن را سرزمین هیزم فروشان می‌دانند. آبادی مکان فروشنده‌گان سبزی معطر نیز می‌باشد.

کلیشیم-Kalishom: روستا مرکز دهستان کلیشیم بخش عمارلو رودبار. آبادی و محل پرورش زنبور عسل. عدهای آن رادر واژه ورودوتنگه عبور به نقاط دیگر می‌دانند.

کنفگوراب: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی و سرزمین محل تولید و فروش محصولات کنفی.

گالش خاله: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. سرزمین دامداران کوه نشین کنار رودخانه.

گالش خیل: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین و اردوگاه دامداران کوه نشین.

گالش خیل: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین اردوگاه دامداران کوه نشین.

گالش زمین: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دامداران کوه نشین.

گالش کلام: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی

پشته بلند محل سکونت دامداران کوه نشین.

گالشکلام لیلا کوه (میان‌سرا - بالاسرا): روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی لیلا کوه که محل سکونت دامداران کوه نشین باشد.

گالش گاچه: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی کتار آغل تابستانی دامداران کوه نشین.

گالش محله: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. سرزمین دامداران کوه نشین.

گالش موشا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دامداران کوه نشین که موش زیاد باشد.

گاو کوه (گاکو): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کوهستانی محل پرورش گاو.

گاو ماست: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی دامپروران و تولید کنندگان مواد لبنی.

گاو میشبان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی و سرزمین مکان پرورش گاو میش.

گروف: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. در اصل گروو به معنی محل چوراب بافی.

گسگره (گسکره): روستای دستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی و سرزمین کاسه گران و کوزه گران

گل افزان: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه پرورش دهنده گل و گیاه.

گلبازو: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. آبادی سکنه گل باز و باغبان.

گلیورز (کلورز - کیورز): روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار.

آبادی سکنه سازنده ظروف گلی.

گوشت پزان: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی محل سکونت طباخ‌ها.

گوکه: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین مجتمع کوهستانی محل نگهداری گاو.

گوگاه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روتسه، آبادی جایگاه پرورش گاو.

گوگاه: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد روتسه، آبادی جایگاه پرورش گاو.

لافندسر: روستای دهستان دشتوبیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روتبار. آبادی سکنه طناب باف.

لاکاران: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. در اصل لاک کاران یعنی آبادی سکنه سازنده طبق چوبی.

لاکان: روستای مرکز دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. سرزمین سرخ. عده‌ای آن را محل سکونت اقوام لک می‌دانند. برخی آن را مکان سکنه سازنده لاک نوعی طبق چوبی می‌پنداشند.

لیالستان: روستای مرکز دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین چوبانان.

لیا لمان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین چوبانان.

لیا ول وسطی (لیاول سفلی): روستای دهستان دلفک بخش خورگام روتبار. (لیا = چوبان) و (ول = شعله) می‌باشد. بنابراین سرزمین شعله چوبانان پائینی.

لیا ول علیا: روستای دهستان دلفک بخش خورگام روتبار. سرزمین شعله چوبانان بالایی.

مالوان: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین نگهبان دامها.

میان گسکر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی میان سرزمین کاسه گران.

میه کومی (میه کومه): روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. در اصل ماهی کومه سرزمین خانه‌های ابتدایی ماهی گیران.

نازک‌سره: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشترفه. آبادی سکنه صنایع طریف چوبی.

واندار کش: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین نگهبانان در کوهستان.

وانگاه: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین نگهبانان.

۱۰- اسامی برگرفته از افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی: هر چند که افسانه‌ها دور از واقعیت می‌باشد اما در نام برخی از روستاهای این باور جایگزین شده است. آبادی‌های معروف که نام آن‌ها با افسانه در ارتباط می‌باشد عبارتند از: آهندان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. روایت بر این است که پس از فتح لاهیجان توسط سلاطین کیایی روستای مزبور محل ساخت وسایل جنگی آهنی مانند شمشیر، زره، کلاه خود، سپر و... بود. کارگاه ساخت این وسایل در قسمت شرقی بالای کوهی قرار داشته و انعکاس نور خورشید از این وسایل مانند آینه عمل می‌نمود به همین دلیل آنجا را آینه بندان نامیدند که با گذشت زمان به آهندان تبدیل گردید.

بندر انزلی: شهر و شهرستان ساحلی گیلان. بنا به روایات دو برادر ترکمن به نام‌های ازان و غازان در گذشته دور به این منطقه آمده بودند و ازان آبادی انزلی را بنا نهاد و غازان آبادی غازیان را بنا نهاد.

جبرئیل محله: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. برخی را عقیده

بر این است که جبرئیل در این محل چند بار نزول نموده است.

خرما: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. در گذشته دور خری در این مکان مفقود می‌گردد. اهالی محل اسم محلی را که خر در آنجا مفقود شده بود خر گم می‌گذارند. پس از مدتی دم خر کمی دورتر پیدا می‌شود اهالی محل اسم این مکان را خر دم می‌گذارند. بعد از چند روز کمی دورتر پالان و پشته خر پیدا می‌شود اهالی محل اسم این مکان را خر پشت می‌گذارند. امروزه مجموع سه محله خرگم و خردم و خربشت آبادی خر ما را تشکیل می‌دهد. برخی نیز آن را به خرامه زن بابک خرم دین نسبت می‌دهند.

دیز بن: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای دارای قلعه قدیمی. بنا به روایات توسط دزد حرامزاده‌ای اموال سرقت شده از مردم را در مغاره‌ای پنهان می‌نمود. تاجری که از سرقت اموالش به تنگ آمده بود در چند صندوق تعدادی مار گزنده قرار داده و از گذرگاه این دزد عبور می‌کند. دزد پس از دستبرد از تاجر صندوق‌ها را به داخل مغاره خود برد و پس از باز کردن صندوق‌ها توسط مارها کشته ئمی شود و مردم از شر دزد رهایی یافته اسم محل را دزد بن یا دیز بن می‌گذارند.

دیو دره: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. در واقع یک دره بزرگ می‌باشد. عده‌ای را تصور بر این است که در این دره موجودات موهومی یعنی دیوها زندگی می‌کنند.

دیو شل: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. عده‌ای را عقیده بر این است که این تپه محل زندگی دیوهای با پای معیوب و لنگ می‌باشد.

کوشال شاد (کوشال شاه): روایت بر این است که در زمان قدیم شاهان و اربابان برای گرفتن باج و خراج، مباشران خود را به روستا می‌فرستادند تا از گاو و گوسفند و سایر محصولات دامی روستاییان سهم شاه را دریافت نماییند. در این روستا پیرزنی یک بُز لاغر داشت که آن را به مباشران داد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۱۹

مباشران به او گفتند که این شال است (یعنی لاغر مثل شغال است). پیرزن گفت کو شال شاه بینه، یعنی کدام شغال را شاه می‌برد، او فقط گاو و گوسفند و حیوانات اهلی را می‌برد. از آن تاریخ به بعد این مکان به کوشال شاه معروف گردید.

لاچوان: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. دو روایت در مورد نام لاچوان وجود دارد.

۱= در گذشته دور که اهالی منطقه از دین یهود پیروی می‌کردند یک زن نازا به نام لچک خاله یا لچک بان در این مکان زندگی می‌کرد که صاحب کراماتی بوده است. مردم محل برای حل مشکل خود لچک یا روسربی این زن را مدتنی به عاریت گرفته و به روسربی خود می‌بستند تا مرادشان بر آورده شود. با گذشت زمان این مکان به لچکبان و لاچبان و لاچوان تبدیل گردید.

۲= در زمان قدیم حاکمی که در بین فرزندان او دختر زیبایی به نام لاچین بود و هنگام عبور از این مکان بر اثر بی‌احتیاطی، دختر همراه شتر خود غرق می‌شود و اطرافیان حاکم نیز که برای نجات او اقدام می‌کنند غرق می‌شوند. به دستور حاکم نام این محل را به نام دختر او لاچوا می‌گذارند.

لشت نشا: شهر و بخش رشت. لش در نشاء از افسانه‌های تاریخی مردم این منطقه است. در روزگار قدیم مردم این ناحیه بفکر انتخاب حاکم افتادند و دلاوری به نام مروان را بعنوان حاکم برگزیدند. بتدریج مروان شروع به آزار و اذیت مردم نمود و حتی دستور داد که زنان در مزارع برنج لخت کار کنند تا او بتواند با دیدن آنها یکی را به همسری انتخاب نماید. زنان ده گفتند هنگامیکه ما در شالیزار مشغول کار هستیم حاکم باید به شالیزار بیاید. در روز موعود پس از ورود حاکم و دستیارانش، زنان روستایی گلوله‌هایی از گل را به طرف حاکم و اطرافیان او پرتاب کردند بطوریکه همه کشته شدند و جسد آن‌ها در میان نشاهای برنج گیر کرده بود و بدین ترتیب افسانه لش در نشا پایی گرفت

مبارک آباد: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. این محل پس از خریداری شدن توسط حاج آقا کوچصفهانی بطور دائم به او مبارک باد می‌گفتند و در اثر تکرار جمله مبارک باد نام روستا را مبارک آباد نهادند.

میر محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. در قدیم این محل مکان سادات بوده و بسیاری از شیوخ در آن زندگی می‌کردند. روزی عده‌ای راهزن به مکان فوق حمله می‌کنند در هنگام چپاول یکی از غارتگران از دیوار خانه سیدی بالا می‌رود تا در را باز کند. سیدیسته چپاولگران می‌گوید مگر نمی‌بینی که صدای خوش قرآن از این خانه بگوش می‌آید و آن راهزن را از رفتن به آن خانه باز داشته و اورا تنبیه می‌کند. بدین ترتیب اهالی نام محل را به میر محله تبدیل می‌نمایند.

نقوت: از روایات برمی‌آید که در این محل چشمه‌ای با آب صاف و زلال بوده که نیازی به فوت کردن جهت بیرون کردن ذرات آشغال نداشته است و هنگامی که از آب این چشمه به کسی داده می‌شد نیازی به فوت کردن نبود. یعنی می‌گفتند نه فوت (فوت نکن).

۱۱- اسمی برگرفته از نام‌های مذهبی: این اسمی شامل آقا، امامزاده بقعه، پیر، سید، شیخ، مسجد، میر ملا و... می‌باشد.

۱- ۱۱ آقا: به معانی سرور، سید، بزرگ، امیر، رئیس در نام آبادی‌های زیر آمده است:

آقا جان محله: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. محله و سرزمین آقا بزرگ.

آقا سید حسن: نام دیگر دموچال روستای دهستان رود بنه بخش رودبنه لاهیجان. مجاورت با زیارتگاه موجب این نام گردیده است.

آقا سید شریف: نام دیگر روستای کتیگر که به علت مجاورت با زیارتگاه آقا سید شریف به این نام معروف شد.

آقا سید یعقوب: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. وجود زیارتگاه

آقا سید یعقوب فرزند امام موسی موجب این نام گردید.

آقا علی سوا: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. دهکده‌ای که عمران و آبادی آن از خانواده آقا علی بود.

آقا محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمین محل سکونت آقا نام.

آقا محله بهمیر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین محل سکونت آقا نام در منطقه بهمیر بزرگ

آقا نور سه تن: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. وجود زیارتگاه آقا نور سه تن موجب چنین نام گردیده است.

۲ - امام زاده: آرامگاه فرزندان و نوادگان امام‌ها بوده و در نام آبادی‌های زیر آمده است:

امام زاده ابراهیم: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. وجود آرامگاه امام زاده ابراهیم در این آبادی موجب چنین اسمی گردیده است.

امام زاده اسحاق: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. وجود زیارتگاه امام زاده اسحاق در آبادی موجب انتخاب این نام گردیده است.

امام زاده تقی: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. وجود آرامگاه امام زاده تقی موجب انتخاب این نام شده است.

امام زاده شفیع: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. قرار گرفتن بقعه امام زاده شفیع در آبادی موجب انتخاب این اسم گردیده است.

امام زاده هاشم: روستای دهستان سراوان بخش سنگر رشت. وجود آرامگاه امام زاده هاشم در آبادی موجب این نام گردیده است.

امام زاده هاشم: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. قرار گرفتن آرامگاه امام زاده هاشم در آبادی موجب این نام گشته است.

۳ - یا با: به معنی مرد مذهبی و مورد احترام. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

۱۲۲ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

باباجان دره: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. وجود زیارتگاه آقاسید کاظم در دره موجب چنین نام شده.

بابارکاب: روستای دهستان چوبربخش احمدسرگوراب شفت. آبادی مزار بابا رکاب که رکابدار امام زاده ابراهیم بوده.

باباعلی: روستای دهستان چلوند بخش لوند ویل آستان. آبادی به نام بقعه سید محمد دوست معروف به باباعلی.

باباکوه: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین کوهستانی مقدس.

بابا لومحله: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی و سرزمین مجاور مزار مذهبی.

بابا ولی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده‌ای که مزار بابا ولی در آن قرار دارد.

۴ - ۱۱ بقعه: مقبره افراد مذهبی مورد احترام. در نام برخی آبادی‌ها آمده است:
باد بقعه: نام دیگر آبادی کفته رود مکان مدفن آقا سید صالح نوہ امام موسی کاظم.

۵ - ۱۱ پیر: به معانی کهن‌سال. مسن. عابد. مرد مذهبی در نام آبادی‌ها آمده است:

پیر بازار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. بازار منسوب به پیر حسن از شیوخ دوره صفوی.

پیر بست لولمان: روستای مرکز دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای بست قدیمی در سرزمین کولی‌ها.

پیرپشته: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی تپه قدیمی.

پیرده: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده‌ای که بقعه آقا پیر باقر در آن قرار دارد.

پیر ده: نام دیگر پیشده فومن.

پیرده شفت: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی به جا مانده از قدیم در منطقه شفت.

پیرسرا: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین قديمي.

پیرسرا: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش رودبار آبادی و سرزمین پیر خیر الدین.

پیرسرا: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال روستایی که در آن مزار یک پیر مذهبی به نام شاه امیر قرار دارد.

پیرسرا: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. سرزمین بقعه یک پیر مذهبی.

پیر علی ده: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی منسوب به پیر علی که موجب رونق منطقه گردید.

پیر کلاچاه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی مجاور گودال بقعه آقا پیر علی.

پیر کوه سفلی: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی بالای کوهستان قدیمی.

پیر کوه علیا: روستای مرکز دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی پائین کوهستان قدیمی.

پیر مامسرا: نام دیگر پیر مومن‌سرا.

پیر محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین قديمي.

پیر موسی: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی منسوب به پیر موسی از معتمدان محلی.

پیر مومن‌سرا (پیر مامسرا): روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی منسوب به پیر حسن مومن

پیر هرات: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. روستایی که مزار پیر هرات در آن قرار دارد.

۶- ۱۱ خدا (الله): نام خدا بصورت الله و ایزد در برخی از آبادی‌ها آمده است:
الله بخش محله: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر.
سرزمینی که خدا بخشیده باشد.

الله ده: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که در آن نشانه‌های بارز خدا آشکار باشد.

ایزد بن (ایزن - ازدین Izden): روستای دهستان شوئیل بخشی رحیم‌آباد روتسرو. سرزمین خدایی.

خدا شهر: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که به علت بزرگی خودش شهر گفته می‌شود.

۷- ۱۱ سادات: جمع کلمه سید. در گیلان دوره خاصی از تاریخ سادات حمکرانی داشتند. در آبادی‌های زیر از نام سادات استفاده گردیده است.

سادات محله: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. دهکده سکنه سادات.

سادات محله: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. دهکده محل سکونت سادات.

سادات محله: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده سکنه سادات.

سادات محله: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. دهکده محل سکونت سادات.

سادات محله: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی سکنه سادات.

سادات محله: نام دیگر رعیت محله.

سادات محله (بیجايه): روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی

لاهیجان، آبادی محل سکونت سادات.

سادات محله (شاه مراد محله): روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده سکنه سادات خاندان شاه مراد.

۸- ۱۱ سید: به معانی آقا، سرور. بازماندگان نسل امامان. در آبادی‌های زیر آمده است:

سیدآباد: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن، سرزمین آباد شده توسط خاندان سید و یا خاندان سعید.

سیدسر: روستای دهستان شیرجویشت بخش رودبنه لاهیجان، آبادی محل سکونت سیدها. برخی آن را سر صید گاه می‌دانند.

سیدسره: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه سیدها. عده‌ای آن را صیدسره می‌دانند.

سید لر: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی سکنه سادات. برخی آن را مکان صید می‌دانند.

سید محله: روستای دهستان شیر جو پشت بخش رودبنه لاهیجان. دهکده‌ای که بیشتر افراد آن سید باشند.

سید محله: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. دهکده‌ای که بیشتر اهالی آن سید هستند.

سید محله: نام دیگر لیپا.

سید محله شیرآباد: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. دهکده محل سکونت سیدها در منطقه شیرآباد بزرگ.

۹- ۱۱ شیخ: پیشوای دینی اهل سنت. سالم‌مند مذهبی. پیر مذهبی. در آبادی‌های زیر آمده است:

شیخآباد (شیخ محله): روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. دهکده‌ای که توسط یک شیخآباد گردید.

شیخان گفشه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. سرزمین محل

سکونت شیوخ در منطقه گفشه.

شیخ زاهد محله: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی محل سکونت پیر زاهد.

شیخ سرا: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی محل سکونت شیوخ محل.

شیخ علی بست: روستای دهستان اسلام آباد بخش سنگر رشت. دهکده‌ای که سد محلی آن با هزینه شیخ علی به اتمام رسید.

شیخ علی توسه: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی پر از درخت توسکا که متعلق به خاندان شیخعلی باشد.

شیخ علی کلایه: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی محل سکونت خاندان شیخ علی.

شیخ علی محله: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی محل سکونت شیخ علی.

شیخ محله: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی محل سکونت شیخ محل.

شیخ محله: روستای دهستان ساحلی جوکدان بخش مرکزی تالش. آبادی محل سکونت ملای منطقه.

شیخ محله: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی محل سکونت شیخ اهل سنت.

شیخ محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی محل سکونت ملای محل.

شیخ محله: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی مکان سکونت شیخ محل.

شیخ محله: نام دیگر شیخ‌آباد.

شیخ نشین: روستای مرکز دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی

محل سکونت شیخ اهل سنت.

عین شیخ: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده سکنه شیوخ.

۱۰- ۱۱ مسجد: محل عبادت. در نام آبادی‌های زیر آمده است:

آق مسجد (پش اولر): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. به معنی آبادی دارای مسجد با دیوار سفید. در گذشته این مکان به آبادی با پنج خانه سفید معروف بود.

آق مسجد (روینه): روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌مند رضوانشهر. به معنی آبادی دارای مسجد با دیوار سفید.

خشت مسجد: روستای مرکز دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی دارای مسجد با دیوارهای آجری.

خشت مسجد: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای مسجد و بقعه آقا سید دانیال با دیوار آجر.

مسجد پیش: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کنار مسجد.

مسجد قباقی: روستای دهستان چوبیر بخش حويق تالش. قباقی چوب بلندی است که بالای آن دارای حلقه باشد. مسجد قباقی چنین چوبی را در روی گنبد خود دارد.

۱۱- ملا: به معانی پیشوای معلم، استاد، رهبر دینی، صاحب مکتب خانه در نام آبادی‌های زیر آمده است:

ملا باغ: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمینی که باغات آن متعلق به یک ملا باشد. عده‌ای آن را آبادی نزدیک باغ ملا میدانند.

ملاسرا: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای مکتب خانه.

ملاسره: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی دارای مکتب خانه.

ملاسره: روستای مرکز دهستان ملاسره بخش مرکزی شفت. آبادی محل مکتب خانه آقای محبی.

ملا محله: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش آبادی دارای مکتب خانه.

ملامحله: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی محل سکونت ملای محل.

ملامحله: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی دارای مکتب خانه.

ملامحله: نام دیگر دوبخش.

ملامحله چهل ستون: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای مکتب خانه کنار بقعه چهل ستون

۱۲-۱۱ میر: به معانی سید. اقا. بزرگ. ریش سفید. شیخ. خواجه. کدخدای نا آبادی‌های زیر آمده است:

میرسرا: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی سکنه سادات.

میرک محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی کوچک سکنه سادات.

میر محله: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه شیوخ و سادات.

میر محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه سادات

میر محله: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی سکنه شیوخ

میر محله: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. دهکده شیوخ نشین.

۱۲- اسامی برگرفته از تحریف و مخفف: بسیاری از نام‌ها در طول زمان دچار تغییرات و تحریف گردیده‌اند. در نام روستاهای گیلان نیز این تغییر و تحریف وجود دارد.

آزار بن سفلی: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آزار کلمه تحریف شده آزاد بوده و معنی نام روستا سرزمین درختان آزاد پائینی.

آزار بن علیا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آزار کلمه تحریف شده آزاد بوده و معنی نام روستا سرزمین درختان آزاد بالایی.

آزارستان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آزادستان یعنی آبادی و سرزمین محل رویش درخت آزاد.

آزارستانک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آزادستانک آبادی و سرزمین کوچک پر از درختان آزاد.

آزارستانکی: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین کوچک مکان رویش درختان آزاد. عده‌ای آن را محل سکونت اولیه افراد اذیت گر در قدیم می‌دانند.

بارگوسوا: روستای دهستان شیرجویشت بخش رودبنه لاهیجان. در اصل باروت کوب‌سرا محل باروت کوب سازی است.

بازکیا گوراب: روستای مرکزدهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و میدانگاه محل بازی خاندان کیا.

بداب: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین دارای بد آب نامرغوب و پر تلاتم.

برمچه بالا محله **Barmacha**: روستای دهستان کته‌سر بخش خمام رشت. آبادی بالایی بر مسجد.

برمچه پائین محله (برمچه قوام): روستای دهستان کته‌سر بخش خمام رشت. آبادی پائینی کنار مسجد قوام.

بنکسر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده سر بنگاه یا بنکداری محل. عده‌ای آن را بنگه‌سر به معنی سرمحل بریدن یا پشم چینی آورده‌اند.

پاچکنار (پا کنار): روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. در اصل پای چال کنار یعنی آبادی کنار گودال مخصوص کوفتن برنج می‌باشد.

پاچنار: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. آبادی پای درختان چنار.

پالوته (بلوط): روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین پراز درختان بلوط.

پلختار: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. تحریف واژه پلخدار سرزمین پراز درخت سپیدار.

پنجاه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. در اصل پنج جا به معنی روستایی که از پنج محله تشکیل شده می‌باشد.

تکرم Takaram: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. در اصل تک رمه سرزمین مکان پرورش یک نوع دام است.

تنازارود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاھیجان. تنها از رودخانه.

جماكوه Jamakuh: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. تحریف کلمه جنب کوه یا کنار کوه. عده‌ای آن را سرزمین جمع چند کوه می‌دانند.

چلارس Chalaras: روستای دهستان املش شمالی بهش مرکزی املش. محل سکونت قبیله چل از منطقه البرز. عده‌ای آن را سرزمین نوعی انگور می‌دانند که مدت رسیدن آن چهل روز باشد.

چو فلکی (چفلکی): روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی چوب و فلک. زیرا در قدیم جرمیه هر جرمی در این آبادی چوب و فلک بود.

دوست کوه: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. تحریف کلمه دوزد کوه یا پناهگاه کوهستانی دزدان.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۳۱

دوست لات: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. در اصل دوزد لات آبادی و سرزمین دشت آبرفتی محل دزدان و راهزنان بود.

دیز کوه: روستای دهستان رستمآباد شمالی بخش مرکزی روبار. در اصل دیگ کوه دهکده کوهستانی دارای حفره‌های دیگ مانند.

رادارپشته: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. در اصل راه دارپشته آبادی قرار گرفته در مسیر پشت تبه درختان است.

رادار کومه: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی راه دار کومه یعنی به طرف خانه روستایی.

رانکوه: شهر و مرکز بخش رانکوه املش. سرزمین روی آن کوه. عده‌های آن را رویان کوه به معنی کوه حد و مرز گیلان و مازندران می‌دانند.

فتح کوه: روستای دهستان رحمتآباد بخش رحمتآباد و بلوکات روبار. در اصل پتکوه سرزمین کوهستانی پت و پهن

فخب Faxab: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. در اصل فخ آب شکارگاه آبی می‌باشد. عده‌ای آن را سرزمین رودخانه پر پیچ و خم می‌دانند.

کومله: شهره بخش لنگرود. کوه سبز. کوه ماله یعنی اثر باقیمانده از سیزی‌های کنار کوه.

گاویه (امام ده): روستای دهستان شیر جو پشت بخش روبدنه لاهیجان. برگرفته از نام گانوک آلمانی همرزم میرزا کوچک خان. دهکده محل سکونت پیشوای مذهبی.

گتک سرا: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. در اصل کتک‌سرا آبادی مکان کتک کاری و دعوا.

لیلا کوه: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. در اصل لیل کوه یعنی سرزمین کوهستانی پراز درختان لیلکی.

مثلما کوه: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. مخفف جمله مثل این کوه.

مطالع سرا: روستای دهستان چوپر بخش حويق تالش. در اصل مو تاله سرا سرزمین کوهستانی اقبال من.

نصور محله (منصور محله): روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش. سرزمین آباد شده توسط خاندان منصور.

نقره ده: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. در اصل نقاره ده مکان موزیک زدن است.

واقعه دشت: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه سرا. در اصل واق دشت سرزمین قور باقهها است.

وسمه جان: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. در اصل وشمہ جان به معنی شهر و سرزمین بلدرچین می‌باشد.

هرزل کوه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. در اصل هر ضلع کوه دهکده‌ای که از هر طرف به کوه ختم شود.

هنزنی Hinzini: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. سرزمین هنزو نیزار.

هنزنی بالا: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. سرزمین بالایی که هنوز نیزار باشد.

۱۳ - اسامی برگرفته از اماکن نظامی و دفاعی: سرزمین گیلان از گذشته دور مکان جنگاوران بوده و این امر موجب ساخت و سازهای دفاعی در برابر دشمنان می‌گردید. از این نظر نام برخی از آبادی‌ها متأثر از واژه‌های نظامی است:

باز قلعه اکبر: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. آبادی دارای قلعه بزرگ و بدون حصار.

باز قلعه ملک (باز قلعه پائین): روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی دارای قلعه بدون حصار متعلق به حاکم منطقه.

جمال آباد نظامی وند: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. آبادی عمران یافته توسط خاندان جمال واگذار شده به منطقه نظامی.

جنگ سرا: روستای دهستان اوشیان بخش کلاچای رودسر. آبادی و سرزمین جنگاوران. برخی آن را جنگل سرا می‌دانند.

جنگ میره: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین جنگ برای خودم.

قلعه: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستانه آبادی دارای قلعه‌ای به نام عنبران.

قلعه بین: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی دارای قلعه.
قلعه بین: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی مجاور قلعه.

قلعه بین یوردی: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین دارای قلعه.

قلعه چال: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی مجاور قلعه‌ای که در گودال بزرگ قرار دارد.

قلعه دوش (قلعه چین): روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی دارای قلعه کتف مانند.

قلعه رودخان: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور قلعه تاریخی حسامی.

قلعه زا (گلزا): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. دهکده دارای قلعه.

قلعه کل: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی دارای قلعه روی تپه.

قلعه گردن: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دارای قلعه روی گردنه مسیر.

قلعه گل: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی دارای قلعه گلی.

۱۴ - اسامی تغییر یافته پس از انقلاب اسلامی: بعد از پیروزی انقلاب با توجه به فراخور تحولات اجتماعی جهت حذف کلمه شاه و کلمات ناپسند نام برخی از آبادی‌ها تغییر داده شد که به علت تصمیم عجولانه بعضی از تغییرات دزست نبوده است. آبادی‌هایی که نام آن‌ها تغییر کرده عبارتند از:

آزاد محله: نام جدید طاهر بیک محله بخش اسلام.

آغوز چال: نام جدید آغوز گوش سیاهکل.

ارشاد محله: نام جدید سیاه چال.

اسلام آباد: نام جدید شاقاجی بخش سنگر.

اسلام آباد: نام جدید روهام بیک محله بخش اسلام.

اسلام آباد: نام جدید زرنگ محله بخش خمام.

اسلام آباد: نام جدید پایین شاهده لاهیجان.

اسلام آباد: نام جدید شاه نشین بخش احمدسر گوراب.

اسلام آباد ده بالا: نام جدید بالا شاهده لاهیجان.

البرز: نام جدید دعوای لات املش.

امام دوست محله: نام جدید چاروق دوز محله بخش رومنه.

امام ده: نام جدید گاویه بخش رومنه.

بیجار بنه پایین: نام جدید آبنجاعی لاهیجان.

تولمشهر: نام جدید بازار جمعه بخش تولم.

چوشادستان: نام جدید چوشاهستان آستانه اشرفیه.

شاد بندri: نام جدید شاه بندri آستانه اشرفیه.

شاد خال: نام جدید شاه خال شفت.

شاد دهسر: نام جدید شاه دهسر بخش رومنه.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۳۵

شاد راج سفلی: نام جدید شاه راج سفلی بخش رحیم آباد.

شاد راج علیا: نام جدید شاه راج علیا بخش رحیم آباد.

شاد کلایه: نام جدید شاه کلایه بخش کومله.

شادکوه: نام جدید شاه کوه رضوانشهر.

شاد گلدی محله: نام جدید شاه گلدی محله بخش چابکسر.

شاد مراد محله: نام جدید شاه مراد محله بخش چابکسر. تبرستان

شاد مراد محله: نام جدید شاه مراد محله بخش کلاچای.

شاد ملک بره: نام جدید شاه ملک بره بخش دیلمان.

شاد میل لرzan: نام جدید شاه میل لرzan بخش کرگانرود.

شاد نشین: نام جدید شاه نشین بخش احمدسرگوراب.

شاغولا: نام جدید شاه قلعه آستارا.

فتمه‌سر: نام جدید فضلله محله.

کوشال شاد: نام جدید کوشال شاه لنگرود.

گل چال: نام جدید دموچال بخش روتبنه.

لتین پرد: نام جدید امرو گونل بخش سردار جنگل.

ملت‌سرا: نام جدید شادسرا یا شاهسرا بخش روتبنه.

نشاط: نام جدید نشاش بخش اطاقور.

۱۵- اسامی برگرفته از فصول سال: یعنی بهار، تابستان، پائیز و زمستان

بهارستان: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی و سرزمینی که همواره آب و هوای بهاری دارد.

تابستان نشین: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی و محل سکونت تابستانی.

۱۶- اسامی بر گرفته از کانی‌ها: برخی از ماود معدنی در نام آبادی‌ها آمده است مثل: طلا. نقره. آهن. سنگ.

آهکلان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. مکان و معدن آهک.

آهندان: روستای مرکز دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی که سکنه آن پیشه ور آهن آلات می‌باشند.

سفید سنگان (اسپی سنگن): روستای دهستان آیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی دارای صخره و سنگ‌های روش.

سنگاجین: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی افاده به تحجیر می‌کند و دارای دیواره سنگی در منطقه‌ای که اغلب دیوارها لوله گیاهی بودند می‌باشد.

سنگ بن: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین سنگ زار.

سنگ بنگ: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دارای نشانه‌های سنگی.

سنگ بیجار: روستای دهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که در شالیزارهای آن سنگ باشد.

سنگ بیجار بست بهمیر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار بست محلی که در شالیزارهای آن سنگ باشد.

سنگ تاش: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی روی سازه صخره‌ای.

سنگ جوب: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگ ده (ساله): روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده سنگلاخ

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۳۷

سنگرود: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگسرا: روستای دهستان اطاویربخش اطاویر لنگرود. سرزمین صخره‌ای.

سنگ سرگ: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. آبادی کنار قطعه سنگ بزرگ.

سنگرود: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگسرود: روستای دهستان اشکور علیاوسیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی سر رودخانه با بستر سنگی.

طلابر: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روبار. آبادی و سرزمین کنار کوه صخره‌ای بهرنگ طلایی.

کار سنگ شاهیجان: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی شاه نشین که سکنه آن در کار سنگ سازی باشند.

نقره‌ده: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. در اصل نقاره‌ده مکان موزیک زدن است. برخی آن را سرزمینی با خاک نقره‌ای می‌پندارند.

نمک آوران: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روبار. دهکده‌ای که در ارتباط با تهیه نمک کوهی و حمل آن نامگذاری شد.

نمک روبار: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه سور.

۱۷ - اسامی برگرفته از مسائل اقتصادی و معیشتی و بازارها: بازارها منشا بسیاری از آبادی‌ها بوده‌اند. به همین دلیل نام برخی از آبادی‌ها متاثر از کلمه بازار می‌باشد. همچنین واژه گوراب علاوه بر معنی آبغیر و محل ماندن آب معنی میدان گاه فروش کالا حالت بازار مانند را می‌دهد.

بازار جمعه: ر. ج: شاندمن به علت تشکیل بازار در روزهای جمعه بوده است که بعد از انقلاب بازار به پنج شنبه موکول گردید.

بازار جمعه سابق: نام دیگر تولمشهر به علت تشکیل بازار در روز جمعه بوده که اکنون بازار به روزهای پنج شنبه موکول گردید.

بازار ده: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده دارای بازار.

بازارده گلبلاغ: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی دارای بازار فروش گل و گیاه.

بازارسر لفمجان: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کنار بازار.

بازارگاه: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. آبادی و سرزمینی که دارای میدانگاه فروش محصولات می‌باشد.

بازار محله: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیمآباد روسر. آبادی و سرزمین دارای بازار.

پیر بازار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. بازار منسوب به پیر حسن از شیوخ دوره صفوی.

سه شنبه: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. دهکده‌ای که در گذشته روزهای سه شنبه در آن بازار دایر بود.

شنبه بازار: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. روستایی که در آن روزهای شنبه بازار تشکیل شود.

گوراب زرمیخ (گوراب زرمنخ): شهر و مرکز دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین بازار بهاری. برخی آن را محل گورهای پر از میخ طلایی می‌دانند.

واجارگاه: شهر بخش کلاچای روسر. سرزمین جایگاه بازار. عده‌ای آن را مکان داوری می‌دانند.

۱۸- اسامی برگرفته از اقلیم مخصوص گیلان: شرایط اقلیمی گیلان طوری است که انسان را متوجه باران (وارش) و باد (باد گیلو) می‌کند. برخی از آبادی‌ها نیز نام خود را از این پدیده‌ها گرفته‌اند.

بزاستان: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که در آن نسیم زیاد بوزد. عده‌ای آن را سرزمین زنبوران می‌دانند.

بزکویه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه آملش. سرزمین باد خیز عده‌ای آنرا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

بزکویه: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین باد خیز و یامحل پرورش زنبور عسل.

بزگاه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مکان. عده‌ای آنرا سرزمین باد خیز و یا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

گیلوادشتان (گیلو): روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمین دشتی که باد گیله وابه آن بوزد.

گیلوامحله: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی و سرزمین محل وزش باد گیله وابه.

وزشت (دران): روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین با دوره‌ای از سرما و مه.

وزمتر: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین جایگاه مه و سرما. عده‌ای آن را مکان بیدار کنندگان می‌دانند.

وزمنا: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین مه و سرما.

۱۹- اسامی برگرفته از امور کشاورزی گیلان: فراوانی محصولات کشاورزی در گیلان بلحاظ تولید برنج، چای، زیتون، ابریشم (کز)، مرکبات، توتون.

کنف. نیشکر همراه اماکنی چون شالیزار. بیجار. نوغان‌داری در نام برخی از روستاهای اثر گذاشته است:

۱- ۱۹ ابریشم (کژ): تولید و پرورش کرم ابریشم از روزگار گذشته در گیلان انجام می‌گیرد.

کچا: روستای دهستان سراوان بخش سنگر رشت. آبادی تولید کنندگان ابریشم نامرغوب.

کچلک: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بیندر انزلی. اگر کچ را ابریشم کم بها در نظر بگیریم کچلک آبادی تولید کننده این ماده است. اما اگر کچ را فلس ماهی در نظر بگیریم کچلک سرزمنی پراز فلس ماهی می‌باشد

کچوم محله Kuchum mahalla: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی تولید کنندگان ابریشم نارس.

کژده: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده محل تولید ابریشم نامرغوب. برخی آن را کیژده یا کیش ده سرزمن شمشاد می‌دانند.

۲- ۱۹ بیجار: همان شالیزار یعنی محل کشت برنج بوده و در نام آبادی‌های زیر آمده است:

استخر بیجار (سل بیجار - اسطلخ بیجار): روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای آبگیری که آب شالیزار را تامین کند

بالا بیجار انکیش: روستای دهستان آهنداز بخش مرکزی لاهیجان. شالیزار بالایی سرزمنی پراز شمشاد.

بیجار انکیش کچل بن: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی و سرزمنی دارای شالیزار در مجاورت درختان انجیر که جانور کوچکی به نام کچل که مشک آب را پاره می‌کند در آن زیاد می‌باشد.

بیجار باع (گرمارود): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمنی که کنار شالیزارهای آن باع باشد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۴۱

بیجار بسته‌سرو: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین شالیزار کنار سد محلی.

بیجار بنه: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای شالیزار.

بیجار بنه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی دارای شالیزار.

بیجار بنه بالا: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی بالایی دارای شالیزار.

بیجار بنه پائین (آپنجهعلی): روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائینی دارای شالیزار.

بیجار بین: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. سرزمین دارای شالیزار.

بیجار بین: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. سرزمین دارای شالیزار.

بیجار پس: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی بعد از شالیزار.

بیجار پشت: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پشت شالیزار.

بیجار پشته: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که شالیزارهای آن روی تپه و بلندی باشد.

بیجار خاله: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمینی که شالیزارهای آن کنار رودخانه باشد.

بیجار سر: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی کنار شالیزار.

بیجار سوا: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمینی که خانه‌های آن مجاور شالیزار باشند.

بیجار کن: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی کنار سرزمینی که برای شالیزار کنده شده. سرزمین کنار بیجار.

بیجار کن: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار سرزمینی که برای شالیزار کنده شده. سرزمین کنار بیجار.

بیجار کنار: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی کنار شالیزار.

بیجار گاه: نام دیگر سله مرز بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمینی که شالیزارهای آن مجاور آبگیر باشند.

بیجار گاه سفلی: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای روسر. سرزمین دارای شالیزار بالای.

بیجار گاه علیا: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای روسر. سرزمین دارای شالیزار پائینی.

پائین محله بیجار پس (کفش کل محله): روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پائینی بعد از شالیزار.

پس بیجار گفشه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. آبادی بعد از شالیزار منطقه بزرگ گفشه.

پیش بیجار: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی کنار شالیزار.

جور بیجار کل: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی بالای شالیزار.

جور بیجار کل: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی بالای شالیزار.

چاله بیجار: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمینی که شالیزارهای آن دارای گودال باشد ویا شالیزار درون فرورفتگی.

چای بیجار: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. سرزمینی که شالیزارهای آن کنار شکار گاه باشد.

حاجی بیجار و جاسن گنس (حاجی بیجار و جاسن): روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که شالیزارهای آن توسط یک حاجی رونق گرفت.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۴۳

خشک بیجار: شهر و مرکز بخش خشک بیجار رشت. سرزمین بناسده روی شالیزار خشک شده.

دکان بیجاری: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی کنار مغازه سر شالیزار.

رمضان بیجار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که شالیزارهای آن متعلق به خاندان رمضان می‌باشد.

سنگ بیجار: روستای دهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که در شالیزارهای آن سنگ باشد.

سنگ بیجار بست بهمیر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار بست محلی که در شالیزارهای آن سنگ باشد.

سیاه بیجار: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. دهکده‌ای که آب شالیزارهای آن از کوه تأمین می‌شود.

شمس بیجار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین شالیزارهای خورشیدی. عده‌ای آن را سرزمین شالیزارهای متعلق به خاندان شمس نام می‌دانند.

شهر بیجار: روستای مرکز دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. شر بیجار یا شالیزار نامحدود. در گذشته به آن بیجارچی می‌گفتند که به معنی مکانی که در آن هیچ منبع‌ای برای اعلام فعالیت‌های اجتماعی نبوده است.

کاه بیجار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی با شالیزارهای کوچک.

کوه بیجار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوهستانی دارای شالیزار.

مال بیجار: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که شالیزار آن پس از درو در اختیار دام باشد.

متعلق محله نویجوار: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان.
سرزمینی که شالیزارهای متعلق به آبادی جدید.

موش بیجار (میش بیجار - پیش بیجار): روستای دهستان بلوکات بخش
رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمینی که شالیزارهای آن مورد دستبرد
موش‌ها قرار گیرند.

نو بیجار: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که
شالیزار جدید در آن ایجاد شده باشد.

نویجوار محله محسن آباد: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه
اشرفیه. آبادی کنار شالیزار تازه بنا شده منطقه محسن آباد.

۳ - ۱۹ پیله: پرورش کرم ابریشم. نوغان‌داری و پیله وری از مشاغل قدیمی در
گیلان است آبادی‌هایی که نام خود را از این پیشه برگرفته‌اند عبارتند از:
پیله باغ: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی دارای باغ
بزرگ. برخی آن را باغ پرورش کرم ابریشم می‌دانند.

پیله سرا: روستای دهستان تونکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مکان پرورش
کرم ابریشم.

۴ - ۱۹ کنف: از گیاهان صنعتی. در نام برخی آبادی‌ها آمده است:
خنقچه: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین مکان
نگهداری قوچ. عده‌ای آن را خنقچه به معنی سرزمین کشت کنف می‌دانند.
کنفگوراب: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی و سرزمین
 محل تولید و فروش محصولات کنفی.

۵ - ۱۹ نیشکر: نام این گیاه صنعتی نیز در اسم چند آبادی آمده است:
شکر باغان: روستای دهستان طاهرگوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و
سرزمین کشت نیشکر.

شکر کش محله: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی
کنار شکار گاه. برخی آن را محل شکر گیری می‌دانند.

۲۰ - اسامی برگرفته از پدیده‌های آسمانی: مثل: آفتاب. مهتاب. ستاره. کشکشان (کهکشان) و ...

آفتاب خور تاب: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمینی که در آن همیشه آفتاب می‌تابد.

خراسان پشتنه: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی روی تپه خاوران محل تابش خورشید.

خراسان سرو: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر آبادی و سرزمین خاوری محل تابش خورشید.

خرتاب: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی رو به خورشید.

خرطای: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمینی رو به آفتاب با توده و اباشتگی بزرگ.

خرما: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. در اصل خوره ماه به معنی سرزمین بلندی که به ماه برخورد می‌کند. عده‌ای آن را به غلط منسوب به خرامه زن بابک خرمدین می‌دانند.

خرم کش: **Khorram kash**. ر. ج: خره کش. سرزمین کناری آفتاب گیر.

خورتاب‌سرا (خورتاسرا): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین مکان تابش آفتاب.

خورتای: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین مورد تابش خورشید.

خورگام: دهستان و بخش شهرستان رودبار. سرزمین قدمگاه خورشید.

خور گردان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین مکان گردش خورشید.

کشکشان **Koshkashan** (کتیک جان): روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی کنار کوهستان. سرزمینی که از نظر بلندی به کهکشان می‌رسد.

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش دوم: وند و اژه‌ها:

تبرستان

وند و اژه‌های مشترک نام آبادی‌های گیلان:

آب: به معنی مایع حیات که در تمام شئونات زندگی نقش دارد. در نام ۲۴ آبادی گیلان از واژه آب استفاده شده است: آبچالگی. آبدنگ سر. آبدوچال. آبرود. آبکنار. اشکراب. بداب. تنگاب. چولاب. دواه. روشن اب (سربالا. سرپایین). ریاب. فی اب. کلاب. هردوآب. تل اب دره. زرآبچه. سرد اب خانه پشت. سیلاب کش. طولاب محله گلرودبار. کبوتر آبکش. گرمابرود. گلاب محله.

آباد: به معنی دایر مسکونی و برقرار. از این واژه در نام بیش از ۱۱۰ آبادی استفاده گردیده است: احمد آباد. اسماعیل آباد. اسلامآباد (۴ آبادی). اکبرآباد (۲ آبادی). امیر آباد. امین آباد (۲ آبادی). ایمن آباد. بهشت آباد. تازهآباد (۱۰ آبادی). تازهآباد پسیخان. تازهآباد جانکاه. تازهآباد چاف. تازهآباد چماقستان. تازهآباد خواجهکین. تازهآباد صدر. تازهآباد فوشازده. تازهآباد کردسراکوه. تازهآباد کلاشم. تازهآباد مرزبان. تازهآباد نرکه. تازهآباد ورزل. تگی آباد. جانعلی آباد. جعفر آباد. جمالآباد حلاج. جمالآباد کوسه. جمالآباد نظامی وند. جمشید آباد. حاجی آباد (۳ آبادی). حبیب آباد. حسن آباد. حسین آباد (۵ آبادی). حسینآباد چاف. حشمت آباد. خسرو آباد. خلیف آباد. رحمت آباد. رستم آباد. رحیم آباد (۲ آبادی). رشت آباد. رود آباد. ستار آباد. سردار آباد. سلیمان آباد. سید آباد. شریف آباد. شفیع آباد. شیخ آباد. شیرآباد (۳ آبادی). شیرآباد محله. صفرآباد (۲ آبادی). صمد آباد. طالب آباد.

عاشور آباد. عباس آباد. عزت آباد شرمندشت. عسگر آباد. علی آباد (۴ آبادی). علی آباد زیبا کنار. علی آباد پایین. علی آبادسر. علی آباد کپورچال. فخر آباد. فلاح آباد. فیض آباد. قاسم آباد (۶ آبادی). کاظم آباد. کیا آباد. مبارک آباد (۳ آبادی). محسن آباد. محسن آباد پایین. محمد آباد. محمود آباد. مرجان آباد. مهدی آباد. نجم آباد. نصرالله آباد (۲ آبادی). یوسف آباد (۴ آبادی).

آجی: برگرفته از کلمه آج نوعی درخت افرا با نام علمی Acer. این نام در ۲ روستا بکار آمده است. آجی بوزایه. آجی بیشه.

آسیا: مخفف کلمه آسیاب یعنی دستگاه آرد کوبی. از آسیا و آسیاب در نام ۹ روستا استفاده گردیده است: آسیاب دره. آسیابر. آسیابرک (۲ روستا). آسیاب سر. آسیاب سرک. آسیاب سران. آسیاب شم. خانه‌های آسیاب. آغوز: این واژه در زبان گیلکی به معنی گردوبانام علمی Juglans regia می‌باشد که در گذشته نسبتاً فراوان‌تر بوده است. در نام ۹ روستا از کلمه آغوز استفاده شده است: آغوز بن (۲ روستا). آغوز بن کندسر. آغوز چال (آغوز گوش). آغوز چال. آغوز چکه. آوز کله (۲ روستا). پی آغوز بن.

آق: یک واژه ترکی به معنی سفید می‌باشد و در نام ۳ آبادی آذری نشین آمده است: آق اولر. آق مسجد (بشن اولر). آریال مسجد (رینه).

آقا: به معانی: سرور. سید. بزرگ. امیر. رئیس. بزرگ قوم. عنوان احترام در نام ۸ روستا آمده است: آقا جان محله. آقا سید حسن. آقا سید شریف. آقا سید یعقوب. آقا علی سرا. آقا محله. آقا محله‌ی بهمیر. آقا نور سه تن. احمد: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا بکار رفته است: احمد آباد. احمدسر. احمدسر گوراب.

اربه (اربو = اربا): در زبان گیلکی به گیاه خرمaloی وحشی اربه می‌گویند. این اسم در نام ۹ روستا بکار آمده است: ارباستان. اربا سر. اربوسرا. اربو کلایه. اربو لنگه. اربه بن. اربه لانه بالا. اربه لنگه. خمپه اربوسرا.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۴۹

اسب: از حیوانات سودمند برای انسان. این اسم در نام ۵ روستا آمده است:
اسب بونی. اسب راهان. اسب ریسه. اسب‌سرا. اسبوسرا.

استخر (اسطلخ): استخردر فارسی و اسطلخ در گیلکی به معنی آبگیر و سل
در نام ۲۶ روستا آمده است: استخر بیجار. استخر سر. استخر گاه. اسطلخ
بیجار. اسطلخ جان. اسطلخ زیر. اسطلخ کوه. اسطلخ کیان. ایوان استخر.
خشک اسطلخ. سیاه استخر. سیاه اسطلخ (۲ روستا). سیاه اسطلخ سقط
الملک. سیاه اسطلخ میرزا ربیع. شکار اسطلخ. تو اسطلخ. اسطلک.

اسک: این کلمه بیانگر قوم اسکا از دوره اشکانی و ساسانی بوده و در نام ۴
روستا آمده است: اسک. اسکابن. اسکده. اسکلک.

اسلام: کلمه برگرفته از ادیان الهی که پس از انقلاب در نام ۴ روستا بکار رفته
است: اسلام‌آباد (۴ روستا).

اسماعیل: اسم شخص می‌باشد و در نام ۳ روستا آمده است: اسماعیل آباد.
اسماعیل‌سرا. اسماعیل گوابر.

اشک: این واژه بیانگر قوم اشک از دوران اشکانی بوده و در نام ۹ روستا آمده
است: اشکال. اشکراب. اشکر میدان. اشکمجان. اشکلت. اشکلن. اشکور.
اشکیت. اشکیک.

اشمنان: به معنی خشمگین و خشنمناک در نام ۳ روستا آمده است: اشمنان
دهگاه. اشمنان طالم. اشمنان کماچال.

اکبر: اسم شخص به معنی بزرگ در نام ۳ روستا آمده است: اکبر‌آباد (۲
روستا). اکبر‌سرا.

ام: این پسوند به معنی: جای سکونت. سان. گون. وش. زاهد. گیاه هم در نام
۱۶ آبادی آمده است: آمام. برگام. پلام. پیلام پستانک. تکام. تههام. خمام.
سکام. سلش دیسام. سمام. شمام. شهر سمام. فشتام. کچلام.
کوچکام.

امام زاده: ۶ روستا نام خود را از امام زاده مجاور خود در بر گرفته‌اند: امام زاده

۱۵۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

ابراهیم. امام زاده اسحاق. امام زاده تقی. امام زاده شفیع. امام زاده هاشم (۲ روستا).

امیو: اسم شخص بوده و گاهی به معنی حاکم و سلطان بکار می‌رود. در نام ۹ روستا بکار رفته است: امیر آباد. امیر بکنده. امیر بیگلو. امیر کلایه. امیر کیاسر. امیر گوایر. امیر محله. امیر هنده (۲ روستا).

ان: پسوند مکان و نسبت صفت فاعلی. همچنین علامت جمع. در نام ۱۰۰ آبادی بکار رفته است: آسیاب‌سران. آلان. آهکلان. اسب راهان. اسپهبدان. اشتراکان. انبلان سرا. انجیلان. بازان چای. باگبان‌لن. برزو هندان. بریران. بی‌بالان. پاتاوان. پرندان. پشت کوچلان. پشتهان. تلیکان. تواسان کش. جاران. جو پشتان. جور کوهان. چاکان. چران. چشان. چموش دوزان. چوب تراشان. چورک موزان. چون چنان. چیران. خاکیان. خالصان. خطیبان. خلخالیان (۲ روستا). خلیلان. خمیران (۲ روستا). خیل گاوان. حوریان. حیان. حیران (سفلی. علیا. وسطی). داوان. دران. دران وزشت. درویشان بر. دشتگان. دو دران. دیان سر. ذوالپیران. زعفان. زمیدان (بالا. پایین). سجیران. سراوان. سسطلان. سفید سنگان. سیاوان محله. سیاه پیران. سیاه درویشان. سیاه وزان. سی بستان. سیدان. شاد میل لرزان. شاه شهیدان. شصتان رود. شکرباغان. شلکه بانان. شونان. شهران. شیلان. صیقلان (۲ روستا). صیقلان ورزل. عربان. علویان. عنبران محله. قاضیان. قران. کاچان. کارسیدان. کاس احمدان. کاسان. کرگان. کشکیان. کلان سرا. کلاچ خندان. مامودان. محramان. مریدان (۲ روستا). مهویزان. میران محله. ناصران. نقاره چیان. نمک آوران. نوپاشان. ویshan. هنده کران.

اولر: در زبان ترکی به معنی خانه‌ها آمده و در نامگذاری ۲ روستای آذری نشین بکار رفته است: آق اولر. بش اولر. گودی اولر.

بابا: به معنی مرد مذهبی مورد احترام در نام ۶ روستا آمده است: باباجان دره. بابارکاب. باباعلی. باباکوه. بابالومحله. باباولی.

باجی: به معنی خواهر بوده ولی در زبان محلی به گدای زن گفته می‌شود و در نام ۲ روستا آمده است: باجی سرا. باجی گوابر.

باز: به معانی گشوده و نوعی پرنده از خانواده شاهین. در نام ۸ روستا آمده است: باز قلعه اکبر. باز قلعه پایین. باز قلعه ملک. باز کل. باز کیا گوراب. باز نشین (سفلی. علیا).

بازار: محل و میدانگاه فروش کالا که منشاء شهر نشینی بسیاری از نقاط گیلان بوده و در نام ۱۰ روستا آمده است: بازار جمعه. بازار ده. بازارکه گلbag. بازار سر. بازارگاه. بازار محله. پیر بازار. شنبه بازار (۲ روستا). مقاره بازار.

باغ: سرزمین گیلان پر از باغ و باغچه و بستان بوده و این امر در نام ۱۵ روستا تاثیر گذاشته است: باغ امیر بکنده. باغچه بنه. باغچه سرا. باغ دشت. باغ محله نرکه. بازارده گلbag. بیجار باغ بیه پس باغ. پیله باغ. توت باغ. جیر باغ. خالو باغ. دارباغ. غلامرضا باغ. ملا باغ.

بالا: این کلمه به معنی بلندی و جلوتر در نام ۷۹ روستا آمده است: اربع لانه بالا. ایشکوه بالامحله. بالا بلگور. بالا بیجار انکش. بالا پاپکیاده. بالا تموشل. بالا تنو رود. بالاده. بالارود. بالارودپشت. بالازیه. بالا سالکویه. بالاشادده. بالاشکرکش. بالافیدره. بالا کلگوابر. بالا کویخ. بالا گزافرود. بالا گوسرا. بالالام بشکست. بالا لمین جوب. بالامحله برکاده. بالامحله پاشاکی. بالامحله چوبر. بالامحله چوکام. بالامحله سیاه بلاش. بالا محله قاسم آباد. بالا محله کماچال. بالامحله گفشه. بالامحله گلرودبار. بالامحله گیلده. بالامحله لفمجان. بالامحله ناصر کیاده. بالامحله نال کیاشر. بالا محله نرکه. بالانوده. بالا هلوسرا. برمجه بالامحله. برون بالا بندپی بالا. بیجاربنه بالا. پروش بالا. پیتی شیم بالا. پیر بنه بالا. پیشکلیجان بالا. پیشکوه بالا. جفرود بالا. چاف بالا. چهارخانه بالا. خانقه بالا. خشك نودهان بالا. درازلات بالا. روشن آبسر بالا. زمیدان بالا. زیده بالا. سلیمان داراب بالا. سند بالا. سیاه گوراب بالا. سیاه منسه بالا. شصتان بالا. شگال گوراب بالا. شیرجوب پشت بالا. طولا رود

بالا. طولای بالا. کتشال بالا. کرداکوه بالا. کرمک بالا. کلاشم بالا. کلندان بالا. کماچال بالا محله. کنه گویه بالا. گرسک بالا. لفوت بالا. لیالکل بالا. ماکلوان بالا. مایستان بالا. نارنج بن بالا. ناو بالا. هنزنی بالا.

بو: به معانی کنار. پایین. سرزمین. طرف. سینه. ور. در نام ۳۰ روستا بکار رفته است: ازبر. انگل بر. بالا محله برکاده. برپشته سر. برکاده پایین. برکیله. برمهچه بالا محله. برمهچه پایین محله. بهمبر. بنگ بر. تریه بر. جانک بر. چله بر. چوبر (۲ روستا). خوشاب. درویشان بر. روبدبرده. زکابر. شیخان بر. صالح بر. ضیابر. طلابر. کلیدیر (۲ روستا). کوره بر. میان بر. میان محله ذاکله بر. هرات بر (۲ روستا).

بوه: به معانی خوب. بچه گوسفند. تنها راه عبور. مجاور. دره. محل سرریز آب در نام ۶ آبادی بکار رفته است: بره پشت. بره سر. بره سرا. زنگول بره. زهون بره. شاد ملک بره.

بز: گونه‌ای حیوان علفخوار. باد. زنبور عسل. در نام ۵ روستا آمده است: بزاستان. بزچاله. بزکویه (۲ روستا). بزکاه.

بست: به معنی سد و مانع در نام ۳ روستا بکار رفته است: پیربست. توچی پایه بست. شیخ علی بست.

بکنده: به معنی ایجاد کانال و لاروبی رودخانه در نام ۳ روستا آمده است: امیر بکنده. حاجی بکنده. حسن بکنده.

بلس: درخت افرای جنگلی یا پلت با نام علمی Acer insigne در نام ۴ روستا آمده است: بلسبنه. بلسکله. بلسکله سیدابوالقاسم. بلسکه.

بلور: به معنی سنگ شفاف و بلورین در نام ۲ روستا آمده است: بلور دکان. بلوره پشت.

بن: به معانی: سرزمین. جایگاه. زیر. آخر. باغ و زراعت. ساقه و تنہ درخت. در نام ۵۴ روستا آمده است: آزاربن (سفلی. علیا). آغوزبن. آغوزبن کندسر. آلوبن. اریه بن. اسکابن. بند بن. بندبن بالا. بندبن پایین. بندبن بنک سر.

بندین قاسم آباد. بن کده. بن منی کش. بیجار انجیل کچل بن. پی آغوز بن. پیله داربن. تلابن. تلابنک. توتكابن. جوبن. چناربن. چیت بن. دریابن. دیزبن. دیمابن. رناسک بن. سخی بن. سرداربن. سفیدداربن. سلوک بن (سفلی. علیا. وسطی). سنگ بن. سیاه کاربن. سی بن. کچل بن. کند بن. کوه بن (۲ روستا). کهنه بن سرا. لابن. لرودبن. لوابن. لهداربن. مازی بن. مرداد بن. مهربن. نارنج بن. نارنج بن بالا. نارنج بن پایین. هلوبن دره. وربن. بند: به معانی سد. مانع. بست. قسمت. ریسمان. درنام ۱۲ روستا آمده است: بند بن. بند بن بالا. بند بن پایین. بندین بنک سر. بندین قاسم آباد. بیا بند. دربند (۲ روستا). کاربند. میرزا گلبند. نعلبند. هفت بند.

بندان: به محل بند آوردن و بستن اطلاق می‌گردد. در ۳ روستا از این واژه استفاده گردیده است: پنابندان. جوکول بندان. موبندان.

بنه: به معانی آبادی. گردنه کوه ریشه. درختی از خانواده سماق در نام ۱۹ آبادی بکار رفته است: انجیل بنه. باعچه بنه. بلس بنه. بنه زمین. بنه سرا. بیجار بنه (۴ روستا). پیر بنه (۲ روستا). پایین محله رودبنه. جو بنه. ده بنه (۲ روستا). رودبنه. صیقل بنه. کوه بنه. میان محله رودبنه.

بوزایه: به معنی باد سرد. زنبور. کفك و سبزینه. در نام ۲ روستا آمده است: آجی بوزایه. علی بوزایه.

بهادر: اسم شخص با معنی پهلوان. درنام ۲ روستا بکار رفته است: بهادر کلایه. بهادر محله.

بیا: تحریف واژه بیه به معنی رودخانه درنام ۳ روستا بکار رفته است: بیابند. بیاچال. بیا لوا.

بیجار: به معنی شالیزار در نام ۴۷ آبادی آمده است: استخر بیجار. بالا بیجار انکیش. بیجار انجیل کچل بن. بیجار باغ. بیجار بسته سر. بیجار بنه (۴ روستا). بیجار بین (۲ روستا). بیجار پست. بیجار پشته. بیجار خاله. بیجار سر. بیجار سرا. بیجار کن (۲ روستا). بیجار کنار. بیجار گاه (۳ روستا). پایین

محله بیجار پس. پس بیجار گفشه. پیش بیجار. جور بیجار کل. جهود بیجار.
 چاله بیجار. چای بیجار. حاجی بیجار جاسن. خشک بیجار. دکان بیجاری.
 رمضان بیجار. سنگ بیجار. سنگ بیجار بست بهمیر. سیاه بیجار. شمس
 بیجار. شهر بیجار. کاه بیجار. کوه بیجار. مال بیجار. متعلق محله نو بیجار.
 موش بیجار. نو بیجار. نو بیجار محله محسن آباد.

بیشه: به معنی جنگل و جای پر درخت در نام ۳ روستا آمده است: بیشه‌سرا.
 بیشه گاه. بیشه گاه بهمیر.

بیل: به معنی آبگیر بزرگ. دندان گراز. آلت شخم زنی در نظام ۴ روستا آمده
 است: زربیل. سیاه بیل (۳ روستا).

بین: این واژه در منطقه تالش نشین گیلان به معنی بن در نام ۱۲ روستا آمده
 است: بیجار بین. بیلیا بین شکر دشت. بین کلایه. تنده بین. چنی بین. حاج
 امیرونه بین. دول بین. سیاه بین خوشابر. قلعه بین (۲ روستا). قلعه بین
 یوردی.

بینه: به معنای دلیل. برهان. آشکار و معلوم در نام ۲ روستا آمده است: بینه
 پهلو. بینه کرد.

پا: به معنی پایین. کنار. عضوی از بدن در نام ۳ روستا آمده است: پاچکار.
 پاچنار. پارودبار.

پایین: وند واژه با معنی پستی و زیرین در نام ۷۸ روستا آمده است: ایشکوه
 پایین محله. برکاده پایین. برمچه پایین محله. برون پایین. بندبن پایین.
 بیجار بنه پایین. پایین بلگور. پایین بیجار انکیش. پایین پاپکیاده. پایین
 تموشل. پایین تنورود. پایین دراز لات. پایین رودپشت. پایین سالکویه.
 پایین شادده. پایین شکرکش. پایین فیدره. پایین قاضی محله. پایین
 کش سرا. پایین کلا گوابر. پایین کلا محله. پایین کویخ. پایین گمل. پایین
 گواسرا. پایین لمین جوب. پایین محله بیجار پس. پایین محله پاشاکی.
 پایین محله رودبنه. پایین محله زمیدان. پایین محله قاسم آباد. پایین محله

کماچال. پایین محله کولک. پایین محله گلرودبار، پایین محله گیله. پایین محله لفمجان. پایین محله لوندویل. پایین محله ناصرکیاده. پایین محله نال کیاشر. پایین محله نرکه. پایین نارنج بن. پایین هلوسرا. پروش پایین. پیشکلجان پایین. پیتی شیم پایین. پیر بنه پایین. پیش کوه پایین. جفرود پایین. چاف رود پایین. چلوند پایین. چهار خانه سر پایین. خانقه پایین. خشك نو دهان پایین. روشن آب سر پایین. زیده پایین. سند پایین. سیاه گوراب پایین. سیاه منسه پایین. شستان رود پایین. شگال گوراب پایین. شیرجوبشت پایین. طولارود پایین. طولای پایین. کتشال پایین. کته خورته پایین. کردسر کوه پایین. کلامش پایین. کلنادان پایین. کما چال پایین محله. کهنه گویه پایین. گرسک پایین. لام بشکست پایین. لفوت پایین. ماکلوان پایین. مایستان پایین. محسن آباد پایین. میان ده پایین. نارنج بن پایین. ناو پایین.

پر: با فتحه به معانی کنار. برگ. پایین. با ضم به معنی لبریز. در نام ۴ آبادی آمده است: پرسو. خانقه پر. لات پر شو هشت پر.

پرده: پرده و پورده به معنی پل در نام ۶ روستا آمده است: پرده سر. چپر پرده. چپرپرده زمان. لتن پرده (۲ روستا). هندوانه پرده سر.

پرده: به معنی دیوار محلی ساخته شده از مصالح بومی در نام ۳ روستا آمده است: شانگهای پرده. گیل پرده سر. نیلو پرده سر.

پره: به معانی تور ماهی گیری. برگ و کاه. بچه زنبور. مرز و کناره. در نام ۳ آبادی بکار رفته است: پره. پره سر. کنده سر زین پره.

پس: به معانی پشت. بعد. کنار و آخر در نام ۱۲ روستا آمده است: بیجار پس. بیه پس باغ. پایین محله بیجار پس. پس بیجار گفشه. پس جور. پسیخان. پس طالکوه. پس ویشه. شعله پس. شکر پس. کوه پس. گوراب پس.

پشت: به معنی عقب و دنبال در نام ۳۹ روستا آمده است: بالا رودپشت. برگاپشت مهدی خانی. برگاپشت یاورزاده. بره پشت. بلوره پشت. بیجار پشت.

پایین رودپشت. پشت دره لنگه. پشتستان گوراب جیر. پشت‌سرا. پشت الله‌سر پشت مخ. پشت‌مسار. پشتیر (۲ روستا). پلنگ پشت. پنگا پشت. جوپشت (۲ روستا). چکوجه پشت. خانا پشتان. درا پشتان. دره پشت. رود پشت (۳ روستا). سپهر پشت. سرداد خانه پشت. سورا پشت. سیاه پشت. شیرجوپشت (بالا. پایین). عتبرا پشت. کورچه پشت. کهنه رود پشت. لک پشت. لموش پشت. مشکا پشت.

پشته: به معنی زمین برجسته. تبه و بلندی در نام ۳۹ روستا بکار آمده است: ارزن پشته. برپشته سر. بیجار پشته. پنبه پشته. پشهان پشته‌سرا. پشته کریم محله. پشته کلاه. پشته هیر. پیر پشته. چهارسو پشته. خراسان پشته. دیوشل پشته. رادار پشته. زین پشته. سیاه‌رود پشته. شمشاد پشته. صدای پشته. فشکل پشته. فشو پشته. فندق پشته. کرف پشته. کمال‌الدین پشته. کیش پشته. کیوان پشته. گرد پشته. لکه پشته. مازو کله پشته. مازی کله پشته. میان پشته.

پلت (بلط): نام محلی نوعی افرا با نام علمی Acer Insigne در نام ۳ روستا آمده است: پلت دشت. پلط کله. پلط کله سر.

پلنگ: از جانوران گوشتخوار گریه سانان. به معنی خطر نیز می‌باشد. در نام ۶ روستا بکار رفته است: پلنگ پاره. پلنگ پشت. پلنگ دره (۲ روستا). پلنگ‌سرا. پلنگ کل.

پو: به معنی پناهگاه. دمیرگ چای. نخ پشمی. پوسیدن. پوئیدن. آغاز. بدرو. نخست. رفتار متوسط. در نام ۴ روستا بکار رفته است: پوده. پونل. تربو. خره پو.

پیر: به معنی کهنسال. مسن. قدیمی. عابد مذهبی در نام ۲۰ روستا بکار رفته است: پیر بازار. پیر بست لولمان. پیر پشته. پیرده (۳ روستا). پیرسرا (۴ روستا). پیر علی ده. پیر کلاچاه. پیرکوه سفلی. پیر کوه علیا. پیر محله. پیر موسی. پیر مومن‌سرا. پیر هرات. سیاه پیران. شیر بچه پیر.

پیش: به معنی جلو. کنار. نزدیک در نام ۱۱ روستا آمده است: پیش بیجار (روستا). پیش حصار. پیش خان. پیش ده. پیش کنار. پیش کوه بالا. پیش کوه پایین. جو پیش. رود پیش. مسجد پیش.

پیل: به معنی بزرگ و برآمدگی در نام ۵ روستا بکار رفته است: پیلام پستانک. پیل بور. پیل جه. پیل دره. پیلم برا.

پیله: بجای پیله کرم ابریشم. درشت. گنده. باشخصیت. گوان. بزرگ در نام ۴ روستا بکار رفته است: پیله باغ پیله دار بن. پیله سرل پیله محله.

تازه: به معنی نو. جدید در نام ۲۲ روستا آمده است: تازه آباد (روستا). تازه آباد پسیخان. تازه آباد جانکاه. تازه آباد چاف. تازه آباد چماقستان. تازه آباد خاجکین. تازه آباد صدر. تازه آباد فوشازده. تازه آباد کردسر آکوه. تازه آباد کلاشم. تازه آباد مرزبان. تازه آباد نرکه. تازه آباد ورزل. لسیه رود تازه آباد.

تبر: وسیله قطع درخت. در نام ۲ روستا آمده است: تبر سرا. تبر کلایه.

تر: به معنی تازه. خیس در نام ۳ روستا آمده است: ترپو. ترشابور. ترشایه. ترک: بیان گر نژاد ترک در نامگذاری ۵ روستای آذری نشین بکار رفته است: ترک. ترک محله (روستا). ترک محله آلالان. ترک نشین.

تله: به معنای دام بندگاه. گیاه کرکو. جانوران در نام ۵ روستا آمده است: تله خان. تله سر (روستا). تله کنگاه. تله میان.

تم: به معنی تاریکی و سیاهی و تخم و بذر در نام ۹ روستا آمده است: بی تم. تمامجان. تم چال. تمیجان. تموشل بالا. تموشل پایین. خرشتم. فرشتم. فشتم.

تنگ: به معنای باریک. کم عرض. چسبان. دره کوه. لنگه بار. کوزه دهن باریک در نام ۵ روستا آمده است: تنگاب. تنگ ده. تنگ دره. تنگ رود. تنگده طول گیلان.

تو: به معنای اندرونی. سراپرده. داخل در نام ۸ روستا آمده است: توجاه آلمان. توشی. توکاس. توکنده. تولم. چم تو. چم توکش. فتابو.

توت: درخت توت سفید با نام علمی *Morus alba* و درخت توت سیاه با نام علمی *Morus nigra* در نام ۴ روستا آمده است: توت باغ. تو تکله سفلی. تو تکله علیا. توت نسae.

تو تک: نوعی ساز چوبانان محلی. در نام ۲ آبادی آمده است: تو تکابن. تو تکی. تو سه: نام محلی درخت تو سکا با نام علمی *Alnus tourn* در نام ۴ روستا بکار رفته است: تو سه چال. تو سه رود. تو سه سرا. تو سه کله.

جان: پسوند بیانگر محل و مکان در نام ۵۷ آبادی آمده است: آقاجان محله. اردجان. اسطلخ جان. اشکم جان پهلو. افرم جان (سفلی. علیا). باباجان دره. پیجان. پیشکلیجان (بالا. پایین). تلیجان. تمیجان. توکامجان. توکسر شیجان. جورکوجان. چای جان. چینی جان. حلیمه جان. خاجان (دو دانگه). چهار دانگه). خلور جان. دلیجان (۳ روستا). ده جان. دهنہ سر شیجان. دیار جان. دیما جانکش. راحیجان. سردر شاهیجان. سلاجان. سلاکجان (۲ روستا). سورجان محله. شیجان. کاجان. کارسنگ شاهیجان. کتمجان. کتیک جان (کشکشان). کتیک لاھیجان. کسمه جان. کلشتاجان. کوره جان. کوری جان. کیشاک جان. گرم جان. گسکمین جان. گیلاک جان. لاھیجان. لشکاجان (سفلی. علیا). لفمجان. مالفجان. محمدجان محله. وسمه جان.

جو: به معانی نهر. رودخانه. جوی. گیاهی از خانواده گندمیان در نام ۹ روستا آمده است: انوش محله جوکندان. جوین. جوبنه. جوبشت (۲ روستا). جوبستان. جو پیش. جوکندان بزرگ. گیجو.

جوب: به معنی رودخانه. در گیلان برنج پوست دار نیز جوب گفته می‌شود. این کلمه در نام ۴ روستا آمده است: سنگ جوب. سه جوب سر. لمین جوب (بالا. پایین).

جور: به معانی بالا. و منظم در نام ۱۴ روستا آمده است: پس جور. جور بیجار کل. جور جور. جور ده (۲ روستا). جور سرا. جور کاسر. جور کویه. جور گوابر

(۲ روستا). جور لیا کل. جور محله. جوریاب. فکجور.

جه: مخفف جا و مکان. گاهی بجای چه به عنوان مصغر بکار می‌رود. در نام ۵ روستا آمده است: بیلجه. چنجه. زردلجه. سلجه. گنجه.

جیر: به معنی پایین و زیرین در نام ۲۵ روستا آمده است: پشتستان جیر گوراب. جیر باغ. جیرده (۳ روستا). جیرزو دل. جیرسر: جیرسر باقر خاله. جیرسر بهمبر. جیرسر چوکام. جیرسر نوده: جیرسر ویشکا. جیر کل. جیر کویه. جیر گوابر. جیر گوراب. جیر لیا کل. جیر محله کسما. جیرنده. جیر هنده. چاف جیر. دره جیر. راجیر. رواجیر. گوراب جیر.

چا: به معنی چاه. چاله. چال و گودال در نام ۸ روستا آمده است: چاکان. چاکانک. چاکل. چافوچا. سوکاچا. کاچاچهارد. کچا. لیچا.

چاک: به معنی درز. دره. مرتع. ترک و بریدگی. یونجه زار. قباله‌ی خانه. باغ. سپیده صبح. قسمتی از یک چیز در نام ۹ روستا آمده است: اره چاک. چاک. چاک رود. شیر چاک. قاضی چاک. کشتی گیر چاک. گرزنه چاک. لیه چاک. هلو چاک.

چال: به معنی گودال. چاه. چاله. فرورفتگی. در نام ۳۷ روستا آمده است: آبدوچال. آب چالگی. آغوز چال (۲ روستا).

اشمان کما چال. باسکم چال. بیا چال. تمچال. چال دشت. چالک سر. چالکسرا. چالکسراکی. چال کش. چالکش لات. چال شم. چمچال. چیچال. دموچال. دینا چال. رباب چال. سوکاچال. سیاه چال (۲ روستا). سیاه گل چای. سینه چال. علی‌آباد کپورچال. قلعه چال. کرف چال. کپور چال. کل چال. کماچال (۲ روستا). کوجی چال. کیش چال. گیل چالان. لوا چال. لیما چال.

چاله: گودال و فرورفتگی. در نام ۵ روستا آمده است: بزچاله. توسه چاله. چاله بیجار. چاله خونی. چاله‌سر.

چاه: گودال و فرورفتگی و چاله عمیق در نام ۱۳ روستا آمده است: پیچاه.

پیرکلاچاه. توچاه آلمان. چافو چاه. چما چاه. خنا چاه. دافقاه. رفوجاه. کلاه
چاه. کین چاه. لیچاه. لیموچاه. نیسا چاه.

چای: نخجیرگاه. شکارگاه. جرگه. گیاهی دم کردنی. در زبان ترکی رودخانه
معنی می‌دهد. در نام ۷ آبادی آمده است: بازان چای. چای بیجار. چای
جان. چای خانه. چای خان سر. سیاه گل چای. کلاچای.

چکو: به معنی کوه در نام ۳ روستا آمده است: چکوچه پشت. چکو سر. چکوور.
چم: در گیلان به خمیدگی و پیچ گفته می‌شود و در نام ۳ روستا آمده است:
چمچال. چمخاله. چملر.

چما: به معانی پیچ و خم. چشمده در نام ۲ روستا آمده است: چماچار. چما چاه.
چنار: گیاهی با نام علمی *Platanus orientalis* در نام ۳ روستا آمده است:
پاچنار. چنار بن. چنار رودخان.

چو: هم به معنی شایعه و هم به معنی چوب در نام ۱۰ روستا آمده است: چوبر
(۲ روستا). چوبه. چوسر. چو شادستان. چوشل. چوفلکی. چوکام. چوکده.
چوازیه.

چول: در گیلان به معنی گل و لای. در نام ۳ روستا بکار رفته است: چولاب.
چولاده. ونه چول.

چه: وند واژه تصفیر بوده که در نام ۸ روستا بکار آمده است: آذرچه. برمهچه
(۲ روستا). چهل گاچه. خان گاچه. خنفچه. دلچه. زرآبچه. فشک چه. کورچه
پشت. گاچه ور. گالش گاچه.

چهار: از اعداد تک رقمی که در نام ۶ روستا آمده است: چهار خانه‌سر بالا. چهار
خانه‌سر پایین. چهارده (۲ روستا). چهار سوپشه. چهار فریضه.

چی: پسوند نسبت در نام ۲ روستا آمده است: ماشک تهرانچی. نقاره چی محله.
حاج: لقب شخص به حج رفته می‌باشد و در نام ۶ روستا آمده است: حاج
ابراهیم ده. حاج امیرونه بین. حاج بهرام محله. حاج سلیم محله. حاج شهیاز
محله. حاج یدالله محله.

حاجی: لقب شخص به حج رفته می‌باشد که در نام ۱۰ روستا آمده است:
 حاجی آباد (۳ روستا). حاجی بکنده. حاجی بیجار جاسنن. حاجی ده.
 حاجی سرا. حاجی شیر کیا. حاجی محله. حاجیه محله.

حسن: اسم شخص بوده و در نام ۷ روستا آمده است: حسن آباد (۲ روستا).
حسن بکنده. حسن دایرمان. حسن رود. حسن سرا. حسن کوه.

حسین: اسم شخص بوده و در نام ۸ روستا آمده است: حسین آباد (۵ روستا).
حسین آباد چاف. حسین سرا. حسین کوه.

خاصه: به معنی مخصوص و اثربخش است: خاصه سرا. خاصه کوچ. در نام ۲ روستا بکار رفته است: خاصه سرا. خاصه کوچ.

خاله: به معنی رودخانه. قسمت. لنگه. تکه. شعبه. شاخه درخت. نهر. امتداد
رشته کوه در نام ۱۵ روستا آمده است:

بیجار خاله. جیرسر باقر خاله. چای خاله. چمخاله. خاله سر. خاله سرا ۵۷.
خاله سرا ۵۹. سیاه خاله سر. سیمبری خاله. کیش خاله (۳ روستا). نوخاله
اکبر. نوخاله جعفری. هنده خاله.

خان: در گیلان هر ۱۰ خانوار را دیه و هر ۱۰ دیه را سده و هر ۱۰ سده یعنی
۱۰۰۰ خانوار را خان گویند. همچنین خان به معنای چشم. کاروانسرا.
خانه. امیر. رئیس. بزرگ قوم لانه زنبور عسل نیز می‌باشد. در نام ۱۷ روستا
از واژه خان استفاده گردیده است: پسیخان. پیشخان. تازه آباد پسیخان. تله
خان. جیرده پسیخان. خان الله. خان حیاطی. خان گاچه. درودخان. راسته
کنار پسیخان. زرخان لات. شیخان گفشه. شیخان ور. علی خان سرا. قرا خان
 محله. مهدی خان محله. نوده پسیخان.

خانه: به معنی محل سکونت. حریم. مسکن در نام ۱۵ روستا آمده است:
چاپارخانه. چهارخانه سر (بالا. پایین). خانه پشتان. خانه سر. خانه سرک.
خانه کنار. خانه وانه. خانه‌های آسیاب. در خانه. راهدارخانه. رودخانه. سرداد
خانه پشت. کارخانه رئیسیان. ماشین خانه.

خانی: به معنی چشمی در نام ۱۷ روستا آمده است: پرویزخانی. تلومخانی. خاسخانی. درویشخانی. دلهخانی. سرخانی. سفیدخانی. سیاهخانی. کلاچخانی. کیشخانی. گرمخانی. لارخانی. لیهخانی. ماسولهخانی. مگسخانی. ونهخانی. هالوچانی.

خَ: به معنی بزرگ. گل. تیره. ابر در نام ۱۰ روستا آمده است: خرار. خرارود. خرچگیل. خرخونی. خرشتم. خوشک. خرطای. خره پو. خره کش. خرد. دول.

خُ: به معنی خورشید. خرم و شاد در نام ۶ روستا آمده است: خراسان پشته. خراسان سر. خرتاب. خرطوم. خرما. خروم.

خرف: به معنی کرت. کنف. کرف (سرخس). در نام ۴ روستا آمده است: خرف. خرفکام. خرفکل. خرفکوره.

خرم: به معنی شاد و شادمانی. شکافتن. بریدن. سوراخ کردن گوش و بینی در نام ۳ روستا آمده است: خرم آباد. خرم بیشه. خرم رود.

خسرو: اسم شخص بوده و در نام ۲ روستا آمده است: خسرو آباد. خسرو محله. خشت: به معنی آجر خام در نام ۳ روستا آمده است: خشت مدخ. خشت مسجد (۲ روستا).

خشک: به معنی بی آب در نام ۹ آبادی آمده است: خشک اسطلخ. خشک بیجار. خشک دهن. خشک رود. خشک رودبار. خشک لات. خشک نودهان (بالا. پایین). خشکه دریا.

خشکار: یک نوع شیرینی محلی ساخته شده از آرد برنج، مغز گردو، شکر و دارچین. همچنین آردی که سبوس آن نگرفته باشد. در نام ۲ روستا آمده است: خشکارسرا. خشکار وندان.

خطیب: به معنی واعظ و سخنور در نام ۲ روستا آمده است: خطیبان. خطیب گوراب.

خلج: برگرفته از نام قوم خلچ ساکن در قم. در اسم دو روستا آمده است: خلچ لر. خلچ محله.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۶۳

خلیفه: به معانی حاکم. امیر. قائم مقام و جانشین در نام ۴ روستا آمده است: خلیفه کنار. خلیفه گری. خلیفه گوابر. خلیفه محله.

خلیل: به معنی دوست یکدل و مهربان. همچنین اسم شخص. در نام ۵ روستا آمده است: خلیلان. خلیل سرا. خلیل محله. خلیله سرا (۲ روستا).

خمیر: به معنی کوزه و سفل از صنایع محلی منطقه در نام ۷ روستا آمده است: خمیران (۲ روستا). خمیر محله (۵ روستا).

خواجه: به معنی مرز و حد فورقته‌ای که در طرفین خود برآمدگی داشته باشد. همچنین به معانی درز. بزرگ. آقا نیز بکار می‌رود. در نام ۴ روستا آمده است: خواجه علی وندان. خواجه کری. خواجه کین. خواجه گری.

خور: به معنی خورشید در نام ۸ روستا آمده است: آفتاب خور تاب. خورتاب سرا. خورتای. خور گام. کاس خور ۵۵. کته خورته پایین. ماست خور. نهار خورلات.

خونی: به معنی چشم‌های در نام ۳ روستا آمده است: چاله خونی. خر خونی. ونه خونی.

خیل: به معانی اردوگاه. قبیله در نام ۴ روستا آمده است: خیل گاوان. کرد خیل ولم. گالش خیل (۲ روستا).

دار: به معنی درخت و تیر چوبی در نام ۵ روستا آمده است: داریاغ. دارسازی. دارسرا. رزدار. ویسادر.

داربن: به معنی کنار درخت در نام ۶ روستا بکار رفته است: اسپید داربن. پیله داربن. سرداربن. سفید داربن. لر داربن. له داربن.

دان: وند واژه اشاره به صاحب و صفت. به معنی ظرف و جای. در نام ۲۵ روستا آمده است: آهندان. امیلدان. انوش محله جوکندان. بهدان. پهمدان. جسیدان. جلیدان. جوکندان بزرگ. جولندان. چایکدان. چمندان. خسادان (سفلی. علیا). دان گایه. سپردان (۲ روستا). سجیدان. کلنادان (بالا. پایین). گوراندان. گوهردان. لاشیدان حکومتی. لاشیدان مطلق. نوحدان. هرندان.

در: به معانی داخل. درون. موضوع. دریدن. مخفف دره در نام ۸ روستا آمده است: دریند (۲ روستا). درتموش. درخانه. درسنگ. درگاه (۲ روستا). درواز. دراز: به معنی طویل و بلند در نام ۴ روستا آمده است: پایین دراز لات. دراز لات بالا. دراز لو. دراز محله.

دره: گودال عمیق. شکاف بین دو کوه. فرورفتگی بزرگ. در نام ۲۷ روستا آمده است: آسیاب دره. باباجان دره. پسین دره. پشت دره لنگه. پل دره. پلنگ دره (۲ روستا). پیل دره. تاریک دره. تلاب دره. تینگ دره. خجنه دره. دره پشت. دره جیر. دره دشت. دره محله. دیو دره. رز دره. زنگ دره. شلشه دره. شیر دره. کیش دره. کل دره (سفلی. علیا). مازو دره. ورگه دره. هلوین دره. دریا: گودال بزرگ پر آب. در نام ۴ روستا آمده است: خشکه دریا. دریا بن. دریاسر. دریاکنار.

دشت: به معانی سرزمین وسیع و هموار. صحراء. هامون. میدان سیز. در نام ۴۶ روستا آمده است: اوله دشت. باغ دشت. بیلیابین شکر دشت. پلط دشت. توسلادشت. توبی دشت. جواهر دشت. چال دشت. دره دشت. دشتان سر. دشت دامان. دشت رز. دشت علم. دشتک. دشتگان. دشت میان. دشتول. روم دشت. زرین دشن. سرای دشت. سردشت. سفید دشت. سیاه دشت. شرم دشت (۲ روستا). فصیل دشت. قره دشت. کله دشت. گرماب دشت. گیلوا دشتان. لومه دشت. لاله دشت. متلا دشت. مرزدشت. مریم دشت. مصر دشت. ملجا دشت. میان دشت. نی دشت. واقعه دشت. ویزا دشت. هره دشت (۲ روستا). هره دشت شمالی. هره شوندشت. هلودشت.

دو: عدد تک رقمی در نام ۱۱ روستا آمده است: دو آب. دواب مردخ. دو باج. دوبخش. دودران. دوسال ده. دو گل. دو گل سر. دو گل سرا. دو گور. دو لا گوابر.

دوست: به معنی رفیق و همدم در نام ۲ روستا آمده است: دوست کوه. دوست لات.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۶۵

دول: به معانی دره. گودی. آبگیر. عمیق. گودال بزرگ. پیچ و خم. در نام ۱۳ روزتا آمده است: خری دول. دول بین. دول کوه. دوله زمین. دوله سر. دوله ملال. زرد دول. سیاه دول. عنبر دول. کما دول. نارنج دول. هو دول.

ده: به معنی دهکده. روستا و آبادی در نام ۱۳۵ روزتا آمده است: آئینه ده. ارده. اسکده. اشمان دهگاه. الله ده. اما ده. بازار ده. بازارده گلbag. بالا ده. بالا شاد ده. بالا محله برکاده. بالا محله ناصرکپیا ده. بالده. برکاده پایین. بلکده. پاپکیاده (بالا. پایین. میان محله). پاکده. پایین شاداده. پایین محله ناصر کیاده. پو ده. پیرده (۲ روزتا). پیرده شفت. پیر علی ده. پیش ده. تازه آبد فوشازده. تاسن ده. تنگده طول گیلان. جلال ده. جوار ده. جورده (۲ روزتا). جیرده (۳ روزتا). جیرسر نوده. جیرنده. جیر هنده. چروده. چولاده. چهارده. حاج ابراهیم ده. حاجی ده. حسنعلی ده. خلشا چهارده. خوب ده. دنبال ده. دود ده. دوسال ده. ده بنه (۲ روزتا). ده جان. دهسر (۴ روزتا). دهشال. ده گاه. ده مردسر. دهنده. دیلماده. روبارسر ده. روبدیر ده. روشن ده (۲ روزتا). زهنه. زیده (بال. پایین). زیرده (۲ روزتا). سالک ده. سده. سرده. سرهنده. سنگ ده. سیاهکل ده. شادده سر. شال ده (۲ روزتا). شرفشاه ده. شونده چولا. شیرک ده. شیرکوه چهارده. صوفیان ده. صیقل ده (۲ روزتا). علی نو ده. فتیده. فلک ده. فوشازده. فیله. قاضده. کاچا چهارده. کاس خور ده. کته شصت آبادان چهارده. کرباس ده. کژده. کفود مژده. کلاز ده. کلده. کلنده. کین ده سر. کوده. کورنده. گاچرا چهارده. گالده. گیلاده. گیلان ده (۲ روزتا). گیل ده. لاکوژده. لرده. لرز ده. لوا ده. لوشاده. مژده. ملک ده. منگوده. میان ده (۴ روزتا). ناصر کیا ده. نقره ده. نوده (۵ روزتا). نوده پسیخان. نوده مرخال. نویده. واردسر. یوسف ده.

دهنه: به معانی مصب رود. حدفاصل مرداب و دریا. مدخل آب. لگام و افسار. در نام ۴ روزتا آمده است: خشکه دهننه. دهننه سر سپید رود کهنه. دهننه سر شیجان. دهننه سیاه درون.

دیز: به معانی دژ. قلعه. حصار. مانند. در نام ۴ روستا آمده است: دیز بن. دیز کوه. دیز گاه. دیزگاه محله.

دیما: به معنی کنار در نام ۳ روستا آمده است: دیما بن. دیما جانکش. دیما سرا. دیو: خدایان مورد اعتقاد اهالی شمال ایران در گذشته بسیار دور دیو نام داشته و اکنون به معانی دلیر. پهلوان. شجاع. شیطان. وحشی. مفسد. اسب قوی هیکل. نیرومند. در نام ۶ روستا آمده است: دیو دره. دیو روود (۲ روستا). دیو شل. دیو شلپشتہ. ویل دیو.

رادار: مخفف راهدارخانه در نام ۲ روستا آمده است: رادارپشتہ. رادار کومه. راسته: به معانی گذر. مسیر. کوره راه در نام ۵ روستا آمده است: راسته کنار (۳ روستا). راسته کنار بونین. راسته کنار پسیخان.

رستم: اسم شخص بوده و در نام ۴ آبادی آمده است: رستم آباد. رستم آباد (جنوبی. شمالی). رستم محله.

رود: از مظاهر طبیعت بصورت: نهر. جوی. رودخانه. کاتال. در نام ۹۸ آبادی آمده است: آبرود. اترود. بالا تنو رود. بالا رود. بالا رودپشت. بالا گزافرود. برارود. بیحرود کل. پایین تنو رود. پایین رودپشت. تنازا رود. تطف رود. تنگ رود. توسه رود. جانشروع. جفرود (بالا. پایین). چاک رود. چکرود. چلمان رود. حسن رود. خرا رود. خرم رود. خشک رود. دهنہ سر سپید رود کهنه. دیو رود (۲ روستا). رود آباد. رودبار. رودبر ده. رودبنه. رود پشت (۲ روستا). رود پیش. رودسر (۲ آبادی). رودسر تازه آباد. رود کل. رود کنار. رود گوابر. رود میانه. رشته رود. سرا رود. سر فری رود. سز رود. سفید رود. سنگرود (۲ روستا). سیاه رودپشتہ. سیاه رود کنار. سیاه کلرود. سیاهورود. سی سر علی شارود. سیگارود. شاهرود. شستان رود (بالا. پایین). شفا رود. طولا رود (بالا. پایین). علیسروود. کاکرود (۲ روستا). کانرود. کرا رود جمشید آباد. کر گانرود. کره رود. کفته رود. کلام رود. کوره رود. کهنه رود پشت. کیا رود. گرگرود. گرما بروود. گرما رود. گنجارود. گیلزا رود. لت رود. لرود. لله رود. لیارج رود. لیا

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۶۷

رود (بالا. پایین). لیجارکی حسن رود. لیسه رود. لیسه رود تازه آباد. مرسا رود. ملک رود. میان رود (۳ روستا). میان فریود. میان فریود. نوروود. نوروود. ویسروود. هشت روود چونی.

رودبار: به معنی کنار رودخانه در نام ۱۸ آبادی آمده است: بالا محله گلرودبار. پارودبار. پایین محله گلرودبار. خشکرودبار. رودبار. رودبار جیرده. رودبار ده سر. رودبارسر (۳ روستا). رودبارک. رودبارکی. سیاه رودبار. کوره رودبار. کیش رودبار. گز رودبار. میان گلرودبار. نمک رودبار

رودخان: به معنی رودخانه. نهر. جوی در نام ۴ روستا آمده است: چنان رودخان. قلعه رو. دخان. کره رودخان. گشت رودخان.

روشن: روشن و روشنایی مظہر خدایان مورد اعتقاد اهالی گذشته گیلان بوده و این اسم در نام ۴ روستا آمده است: روشن آب (سر بالا. سر پایین). روشن ده (۲ روستا).

زر: به معانی: زال. فرتوت. پیر. موی سفید. طلا. مالیات. زرد. در نام ۸ روستا آمده است: زر آبغه. زراکی. زربیل. زرخان لات. زر دلجه. زر کام. زر کلام. زرگوش.

زرد: به مفهوم یکی از رنگ‌ها که نزدیک به رنگ لیمو باشد. در نام ۳ روستا آمده است: زرددول. زرد کام. زرد کش.

زیر: به معنی پایین در نام ۴ روستا آمده است: اسطلخ زیر. زیرده (۲ روستا). زیر گند دشت.

ژیه: به معانی تپه. نقطه بلند. محل جمع شدن آب. گاو ماده بالغی که جفت گیری نکرده باشد. در نامگذاری ۴ روستا آمده است: بالا ژیه. جو واژیه. زره ژیه. هوژیه.

سادات: جمع سید. در دوره خاصی از تاریخ گیلان سادات علوی حکمرانی نمودند. نام ۸ روستا متأثر از این کلمه می‌باشد: ارم سادات. سادات محله (۷ روستا).

سار: قید تعلق مکان. صحرا. صخره در نام ۱۸ روستا آمده است: پاسار. پشتمسار. دافسار. زیگسار. زیمسار. سارسر (۳ روستا). سقالکسار. سه سار. کسار (۲ روستا). کوچک کمسار. کومسار. لاکسرا. لیسارا. لیسار محله. ستان: قید مکان و انبوهی. در نام ۳۹ روستا آمده است: آزارستان. اربستان. انارستان (۲ روستا). بزستان. بوستان. بهارستان. پشتستان گوراب جیر. پلستان. تازه‌آباد چماقستان. توستان چماقستان (۲ روستا). چوشادستان. زره دارستان. سالستان (۲ روستا). سرپستان. سرمستان. سوستان. شهرستان (۲ روستا). شی شارستان. کرفستان. کلینگستان. کنستان. کوهستان (۲ روستا). کوهستان حویق. کهلستان. کیشستان. گلستان. گلستان سرا. لیا لستان. مایستان (بالا. پایین). نرگستان. نیستان. هلستان. بیلاقی دارستان.

ستون: به معنی پایه بزرگی که ساختمان به آن متکی باشد. در نام ۲ روستا آمده است: ملامحله چهل ستون. هول ستون.

سو: به معانی آبادی. کنار. راس. بزرگ قوم. انتهای در نام ۱۴۶ آبادی آمده است: آب دنگ سر. آسیاب سر. آغوزین کندسر. آلاسر. ارباسر. استخر سر. اسفقن سر. استه سر. امیر کیاسر. انبار سر. بازار سر لفمجان. برپشته سر. بره سر. بستان سر. بندین بنکسر. بنکسر. بیجار بسته سر. بیجار سر. پرسر و پره سر. پشت لله سر. پلطف کله سر. تله سر (۲ روستا). توکسر شیجان. تیک سر. جور کاسر. جیر سر باقر خاله. جیر سر بهمیر. جیر سر چوکام. جیر سرنوده. جیر سرویشکا. چابکسر. چالکسر. چایخان سر. چشناسر. چکمسر. چلکاسر. چلونه سر. چله سر. چنه سر. چوسر. چهارخانه (سر بالا. سر پایین). خال کیاسر. خاله سر. خانه سر. خراسان سر. خم سر. خیمه سر. دریا سر. دشتستان سر. دگاسر. دوگل سر. دوله سر. دهسر (۴ روستا). دهنہ سر سپید رود کهنه. دهنہ سر شیجان. دیان سر. رنده سر. رودبارده سر. رودسر (۲ آبادی). رودسر سازه آباد. سارسر (۳ روستا). سالان سر. سجوب سر. سر آجار.

سرتربت. سرچشم. سرخانی. سرخشکی. سردارین. سردشت.
سردسراشاهیجان. سرده. سرشکه. سرفیرود. سرکله. سرلیله. سرمستان.
سرولات. سروندان. سرهنده. سطل سر. سلکی سر. سنون سر. سیاه خاله سر.
سی سر. سیله سر. شادده سر. شیله سر. صالح سر. صف سر. صوفیان سر.
طارم سر. طبق سر. علم سر. فتمه سر. کته سر. کلام سر. کلتاسر. کل سر.
کلیدسر. کمسر. کنارسر. کنارسازیابی. کندسر (۴ روستا). کندسری بالان.
کندسرزین پوه. کندسرشکرشنکن. کهنه سر. کیاسرسر. کینده سر. گرم سر.
گرمای سر. گلسر. گوراب سر. گیگاسر. گیل پرده سر. لات محله تیک سر.
لارسر. لاکمهسر. لرداسر. لله وجه سر. مخ سر. مرداب سر. ملک سر. میان
گواسر. میر دریا سر. میشکاسر. ناوسر. نیلوپرده سر. وزنه سر. وپر سر.
هماسر. هندونه پردرس.

سر: به معانی آبادی. خانه. کوشک. قصر در نام ۱۸۰ آبادی آمده است:
آتش سرا. آقاعلی سرا. ابراهیم سرا. اتورسرا. احمدسر. اربوسرا. اسبسر.
اسبوسر. اسدسر. اسفندیارسرا. اسماعیل سرا. اکبرسر. ابلان سرا. باجی سرا
بارکوسرا. باغچه سرا. بالاگواسرا. بالا هلوسرا. برگ سرا برهرسرا. بستان سرا
بلدهسر. بندسر. بوراسرا. بیجارسر. بیشه سرا. پایین کش سرا. پایین گواسر.
پایین هلوسرا. پرام سرا پشت سرا. پشتل سرا. پلنگ سرا. پوستین سرا. پیر سرا
(۴ روستا). پیر مومن سرا. پی سرا (۲ روستا). پیله سرا. تازه آباد کردرسرا کوه.
تبرسر. تقی سرا. توران سرا. توسه سرا. تی تی کاروان سرا. جنبه سرا. جنگسر.
جورسر. جیرسر. چالکسر. چاله سرا. چلوان سرا. چملکسر. حاجی سرا.
حرم سرا. حسن سرا. حسین سرا. خاصه سرا. خاله سرا (۵۷). خاله سرا
خاناورسرا. خشکارسر. خطبه سرا. خلیل سرا. خلیله سرا (۲ روستا). خمپتہ
اربوسر. خورتابسر. خوش سرا محله لیل. خیمه سرا. داقان سرا. داکله سرا.
دتورسر. دعوی سرا. دوگل سرا. ده مردسر. دیگه سرا. دیماسر. رجب سرا.
رجه سرا. رکن سرا. رو دبارسر (۳ روستا). زمیدان سرا. ساسان سرا.
سوزعلی سرا. سرا بستان. سرا رود. سراکه. سر اگاه. سر اگوابر. سرا ورسو. سلطان سرا.

سلیم‌سرا. سنگ‌سرا. سوسرا. سیدسرا. سی‌سرا. شاهی‌سرا. شبخوس‌سرا.
شريفعلی‌سرا. شکار‌سرا. شمشاد‌سرا. شهمیر‌سرا. شیخ‌سرا. صحنه‌سرا.
صفر‌سرا. صومعه‌سرا. صیقل‌سرا (۲ روستا). طارم‌سرا. طالب‌سرا.
ظهرابعلی‌سرا. علی‌بیک‌سرا. علی‌خان‌سرا. علی‌سرا (۴ روستا). غلامعلی‌سرا.
فبیل‌سرا. فبیل‌گاؤسرا. قصاب‌سرا. قصابعلی‌سرا. قندی‌سرا. کدوسرا. کرده‌سرا.
کرده‌سراکوه (بالا پایین). کریم‌سرا. کشاور خطبه‌سرا. کشل آزاد‌سرا.
کلان‌سرا. کلکاسرا. کله‌سرا. کنده‌سرا. کنه‌بن‌سرا. کنه‌سرا. کیاسرا (۳ روستا).
گتک‌سرا. گرمای‌سرا. گلستان‌سرا. گل‌سرا. گمل‌سرا. گنجعلی‌سرا.
گواسرا علیا. گیله‌سرا. لات‌سرا. لافندسرا. لاکتسرا. لپه‌سرا. لوسر. لیاشور‌سرا
(استاد ولی. سفلی. علیا). لیمه‌سرا ماورسرا. مطالع‌سرا. ملاسرا (۳ روستا).
میان‌سرا (۲ روستا). میر‌سرا. میله‌سرا. نازک‌سرا. ناصر‌سرا. نعمت‌سرا.
وارده‌سرا. والی‌سرا. وشم‌سرا. ویشه‌سرا (۲ روستا). هلیله‌سرا.

سفلی: به معنی پایین در نام ۲۳ روستا آمده است: آزاد بن سفلی. اشکور سفلی. افرم جان سفلی. باز نشین سفلی. بیجارگاه سفلی. خانکسرای سفلی. خسدان سفلی. کوه سفلی. توت کله سفلی. حیران سفلی. خانکسرای سفلی. خسدان سفلی. سلوک بن سفلی. شاد راج سفلی. قاسم‌آباد سفلی. کرباس‌سرای سفلی. کلدره سفلی. کویه سفلی. کیشاویشه سفلی. لشکاجان سفلی. لمیر سفلی. لیا شور سفلی. لیاول سفلی. نارنج کلایه سفلی.

سفید: به عنوان مظهر روشنایی در نام ۹ روستا آمده است: سفید آب. سفیدخانی. سفید دارین. سفید دشت. سفید رود. سفید سنگان (۲ روستا). سفید مزگی. گل سفید.

سنگ: این کلمه به معانی گوهر. وزن. محکم. مزه. حجر. ارزش. سکونت. مکانت. جسم سخت در نام ۱۳ روستا آمده است: سفید سنگان (۲ روستا). سنگاچین. سنگ بنگ. سنگ بیجار. سنگ بیجربست بهمنبر. سنگ تاش. سنگ جوب. سنگ ده. سنگرود. سنگسرود. سنگ سرک. کار سنگ شاهیجان.

سو: به معانی جانب. تیغه برآمده کوه. نورکم. در زبن ترکی به معنی آب در نام ۱۱ روستا آمده است: آسو. چاره سو چهار سوپشته. دزدک سو. سوتاپارا. سوسرا. سوکاچا. سوگوابر (۲ روستا). سوهاجر. گل سو.

سوخته: به معنی آتش گرفته در نام ۵ روستا آمده است: سوخته کشن. سوخته کوه (۲ روستا). سوخته کیش. سوخته لوله.

سوقه: به معنی بازارچه در نام ۲ روستا آمده است: سوقه. ویشگانسوقه.

سه: عدد تک رقمی در نام ۴ روستا آمده است: سه پستانک. سه سار. سه شنبه بازار. طالم سه شنبه.

سی: به معانی سنگ. سخت. کوه در نام ۴ روستا آمده است: سی بن. سی پل. سی سر. سی سرا.

سیاه: به معانی تیرگی. سخت. کوه در نام ۵۹ آبادی آمده است: بالامحله سیاه بلاش. دهنہ سیاه درون. سیاه استخر. سیاه اسطلخ (۲ روستا). سیاه اسطلخ سقط الملک. سیاه اسطلخ میرزا ربیع. سیاه بیجار. سیاه بیل (۳ روستا). سیاه بین خوشابر. سیاه پیران. سیاه تن. سیاه جعفر. سیاه چال. سیاه خانی. سیاه خاله سر. سیاه خولک. سیاه درویشان. سیاه دشتین. سیاه دول. سیاه دوله. سیاه رودبار. سیاه رودپیشه. سیاه رود کنار. سیاه صوفیان. سیاه کاربن. سیاه کت. سیاه کرد گوابر. سیاه کشن (۴ روستا). سیاه کشان. سیاهکل. سیاهکل ده. سیاهکلرود. سیاهکل محله. سیاه کله. سیاه کوچه. سیاه کوه (۳ روستا). سیاه گل. سیاه گل چال. سیاه گل وندان. سیاه گوراب (بالا. پایین). سیاه لات. سیاه لرزه. سیاه مرد. سیاه مرز گوابر. سیاه مزگی. سیاه منسه (بالا. پایین). سیاهورود. سیاه وزان. سیاهونی.

سید: به معنی آقا و سرور و همچنین بازماندگان نسل امامان. در نام ۹ روستا آمده است: سید آباد. سیدان. سید سر. سیدسر. سید لر. سید محله (۳ روستا). سید محله شیر آباد.

شال: به معانی شغال. بافته پشمین برای کمر و گردن. تقلبی. قبیله شال از

بوئین زهرا استان قزوین. در نام ۱۴ روستا آمده است: دهشال. شال توک. شال ده (۲ روستا). شالکا. شالکو. شالکه. شالاما (۲ روستا). شالماکوه. کتشال (بالا. پایین). کوشال. کوشال شاد.

شاد: به معنی خرسند و خشنود. در بعد از انقلاب بجای کلمه شاه نیز جایگزین گردید. در نام ۱۶ روستا بکار آمده است: شاد بندری. شادخال. شادده سر. شادراج (سفلی. علیا). شاد کلایه. شادکوه. شاد گلدی محله. شاد مراد محله (۲ روستا). شاد ملک بره. شاد میل لرزان. شاد نشین شرفشاد ده. کوشال شاد. کوشاد.

شاه: به معنی بزرگ سلطان. خداوند (در تصوف). امیر و حاکم در نام ۴ روستا آمده است: پله شاه. شاه رسول. شاه شهیدان. شاه قلعه.

شبخوس: نام محلی درخت گل ابریشم با نام علمی *Albizia Julibrissin* در اسم ۳ روستا آمده است: شبخوس پهلو. شبخوس سرا. شبخوس لات. شر: قطعه زمین نامحدود. گذرگاه و سمت عبور. معبر. شهر. در نام ۹ روستا آمده است: دوبخش. لاح شر. مخ شر. نال کیا شر (بالا محله. پایین محله). نوشر (۳ روستا). هادی کیا شر.

شرم: نام محلی درخت مرمر با نام علمی *Carpinus betulus* در اسم ۳ روستا آمده است: شرمدشت (۲ روستا). شرم لنگه.

شش: عدد تک رقمی. در نام ۳ روستا آمده است: ششکلايه. ششگل. شسلو. شکار: به معانی صید در نام ۲ روستا آمده است: شکار اسطلخ. شکارسرا. شکر: کلمه شکر بیانگر کشت نیشکر در بخشی از گیلان می‌باشد و همچنین این واژه به معنی شکار و صید نیز در نام ۷ روستا آمده است: بالا شکر کش. بیلیابین شکر دشت. پایین شکر کش. شکر باغان. شکر پس. شکرکش محله. میان شکرکش.

شل: به معانی گل شل. مخفف شال. پشمن. مانع و سد ماهی گیری. نرم. آبکی. آتشکده. شل و ول. لنک. نیزه کوچک. در نام ۱۵ آبادی بکار آمده

است: امشل. پشل. تموشل (بالا. پایین). چوشل. خوشل. دیوشل.
دیوشل پشته. شلشه دره. شلقون. شلکه بانان. شلمان. شله ویل. کشل. کشل
آزادسرا. کشل آزاد محله.

شم: نوعی پا افزار یا چاروچ. در نام ۱۰ روستا آمده است: باسکه شم. تازه‌آباد
کلاشم. چال شم. فیشم. کلاشم. کلاشم (بالا. پایین). کلیشم. گیشم.
لاکاتشم.

شمشاد: گیاهی با نام علمی *Buxus sempervirens* که بزبان محلی
کیش گفته می‌شود. در نام ۲ روستا آمده است: شمشاد پشته، شمشادسرا.

شهر: در تقسیمات کشوری مجموعه چند دهستان تشکیل بخش و مجموعه
چند بخش تشکل شهرستان را می‌دهند. همچنین آبادی‌هایی که جمعیت
آن‌ها بیش از ۵۰۰۰ نفر باشند دارای شهرداری بوده و شهر نام دارند. در
گیلان نام ۱۰ آبادی از واژه شهر بهره گرفته است: تولم شهر. خدا شهر. دباغ

شهر. رضوانشهر. شهران. شهر بیجار. شهرستان (۲ روستا). شهر سمام. کیا شهر.

شيخ: به معانی سالمند. سالدیده. پیشوای دینی مسلمانان اهل سنت. در نام
۱۵ روستا آمده است: شیخ آباد. شیخان بر. شیخ زاده محله. شیخ سرا. شیخ
علی بست. شیخ علی توسه. شیخ علی کلایه. شیخ علی محله. شیخ محله (۵
روستا). شیخ نشین. عین شیخ.

شیر: شیر به عنوان یک جانور گوشتغوار کوهی در جنگل‌های صخره‌ای گیلان
بوده است. امروزه در نام ۱۹ روستا به معنای سلطان. پیروز. پادشاه موفق
آمده است: اوتار محله شیر آباد. حاجی شیر کیا. سید محله شیر آباد. شیر
آباد. شیرآباد محله. شیرایه (۲ روستا). شیر بچه پیر. شیر تر. شیر جوپشت.
شیر چاک. شیر دره. شیر علی بیک محله. شیر کد. شیر کوه. شیر کوه
چهارده. شیر کوه محله. شیر محله. شیر وا.

صالح: به معنی درستکار و خوب در نام ۳ روستا آمده است: صالح بر. صالح سر.
صالح کوه.

صوفیان: جمع کلمه صوفی در نام ۳ روستا آمده است: سیاه صوفیان. صوفیان ده. صوفیان سر.

صیاد: به معنی شکارچی در نام ۲ روستا آمده است: صیاد لر. صیاد محله.
صیقل: به معانی جلا دهنده. تیز کننده. آهنگر در نام ۶ روستا آمده است:
صیقل بنه. صیقل ده (۲ روستا). صقل سرا. صیقل وندان. نہزم صیقل کومه.
صیقلان: مکان صیقل کاری و مجازاً آهنگری. در نام ۴ روستا آمده است:
صیقلان (۳ روستا). صیقلان ورزل.

طارم: به معانی خیمه گاه. آسمان. خانه چوبی. دیوار و حصار چوبی. در نام ۳ روستا آمده است: طارم سر. طارم سرا (۲ روستا).

طالب: اسم شخص در نام ۲ روستا آمده است: طالب آباد. طالب سرا.
طالش: برگرفته از قوم طالش (تالش) که بازماندگان کادوس‌ها می‌باشند. این واژه در نام ۹ آبادی آمده است: طالش. طالشان. طالش کوه. طالش محله (۴ روستا). طالش محله بهمیر. کلش طالشان.

طالم: از طال به معنی دراز و بزرگ آمده. واژه (طال + م) صفت مکان درازی و بزرگی را می‌رساند و در نام ۲ روستا آمده است: اشمنان طالم. طالم سه شنبه.

طاهر: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: طاهر بیک محله.
طاهر سرا. طاهر گوراب.

طول: معرب تول به معنی گل آвод. کدر. تیره در نام ۴ روستا آمده است:
تنگده طول گیلان. طولا رود. طول گیلان. طول لات.

عباس: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: عباس آباد. عباس کوه.
عباس گوابر.

علی: اسم شخص بوده و در نام ۴۰ روستا آمده است: آپنجعلی. باباعلی. پیرعلی ده. جانعلی آیاد. حسنعلی آباد. خواجه علی وندان. سبزعلی سرا. سی سر علی شاهروド. شریفععلی سرا. شیخعلی بست. شیخعلی توشه. شیخعلی کلایه.

شیخعلی محله. ظهرابعلی‌سرا. علیآباد (۵ روستا). علیآباد پایین. علیآبادسرا. علیآباد کپورچال. علی اوسط محله. علی بوزایه. علی بیک‌سرا. علی خان‌سرا. علی سرا (۴ روستا). علیسرود. علی کلایه. علی نوده. علی وا. غلامعلی‌سرا. قصاب علی‌سرا. کتمجان یوسف علی. محمد علی یوردی. مژده علی. یا علی گوابر.

علیا: به معنی بالا در نام ۲۱ روستا آمده است: آزاد بن علیا. افرم جان علیا. اشکور علیا. باز نشین علیا. بیجارگاه علیا. پشن علیا پیر کوه علیا. توت کله علیا. حیران علیا. خانکسرای علیا. خسدان علیا. سلوک بلن علیا. شاد راج علیا. کرباس‌سرا علیا. کلدره علیا. کیشا ویشه علیا. گواسراء علیا. گشکاجان علیا. لیشور علیا. لیاول علیا.

فش: به معانی کاکل. یال اسب. پسوند شباهت در نام ۶ روستا آمده است: فشالم. فشتال. فشتام. فشتکه. فشتمن. فشخام.

قاسم: اسم شخص بوده و در نام ۵ روستا آمده است: قاسمآباد (۴ روستا). قاسمآباد سفلی.

قاضی: به معانی ریش سفید. داور محل. در نام ۴ روستا آمده است: قاضیان. قاضی چاک. قاضی گوابر. قاضی محله.

قره: واژه ترکی به معنی سیاه در نام ۲ روستای آذری نشین آمده است: قره دشت. قره سوی.

قصاب: به معنی گوشت فروش و کسی که دام را سرمی برد. در نام ۴ روستا آمده است: قصاب‌سرا. قصاب علی‌سرا. قصاب محله (۲ روستا).

قلعه: به معانی دژ. حصار. برج. بارو. کوشک. در نام ۱۳ روستا آمده است: باز قلعه اکبر. بازقلعه ملک. شاه قلعه. قلعه. قلعه بین (۲ روستا). قلعه بین یوردی. قلعه چال. قلعه دوش. قلعه زا. قلعه کل. قلعه گردن. قلعه گل.

قنبه: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: قنبه محله (۳ روستا). ک: حرف تصحیح بوده و در نام ۴۰ روستا آمده است: آزارستانک. آسیا برک

(۲ روستا). اسطلک. پایین محله گولک. پستک. تلابنک (۲ روستا). چاکانک. چلک (۲ روستا). خانه سرک. خوشک. درسنک. دستک. دشتک. رناسک بن. رودبارک. سرک. سنگ سرک. سه پستانک. سیو سرک. شولک. کلاک. کنک. گرسک (بالا. پایین). گلسرک. لاتک (۳ روستا). لاسک. لاشک. لمک محله لفمجان. لونک. لیشک. ماتک. ماسرک. میرک محله. یکاورک.

کا: به معانی کاه. کوه. سوخته شده. کوچک. پسوند تشابه پسوند عمل فعل. در نام ۱۴ روستا آمده است: بالا محله برکاده. برکاده پایین. جوز کاسر. چلکاسر. سوکاچا. شالکا. کاچاچهارد. کاچان. کلکاسر. گورگا لیشکا. لله کا. مشکاپشت. میشکاسر.

کام: به معانی مکان و محل در نام ۹ روستا آمده است: آلكام. چوکام (بالامحله. جبرسر. فرشکی). خرفکام. زرکام. لشکام. للكام. ملسكام.

کته: به معانی جای آرد و گندم. جای ذغال. جای هیزم. صندوق خانه. پستو. انبار. در نام ۴ روستا آمده است: کتهسر (۲ روستا). کتهسر شصت آبادان. کته شصت چهارد.

کده: به معانی خانه. محل. مسکن. جای. سرداد. ده. در نام ۳ روستا آمده است: بن کده. چو کده. مردم کده.

کرد: برگرفته از اسم قوم کرد. در نام ۱۰ روستا آمده است: تازهآباد کردسرا کوه. تلیجان کرد. سیاه کرد گواپر. گرد آباد. کرد خیل ولم. کردسرا کوه (بالا. پایین). کرد گاور. کرد محله (۲ روستا).

کرف: در زبان گیلکی هم به معنی نوعی افرا با نام علمی Acer. Polypodium campestris و هم به معنی نوعی سرخس با نام علمی Polypodium vulgare بوده و در نام ۶ روستا آمده است: کرف پشته. کرف چال. کرفستان. کرف کل. کرف محله. گرد کرف.

کری: به معانی انبوهی. بسیاری. نوعی درخت ریگزار. در نام ۶ روستا آمده است: اوله کری. اوله کری اسلام. خواجه کری. دیراکری. کواکری. نیک کری.

کش: به معانی دماغه کوه. زاویه بین دوکوه. کناره. گوشه. بغل. پهلو. آغوش. سایه کوه. در نام ۴۵ روستا آمده است: باقلای کش. بالا شکرکش. بین منی کش. پایین شکرکش. توانان کش. چالکش. چالکش لات. چپول کش. چمتوکش. خره کش. دمیر اوغلی کش. دگرمان کش. دیما جانکش. زردکش. زنده کش. زیزا کش. سوخته کش. سیاه کش (۴ روستا). سیاه کشان. سیاهگل کش. سیلاپ کش. شکرکش محله. فکشن. کیوترا آبکش. کش بیل. کشک محله. کشکش. کش کلایه. کشکوم. کشل. کش مش. کلنکش. کندسرشکرکش. کوله کش. گل کش. گنجی کش. گیلا کش. میان شکرکش. نقلکش. نقله کش. واندارکش.

کشل: از کوشال به معنی شغال و جولانگاه شغالان گرفته شده و در نام ۴ روستا آمده است: کشل. کشل آزادسرا. کشل آزاد محله. کشل ورزل.

کل: به معانی بز نر. کچل. نرینه حیوانات. سنگینی. گرانی. سختی. نیش زدن گیاه. شق. برافراشته. نیرومند. در نام ۱۴ آبادی آمده است: سیاهکل. سیاهکلرود. سیاهکل ده. فشکل پشته. کل جار. کل چال. کل دره (سفلی. علیا). کلده (۲ روستا). کلستر. کل مر. کلورز. کیسم چوکل.

کُل: به معانی انحنا. منحنی. کجی. همگی. روستا پشته. تپه. در نام ۲۵ روستا آمده است: بازکل. بشکل محله. بیجرود کل. پلنگ کل. تیمور کل. جازم کل. جور بیجار کل. جیرکل. چاکل. خرفکل. رجاکل. رودکل. قلعه کل. کرفکل. کفش کل محله. کلسرا. کماکل. کوکل. لیاکل (جور. جیر). ماشاءالله کل. میان کل. نارنج کل. نشورودکل.

کلا: به معانی آباد و آبادانی در نام ۷ آبادی آمده است: پایین کلام محله. پیر کلا چاه. تاش کلا. کلا چاه. کلا چای. کلا گوابر (بالا. پایین).

کلاچ: نام محله زاغچه در اسم ۲ روستا آمده است: کلاچ خانی. کلاچ خندان.

کلام: به معنی کلبه کوهستانی گالش‌ها در نام ۲ روستا آمده است: زرکلام. گالشکلام.

کلایه: به معنی آباد و آبادانی در نام ۲۸ روستا آمده است: اربو کلایه. استاد کلایه. امیر کلایه. بهادر کلایه. بین کلایه. تبر کلایه. چور کلایه. خورشید کلایه. زارم کلایه. شاد کلایه. شش کلایه. شیخعلی کلایه. علی کلایه. کش کلایه. کلایه (۲ روستا). کلایه پهلو. کلن کلایه. کیا کلایه. لا کلایه. لب دریا لسکو کلایه. لسکو کلایه. لو کلایه. موسی کلایه. نارنج کلایه. نارنج کلایه سفلی. نارنج کلایه علیا. نجیر کلایه.

کله: به معنی مکان رویش. کوت زار. اجاق. راس قله بالا. فوق. پرده. سقف خانه. کلاه. در نام ۱۸ روستا آمده است:

آغوز کله (۲ روستا). بلسلکله. بلسلکله سید ابوالقاسم. پلطلکله. پلطلکله سر. توت کله (سفلی. علیا). توسه کله. سرکله. سیاه کله. کله دشت. کله سرا. مازو کله پشته. مازی کله. مازی کله پشته. مش کله. هلوکله.

کلید: این واژه به معنی کلید دار امام زاده و بقعه در نام ۳ روستا آمده است: کلید بر (۲ روستا). کلید سر.

کم: به معنی تپه. شکمه. برجستگی در نام ۵ روستا آمده است: ارکم. باشکم چال. پاشکم. کمسار. مظلوم کم.

کما: به معنی تپه. برجستگی. بلندی. گیاه. علوفه گوسفندی در نام ۷ روستا آمده است: کما. کما چال احمده. کما چال (بالا محله. پایین محله). کما دول. کماکل. کما مردخ.

کنار: به معنی نزدیک. پهلو. جنب. کناره در نام ۱۸ روستا آمده است: آبکار. بیجار کنار. پاچکنار. پیش کنار. جاده کنار. خلیفه کنار. دریا کنار. راسته کنار (۳ روستا). راسته کنار بونین. راسته کنار پسیخان. رودکنار. زیبا کنار. سیاهروود کنار. شیول کنار. کنار سر. کنارسر اربابی.

کند: به معنی تپه کوچک. قند در نام ۹ روستا آمده است: رزکند. کندسر (۴ روستا). کندسر بی بالان. کندسر زین پره. کندسر شکرکش. کند لات

کنده: به معنی حفر شده در نام ۴ روستا آمده است: کنده سر. نوکنده (۳ روستا).

کو: به معانی کوه. کوی. کدام. محله. توده. خرمن. گروه. راه گشاد در نام ۲۰ روستا آمده است: بارکوسرا. پلکو. رکو. شالکو. ضیاکو. کوتاله. کوده. کوفل. کوکنه. کوگاه. کولانه. کومله. کو یخ (بالا. پایین). گاکو. گراکو (۲ روستا). گیاکو. لسکو. لسکوکلایه. لیفکو.

کوچک: به معانی ریز. خرد. کوی چه در نام ۵ روستا آمده است: کوچکام. کوچک ده. کوچک کمسار. کوچک محله. مردخه کوچک. کوچه: همان کوی چه معنی داشته و در نام ۲ روستا آمده است: سیاه کوچه. گربه کوچه.

کوره: به معانی کوره‌ی ذغال گیری. اجاق. مخفف کوره راه. در نام ۹ روستا آمده است: خرف کوره. کوره بر. کوره تاشه. کوره جان. کوره خرم. کوره رود. کوره رودبار. ورکوره.

کول: به معانی تپه. برآمدگی دو طرف رودخانه. پشتنه. تالاب. آبگیر. در نام ۴ روستا آمده است: انار کول. جازم کول. خاصه کول. گاو کول.

کوه: به معانی برآمدگی بزرگ و بلند سطح زمین. اوج. بلندی. پیله ابریشم. غلاف پنبه. در نام ۷۰ آبادی آمده است:

اسطلخ کوه. ایشکوه (بالا. پایین). بابا کوه. برم کوه. براں کوه. پرج کوه. پرشکوه. پس طالکوه. پیر کوه (سفلى. علیا). پیشکوه (بالا. پایین). تازهآباد کردسراء کوه. ترشکوه. تیمور کوه. جما کوه. حسنی کوه. حسین کوه. دخاله کوه. دوال کوه. دوست کوه. دول کوه. دیز کوه. رانکوه. سبز کوه. سوخته کوه (۲ روستا). سور کوه. سیاوش کوه. سیاه کوه (۳ روستا). شاد کوه. شالما کوه. شیر کوه. شیر کوه چهارده. شیر کوه محله. صالح کوه. طاسکوه. طالش کوه. طال کوه. طراز کوه. عباس کوه. فتح کوه. کردسراء کوه (بالا. پایین). کشکوه. کوشکوه. کوه بن (۲ روستا). کوه بنه. کوه بیجار. کوه پس. گالش کلام لیلاکوه. گاو کوه. گلکوه. گلو کوه. لیشا کوه. لیفکوه. لیلا کوه. مثلا کوه. مطلا کوه. ملا کوه. موسی کوه. میان کوه. نیا کوه. هرزل کوه.

کوهستان: به معنی کوه بزرگ و بلندی طبیعی زمین. در نام ۴ روستا آمده است: کوهستان (۳ روستا). کوهستان حویق.

کویه: به معنی ده و آبادی در نام ۸ روستا آمده است: بزکویه (۲ روستا). جور کویه. جیر کویه. سال کویه (بالا. پایین). کویه (سفلی. علیا).

گه: به معانی کوچک. خانه. کوه در نام ۱۹ روستا آمده است: باسکه مشم. بلسکه. پاسکه. پاشکه. پشکه. تجن گوکه. خجکه سراکه. شالکه شلکه بانان. فشتکه. که لیون. کهنه که. گراکه. گوکه. مشه که. میشکه وسکه. بیلاقی لاکه.

کهنه: به معانی دیرینه. قدیمی. مندرس. پوسیده. در نام ۱ روستا آمده است: دهنهر سر سپید رود کهنه. کهنه حیاط. کهنه روپیشت. کهنه سرا. کهنه کلان. کهنه که. کهنه گوراب (۲ روستا). کهنه گویه (بالا. پایین). کهنه وانسرا.

کیا: خلاصه لقب سلاطین آل کیا که مدت طولانی در گیلان حکومت نمودند. این واژه در نام ۲۷ آبادی آمده است: امیر کیاسر. بالا محله ناصر کیاده. پاپکیاده (بالا. پایین. سیله محله). پایین محله ناصر کیاده. حاجی شیر کیا. خال کیاسر. کیا آباد. کیبان. کیارود. کیارمش. کیاسر. کیاسرا (۳ روستا). کیاشکول. کیا شهر. کیاکلایه (۲ روستا). گیاگهان. ناصر کیاده (بالامحله). پایین محله. میان محله. نال کیاشر (بالامحله). پایین محله). هادی کیاشر.

کیان: به معانی پادشاه. آسمان. سروزان. بزرگان در نام ۳ روستا آمده است: اسطلخ کیان. عزیز کیان. محمود کیان.

کیش: اسم محلی گیاه شمشاد با نام علمی *Buxus sempervirrens* در نام ۱۶ روستا آمده است: انکیش (بالابیجار. پایین بیجار). سوخته کیش. کیشاک جان. کیش پشته. کیش چال. کیش خاله (۳ روستا). کیش خانی. کیش دره. کیش دیبی. کیش روبار. کیش محله.

گا: به معانی گاه و گاو در نام ۶ روستا آمده است: برگاپشت مهدی خانی. برگاپشت یاورزاده. دگاسر. گاچراچهارد. گاکو. موشنگا.

گاچه: به معنی آغل و اصطبل زمستانی در نام ۴ روستا آمده است: چهل گاچه.

خان گاچه. گاچه ور. گالش گاچه.

گالش: دامدار کوه نشین در گیلان گالش نام داشته و این کلمه در نام ۹ روستا آمده است: کرف پشته گالش. گالش خاله. گالش خیل (۲ روستا). گالش زمین. گالش کلام. گالش گاچه. گالش محله. گالش موشا.

گام: به معنی قدمگاه در نام ۳ روستا آمده است: برگام. پارگام. خورگام.
گاو: جانور شیرده اهلی. در نام ۶ روستا آمده است: فبیل گاوسر. گاوکلی.
گاوکول. گاوکوه. گاواماست. گاوامیشبان.

گاه: حرف اضافه زمان. دوره. عصر. وقت. هنگام. نوبت. فصل. موسیم. مکان. جای.
صبح. تخت. کرسی. زمین. در نام ۲۳ روستا بکار آمده است: آتشگاه.
استخرگاه. اشمنان دهگاه. ایشگاه (۲ روستا). بازارگاه. بالنگاه. بزگاه. بنگاه.
بیجارگاه. بیجارگاه (سفلی. علیا). بیشه گاه. تالارگاه. تله کنگاه. درگاه (۲ روستا). دهگاه (۲ روستا). دیزگاه. دیزگاه محله. زیارتگاه. سرگاه. صیدگاه
حقيق. صیدگاه دهنۀ سرسفیدرود. کوگاه (۳ روستا). مازوگاه. واچارگاه.
وانگاه. ورازگاه.

گر: به معنی کوه. اسم معنی. صفت فاعل. در نام ۲ آبادی آمده است: سنگر.
کتیگر.

گرا: به معنی گرایش و سمت در نام ۳ روستا آمده است: گراکو (۲ روستا).
گراکه.

گرد: به معنی دور و حوالی و اطراف. دلاور. شهر. در نام ۷ روستا آمده است:
برزگرد. گرد اولادت. گرد کرف. گرد کوه. گرد گوابر. گرد لات. گرد ویشه

گرم: به معنی گرما. شتاب. عجله. خوب. بامحبّت. دوستانه. رونق. در نام ۸ روستا آمده است: گرمابدشت. گرمابرود. گرماور. گرمای سر. گرمای سرا. گرم
جان. گرمخانی. گرم سر.

گری: به معنی جایگاه و کوه در نام ۳ روستا آمده است: خلیفه گری. خواجه
گری. درز گری.

گشت: به معانی زیبایی. سیر و سیاحت. گرداگرد در نام ۳ روستا آمده است: گشت رودخان. گشت گوراب.

گفشه: برگرفته از واژه گبر شه یعنی شاه زرتشتی. عده‌ای آن را گور شاه می‌پندارند. در نام ۵ روستای بخش لشت نشا آمده است. بالا محله گفشه. پس بیجار گفشه. شیخان گفشه. لاله گفشه. میان محله گفشه.

گل: به معنی خاک مرطوب. گل و لای در نام ۸ روستا آمده است: خالیا گل. سیاه گل. سیاه گل چای. سیاه گل کش. قلعه گل. گل سوگ. گل کش. لنگل. گل: بخشی از اندام زایشی گیاه. مظهر زیبایی و لطفات. در نام ۱۵ روستا آمده است: بازار ده گل باغ. چنگل. دوگل سر. دوگل سرا. ششگل. گل. گل افزان. گل بازو. گل سفید. گلشن. گل کوه. گل محله. مریم گلشن. میرزا گلبند.

گنج: به معانی دفینه. خزانه. مخزن. انبار. صندوق. وسعت. حجم در نام ۶ روستا آمده است: گنجار. گنجارود. گنجعلی سرا. گنجه. گنجی کش. گنجی محله. گو: به معانی گاو. مغایک. زمین پست. محتشم. مهتر. مبارز. پهلوان. بزرگ. دلیر. شجاع. گوی. جامه. گریبان. گفتن. مدفوع. در نام ۳ روستا آمده است: گوپل. گوحس. گوخش.

گوابر: به معنی جایگاه در نام ۳۶ روستا و بیشتر در شرق گیلان آمده است: اسماعیل گوابر. امیر گوابر. باجی گوابر. جور گوابر. خلیفه گوابر. درزی گوابر. دولا گوابر. رود گوابر. سرا گوابر. سوت گوابر. سو گوابر (۲ روستا). سیاه گوابر. سیاه مرز گوابر. طهماس گوابر. عباس گوابر. قاضی گوابر. کچ محمد گوابر. کلا گوابر (بالا. پایین). کلوج گوابر. گرد گوابر. گره گوابر. گوابر (جور. جیر). گودی گوابر. گودین گوابر. لیلیچ گوابر. لیما گوابر. مادیان گوابر. مازی گوابر. ملاز گوابر. میان گوابر (۲ روستا). هادی گوابر. یاعلی گوابر.

گوده: به معنی طایفه و دودمان در نام ۲ روستا آمده است: تربه گوده. کربلایی مهدی گوده.

گوراب: به معانی میدان فروش کالا. بازار. زمین باتلاقی. آبگیر. زمین تشنه. زمینی که در آن آب فرو رود. شهر. دهستان. شن زار. گورستان آب. در نام ۲۶ روستا آمده است: آله گوراب. باز کیا گوراب. پشتستان گوراب جیر. جیر گوراب. خطیب گوراب. سیاه گوراب (بالا. پایین). شکال گوراب (بالا. پایین). شیشه گوراب. طاهر گوراب. کتف گوراب. کنه گوراب (۲ روستا). گشت گوراب. گوراب (۲ روستا). گوراب پس. گوراب جوار. گوراب جیر. گوراب زرمیخ. گوراب سر. گوراب لیشاوندان. گوراب وزل. لجه گورابی: نو گوراب. گیل: به معانی قوم گیل. رعیت. دلیر. شجاع. گل. سرزمین گیلان. در نام ۱۹ روستا آمده است: بالا محله گیلده. پایین محله گیلده. خرچگیل. گیلاده. گیلاکش. گیلاوندان. گیلایه. گیل بام. گیل پرده سر. گیل چalan. گیلده. گیلزا رود. گیلاک جان. گیلک محله آلان. گیل موشا. گیلووا دشتان. گیله‌سرا. گیله و محله. گیل یار.

گیلان: از استان‌های شمال کشور ایران. محل سکونت قوم گیل و دیلم و تات و تالش و... در نام ۴ روستا آمده است: تنگده طول گیلان. طول گیلان. گیلان ده (۲ روستا).

لات: به معانی دشت آبرفتی. علف چر. بستر رودخانه خشک. سنگ زار. صخره و دیواره سنگی رودخانه. لخت و برهوت. در نام ۲۷ روستا آمده است: بهشت لات. پایین دراز لات. چالکش لات. خشک لات. داراز لات. دعوای لات. دوست لات. زرخان لات. سرولات. سیاه لات. شبخوس لات. سور شفیع لات. طول لات. کند لات. گرد لات. لات (۲ روستا). لات پرشو. لات‌سرا. لاتک. لات لیل. لات محله. لات محله تیک سر. لاته. محمود لات. مرز لات. نهارخور لات.

لاله: به معنی نوعی گیاه محلی و نوعی دانه که خوردن آن لکنت زبان می‌آورد. در نام ۲ روستا آمده است: لاله دشت. لاله گفشه.

لو: به معانی جوی. کنار. روستایی. علامت جمع در زبان ترکی. در نام ۱۰ روستا

آمده است: بش لر. چم لر. خلچ لر. سید لر. صیاد لر. عوض لر صیاد لر.
گودی اولر. لر. لردارین. لرده.

لش: به معانی ایستاده. راکد. بیکاره. گل و لای تیره. لجن. در نام ۱۲ آبادی
آمده است: املش. تالش. سلش. سلش دیسام. لش. لشکاجان (سفلی. علیا).
لشکام. لشکان. لش کچ. لش مرز مخ. لشه.

لک: قبیله و قومیت را می‌رساند. مرغابی بزرگ. طایفه‌ای از کردها. در نام ۱۲
روستا آمده است: اسکولک. اشک لک. چملک. سیاه خولک.
شولک. کچلک محله. گولک. لک. لک پشت. لکه موج.

لکه: اسم محلی درخت لیلکی با نام علمی *Gleditsia caspica*. در نام ۲
روستا آمده است: لکه پشت. لکه محله.

لله: به معانی لوله. نی زار. نیشکرزار. در نام ۵ روستا آمده است: پشت لله سر.
للكام. لله رود. لله کا. لله وجه سر.

لوم: به معانی تکیه دادن. آسودگی. خار. گونه‌ای تمشک مازندرانی. در نام ۸
آبادی آمده است: اسلام. اولم. بلالم. شکالم. شولم. فشالم. لالم. للم.

لمیر: به معنی خس و خار در نام ۵ روستا آمده است: لمیر (۳ روستا). لمیر
سفلی. لمیر محله.

لنگه: به معانی قسمت. مشابه. مانند در نام ۱۴ روستا آمده است: آلمان لنگه.
اربو لنگه. اربه لنگه. بیل لنگه. پایین نارنج لنگه. پرچین لنگه. پشت دره
لنگه. شرم لنگه. شندر لنگه. کاوه لنگه. گوزه لنگه. لنگ. میرزا حسن لنگه.
میان لنگه.

لو: به معانی انشعاب بوته گیاهان جالیزی. لب. منسوب به یک طایفه. پوست
درخت. در نام ۱۲ روستا آمده است: بابالو. باغشلو محله. بی‌بی یانلو. توت بالو.
دراز لو. سالو محله. شسلو. عمارلو. لورون. لوسرا. لوشاده. لوکلایه.

لی: به معانی سر. کنار. درخت نارون و اوچا *Ulmus procera*. نوعی گیاه
محلي برای حصیر بافی. پسوند دارندگی در زبان ترکی. در نام ۸ آبادی آمده

است: انزلی، بشک لی محله، چس لی، دز لی، سیب لی، کش لی، لوا لی، لی پا.

لیما: به معانی سرزمین گود و دور از آب، روشنایی، چوپان، بزرگ زاده پهلوان، در نام ۱۳ روستا آمده است: لیارج دمه، لیارود، لیاسی، لیاشور (استاد ولی، سفلی، علیا)، لیا فو، لیا قاصدک، لیاکل (جور یا بالا، جیر یا پایین)، لیالستان، لیاول (سفلی، علیا).

لیما: به معانی خزه، سبزینه، درخت لیمو در نام ۳ روستا آمده است: لیما، لیما چال، لیما گوابر.

لیه: به معانی گودی زمین، مزرعه باتلاقی و آبگیر، در نام ۵ روستا آمده است: لیه، لیه چاک (۲ روستا)، لیهخانی، لیه کلام.

م: به عنوان پسوند گاه، جایگاه، جای، محل، در نام ۲۹ آبادی آمده است: ازبرم، ازگم، اشپلم، اولم، باشکم چال، بشم، بیتی شم (بالا، پایین)، بیروم، پاشکم، تخصم، تولم، رجور ازبرم، سارم، سورم، شارم، شمیدیم، فرشم، لتوم، کچوم محله، کلم، کیسم، گرفم، گیسوم، لالم، للم، للیم، لیسم، یکنم.

مازو (مازی): درخت بلوط با نام علمی *Quercus castaneaefolia* در نام ۶ روستا آمده است: مازو بن، مازو دره، مازو گله پشته، مازو گاه، مازی کله پشته، مازی گوابر.

مال: به معانی دارایی، پول، سرمایه، متاع، اسباب مالیدن، آرامش، ستور و چهار پا قرعه، مشابه در نام ۳ روستا آمده است: مال بیجار مال ده، مال محله.

مان: به معانی دودمان، جایگاه، خانه، قرارگاه، جای، شبیه و مانند، در نام ۱۳ آبادی آمده است: آلمان (۲ روستا)، آلمان لنگه، پیربست لولمان، چلمان رود، حسن دایرمان، دیلمان، شلمان، کرمان، کلیمان، لولمان، لیالمان، یرسلمان.

مبارک: به معانی میمنت، یمن، مبارکی در نام ۳ روستا آمده است: مبارک آباد (۳ روستا).

متعلق: به معنی تعلق داشتن و وابستگی در نام ۳ روستا آمده است: متعلق محله، متعلق محله اربستان، متعلق محله نوبیجار.

محله: به معنی جایگاه، جای، مسکن، منزل، کوی، منطقه در نام ۲۳۲ روستا آمده است: آخوند محله، آقاجان محله، آقا محله، آقا محله بهمنبر، آهنگر محله، ارشاد محله، الله بخش محله، امیر محله، انوش محله، انوش محله جوکندان، اوتار محله، اوتار محله شیر آباد، ایشکوه بالا محله، ایشکوه پایین محله، بابا لو محله، بازار گان محله، باعثلبو محله، باع محله نرکه، بالا محله برکاده، بالا محله پاشاکی، بالا محله چوبر، بالا محله چوکام، بالا محله سیاه بلاش، بالا محله قاسم آباد، بالا محله کماچال، بالا محله گفشه، بالا محله گلروبار، بالا محله گیلده، بالا محله لفمجان، بالا محله ناصر کیاده، بالا محله نال کیاشر، بالا محله نرکه، بداغ محله (۲ روستا)، برمچه بالا محله، برمچه پایین محله، بشکل محله، بندر محله، بهادر محله، بیلاز محله، پایین قاضی محله، پایین کلا محله، پایین محله بیجارپس، پایین محله پاشاکی، پایین محله رودبنه، پایین محله زمیدان، پایین محله قاسم آباد، پایین محله کماچال، پایین محله کولک، پایین محله گلروبار، پایین محله گیلده، پایین محله لفمجان، پایین محله لوندویل، پایین محله ناصر کیاده، پایین محله نرکه، پشته کریم محله، پیر محله، پیله محله، تانی محله، تجله محله، ترک محله (۲ روستا)، ترک محله آلالان، توسکا محله قاسم آباد، جانباز محله، جبرئیل محله، جور محله، جیر محله کسمای، چاروق دوز محله، چپک شفیع محله، چپک ناظمی محله، چخره محله، چوب تراش محله، چوبان محله، حاج بهرام محله، حاج شهریار محله، حاج یدالله محله، حاجیه محله، خلاح محله، خویق محله، خرات محله (۲ روستا)، خسرو محله، خلچ محله، خلیفه محله، خلیل محله، خمیر محله (۵ روستا)، خودکار محله، خیاط محله، دادا محله، داروگر محله، دراز محله، درزی محله، دره محله، دست خط محله، دروار محله، دیزگاه محله، دیلچ محله، راهنما محله، رستم محله، رضا محله (۲ روستا)، رعیت محله، رفیع محله، رنگرج محله، روهم بیک محله، زرنگ

محله. زمان محله. زیاز محله. سادات محله. (۷ روستا). سالو محله. سحرخیز محله. سورجان محله. سیاوان محله. سیاه گل محله. سید محله (۳ روستا). سید محله شیرآباد. شاد گلدی محله. شاندرمن محله. شاد مراد محله (۲ روستا). شفت محله. شکرکش محله. شیخ زاهد محله. شیخعلی محله. شیخ محله (۵ روستا). شیرآباد محله. شیر علی بیک محله. شیرکوه محله. شیر محله. صولی محله. صیاد محله. طالش محله (۴ روستا). طالش محله بهمبر. طاهریک محله. عروس محله (۲ روستا). علی اوسط محله. غبران محله. غریب محله. قاضی محله. قراخان محله. قصاب محله (۳ روستا). قنبر محله (۳ روستا). کچوم محله. کرد محله (۳ روستا). کرف محله. کشن آزاد محله. کفش کل محله. کلاهدوز محله. کماچال بالا محله. کماچال پایین محله. کمال ر. کوچک محله. کیاسج محله. کیش محله. گلاب محله. گل محله. گیلک محله آلالان. گیلو محله. لات محله. لات محله تیک سر. لاج محله. لسو محله. للكه محله. لمیر محله. لمک محله لفمجان. لواسی محله. لیسار محله. مازندران محله. مازندران محله بهمبر. متعلق محله اریستان. محمد جعفر محله. معاف محله. ملا محله (۴ روستا). ملا محله چهل ستون. منصور محله. مهدی خان محله. میان محله. میان محله پاپکیاده. میان محله چاف گاویه. میان محله ذاکله بر. میان محله رودبنه. میان محله گلروdiar. میان محله گفشه. میران محله. میرک محله. میر محله (۴ روستا). ناصر کیاده میان محله. نایب محله. نصور محله. نصیر محله. نظر محله. نقاره چی محله. نمازی محله. نوییجار محله محسن آباد. نوروز محله. نو محله. ویش خس محله. یاری محله. یگانه محله. یوسف محله.

محمد: اسم شخص بوده و در نام ۴ روستا آمده است: محمد آباد. محمد جان محله. محمد جعفر محله. محمد علی یوردی.

محمود: اسم شخص بوده و در نام ۲ روستا آمده است: محمود کیان. محمود لات.

مخ: به معانی میخ. آهن. زنبور. بید. محکم. آتش. بزرگ. مه. در نام ۸ آبادی

آمده است: پشت مخ. خسمخ. گوراب زرمخ. لادمخ (۲ روستا). لش مرز مخ.
مخ سر. مخ شر.

مرداب: به معانی تالاب. محل ماندن آب. استخر و آبگیر عمیق. در نام ۲ روستا
آمده است: مرداب بن. مرداب سر.

مردخ: برگرفته از مردوک شخصیت باستانی ایران. در نام ۴ روستا آمده است:
دواب مردخ. کما مردخ. مردخه (۲ روستا).

مرز: به معانی حد. زمین. ناحیه. چراغاه. کشور. سرحد. کشتزار. حاشیه.

کناره. دشت. محل. جای. در نام ۸ روستا آمده است: تازه‌آیاد مرز بان. سل
مرز. سیاه مرز گوابر. کال مرز. لش مرز مخ. مرز دشت. مرز لات. میان مرز.

مریم: اسم شخص یوده و در نام ۲ روستا آمده است: مریم دشت. مریم گلشن.
مسجد: به معانی محل عبادتگاه. خانه عبادت. در نام ۶ روستا آمده است: آق
مسجد (۲ روستا). خشت مسجد (۲ روستا). مسجد پیش. مسجد قباقی.

معاف: به معنی بخشوده و بازداشت شده از بدی. در نام ۵ روستا آمده است:
معاف (۲ روستا). معاف اومندان. معاف محله. معاف وزیری.

ملا: به معانی پیشوای استاد. معلم. رهبر دینی. صاحب مكتب خانه در نام ۹
روستا آمده است: ملا باغ. ملاسر (۳ روستا). ملا محله (۴ روستا). ملامحله
چهل ستون.

ملک: به معانی امیر. حاکم. پادشاه. سلطان. در نام ۵ روستا آمده است: آخوند
ملک. ملک بگور. ملک جهان. ملک رود. ملک میان.

من: به معانی جایگاه. قرارگاه. دورمان. در نام ۴ آبادی آمده است: بشمن.
شاندرمن. شاندرمن محله. فومن.

مندان: به معانی استخر. سل. آبگیر. در نام ۴ روستا آمده است: اومندان. ریزه
مندان. میشامندان. نومندان.

موش: حیوان کوچک از پستانداران جونده. در نام ۳ روستا آمده است: موش
بیجار. موش کلایه. موشنگا.

مومن: به معنی با ایمان. در نام ۲ روستا آمده است: مومن زمین. مومن کوه

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۸۹

میان: به معنی بین. وسط. درون. در نام ۳۶ روستا آمده است: توشه میان. دشت میان. قله میان. ماشمیان. ملک میان. میان بر. میان پشته. میان دشت. میان ده (۳ روستا). میان ده پایین. میان رز. میان رود (۳ روستا). میان سرا. میان شکرکش. میان فررود. میان فربرود. میان کل. میان کوه. میان گسکر. میان گوابر (۲ روستا). میان گواسر. میان لنگه. میان محله. میان محله پاپکیاده. میان محله چاف گاویه. میان محله ذاکله بر. میان محله رودبنه. میان محله گلرودبار. میان محله گفشه. میانمرز. ناصرکیاده میان محله.

میر: به معانی آقا. سید. بزرگ محل. ریشن سفید. سلطان. امیر. شیخ. خواجه. کدخدا. صاحب خانه. در نام ۶ روستا آمده است: میران محله. میرک محله. میر محله (۴ روستا).

میرزا: اسم شخص بوده و در نام ۳ آبادی آمده است: میرزا حسن لنگه. میرزا کوچک جنگلی. میرزا گلبند.

نارنج: گیاهی از خانواده مرکبات با نام علمی *Citrus vulgaris*. در نام ۹ روستا آمده است: پایین نارنج لنگه. نارنج بن. نارنج بن بالا. نارنج بن پایین. نارنج دول. نارنج کل. نارنج کلایه. نارنج کلایه سفلی. نارنج کلایه علیا.

ناصر: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: ناصران. ناصرسرا. ناصر کیاده.

نشین: از نشستن و محل سکونت می‌آید و در نام ۵ روستا بکار رفته است: تابستان نشین. ترک نشین. بازنشین سفلی. باز نشین علیا. شاد نشین. نصرالله: اسم شخص بوده و در نام ۳ روستا آمده است: نصرالله‌آباد (۲ روستا). نصرالله محله.

نقاره: به معنی دل نوازی و نواختن ساز آلات. در نام ۲ روستا آمده است: نقاره چیان. نقاره چی محله.

نقل: به معانی ژرف. گودال. عمیق. گود. سنگ. سنگریزه. نقل و انتقال. در نام ۳

۱۹۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

روستا آمده است: نقله کش. نقله بر. نقله کشن.

نمک: ماده معدنی شور. در نام ۲ روستا آمده است: نمک آوران. نمک رودبار.
نو: به معنی تازه ایجاد شده در نام ۲۲ روستا آمده است: پنو. علی نوده. نو.
نواسطخ. نوبیجار. نوبیجار محله محسن آباد. نوباشان. نوخاله (اکبری.
جعفری). نوده (۵ روستا). نوده پسیخان. نوده مرحال. نورود. نوشر (۲
روستا). نوکاشت. نوکنده. مو محله.

وا: به معنی بان. حفاظت. نگهبانی. باد. باز. باید. در نام ۶ روستا آمده است:
خشک وا. شیر وا. شی وا. علی وا. گیلوا دشتان. گیلوا محله
وان: به معنی نگهبان در نام ۶ روستا آمده است: چلوان سرا. داوان. رزان.
کولوان. ماکلوان. مردان.

ور: به معنی کنار. بغل. قلعه. گدار. رودخانه. در نام ۱۷ آبادی آمده است: آینه
ور. اشکور. اطاکور. پیشه ور. چکوور. شانکاور. شیخان ور. کرد کاور. کشاور.
کشاور خطبه سرا. گاچه ور. گرما ور. لاور. وربن. ور دوم. ور کوره. یکا ور ک.
ورزل: به معنی چسبیده به قلعه و حصار و کوهستان. در نام ۶ روستا آمده
است: سازه آباد ورزل. صیقلان ورزل. کشل ورزل. کیسار ورزل. گوراب ورزل.
ویشکاه ورزل.

وند: به عنوان نشانه نسبت. در زبان تالشی گودال پر آب. پسوند دارندگی و
شباهت. ظرف. کوزه. طبق. در نام ۳ روستا آمده است: پینوند. جمال آباد
نظمی وند. چلوند.

وندان: به عنوان نشانه جمع نسبت. پسوند دارندگی و صاحب. آب بند. در نام
۱۵ روستا آمده است: تویسرا وندان. خشکار وندان. خواجه علی وندان. دلی
وندان. سر وندان. سیاه گل وندان. صیقل وندان. طبال وندان. عثما وندان.
کرج وندان. کیسا وندان. گوراب لیشا وندان. گوشل وندان. گیلا وندان. لپ
وندان.

ویشکا: به معنی جنگل و بیشه. در نام ۶ روستا آمده است: جیرسو ویشکا.

ویشکا. ویشکا سوقه. ویشکا ماتیر. ویشکا ننک. ویشکاه ورزل.
ویشه: به معانی جنگل کوچک. بیشه. خوشه درخت. در نام ۶ روستا آمده است: پس ویشه. کیشا ویشه (سفلی، علیا). گرد ویشه. ویشه‌سرا (۲ روستا).
ویل: به معانی چاه. مکان. جای. سرزمین. در نام ۴ آبادی آمده است: دشت وی. شله ویل. لوندویل. ویل دیو.

هادی: اسم شخص بوده. در نام ۲ روستا آمده است: هادی کیا سر. هادی گوابر.
هره: به معانی بلند. کوه. ایوان باریک. بلند. دیوار نازک خشتشی. در نام ۴ روستا آمده است: هره دشت (۲ روستا). هره دشت شمالی. هره شوندشت.
هلو: به معنی درخت گوجه سبز وحشی با نام علمی *Prunus divaricata* در نام ۶ روستا آمده است: هلوبن دره. هلوچاک. هلودشت. هلوسرما (بالا. پایین). هلو کله.

هنده: به معنی بازهم. آن قدر. آن ده. در نام ۴ روستا بکار آمده است: امیر هنده (۲ روستا). هنده کران. هنده خاله.

هونی: به معنی زمین کشت زار پر از کلخ. در نام ۴ روستا آمده است: سردادب هونی. سیا هونی. سینا هونی. نما هونی.

ی: نشانه نسبتی و سایر قواعد دستوری. در نام ۴۸ روستا آمده است: آزارستانکی. آزارکی. اروشکی. اسپیلی. ایراکی. اینشلیکی. اینی. بارگلی. پاشاکی (بالا محله. پایین محله. پلاسی. توکنی. چفلکی. چلیکی. چوری. خالکی. رودبارکی. زراکی. زموی. زیدی. سفید مزگی. سلی. سیاوی. سیاه مزگی. صولی محله. عنوی. فابیلی. فرشکی چوکام. کاشکی. کشتمی. کشفی. کمنی. گیری. لختکی. لیجارکی حسن رود. لیشکی. لیلکی. نرکی. نعیچی. نیسپی. وزمی. وسی. وقفی. ولنی. ولنیسپی. ویشکی. هنزنی.

یان: علامت جمع. سخن نامریوط. در زبان ترکی طرف و جانب. در نام ۱۶ روستا آمده است: آلیان. اشیان. اوشیان. بودیان. تنبیان. چنگریان. خل یان. سندیان. لرزیام. لشکریان. ماچیان. مازیام. ماوردیان. مریان. نقاره چیان. هر کیان.

یورد: در زبان ترکی به معنی سرزمین و ولایت. در نام ۴ روستای آذری نشین آمده است: سله یوردی. قلعه بین یوردی. محمد علی یوردی.

یوسف: اسم شخص بوده و در نام ۶ روستا آمده است: یوسف‌آباد (۴ روستا).
یوسف ده. یوسف محله.

بیلاق: به معنی سرزمین سرد سیر کوهپایه ای. در نام ۴ روستا آمده است:
بیلاق ویزنه. بیلاقی دارستان. بیلاقی لاکه. بیلاقی ویزا دشت.

۷

بخش سوم: فرهنگنامه آبادی‌ها:

تبرستان
www.tabarestan.info

آبچالگی: روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. اگر پسوند گی را حاصل مصدر دارندگی در نظر به گیریم آب چالگی چالهای است که در آن آب جمع شود. اما اگر واژه گی را به مفهوم آبگیر و حوضچه آب آمده باشد بنابر این آب چالگی محل دارای آبگیر خواهد بود.

آبدنگسر: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبدنگ دستگاه شالی کوبی است که با نیروی آب کار می‌کند. آبدنگسر روستای کنار دستگاه آبدنگ می‌باشد.

آبدوچال: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمینی که در آن آب در داخل گودال باشد.

آبرود: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی مجاور آب رودخانه.

آبکنار: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی کنار مرداب انزلی.

آپنجلی: ر. ج: بیجار بنه بالا. آقا پنجه علی.

آتش‌سرا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی بقایای آتشکده قدیمی.

آتشگاه: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی محل قرار گرفتن آتشکده.

آتشگی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. به علت روشن بودن دائمی آتش توسط تنها سکنه در این مکان به آتشگی معروف می‌باشد.

آجی بوزایه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. واژه بوز به معنی سبزینه و کفك روی تنه درخت می‌باشد. بنابراین آجی بوزایه سرزمینی است که در آن تنه درختان افرا دارای سبزینه می‌باشند.

آجی بیشه: آبادی نزدیک رشت بوده که اکنون از محلات شهر محسوب می‌شود. به معنی سرزمین پر از درختان افرا.

آخوند محله: روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. آبادی محل سکونت آخوند.

آخوند ملک: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که ملای آن حاکم آبادی بود.

آذرچه: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. به معنی آتش کوچک می‌آید. ممکن است تدور کوچک و یا آتشدان کوچک کنار دهکده باشد.

آزاد محله: ر. ج: طاهر بیک محله. به معنی مکان رویش درخت آزاد.

آزار بن سفلی: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آزار کلمه تحریف شده آزاد بوده و معنی نام روستا سرزمین درختان آزاد پائینی.

آزار بن علیا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آزار کلمه تحریف شده آزاد بوده و معنی نام روستا سرزمین درختان آزاد بالایی.

آزارستان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین محل رویش درخت آزاد.

آزارستانک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین کوچک پر از درختان آزاد.

آزارستانکی: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین

کوچک مکان رویش درختان آزاد. عده‌ای آن را محل سکونت اولیه افراد اذیت گر در قدیم می‌دانند.

آزارگی: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین درختان آزاد کوچک. دهکده‌ای که سکنه اولیه آن اذیت گر بوده‌اند.

آستارا: شهرستان شمال غربی گیلان. از واژه استراب به معنی گستردگی آب گرفته شده است. برخی آن را از زبان تالشی آهسته رو می‌دانند. عده‌ای نیز آن را شهر ستاره‌ها می‌دانند. سرزمین دشت هموان

آستانه اشرفیه: شهرستان شرقی گیلان، به درگاه آقا سید جلال الدین اشرف معروف گردیده است.

آسو: روستای دهستان توکنی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی این سمت. آسیاب دره: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مجاور دره‌ای که کارگاه آرد کوبی در آن قرار دارد.

آسیا بر: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. روستای کنار کارگاه آرد کوبی.

آسیابرگ: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. دهکده کنار آرد کوبی.

آسیابرگ: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کنار آرد کوبی.

آسیاب سر: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده نزدیک آردکوبی.

آسیاب سر: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. روستای مجاور آردکوبی.

آسیاب سران: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی نزدیک آردکوبی.

آسیاب شم: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. واژه شم به معنی

می‌روم و چاروق آمده است. روستای آسیاب شم مسیر رفتن به طرف آرد کوبی می‌باشد.

آغاسی: ر. ج: اشیک آغاسی و حویق محله روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. درگاه و مکان متعلق سکونت طایفه حسین قلی خان ایشیک آغاسی.

آغوز بن: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی دارای درختان گردو.

آغوز بن: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی رودبار سرزمین درختان گردو.

آغوز بن کندسر: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. واژه کند به معنی تپه می‌باشد بنابر این معنی آغوز بن کندسر آبادی روی تپه پر از درخت گردو است.

آغوز چال: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. روستایی که در آن گودال و دره پر از درختان گردو باشد.

آغوز چال (آغوز گوش): روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مجاور گودال پر از درختان گردو.

آغوز چکه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. واژه چکه به معنی ریزش آمده و آغوز چکه یعنی روستایی که در آن درخت گردو زیاد بوده و در فصل محصول ریزش گردو از درختان زیاد باشد.

آغوز کله: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. کله به معنی مکان رویش بوده و آغوز کله سرزمین رویش درختان گردو است.

آغوز کله: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین مکان رویش درختان گردو.

آغوز گوش: ر. ج: آغوز چال سرزمین گوشه درختان گردو.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۹۷

آفتاب خور تاب: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش.
سرزمینی که در آن همیشه آفتاب می‌تابد.

آقا جان محله: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. محله و سرزمین آقا بزرگ.

آقا سید حسن: ر. ج: دموچال روستای دهستان رود ینه بخش رودبنه لاهیجان. مجاورت با زیارتگاه موجب این نام گردیده است.

آقا سید شریف: ر. ج: روستای کتیگر که به علت مجاورت با زیارتگاه آقا سید شریف به این نام معروف شد.

آقا سید یعقوب: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. وجود زیارتگاه آقا سید یعقوب فرزند امام موسی موجب این نام گردید.

آقا علی‌سرا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. دهکده‌ای که عمران و آبادی آن از خانواده آقا علی بود.

آقا محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمین محل سکونت آقا نام.

آقا محله بهمبر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین محل سکونت آقا نام در منطقه بهمبر بزرگ

آقا نور سه تن: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. وجود زیارتگاه آقا نور سه تن موجب چنین نام گردیده است.

آق‌اولر (نواده): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی با خانه‌های سفید.

آق‌مسجد (بش‌اولر): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. به معنی آبادی دارای مسجد با دیوار سفید. در گذشته این مکان به آبادی با پنج خانه سفید معروف بود.

آق‌مسجد (رینه): روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. به معنی آبادی دارای مسجد با دیوار سفید.

آلاسر: روستای دهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. آبادی و سرزمین پر از شقایق‌های وحشی.

آلalan قدیم: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین و مکان رویش آله‌های وحشی (شقایق‌های وحشی)

آلله گوراب: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. سرزمینی که میدانگاه آن پر از شقایق‌های وحشی قرمز باشد.

آلان: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آل به معنی سرخ و آلان دهکده سرخ به علت وجود شقایق‌های وحشی قرمز.

آلکام: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی محل سکونت طایفه آل. عده‌ای آن را سرزمین مکان رویش آله‌های وحشی قرمز می‌دانند.

آلمان: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین مکان رویش شقایق‌های قرمز وحشی.

آلمان: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. سرزمی مکان رویش شقایق‌های وحشی قرمز.

آلمان لنگه: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. سرزمینی که قسمتی از آن پر از شقایق‌های قرمز وحشی باشد

آلوبن: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. آبادی پر از درختان آلوجه جنگلی.

آلیان: دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی و سرزمین آله‌های وحشی قرمز. سرزمین سرخ رویان.

آوا: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین پر آب.

آهکلان (حیر): روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. مکان و گودال و معدن آهک.

آهندان: روستای مرکز دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۱۹۹

سرزمینی که سکنه آن پیشه ور آهن آلات می‌باشند.

آهنگر محله: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده‌ای که آهنگران معروف دارد.

آینه ور: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. کنار منطقه صیقل شده و آینه‌ای.

آیینه ده: روستای دهستان جیرده بخش عمارلو رودبار. آبادی دارای رسم و آئین مخصوص

الف

اباتر: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین این طرف آب رودخانه. عده‌ای آن را بصورت آبادتر می‌دانند.

ابراهیم‌سرا: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. سرزمینی که بوسیله خاندان ابراهیم‌آباد گردید.

ابو یار: روستای دهستان دیناچال بخش پرمهسر رضوانشهر. سرزمین دوستداران آب.

ابی نام: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین بی‌نام.

اترود: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی مجاور رودخانه گستردۀ.

اتورسر: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. این جور مکان.

احمدآباد: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. سرزمینی که بوسیله خاندان احمد نام‌آباد گردید.

احمدسر: روستای دهستان بلسبنۀ بخش کوچصفهان رشت. سرزمینی که به توسط خاندان احمد نام‌آباد گردید.

احمدسر گوراب: شهر و مرکز بخش شهرستان شفت. سرزمین و بازاری که بوسیله خاندان احمد نام رونق گرفت.

ارباستان: روستای دهستان شیر جو پشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی و سرزمین پر از درختان خرمالوی جنگلی.

ارباسر: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین پر از درخت خرمالوی وحشی.

اربع گردن: روستای دهستان لات لیل بخش اطاوقور لنگرود. در اصل اریه گردنه به معنی گدار پر از درختان خرمالوی وحشی می‌باشد.

اربوسرا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که در کنار خانه‌های آن درخت خرمalo.

اربو کلایه: روستای دهستان شیر جو پشت بخش رودبنه لاهیجان. کلایه به معنی آبادی. بنابراین اربوکلایه آبادی درختان خرمالو می‌باشد.

اربو لنگه: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. سرزمینی که بخشی از آن دارای درخت خرمالو می‌باشد.

اربه بن: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین دارای درخت خرمالو.

اربه لانه بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاوقور لنگرود. آبادی بالایی درخت زار خرمالو که دارای آشیانه پرندگان باشد.

اربه لنگه: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که قسمتی از آن را درختان خرمالو پر کرده باشد.

اردجان: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. ارد به معنی بزرگان و نجبا آمده و اردجان سرزمین بزرگان می‌باشد. عده‌ای ارد را نرم معنی کرده و اردجان را سرزمین خاک نرم می‌دانند.

اردها: روستای مرکز دهستان بیلاقی ارد بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین خاک نرم و مکان آفتتابگیر. عده‌ای آن را مکان سکونت دلیران می‌دانند.

ارزن پشته: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین تپه‌ای

کشت ارزن.

ارشاد محله: ر. ج: سیاه چال روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش می‌باشد که پس از انقلاب به این نام تبدیل گردید.

ارکم: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. ار معنی علوفه گاو می‌باشد. ارکم تپه محل رویش علوفه گاو.

ارم سادات: **Oromsadat**: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سر. سرزمین سادات بهشتی.

اروشکی: **Arushaki**: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین مردم با غیرت و حسود.

اره چاک: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دره‌ای دندانه دار. علف زار آریایی.

ازبر: **Azbar**: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. سرزمینی که از یک کنار بلندی معینی شروع گردد.

ازبرم: **Azbaram**: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین بلند.

ازدین: ر. ج: ایزد بن.

ازگم: **Azgom**: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی و سرزمین درختان با شاخه‌های نازک که برای دیوار سازی استفاده می‌شود. عدهای آن را آبادی با کوچه‌های باریک می‌دانند.

ازدها بلوج: روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت. سرزمین سکنه دو قوم ازدها (ازدر) از قرن هفتم هجری و قوم بلوج.

اسالم: شهر و مرکز بخش اسلام تالش به معنی محل لمیدن. عدهای آن را منطقه غیر سرد سیر در مقابل خلخال که سرد سیر است می‌دانند.

اسب بونی: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. بون همان بن به معنی سرزمین بوده و اسب بونی یعنی سرزمین اسب‌ها.

اسب راهان: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین محل عبور اسب‌ها.

اسب ریسه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. ریسه به معنی ردیف و پشت سرهم آمده است. اسب ریسه سرزمینی است که در آن مرتب اسب‌ها آمد و رفت نمایند.

اسب‌سرا: روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی مکان پرورش اسب.

اسبوسر: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی محل زندگی اسب‌ها.

اسپهبدان: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی مکان سکونت طایفه قدیمی اسپهبدان از زمان اشکانی و ساسانی.

اسپید دارین: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی پراز درختان سپیدار.

اسپی سنگن: ر، ج: سفید سنگان روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی دارای صخره و سنگ‌های سفید.

اسپیلی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. اسپیل یعنی ساقه برنج و اسپیلی سرزمینی است که با ساقه برنج وسایل درست کنند.

استاد کلایه: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی محل سکونت یک استاد.

استخر بیجار (سل. بیجار - اسطلح بیجار): روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای آبگیری که آب شالیزار را تامین کند

استخرسرو: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. آبادی کنار آبگیر.

استخر گاه: روستای دهستان دشت ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی دارای آبگیر.

استکابن: ر، ج: اسکابن.

استه‌سر: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین مکان رویش استه نوعی گیاه همیشه سبز خار دار که در زمستان به مصرف دام می‌رسد.

اسدسو!: روستای دهستان اطاور بخش اطاور لنگرود. دهکده‌ای که توسط خاندان اسد عمران و آباد گردید.

اسطلخ بیجار: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آشتیانه اشرفیه. آبادی دارای آبگیری که آب مورد نیاز شالیزار را تامین کند.

اسطلخ جان: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. آبادی دارای آبگیر.

اسطلخ زیر (سل چه): روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که در قسمت پائین آن آبگیر باشد.

اسطلخ کوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. آبادی دارای آبگیر در منطقه کوهستانی.

اسطلخ کیان: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای آبگیر به جا مانده از خاندان کیا.

اسطلک (اصطلک): روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. آبادی دارای آبگیر کوچک.

اسفقن سر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. محل نگهداری دام‌های سر سیاه.

اسفند: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. مکان رویش گیاه اسپند یا گیاه زهر چشم. برخی آنرا محل سدی که برای بالا آمدن آب بسته شده است می‌دانند.

اسفندیارسوا: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین محل سکونت خاندان اسفندیار.

اسک: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین مکان

سکونت قوم اسکاها از دوره اشکانی و ساسانی

اسکابن Oskabon (استکابن): روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روdbار. آبادی محل سکونت قوم اسکا.

اسکده Askadeh: روستای دهستان لاکام بخش مرکزی رشت. دهکده محل سکونت قوم اسکاها.

اسکلک: روستای مرکز دهستان رستم آباد شمال بخش مرکزی روdbار. سرزمین مکان سکونت قوم اسک معنی دارد. منطقه دارای درختان اسکول دار (سیخونک دار) نیز معنی می‌شود

اسلامآباد: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر! پس از انقلاب اسلامی این نام برای آبادی انتخاب گردید.

اسلامآباد: ر. ج: روهام بیک محله.

اسلامآباد: ر. ج: زرنگ محله.

اسلامآباد (پائین شاد ده): روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. این آبادی قبل از انقلاب پائین شاهده به معنی آبادی بزرگ پائینی بوده است.

اسلامآباد (شاد نشین): روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. این روستا قبل از انقلاب شاه نشین به معنی حاکم نشین بوده است.

اسلامآباد (شاقاجی): روستای مرکز دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. این آبادی قبل از انقلاب شاقاجی به معنی مکان ابلاغ پیام و اوامر شاه نام داشت.

اسلامده بالا: ر. ج: بالا شاد ده.

اسماعیلآباد: روستای دهستان کته‌سر بخش خمام رشت. دهکده آباد شده توسط خاندان اسماعیل نام.

اسماعیل سرا (غلامعلی سرا): روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. سرزمین آباد شده توسط خاندان اسماعیل.

اسماعیل گوابر: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. جایگاه مکان سکونت خاندان اسماعیل نام.

Eshpela: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. دهکده‌ای که خوراک اکثر اهالی آن در قدیم اشپل پلو بوده است. عده‌ای آن را به زبان ترکی اوج بلا یعنی سه بلای نازل شده بر آبادی می‌دانند. آقای بربزو دلاور را نظر بر این است که محل تهیه کنندگان پلوی نرم معنی دارد.
Eshpalem: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. دهکده تولید کنندگان اشپل شور (تخم ماهی شور).

اشترکان: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. اوشترب به معنی آن طرف‌تر بوده و اشتراکان یعنی آبادی آن طرف‌تر می‌باشد. عده‌ای آن را اوش ترکان یعنی محل سکونت پنج خانواده ترک می‌دانند.

اشکال: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. سرزمین مکان سکونت طایفه اشک.

اشکراب: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. اشک یاد آور قوم ساکن در ایران باستان می‌باشد. اشکراب دهکده مجاور آبگیر است که سکنه آن قوم اشک هستند.

اشکر میدان: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. میدان گاه بزرگ مکان سکونت طایفه اشک. عده‌ای آن را میدان جمع آوری اشکر یعنی خرد بزنج می‌دانند.

اشکمجان پهلو: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. در اصل اشک جان پهلو آبادی کنار محل سکونت قوم اشک می‌باشد.

اشکلت: روستای دهستان سودارجنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین مکان سکونت قوم اشک.

Eshkalan: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. سرزمین

محل سکونت طایفه اشک.

Eshkavar: دهستان بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی و سرزمین و قلعه به جا مانده از دوران اشک‌ها.

اشکیت: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. سرزمین محل سکونت قوم اشک.

اشکیک: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. سرزمین مکان سکونت قوم اشک.

اشمنان دهگاه: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. اشمنان به معنی خشمگین بوده و اشمنان دهگاه دهکده محل سکونت اهالی خشمگین.

اشمنان طالم: روستای دهستان کتهسر بخش خمام رشت. سرزمین بزرگ اهالی خشمگین.

اشمنان کماچال: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. سرزمین تپه‌ای دارای گودال که ساکنان آن افراد خشمگین هستند.

اشیان: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. سرزمین پیش طلوع آفتاب.

اشیک آغاسی: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروود تالش. سرزمین و درگاه متعلق به سکونت طایفه حسین قلی خان ایشیک آغاسی دوره نادر شاه.

اشیک آغاسی: روستای آغاسی.

اطاکور: شهر و مرکز بخش اطاکور لنگرود. سرزمین کنار آب رودخانه طاکور.

افرمجان سفلی: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. دهکده پائینی که بام خانه‌های آن از چوب باشد.

افرمجان علیا: روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی روسر. سرزمین بالایی که بام خانه‌های آن از چوب باشد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۰۷۱

افرمجان صوفی: ر. ج: افرمجان علیا به علت سکونت خاندان صوفی.

اکبرآباد: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین آباد شده توسط اکبر نام.

اکبرآباد: روستای دهستان رود بنه بخش رود بنه لاهیجان. دهکده عمران یافته بوسیله اکبر نام.

اکبرسرا: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. سرزمینی که توسط خاندان اکبر نام رونق یافته است.

اگری بوجاق: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. گوشه و کنج کوه. البرز: ر. ج: دعوای لات بر گفته از نام کوه البرز.

الکی صحراء: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین دشتی که به غلط صحراء گفته می‌شود.

النکنگه: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین سبزه زار.
الله ده: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمینی که جولانگاه عقاب.

الله بخش محله: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمینی که خدا بخشیده باشد.

الله ده: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که در آن نشانه‌های بارز خدا آشکار باشد.

امام **Omam**: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین سکنه زاهد. عده‌ای آن را سرزمین محل رویش گیاه هم یا خبز المشایخ می‌دانند.

امام دوست محله: ر. ج: چاروق دوز محله که پس از انقلاب به این اسم خوانده می‌شود.

امام ده: ر. ج: گاویه که بعد از انقلاب به این اسم خوانده می‌شود.

امام زاده ابراهیم: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. وجود آرامگاه امام زاده ابراهیم در این آبادی موجب چنین اسمی گردیده است.

امام زاده اسحاق: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. وجود زیارتگاه امام زاده اسحاق در آبادی موجب انتخاب این نام گردیده است.

امام زاده تقی: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. وجود آرامگاه امام زاده تقی موجب انتخاب این نام شده است.

امام زاده شفیع: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. قرار گرفتن بقعه امام زاده شفیع در آبادی موجب انتخاب این اسم گردیده است.

امام زاده هاشم: روستای دهستان سراوان بخش سنگر رشت. وجود آرامگاه امام زاده هاشم در آبادی موجب این نام گردیده است.

امام زاده هاشم: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. قرار گرفتن آرامگاه امام زاده هاشم در آبادی موجب این نام گشته است.

امرو گونل: ر. ج: لتین پرد.

امشل Amshal: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی محل سکونت طایفه شال.

امشه Omosha: روستای دهستان سنگربخش سنگر رشت. آبادی و سرزمین جاویدان.

املش: شهرستان شرقی گیلان. به معنی آب لش یا آب ایستاده و راکد آمده است. برخی آن را رود تنبل می‌دانند.

امیرآباد: روستای دهستان شیر جو پشت بخش رود بنه لاهیجان. آبادی رونق گرفته توسط خاندان سلطان امیر کیا.

امیر بکنده (امیر کنده): روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. سرزمینی که رودخانه آن به دستور امیر محل لای رویی گردید.

امیر بیگلو (شهید ایمانی): روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین آباد شده توسط امیر نجیب زاده.

امیر کلایه: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. منطقه آباد شده توسط حاکم محل.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۰۹

امیر کیاسر: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه سرزمین آباد گشته توسط سلطان امیر کیا.

امیر گوابر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی مکان سکونت و جایگاه حاکم.

امیر محله: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی محل سکونت حاکم منطقه.

امیر هنده: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه سرزمین باز هم امیر نشین.

امیر هنده: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه آبادی باز هم امیر نشین.

امیلدان Emildan: روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت سرزمین مکان رویش گیاه امیل.

امین آباد: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشك بیجار رشت سرزمین آباد گشته توسط خاندان امین الدوله.

امین آباد: روستای دهستان رستم‌آباد جنوبی بخش مرکزی روبار سرزمین آباد شده بوسیله امین نام.

انارستان: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان آبادی و سرزمین محل رویش درختان انار.

انار کول: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار آبادی روی تپه انار.

انبارسر: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه آبادی مجاور یک انبار مشخص.

انبلان سرا: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود آبادی و سرزمین محل رویش گیاه انبل (مامیران).

انبو: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش در اصل انبور یعنی

سرزمین پر خزه.

Anbuh: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو روبار. سرزمین پر تراکم از نظر مسکن معنی دارد زیرا خانه‌های آن به یکدیگر فشرده‌اند.

انجیلان: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی و سرزمین پر از درختان انجیر.

انجیل بنه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی و سرزمین پر از درختان انجیر.

انزلی: شهرستان غربی گیلان. در اصل دهنز لی به معنی آبادی سر دریا بود که به (انز - لی) تبدیل شد و به غلط (انزه - لی) گفته می‌شود. عده‌ای آنرا انگر لی یعنی جایگاه لنگر انداختن می‌دانند. برخی نیز به آن همزلی یعنی محل تلاقی آب دریا و مرداب ذکر کرده‌اند. روس‌ها آن را سین سیلی یا زین زیلی می‌گویند که معنی آن بمان و توقف کن است. یونانی‌ها آن را سینسلیوس به معنی خلیج می‌گویند. در زبان محلی هنر لی یعنی تا این مقدار لی می‌باشد.

انستیتو تکنو لوژی لاکان: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. وجود این موسسه در آبادی موجب رونق منطقه و انتخاب چنین نام گردید.

انگلوش: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین پر از آفت پیچ در پیچ.

انگلور (انگل بر): روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. واژه (ان- گول - ور) به معنی کنار این گل امده است. عده‌ای آن را آبادی نزدیکتر از بند انگشت می‌دانند.

انوش محله (گنجی محله): روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمینی که بوسیله انوش نام رونق گرفت.

انوش محله جوکندان: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی بزرگ و سرزمین محل کنده شده بوسیله روداخانه آباد شده.

توسط انشو فرح بخش.

انون: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. عده‌ای آن را روستای متعلق به آن‌ها معنی کرده‌اند.

اوخار: روستای دهستان لیسار بخش کرگانزود تالش. سرزمین سکنه ساز و نقاره چیان.

اوخار محله: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی و محله ساز و نقاره زنان.

اوخار محله شیرآباد: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی ساز و نقاره زنان منطقه شیرآباد بزرگ.

اورما: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین درختان بلوط. سرزمین بلند.

اوشیان: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی و سرزمینی که در آن آب مانده و جایگزین گردد. عده‌ای آن را مکان پیش از برآمدن آفتاب می‌دانند.

اولم: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. در اصل اوروم به معنی سرزمین بالا و بلند، جایگاه کادوس‌ها، آبادی دارای چشمه می‌باشد.

اوله دشت: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین کنار دشتی قدیمی. ابتدای دشت.

اوله کری: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمینی قدیمی کنار آنبوهی از درختان. ابتدای جنگل.

اوله کری اسلام: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین قدیمی کنار آنبوه درختان در منطقه اسلام. ابتدای جنگل.

اومندان: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی دارای آبگیر بزرگ.

ایراکی: ر. ج: زنش دره بخش دیلمان سیاهکل. دهکده به این سمت.

ایرنه: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش.

ایزد بن (ایزن - ازدین Izden): روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین خدایی.

ایستگاه رادیو و تلویزیون کیاشهر: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. مجاورت ایستگاه رادیویی موجب انتخاب این نام گردیده است.

ایشلیکی: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. ایش یعنی بیشه و لیک یعنی پرنده. کارگاه نیز معنی دارد.

ایشکوه بالا محله Ishkuh: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. عیش کوه یا کوهستان عاشقان منطقه بالایی.

ایشکوه پائین محله: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. کوهستان عاشقان منطقه پائینی.

ایشگاه: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. در اصل عیشگاه سرزمین عشق و عاشقی.

ایشگاه (ایشگر باز کیاگوراب): روستای دهستان باز کیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. عیش گاه یعنی سرزمین عاشقان.

ایلکوفی: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی محل سکونت طایفه کوفی.

ایمن آباد: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی رونق یافته توسط خاندان ایمن.

ایینی: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. آبادی نزدیک.

ایوان استخر: روستای دهستان شیرجوبشت بخش رودبنه لاهیجان. ایوان هم معنی پیشگاه بوده و ایوان استخر یعنی دهکده جلوتر از آبگیر.

ب

باباجان دره: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. وجود زیارتگاه آفاسید کاظم در دره موجب چنین نام شده.

بابارکاب: روستای دهستان چوبربخش احمدسر گوراب شفت. آبادی مزار بابا رکاب که رکابدار امام زاده ابراهیم بوده.

باباعلی: روستای دهستان چلوند بخش لوند ویل آستانه آبادی به نام بقعه سید محمد دوست معروف به باباعلی.

باباکوه: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین کوهستانی مقدس.

بابا لومحله: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی و سرزمین مجاور مزار مذهبی.

بابا ولی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده‌ای که مزار بابا ولی در آن قرار دارد.

باجی سرا: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی محل سکونت زنان کولی غیر گیلک و گدای دوره گرد.

باجی گوابر: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی و جایگاه زنان کولی غیر گیلک.

بارکوسرا: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی محل باروت کوب سازی.

بارگام (پارگام): روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین قدمگاه قدیمی.

بارگلی: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی دارای دیوار گلی.

بازار جمعه: ر. ج: شاندرمن به علت تشکیل بازار در روزهای جمعه بوده است که بعد از انقلاب بازار به روزهای پنج شنبه موکول گردید.

بازار جمعه سابق: ر. ج: تولمشهر به علت تشکیل بازار در روز جمعه بوده که اکنون بازار به روزهای پنج شنبه موکول گردید.

بازار ده: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده دارای بازار.

بازارده گلباغ: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی دارای بازار فروش گل و گیاه.

بازارسر لفمجان: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کنار بازار.

بازارگاه: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. آبادی و سرزمینی که دارای میدانگاه فروش محصولات می‌باشد.

بازار محله: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی و سرزمین دارای بازار.

بازان (بازان چای): روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی شکارگاه بازاها و شاهینها. اسم تاریخی یکی از سرداران.

بازرگان محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. آبادی و سرزمین مردم تجارت پیشه.

بازقلعه اکبر: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی دارای قلعه بزرگ بدون حصار.

باز قلعه پائین: ر. ج: باز قلعه ملک.

باز قلعه ملک (بازقلعه پائین): روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی دارای قلعه بدون حصار متعلق به حاکم منطقه.

بازکل: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. آبادی و سرزمین تپه‌های باز.

بازکیا گوراب: روستای مرکزدهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و میدانگاه محل بازی خاندان کیا.

بازنشین سفلی: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۱۵

پائینی محل بازی‌های سنتی معنی دارد. عده‌ای آن را مکان نشستن باز و شاهین می‌دانند.

باز نشین علیا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی بالایی محل بازی‌های سنتی معنی دارد. نیز محل نشستن باز و شاهین.

باسکم چال: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمینی که در فرورفتگی‌های آن درخت افرا رویش کند.

باسکه مشم: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. باسک نوعی فتیله است که زنان جهت رشتن پیچند و شم نوعی پا پوش از این باfte می‌باشد. بنابر این نام آبادی مزبور محل تهیه این افزار خواهد بود.
باش محله لوندویل: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. سر محله خاک سفید.

باغ امیر بکنده (باغ امیر گنده): روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. دهکده دارای باغ مجاور رودخانه کنده شده توسط حاکم منطقه.

باغبانان: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه باغبان.
باغچه بنه: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. سرزمین دارای باغات کوچک.

باغچه سرا (بشكه سرا - گوشک سرا): روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. سرزمینی که خانه‌های آن مجاور باغات کوچک باشد.

باغدشت: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین دشتی که در آن باغ باشد.

باغشلو محله: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی ترک نشيني که از واژه باغشلا به معنی ببخشید زياد استفاده مينمودند.

باغ محله نرکه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. دهکده دارای باغ مجاور شکارگاه.

باقلائی: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی کنار کشت زار باقلاء.

بالا بلگور: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی بالای شهر بزرگ.

بالا بیجار انکیش: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. شالیزار بالای سرزمین پر از شمشاد.

بالا پاپکیاده: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود سرزمینی که توسط خاندان پاپ کیا آباد گردید.

بالا تموشل (تموشل): روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که دارای خاک نرم و آبدار است.

بالا تنو روود: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین بالای منطقه پر آب.

بالاده (لورون بالا ده): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. دهکده بالای.

بالارچه: ر. ج: کماچال بالا محله.

بالارود: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. بالاتر از رودخانه

بالا رودپشت: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه آستانه اشرفیه. آبادی بالاتر از پشت رودخانه.

بالا ژیه: روستای دهستان چوبر بخش بخش حویق تالش. بالاتر از آبگیر.

بالا سالکویه: روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی بالاتر از سرزمین درختان محلی سال. عده‌ای آن را آبادی بالای آبگیر می‌دانند.

بالاسرا: ر. ج: گالشکلام لیلا کوه. معنی آن آبادی بالای است.

بالاسرا: ر. ج: جورسر.

بالا شادده (اسلامآباد بالا): روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. در اصل بالا شاهده یعنی آبادی بزرگ بالای.

بالا شکر کش: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی بالایی کنار شکارگاه کوهستانی.

بالا فیدره: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی بالاتر از دره کم عمق.

بالا کتشال (کتشال بالا): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. کت تخته مخصوص شال بافی بوده و آبادی بالایی مزبور مکان تهییه این تخته می‌باشد.

بالا کلا گوابر: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی بالاتر از جایگاه خاص.

بالا کویخ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی بالاتر از تپه یخ جمع آوری شده. عده‌ای آن را کویه به معنی آبادی آورده‌اند.

بالا گزاف رود: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی بالاتر از رودخانه گزاف رود.

بالا گواسرا: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی بالاتر از آبگیر کثیف.

بالا لام بشکست: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. لام به معنی درخت میوه آمد و نام آبادی فوق سرزمین بالایی و جایگاه درختان میوه شکسته می‌باشد.

بالا لمین جوب: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی بالاتر از رودخانه لمین.

بالا محله بر کاده: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمین نزدیک کوه.

بالا محله پاشاکی: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین بالایی گستردۀ آفت پذیر.

بالا محله چوبر: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی بالاتر از محل حمل چوب بوسیله آب.

- بالا محله چوکام: روستای مرکزدهستان چوکام بخش خمام رشت. سرزمین بالایی شهرت یافته و بر سر زبان افتاده.
- بالامحله سیاه بلاش: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. بالاتر از محله تمشک سیاه (سیاه ولاش)
- بالامحله قاسم آباد: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی بالایی سرزمین قاسم آباد بزرگ.
- بالا محله کماچال: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین بالایی که بصورت تپه و ماهور باشد.
- بالامحله گفشه: روستای مرکز دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. آبادی بالایی منطقه گفشه یا گبر شاه.
- بالا محله گلروبار: روستای دهستان باز کیا گورب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی بالاتر از رودخانه گل آلود.
- بالامحله گیله (بالا گیله): روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. دهکده بالایی مسکونی اقوام گیلک.
- بالا محله لفمجان: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی بالایی محله اهالی خشمگین.
- بالامحله ناصر کیا ده: روستای مرکزدهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی بالایی محل سکونت خاندان ناصر کیا.
- بالا محله نال کیاشر: روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. گذرگاه بالایی محله خالی از رونق خاندان کیا.
- بالا محله نرگه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی بالاتر از منطقه شکارگاه.
- بالا ناصر کیا ده: ر. ج: بالا محله ناصر کیاده.
- بالا نوده: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای رودسر. روستای بالایی تازه بنا شده.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۱۹

بالا هلوسورا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی بالاتر از سرزمین پراز درختان هلو.

بالنگاه: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد روودسر. دهکده‌ای که در بالاترین نقطه قرار دارد.

بام: روستای دهستان خرا رود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین بلند و درخشان.

باناصر: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی مکان سکونت خاندان ناصر.

بخش حیاطی (بخشی حیاطی): روستای دهستان چوبه بخش حويق تالش. آبادی و سرزمین محصور شده.

بداب: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمین دارای آب نامرغوب و پر تلالم.

بداغ محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمینی با آثار کوهستانی محل سکونت طایفه بوداق.

بداغ محله (بودغ محله): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی کوهستانی محل سکونت طایفه بوداق.

برا رود: روستای دهستان دلفک بخش خورگام روودبار. آبادی برآه افتاده کنار رود.

برا گور: روستای دهستان رحمتآباد بخش رحمتآباد و بلوکات روودبار. آبادی کنار گور و یا برادر گور.

برپشته‌سر: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار تپه. برج راه: ر. ج: بروج راه.

برزگرو: روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. سرزمینی که در آن کشت وزرع شده باشد.

برزنا: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. مکان کشت وزرع.

۲۲۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

عدهای آنرا منطقه کوچک می‌دانند.

برزو هندان (برزو خندان): روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت.
آبادی محل سکونت خاندان برزو که همیشه خندان بوده‌اند.

برکاده پائین: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی پائین
نزدیک کوهستان.

برکیله: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی سر
خمیدگی. برخی آن را کنار دختر می‌دانند.

برگام: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار قدمگاه.

برگ‌سرا: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمین سر
سبز.

برمچه بالا محله Barmacha: روستای دهستان کته‌سر بخش خمام رشت.
آبادی بالایی کنار مسجد.

برمچه پائین محله (برمچه قوام): روستای دهستان کته‌سر بخش خمام
رشت. آبادی پائینی کنار مسجد قوام.

برمکوه: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. برم یعنی آبگیر و
استخر. برم کوه آبادی کنار آبگیر کوهستانی می‌باشد.

بروج راه (برج راه): روستای دهستان شاندرمن ماسال. آبادی
و سرزمینی که به قلعه ختم شود.

برون بالا: روستای دهستان لیسار بخش کرگانروود تالش. منطقه بالاتر از درخت
بریده شده.

برون پائین: روستای دهستان لیسار بخش کرگانروود تالش. منطقه بائین‌تر از
درخت بریده شده.

بره پشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی پشت
دره.

بره‌سر: شهر و مرکز دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی که تنها یک

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۲۱

راه عبور داشته باشد. سرزمین محدود بوسیله سنگچین از پائین و بوته خار از بالا.

بره‌سر: روستای دهستان دیناچال بخش پره‌سر رضوانشهر. دهکده‌ای که تنها یک راه عبور دارد. آبادی کنار سه راهی

بریران: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین نیکوکاران، به کنار بران.

Berin: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. آبادی و سرزمین فرورفته و پائین. دره وسیع.

بزاستان: روستای دهستان ماجیان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که در آن نسیم زیاد بوزد. عده‌ای آن را سرزمین زنبوران می‌دانند.

بزچاله: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دارای گودال که گذرگاه بزها باشد.

بز کویه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین باد خیز. عده‌ای آنرا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

بزگویه: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین باد خیز و یامحل پرورش زنبور عسل.

بزگاه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مکان. عده‌ای آنرا سرزمین باد خیز و یا محل پرورش زنبور عسل می‌دانند.

بستان سر (بستان سرا): روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی سر سبز.

بستان سرا: ر. ج: بستان سر.

بسته دیم: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی کنار بست (سد محلی). برخی آن را محل افراد صورت بسته می‌دانند.

Bask: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین پر از گیاهان سیخ دار.

بسکلی محله: نام دیگر روستای سیاه گل روستای است که سرزمین پنج تپه یا صخره گلی.

بش اولر: ر. ج: آق مسجد که پنج خانه مشخص دارد.

بشن (بشم Bashm): روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. بشم سرزمین برف گیر. اما بشمن را از واژه ترکی بش مین محل سکونت پنج هزار ترک می‌باشد.

بلالم: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روتسن. سرزمین بیشه زار و بستر جلگه‌ای دارای آب. برخی آن را مکان لشگرگاه معنی کردند.

بلالم دوم: ر. ج: داروگر محله و کشکر محله.

بلترک (پلترك): روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیمآباد روتسن. سرزمین با ترک خوردگی پهنه.

بلده‌سر: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد روتسن. آبادی پهنه و بزرگ.

بلسبنیه: روستای مرکز دهستان بلسبنیه بخش کوچصفهان رشت. سرزمین پر از درختان افرا.

بلسلکله: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی مکان رویش درختان افرا.

بلسلکله سید ابوالقاسم: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. سرزمین پر از درخت افرا متعلق به خاندان سید ابوالقاسم.

بلسکه امام جمعه: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای درختان افرا متعلق به امام جماعت ده.

بلکده: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. دهکده‌ای که در آن ریزش برگ درختان چشمگیر باشد.

بلکوت: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد روتسن. آبادی پهنه حصار شده.

بلور دکان: روستای دهستان لات لیل بخش اطاوقور لنگرود. سرزمین دارای

سنگهای بلورین. عدهای آن را سکوی سنگ بلورین کوهستان می‌دانند.

بلوره پشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی قرار گرفته در روی تپه صخره‌ای بلورین.

بلوط: ر.ج: پالوته.

بلوکات: دهستان بخش رحمت‌آباد و بلوکات روڈیار. ناحیه‌ای شامل چند روستا.

بند بن: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل سرزمین مجاور سد محلی.

بند بن بالا: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی بالایی کنار سد محلی.

بند بن بنکسر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روتسر. آبادی و سرزمین محل گذر.

بند بن پائین: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائینی کنار سد محلی.

بند بن قاسم آباد: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر روتسر. آبادی دارای سدمحلی در منطقه قاسم‌آباد بزرگ.

بند بن واجارگاه: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای روتسر. آبادی کنار سد محلی مجاور بازار.

بندر انزلی: شهرستان غرب گیلان. به کلمه انزلی مراجع شود.

بندر کیاشهر: بخش شهرستان آستانه اشرفیه به کلمه کیاشهر رجوع گردد.

بندر محله: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. سرزمین و محله آباد.

بنکده: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی محل بنگاه داران.

بنکسر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روتسر. دهکده سر بنگاه محل. عدهای آن را بنگه‌سر به معنی سر محل بریدن یا پشم چینی آورده‌اند.

بنگاه: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. جای آباد.

بنگبر: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین مکان رویش گیاه شاهدانه. برخی آن را کنار محل بریدن می‌دانند.

بن منی کش: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین میان کناره دو کوه.

بنون: روستای دهستان لیسار بخش کرگانروود تالش. بنو غله آماده و درو شده توده کرده مباشد و گویا در این آبادی چنین توده‌هایی در مدت طولانی دیده می‌شود.

بنه زمین: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای زمین کوهستانی و گردنه.

بنه‌سرا: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی و سرزمین کوهستانی.

بوستان: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین پر از بوته.

بوجايه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین امید و آرزو.

بودیان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی ماندگاران.

بوراسرا: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروود تالش. دهکده‌ای که مسیر آن از این طرف باشد. عده‌ای آن را آبادی سکنه برادر وار می‌دانند.

بویه: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. روستای منسوب به خاندان آل بویه.

بوین (سراه): روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. خرم‌گاه. انبار غله. شهر امید.

بهادر کلایه: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی محل سکونت خاندان بهادر. عده‌ای آن را سرزمین پهلوانان می‌دانند.

بهادر محله: روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی رودسر. آبادی عمران

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۲۵

شده توسط خاندان بهادر. برخی آن را محل پهلووانان می‌دانند.

بهارستان: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی و سرزمینی که همواره آب و هوای بهاری دارد.

به پس باغ (بیه پس باغ): روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. باع قرار گرفته در عقب رودخانه.

بهدان: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. آبادی پر نعمت.

بهدان: رج: پهمدان.

بهشت آباد: روستای دهستان شیخوس لات بخش رانکوه املنگ سرزمینی به زیبایی بهشت.

بهشت لات: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی دشت آبرفتی سر سبز و زیبایی بهشت مانند.

بهمبر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی پر نعمت. عده‌ای آن را مکان تلاقی دو مسیر می‌دانند.

بیا بند: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی گذرگاه خالی.

بیا چال: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمینی که در کنار رودخانه آن چاله باشد.

بیا لو: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمین پر آب و لب رودخانه.

بی بالان: روستای مرکز دهستان بی بالان بخش کلچای رودسر. آبادی محل دفن افراد بی دست و پا. عده‌ای آن را سرزمین رودخانه بدون شاخه می‌دانند.

بی بی یانلو: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی خاتون سوزاننده.

بی تم Bitam: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی و

سرزمنین بدون تاریکی. برخی آن را بدون دانه معنی کرده‌اند.

بیچ: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. سرزمنین دارای رودخانه با حاشیه خطرناک و شیطانی.

بیچار انکیش کچل بن: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی و سرزمنین دارای شالیزار در مجاورت درختان انجیر که جانور کوچکی به نام کچل که مشک آب را پاره می‌کند در آن زیاد می‌باشد.

بیچار باغ (گرمارود): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی که کنار شالیزارهای آن باغ باشد.

بیچار بسته سر: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمنین شالیزار کنار سد محلی.

بیچار بنه: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای شالیزار.

بیچار بنه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی دارای شالیزار.

بیچار بنه بالا: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی بالای دارای شالیزار.

بیچار بنه پائین (آپنجلی): روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائینی دارای شالیزار.

بیچار بین: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. سرزمنین دارای شالیزار.

بیچار بین: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. سرزمنین دارای شالیزار.

بیچار پس: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی بعد از شالیزار.

بیچار پشت: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پشت شالیزار.

بیچار پشته: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که شالیزارهای آن روی تپه و بلندی باشد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۲۷

بیجار خاله: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمینی که شالیزارهای آن کنار رودخانه باشد.

بیجارسر: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی کنار شالیزار.

بیجارسر: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل آبادی و سرزمینی که خانه‌های آن مجاور شالیزار باشند.

بیجار کن: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر آبادی کنار سرزمینی که برای شالیزار کنده شده. سرزمین کنار بیجار

بیجار کن: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سر آبادی کنار سرزمینی که برای شالیزار کنده شده. سرزمین کنار بیجار.

بیجار کنار: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی کنار شالیزار.

بیجار گاه: ر. ج: سله مرز بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمینی که شالیزارهای آن مجاور آبگیر باشند.

بیجار گاه سفلی: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین دارای شالیزار بالایی.

بیجار گاه علیا: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین دارای شالیزار پائینی.

بیجایه: ر. ج: سادات محله بازکیا گوراب. سرزمین نابجا.

بیجرود کل: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی بالای تپه کنار رودخانه پر پیج و خم شیطان رود.

بیس درون Bidarun: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین درختان بید.

بیز بنه بالا: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین بالایی پر رعد و برق.

بیز بنه پائین: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین پائینی پر رعد و برق.

بیروم: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. تحریف واژه بیرون به معنی خارج از محدوده.

بیشه سرا: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده با خانه‌های آن کنار بیشه و جنگل.

بیشه گاه: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار جنگل.

بیشه گاه بهمیر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار جنگل.

بیلاز محله: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان.

بیلیا بین شکر دشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی درون شکار گاه کنار دشت.

بیلی لنگه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمینی که قسمتی از آن آبگیر باشد.

بین کلایه: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. سرزمین آباد بینه پهلو: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین پر از گیاه نعناع.

بینه کرده: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین پر از گیاه نعناع و محل سکونت قوم کرد.

بیورزین **Beverzin** (بیورزن): روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. آبادی و سرزمین مکان آرامگاه غربا و بی کسان. عده‌ای آنرا سرزمین هزار زن و برخی هزار اسب زین شده آماده جنگ می‌دانند. بعضی‌ها آن را آب و رودخانه مرزی معنی نموده‌اند.

بیه پس باغ: ر. ج: به پس باغ.

پ

پاپکیاده پائین: ر. ج: پائین پاپکیاده.

پاتاوان: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل سکونت دوزندگاه پاتاوه نوعی چموش دور پا برای حفاظت از خاروختن.

پاچکنار (پا کنار): روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. در اصل پای چال کنار یعنی آبادی کنار گودال مخصوص کوشقن برنج می‌باشد.

پاچنار: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روDOBار. آبادی کنار درختان چنار.

پارگام: ر. ج: بارگام.

پا روDOBار: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روDOBار. بغل روDXانه.

پاسکه: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. مکان نزدیک پاسگاه. پس کوه.

پاشکم (Pashkam): روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین تپه‌های پراکنده.

پاگده: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روDOBار. روستای زیبا و تمیز.

پالوته (بلوط): روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین پراز درختان بلوط.

پامسار: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. سرزمین رنگارنگ.

پائین بلگور: روستای دهستان مرکیه بخش میرزاکوچک جنگلی صومعه‌سرا. بل به معنی بزرگ و پهن و گور به معنی شهر آمده و معنی نام آبادی فوق سرزمین پائین شهر بزرگ می‌باشد.

پائین بیجار انکیش: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائین شالیزارکنار درختان شمشاد.

پائین پاپکیاده (پاپکیاده پائین): روستای دهستان چاف بخش مرکزی

لنگرود. سرزمین پائینی متعلق به خاندان پاپکیا.

پائین تموشل: روستای دهستان آهندهان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین پائینی دارای خاک نرم و آبدار شل.

پائین تنورود: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی پائین رودخانه باریک.

پائین دراز لات: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. آبادی پائینی سنگ زار طویل رودخانه.

پائین رودبنه: ر. ج: پائین محله رودبنه.

پائین رود پشت: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی پائینی پشت رودخانه.

پائین سالکویه: روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی پائین سرزمین پراز درختان محلی سال (سیا ال)

پائین شادده (اسلامآباد - شاه ده): روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده بزرگ پائینی.

پائین شکر کش: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی پائین کنار شکارگاه.

پائین فیدره: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائین دره کم عمق.

پائین قاضی محله (یعقوبیه): روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی سکنه داوران و ریش سفیدان محلی.

پائین کتشال: ر. ج: کتشال پائین.

پائین کش سرا: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی پائینی کنار کوه.

پائین کلا گوابر: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پائین تراز جایگاه خاص.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۳۱

پائین کلا محله: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین پائین محله‌آباد.

پائین کوییخ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی پائین تپه جمع آوری یخ.

پائین گمل: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین پائین‌تر از جایگاه شتر.

پائین گواسرا: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی پائین آبگیر کثیف.

پائین لمین جوب: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی پائین رودخانه لمین.

پائین محله بیجار پس (کفش کل محله): روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. آبادی پائینی بعد از شالیزار

پائین محله پاشاکی: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین گسترده پائینی آفت پذیر.

پائین محله رودبنه (پائین رودبنه): روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی پائین کنار رودخانه.

پائین محله زمیدان (شريف آباد): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائین‌تر از میدان.

پائین محله قاسم آباد: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی پائینی منطقه بزرگ قاسم آباد.

پائین محله کماچال: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین پائینی که بصورت تپه و ماهور باشد

پائین محله کولک: ر. ج: دوبخش. پائین سرزمین سکنه کوه نشین لک.

پائین محله گلروdbار (طولاب محله گلروdbار): روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائین رودخانه گل الود.

پائین محله گیله: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه.
دهکده پائینی سکنه قوم گیلک.

پائین محله لفمجان: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی
پائین محله افراد خشمگین.

پائین محله لوندویل: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. آبادی
پائین سرزمین خاک سفید.

پائین محله ناصر کیاده: روستای دهستان سیچوپشت بخش رودبه
lahijan. آبادی پائینی محل سکونت خاندان ناصر کیا.

پائین محله نال کیاشو: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود.
گذرگاه خالی پائینی محل سکونت خاندان کیا

پائین محله نرکه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی
پائین شکار گاه.

پائین نارنج بن: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائین
درختان نارنج.

پائین نارنج لنگه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی
پائین سرزمینی که قسمتی از آن پر از درخت نارنج است.

پائین هلوسرا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین
پائین درختان هلو.

پتنگ: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد
رودسرا. در اصل پتنگ به معنی سرزمین مکان قرار گرفتن پادنگ می‌باشد.
بخش حیاطی: ر. ج: بخش حیاطی.

پرامسرا: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین
پرنده‌گان.

پرامکوه: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسرا. کوهستان
پرنده‌گان.

پرج کوه: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمینی که کوه دیوار آن محسوب شود.

پردسر: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی سر پل.

پرسرو: ر. ج: پر شو.

پرشکوه: **Parashku**: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی و سرزمین جنگل کوچک کوهپایه.

پر شو (پر سر): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار دماغه کوه.

پرگا پشت مهدی خانی: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. کومه عقبی متعلق به خاندان مهدی خان

پرگا پشت یاورزاده: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. کومه عقبی متعلق به خاندان یاورزاده.

پرندان: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پر از پرنده.

پروش بالا: **Prush بالا**: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. بالای سرزمین پر از پنبه.

پروش پائین: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. پائین سرزمین پر از پنبه.

پرویزخانی: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و چشمۀ متعلق به خاندان پرویز.

پروین لنگه (پردين لنگه): روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمینی که قسمتی از آن متعلق به خاندان پروین باشد.

پره: روستای دهستان دشت‌ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین بچه زنیوران.

پرهسر: شهر و مرکز بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین حد و مرز گیلک نشین و تالش نشین.

پس بیجار گفشه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. آبادی بعد از شالیزار منطقه بزرگ گفشه.

پستک: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی قرار گرفته در
 تبرستان
 فرو رفتگی.

پس جور: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی بعد از بلندی.

پس طالکوه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی بعد از کوهستان محل رویش گیاه تال(پیچک). برخی آن را آبادی بعد از کوهستان پلنگ‌ها می‌دانند. و برخی آن را بعد از کوه دراز معنی نموده‌اند.

پس ویشه: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی بعد از جنگل.

پسیخان: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. در اصل پس خان یعنی آبادی بعد از هزار خانوار می‌باشد. عده‌ای آن را روستای پس از چشم می‌دانند.

پسین دره: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی بعد از دره.

پشت دره لنگه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین و آبادی قسمت عقب دره.

پشتستان گوراب جیر: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. آبادی پشت میدانگاه پائینی.

پشتسر: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. سرزمین خانه‌های پشتی.

پشتلسر: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین پشت تپه.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۳۵

پشت لله‌سر: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی پشت نیزار و لوله زار.

پشت مخ: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی پشت کندوی زبوران. پشت بلندی.

پشتمسار: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی پشت کوهسار.

پشته: روستای دهستان رستم‌آباد جنوبی بخش مرکزی روبار. آبادی روی تپه.

پشته: روستای دهستان ساحلی جو کندان بخش مرکزی تالش. آبادی روی تپه.

پشتهان: روستای دهستان دشت‌ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. سرزمین دارای چند پشته.

پشته‌سرا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاوقور لنگرود. آبادی و سرزمین تپه‌ای.

پشته کریم محله (پشته کوچلان): ر. ج: پشته بخش مرکزی تالش. آبادی روی تپه کریم محله.

پشته گلاه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمین و آبادی تپه‌ای.

پشته هیر: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی کنار تپه‌ای که مسیر بادشمال می‌باشد. عده‌ای آنرا سرزمین آتش می‌دانند.

پشتیرو: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین پشتی. پشتواره و کوله بار. پشت تیر چوبی.

پشتیرو: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین پشتیرو چوبی..

پشد: روستای دهستان شاندر من بخش شاندرمن ماسال. آبادی کج.

پشن سفلی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی پائین

سرزمین جلویی.

پش علیا: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی بالای سرزمین جلویی.

پشکه Pashka: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. آبادی پیش کوه.

پشل: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی پائینی دارای خاک نرم.

پلاسی: روستای دهستان چوبر بخش حوقق تالش. محله دوخت لباس بومی به نام پلاس.

پلام Polam: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. پل به معنی پهلو و پلام سرزمین مجاور و پهلویی.
پلتک: ر. ج: بلترک.

پلختار: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. تحریف واژه پلخدار سرزمین پر از درخت سپیدار.

پل دره: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی کنار دره بعد از پل.

پلستان: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی و سرزمینی که جالیزهای آن نهر بندی شده باشد.

پلط دشت: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. سرزمینی که در دشت‌های آن درخت افرا باشد.

پلط کله: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی مکان رویش درختان افرا.

پلط کله‌سر: روستای دهستان سیاهرود بخش چابکسر رودسر. سرزمین محل رویش درختان افرا.

پلکو: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. به معنی پل ارتباط با کوه.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۳۷

پلنگ پاره: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. روستایی که دامهای آن بر اثر حمله پلنگ دچار پارگی شده‌اند.

پلنگ پشت: روستای دهستان چوبربخش احمدسرگوراب شفت. سرزمین تپه‌ای و گذرگاه پلنگ.

پلنگ دره: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. سرزمینی که در دره‌های آن پلنگ باشد.

پلنگ دره: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمینی که دره آن جولانگاه پلنگ باشد.

پلنگ سرا: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. روستایی که در اطراف خانه‌های آن پلنگ دیده شود.

پلنگ گل: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی نزدیک تپه محل گذرگاه پلنگان.

پله شاه: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی محل سکونت سلطان بزرگ.

پلیس راه ضیابر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی مجاور پاسگاه پلیس راه.

پنا بندان: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. پنا همان پناه به معنی تکیه گاه حفاظتی آمده است و پنا بندان سرزمینی است که در آن بستی محلی برای حفاظت آبادی استقرار نموده‌اند. عده‌ای آن را مکان پناهگاه می‌دانند.

پنبه‌پشته: روستای دهستان خرجنگیل بخش اسلام تالش. روستایی که در تپه‌های آن پنبه کشت شود.

پنجاه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. در اصل پنج جا به معنی روستایی که از پنج محله تشکیل شده می‌باشد.

پنگا پشت: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی پشت

پنج کوه.

پنو: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. در اصل پا نو آبادی پائینی تازه بنا شده.

پوده: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده پناهگاه اولیه.

پوستین‌سرا: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی مرکز بافت پوشک پوستین.

پونل: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. پناهگاه بهمن گیر و آوار برف.

پهمدان Pahmadan (بهدان): روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی پر نعمت.

پی آغوز بن: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. پی به معنی چرب و دنبال آمده. سرزمین درختان گرد و پرب و یا سرزمین دنباله درختان گرد و.

پیتی شیم بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. کجراء بالا.

پیتی شیم پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. کجراء پائین.

پیجان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دنبال مکان.

پیچاه: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. در اصل پیچاز مکان صدف خالدار می‌باشد.

پیر بازار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. بازار منسوب به پیر حسن از شیوخ دوره صفوی.

پیر بست لولمان: روستای مرکز دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای بست قدمی در سرزمین کولی‌ها

پیر پشته: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی تپه قدیمی.

پیرده: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده‌ای که بقیه آقا پیر باقر در آن قرار دارد.

پیرده: ر. ج: پیشده فومن.

پیرده شفت: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی به جا مانده از قدیم در منطقه شفت.

پیرسرا: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میزرا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین قدیمی.

پیرسرا: روستای دهستان رستم آباد شمالی بخش روبار. آبادی و سرزمین پیر خیر الدین.

پیرسرا: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. روستایی که در آن مزار یک پیر مذهبی به نام شاه امیر قرار دارد.

پیرسرا: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. سرزمین بقیه یک پیر مذهبی.

پیر علی ده: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی منسوب به پیر علی که موجب رونق منطقه گردید.

پیر کلاچاه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی مجاور گودال بقیه آقا پیر علی.

پیر کوه سفلی: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی بالای کوهستان قدیمی.

پیر کوه علیا: روستای مرکز دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی پائین کوهستان قدیمی.

پیر مام‌سرا: ر. ج: پیر مومن‌سرا.

پیر محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. سرزمین قدیمی.

پیر موسی: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی منسوب به پیر موسی از معتمدان محلی.

پیر مومن سرا (پیر مام سرا): روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی منسوب به پیر حسن مومن

پیر هرات: روستای دهستان خاله سرا بخش اسلام تالش. روستایی که مزار پیر هرات در آن قرار دارد.

پی سرا: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. دنباله سه راهی.

پی سرا: روستای دهستان لیسار بخش کرگانروود تالش. بعد از سه راهی.

پیش بیجار: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی کنار شالیزار.

پیش بیجار: ر، ج: موش بیجار روڈبار.

پیش حصار (پیش حصار بالا و پائین): روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی جلوی یک دیوار مشخص

پیش خان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی جلوی با هزار خانوار. عده‌ای آن را آبادی جلوی چشمۀ می‌دانند.

پیش ده (پیر ده): روستای دهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. دهکده نزدیک.

پیشکلیجان بالا: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. پیش گیل جان، آبادی کنار دهکده بالایی.

پیشکلیجان پائین: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. پیش گیل جان، آبادی کنار دهکده پائینی

پیش کنار: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی جلوی سرزمین کناری.

پیش کوه بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی بالایی نزدیک کوه.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۲۴۱

پیش کوه پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی پائینی نزدیک کوه.

پیشه ور: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده سکنه شاغل. عدهای آن را بیشه ور به معنی سرزمین کنار جنگل آورده‌اند.

پیلام پستانک (پیلام سانگ): روستای دهستان املش جنوبی بخش بخش مرکزی املش. سرزمین پرورش پیله کرم ابریشم.

پیل بور: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده اسب‌های سرخ بزرگ.

پیل جه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین جایگاه بزرگ.

پیل دره: روستای دهستان املس جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی دارای دره بزرگ.

پیلمبرا: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. دراصل پلم برا به معنی مکان رویش گیاه پلم. عدهای آن را باقیایی پیلمان شهر می‌دانند.

پیله باغ: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی دارای باغ بزرگ. برخی آن را باغ پرورش کرم ابریشم می‌دانند.

پیله دار بن: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی کنار درخت بزرگ.

پیله سرا: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی مکان پرورش کرم ابریشم.

پیله محله (خوش‌سرا محله لیل): روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی بزرگ. برخی آن را مکان خوش آب و هوای درختان لیلکی می‌دانند.

پینوند peynavand: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. پائین آوند.

ت

تابستان نشین: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی و محل سکونت تابستانی.

تاریک دره: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی با دره تاریک.

تازه آباد: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی نوبنیاد.
تازه آباد: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی نو بنیاد.

تازه آباد: روستای دهستان علیآباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت. آبادی نوبنیاد.

تازه آباد: روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی نوبنیاد.

تازه آباد: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی نوبنیاد.

تازه آباد: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم آباد رودسر. آبادی نوبنیاد به جای عبدالآباد.

تازه آباد: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی نوبنیاد.

تازه آباد: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی نوبنیاد.

تازه آباد: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی نوبنیاد.

تازه آباد پسیخان: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی نو بنیاد در سرزمین بعد از هزار خانوار یا بعد از چشمها.

تازه آباد جانکاه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی نوبنیاد سرزمین کوچک.

تازه آباد چاف: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی نو بنیاد منطقه رودخانه چاف.

تازه آباد چماقستان: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۴۳

آبادی نوبنیاد سرزمین ماموران چماق بدست مالیاتی.

تازه‌آباد خاچکین: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی نوبنیاد سر این مرز.

تازه‌آباد صدر: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. آبادی نوبنیاد بالایی.

تازه‌آباد فوشازده: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی نوبنیاد سرزمینی که شاهزاده فوت کرده و نبذری شده برخی آن را محل پناهگاه شاهزاده می‌دانند.

تازه‌آباد کردسراکوه: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی نوبنیاد کوهستانی کرد نشین.

تازه‌آباد گلاشم: روستای دهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. آبادی نوبنیاد محل تهیه نوعی پاپوش به نام شم.

تازه‌آباد موزیان: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی نوبنیاد محل سکونت موزیان محلی.

تازه‌آباد نرگه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی نوبنیاد مجاور شکارگاه.

تازه‌آباد ورزل: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی نوبنیاد کنار قلعه.

تاسکوه: ر. ج: طاسکوه.

تاسنده: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین محل سکونت افراد دلتانگ و ملول.

تاشکلا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی و سرزمین سرنده و لیز.

تالار گاه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی مسکن‌های دارای تلار (پیش ایوان طبقه دوم).

تالش (هشت پر): شهرستان شمال غربی گیلان. سرزمین محل سکونت قوم تالش از بازماندگان کادوس‌ها. عده‌ای آن را سرزمین پرگل ولای می‌دانند. تانی محله: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین پست و جلگه‌ای.

تبوسرا: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمینی که با تبر زدن درختان آباد گردید.

تبر کلایه (گلرودبیار - گزرودبیار): روستای دهستان بازکیان گوراب بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که با قطع درختان بوسیله تبرآباد گردید.

تب طوس: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. تحریف تپه توسه (توسکا).

تپه: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. سرزمین بلند و پشته‌ای.

تت بالو: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. بگیر دستم را.

تجن: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین دارای نهری که از رود اصلی جدا شده باشد.

تجن گوکه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین رودخانه پر انشعاب.

تخته: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی و سرزمین با بستر صاف و پهن.

تخته پوری: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. پوری اطاچک کپر مانند است و تخته پوری سرزمینی صاف و پهن است که در آن پوری بریا کرده باشند.

تخصیم Toxsam: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. سرزمین تقسیم شده.

تریه بر: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی کنار

تریت. عده‌ای آن را سرزمین محل رویش نوعی گیاه لی به نام ترب میدانند.
تربه گوده: روستای دهستان لیجارکی حسن رود بخش مرکزی بندر انزلی.
دراصل تراب گوده محل سکونت خاندان تراب بوده است. عده‌ای آن را محل
رویش نوعی گیاه بومی به نام ترب می‌دانند که در بافت حصیر محلی به کار
می‌رود.

تر پو: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر دهکده پناهگاه
تازه.

تر شابور: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. در اصل تر شاپور به
معنی آبادی تازه بنا شده توسط خاندان شاپور.

تر شایه Torshaya: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. نو
بنیاد شاهانه.

ترشکوه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کوهستان
پر از گیاه ترشک.

ترک: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین ترک نشین
منطقه.

ترک محله: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. سرزمین ترک
نشین منطقه.

ترک محله: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. سرزمین
ترک نشین منطقه.

ترک محله آلالان: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین دشت
شقایق‌های وحشی قرمز که ترک نشین هستند.

ترک نشین لوشان: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روبار. آبادی ترک
نشین منطقه محل عبور سیلاج.

تطف Tataf: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی
صومعه‌سرا. محله پیچ در پیچ. دیواره سنگی کوه.

تطف رود: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. کنار رودخانه پیچنده از درون دیواره.

تقی‌سرا: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی عمران یافته توسط خاندان تقی.

تکام: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین جدا قرار گرفته.

تکرم: روستای دهستان جیرده بخش هورکزی شفت. در اصل تک رمه سرزمین مکان پرورش یک نوع دام است.

تکمجان: ر. ج: توکامجان روسر.

تکی‌آباد: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. تنها سرزمین آباد شده در منطقه.

تلاب دره: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که پشت‌هایی از آب درون دره آن بگذرد.

تلاب بن (تلابنک): روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین صخره‌ای محل پرورش ماکیان.

تلابنک (تلابن): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی صخره‌ای محل پرورش مرغ و خروس

تلومخانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی که چشم‌های آن در میان خارستان باشد.

تله خان: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی بزرگ روی تپه. عده‌ای آن را چشم‌های شکار می‌دانند.

تله‌سر: روستای دهستان اوشیان بخش چاپکسر روسر. دهکده سر دام شکارچیان.

تله‌سر: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی سر دام شکارچیان.

تله کنگاه: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی محل صید بوسیله تله‌های حفر کردند.

تله میان: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چاپکسر رودسر. دهکده درون دام شکارچیان.

تليجان گر: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین محل رویش گیاه پیچک تال.

تليسين (تلسيين): روستای دهستان شوئيل بخش رحيمآباد رودسر. آبادی تهيه کنندگان نوعی پارچه مشابه گونی.

تليکان: روستای دهستان شوئيل بخش رحيمآباد رودسر. دهکده سازندگان نوعی کيف نمدي. اگر تلى را تلخى معنى كيم، تليکان محل تلخى حاصل از کارخانه باروت کوبی بوده است

تماجان: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. تم به معنی کوشک و کاروانسرا و تماجان آبادی دارای کاروانسرا. سرزمین دانه‌ها نيز معنی دارد.

تمبر کل: ر. ج: تیمور کوه فومن دهکده کنار کوشک است.

تمچال (کماچال احمده): روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین تاریک و پُر گودال و تپه متعلق به خاندان احمدی.

تمیجان: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی دارای تیمچه و کاروانسرا. سرزمین دانه‌ها نيز معنی می‌دهد. برخی آن را برگرفته از واژه محلی (تو می‌جانی) می‌پندارند.

تموشل: ر. ج: بالا تموشل.

تمل: روستای دهستان نوش بخش خشك بیجار رشت.

تمشه لامه: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش لیسار تالش. سرزمین پیچیده شده از خار.

تنزارود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. تنها از رودخانه.

تنبل محله: ر. ج: زرنگ محله.

تبیو: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. با تو بود.

تندبین: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. تنده به معنی سر کوه است. تنده بین آبادی سر کوه.

تنگاب: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. روستایی که رودخانه باریکی از آن می‌گذرد.

تنگ رود: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای رودخانه باریک.

تنگ دره (کمال محله - مال محله): روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور دره باریک.

تنگده طول گیلان: روستای دهستان ساحلی چوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی کوچک و باریک پر گل ولای.

تنیان: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین نیرومندان.

تواسان کش: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. کنارتابش خورشید.

توت باغ: ر. ج: دولا گوابر. سرزمین باغ توت.

توتکابن: شهر و مرکز بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمینی که در آن نوعی ساز چوبانی به نام توتک بدست آمده است.

توتكله سفلی: روستای دهستان رضا محله بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پائینی پر از درختان توت.

توتكله علیا: روستای دهستان رضا محله بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین بالایی پر از درختان توت.

توتکی: روستای مرکز دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی محل پیدا شدن نوعی ساز چوبانی به نام توتک.

توت نساء: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین پشت به آفتاب پر از درختان توت. عده‌ای آن را آبادی دختران توت فروش می‌دانند.

تو چاه آلمان: روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت نشا رشت. سرزمینی که در فرو رفتگی‌های آن آلاهه هلی وحشی قرمز رویش کند.

توقچی پایه بست: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی محل ساخت سد و مانع که پایه آن از چوب درخت محلی شغال به باشد.

توران‌سرا: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. محله غیر ایرانی.

توس: ز. ج: سوست سرزمین درخت توسکا.
توساو دشت (تساودشت): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کنار دشت باتلاقی پر از درختان توسکا.

توستان: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان آبادی و سرزمین پر از درختان توسکا.

توسکا محله قاسم‌آباد: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی و سرزمین پر از درختان توسکا در منطقه قاسم‌آباد بزرگ.

توسه چاله (توسه چالک): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دارای گودالی که در آن درخت توسکا رویش کند.

توسه رود: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. سرزمینی که رودخانه آن از میان درختان توسکا عبور کند.

توسه‌سرا: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی و سرزمین پر از درختان توسکا.

توسه کله: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی و سرزمین محل رویش درختان توسکا.

توشه میان: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. در اصل توسه میان به معنی درون جنگل توسکا.

توشی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. دهکده توامندان. عده‌ای تو را به معنی داخل و شی را به معنی شبنم و ژاله آورده و توشی را سرزمینی که مرتب شبنم زند می‌دانند.

توکاس: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین محل سکونت اقوام کاس.

توکامجان (تکمجان): روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین گذرگاه پرنده توکا.

توکسر شیجان: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. آبادی سر گذرگاه شیجان یا سرزمین شبنم زده
تو کنده: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل آبادی که از داخل بوسیله سیلاب کنده شده است.

تولم: شهر و مرکز بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین استراحتگاه داخلی. عده‌ای آن را سرزمین گل و لای می‌دانند.

تولمشهر: ر. ج: (تولم - مرجل - بازار جمعه سابق).
توبیسراآندان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی دارای آبگیر در میان درختان توی یا انجیلی.

توبی دشت: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دشتی پر از درختان انجیلی.

تهام: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آخرین روستای منطقه.
تی تک: روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش. آبادی کنار خارستان.

تی تی پریزاد: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی عمران یافته توسط تی پریزاد دختر قرا محمد چپک همسر خان احمد گیلانی آخرین سلطان آل کیا.

تی تی کاروانسرا: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار کاروانسرا قدمی دوره صفوی.

تیسیمه: روستای دهستان کتهسر بخش خمام رشت. مکان اولیه شتل یا دست خوش بگیران.

تیکسر: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. آبادی سر گذرگاه.
تیمور کوه (تمبر کل): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن.
آبادی کوهستانی محل سکونت خاندان تیمور

تیه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی و سرزمین بی آب و
علف.

ج

تبرستان

جاده کنار: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صوبه سرا. آبادی
کنار جاده.

جاران: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل آبادی سکنه جارچی.
جازمکل (جزمکول): روستای دهستان رحمت آباد بخش رحمت آباد و بلوکات
رودبار. سرزمینی که بوسیله یک تپه از بقیه جدا شده باشد.
جالنده: ر. ج: جلالدہ.

جانباز محله: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که به
نام خانواده یک جانباز می‌باشد.

جانشروع: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. جانشین رود.
جانعلی آباد: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. سرزمین عمران
یافته توسط خاندان جانعلی.

جانکبر Janekbar: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت.
سرزمین قبیله کوچک.

جبرئیل محله (جبهائیل محله): روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی
آستارا. آبادی عمران یافته توسط خاندان جبرائیل. عده‌ای آن را مکان نزول
جبرئیل می‌دانند.

جدا نوکر Jodanokor: روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود.
سرزمینی که هر یک از اهالی آن نوکر جداگانه‌ای داشتند.

جزمکول: ر. ج: جازمکل.

جسیدان: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهی از سیدان.

عفترآباد: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. سرزمین آباد شده توسط خاندان عفتر.

جفرود بالا: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. آبادی بالای رودخانه تو خالی.

جفرود پائین: روستای دهستان لیجارکی حسن رود بخش موقنی بندر انزلی. آبادی پائین رودخانه تو خالی.

جلال‌ده (جالنده): روستای دهستان دلفک بخش خورگام روDOBار. آبادی سکنه خاندان جلال.

جلد برداشت: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی و سرزمین چابکها و زرنگها.

جلیدان: روستای دهستان علیآباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت. سرزمین روشن.

جلیسه: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. دهکده همنشینان. **جما کوه Jamakuh**: روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش. تحریف کلمه جنب کوه یا کنار کوه. عدهای آن را سرزمین جمع چند کوه می‌دانند.

جمال آباد حلاج: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی روDOBار. سرزمین آباد شده توسط خاندان جمال که پیشه پنیه زنی داشتند.

جمال آباد کوسه: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی روDOBار. سرزمین خالی و بدون گیاه آباد شده توسط خاندان جمال.

جمال آباد نظامی وند: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی روDOBار. آبادی عمران یافته توسط خاندان جمال واگذار شده به منطقه نظامی.

جنگ سرا: روستای دهستان اوشیان بخش کلاچای رودسر. آبادی و سرزمین جنگاوران. برخی آن را جنگل سرا می‌دانند.

جنگل کاری چو برو: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی کنار جنگلکاری.

جنگ میره: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین جنگ برای خودم.

جنبه سرا: روستای دهستان دیناچال بخش پردهسر رضوانشهر. آبادی کتار سه راهی.

جوار ده: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. دهکده کناری. جوازیه: ر. ج: چو واژیه.

جواهر دشت: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی بالای دشت.

جو بن: روستای دهستان رستمآباد شمالی بخش مرکزی رودبار. سرزمین محل عبور رودخانه.

جو بنه: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. سرزمینی که از آن رودخانه عبور کند.

جو پشت: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. آبادی پشت رودخانه.

جوپشت: روستای دهستان گوکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی پشت رودخانه.

جوپشتان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین پشت رودخانه.

جو پیش: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی جلوی رودخانه.

جور بیجار کل: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی بالای شالیزار.

جور جور: ر. ج: محمد جعفر محله. سرزمین بالای بالا.

جور ده: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده بالای.

جور ده: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. دهکده بالای.

جور سرا (بالاسرا): روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین بالای.

جور کاسر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی و سرزمین بالای کوه.

جور کویه: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. سرزمین بالای.

جور گوابر: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. دهکده جایگاه بالای.

جور گوابر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده جایگاه بالای.

جور لیا کل: ر. ج: بالا لیل کل. سرزمین بالای تپه.

جور محله: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. سرزمین محله بالای.

جور یاب: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. زمین بالای غیر دیدم یا سرزمینی که آب به آن نرسد.

جوکندان اول: ر. ج: انوش محله جوکندان.

جوکندان بزرگ: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. سرزمین رودخانه بزرگ محل زندگی درویشان. عده‌ای آن را تپه محل رویش گیاه جو می‌دانند. جوی کنده شده. برخی نیز آن را تحریف کلمه جون کندون می‌دانند. برگرفته از کلمه جانی گندی پدر بزرگ انوش فرح بخش که موجب آبادب منطقه گردید.

جوکول بندان: روستای دهستان سراوان بخش سنگر رشت. سرزمینی که سد

محلی روی رودخانه باشد. عده‌ای آن را محل بند آمدن بوسیله انبووهی از حشره کوچک به نام جوکول در فصل تابستان می‌دانند.

جولندان: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین معتبر و گذرگاه.

جهود بیجار: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمینی که شالیزارهای آن متعلق به یک یهودی بود.

جیر باغ: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان، آبادی پائین باغ.

جیر ده: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده پائینی.

جیر ده: روستای مرکز دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. دهکده پائینی.

جیر ده: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. دهکده پائینی.

جیرده پسیخان: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. دهکده پائینی منطقه بزرگ پسیخان.

جیر زو دل (جی زودل): روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی پائین علف زار.

جیرسرا: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. سرزمین پائینی.

جیرسر باقر خاله: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی پائین رودخانه باقر خاله.

جیرسر بهمبر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی پائین رود بهمبر.

جیرسر چوکام: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی پائین محله مشهور.

جیرسر نوده: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی پائینی تازه بنا شده.

جیرسو ویشکا: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. دهکده پائین جنگل.

جیر کل: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی پائین تپه.

جیر کویه: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. سرزمین پائینی.

جیر گوابر: روستای دهستان شبخوس لات بخمن رانکوه آملش. سرزمین وجایگاه پائینی.

جیر گوابر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین و جایگاه پائینی.

جیر گوراب: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی پائین میدانگاه بازار.

جیر لیا کل: ر. ج: لیا کل پائین. سرزمین پائین تپه.

جیر محله کسما: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محله پائین منطقه کسمای بزرگ.

جیرنده: شهر و مرکزی بخش عمارلو رودبار. دهکده پائین قلعه.

جیر هنده: روستای مرکز دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. آبادی باز هم پائین تر.

ج

چابکسر: شهر و مرکز بخش چابکسر رودسر. سرزمین افراد زنده دل و زرنگ.

چاپار خانه: روستای مرکز دهستان چاپارخانه بخش خمام رشت. آبادی مکان تعویض اسبان در قدیم.

چاخ: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین پر از آلاچیق‌های حصیری.

چاروق دوز محله (امام دوست محله): روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. دهکده‌ای که سکنه آن چاروق (کفش محلی) می‌دوزند.

چاره سو: روستای دهستان خرچگیل بخش اسلام تالش. آبادی دارای چهار راه.

چاف بالا: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی بالای رودخانه چاف.

چاف پائین: روستای مرکز دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی پائین رودخانه چاف.

چاف جیو: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی پائین رودخانه چاف.

چافو چاه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. سرزمین گودی که از آن صدای مرغان وحشی برآید.

چاک: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین دره‌ای یونجه زار.

چاکان: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین مراعع و دره‌ها

چاکانک: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دارای دره‌های کوچک.

چاکرود: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کنار رودخانه درون دره.

چاکل: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مجاور گودال و تپه. برگرفته از کلمه چاکول به معنی بالای علفزار.

چالدشت: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین دشتی با گودال‌های فراوان.

چال شم: روستای دهستان خرا رود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین و گذرگاه دره‌ای قابل عبور.

چالکسو: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی سر گودال کوچک.

چالکسو: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دارای گودال‌های کوچک.

چالک‌سراگی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دارای گودال‌های کوچک.

چالکش: روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت نشا رشت. سرزمین کنار چاله و گودال.

چالکش لات: روستای دهستان علی‌آباد زیبا کنار بخش لشت نشا رشت. آبادی کنار گودال‌های شن زار ساحلی.

چاله بیجار: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمینی که شالیزارهای آن دارای گودال باشد و با شالیزار درون فرورفتگی.

چاله خونی (چوله خونی): روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی‌ی که چشم‌های آن دارای گودال باشد.

چاله‌سرا: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که گودال زیاد داشته باشد.

چای بیجار: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. سرزمینی که شالیزارهای آن کنار شکار گاه باشد.

چای جان: روستای مرکز دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. سرزمین شکارگاه.

چای خاله: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی و سرزمین شکارگاه کنار رودخانه.

چای خانسر: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. سرزمین سر چشم‌های آن را آبادی سر قهقهه خانه می‌دانند.

چپر پرد: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای پل و دیوارهای لوله‌ای.

چپر پرد زمان: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشکبیجار رشت. آبادی دارای پل و دیوار لوله‌ای ساخته شده توسط خاندان زمان.

چپک شفیع محله: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. دهکده محل سکونت طایفه چپک از خاندان شفیع.

چپک ناظمی: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. دهکده محل سکونت طایفه چپک از خاندان ناظمی.

چپول: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین غارتگران و چپاول گران.

چپول کش: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین کناری آبادی چپاولگران.

چپه زاد: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین تپه ای

چخره محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمینی که خاک آن خشک و بی‌آب و علف باشد.

چران: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین محل عبور چرندگان ویا محل زیست پرندگان.

چروده: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده بستر ماند از شاخه و برگ درختان. عده‌ای آن را محل نصب چراغ راهنمایی دانند.

چره: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین علفزار.

چسلی: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی و سرزمین سرد سیرو محل ریزش آب.

چشان: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. چش به معنی دامنه بلند آمده و چشان سرزمین است که خانه‌های آن دارای دامنه بلند به طول ۱/۵ متر می‌باشند.

چشناسر: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین زور مندان.

چفل: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. در اصل چپل یا جبل به معنی کوه.

چفلکی: رج: چوفلکی.

چکرود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی کنار رودخانه کم آب.

چکوچه پشت (شنبه بازار): روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و جایگاه پشت کوه.

چکوسرو: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی روی کوه.

چکو ور: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار کوه برخی آن را آبادی دارای راه خوب می‌دانند.

چلارس Chalaras: روستای دهستان املش شمالی بهش مرکزی املش. محل سکونت قبیله چل از منطقه البرز. عده‌ای آن را سرزمین نوعی انگور می‌دانند که مدت رسیدن آن چهل روز باشد.

چلک: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی محل سکونت قوم. عده‌ای آن را سرزمین گل و لای می‌دانند.

چلک: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین مکان سکونت قوم چل.

چلکاسر Cholkasar: روستای دهستان دشتولی بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی و گذرگاه سررودخانه گل آلد.

چلمانرود (چلمرود): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده کنار رودخانه‌ای که در اطراف آن توت فرنگی و حشی رویش کند.

چلوان‌سرا: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین نگهبانان قوم چل.

چلوند (نایب محله): روستای مرکز دهستان چلوند بخش لوند ویل آستارا. آبادی و سرزمین گل و لای
چلوند پائین: روستای دهستان چلوند بخش لوند ویل آستارا. آبادی پائین سرزمین گل و لای.

چلونه سر: روستای مرکز دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی چلو نصر بوده. با معروفیت چلو کبابی.
چله بر (چله سر): روستای دهستان دشتولیل بخشی رحمت آباد و بلوکات روبار. آبادی کنار سرزمین گل و لای

چلیکدان: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. چینه دان.
چلیکی: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. زیر چانه.
چما چار: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمین دارای چهارگردنه و پیج و خم.

چما چاه: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. سرزمین پر پیج و خم دارای چشمہ.

چماقستان: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. سرزمین ماموران چماقدار مالیاتی.

چماقستان: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای روسر. سرزمین ماموران چماقدار وصول مالیات.

چمتو: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم آباد روسر. سرزمین پیج و خم‌های تو در تو.

چمتو کش: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم آباد روسر. آبادی کنار کوهستان پر پیج و خم.

چمثقال: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه سرا. در اصل چوب مسغال به معنی چوب قرمز از زمین پست می‌باشد. عده‌ای آن را چوب مثقال به معنی اندازه ناچیزی از چوب می‌دانند. برخی آن را چومسخال به

۲۶۲ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

معنی شاخه چوب بزرگ آورده‌اند. باریکه جوب (نهر).

چمچال: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای چشم و گودال پر از خزه و جلبک.

چمخاله: روستای دهستان چاف بخش بخش مرکزی لنگرود. آبادی کنار رودخانه پر پیچ و خم. عده‌ای آن را شعبه‌ای از آب چشمه می‌دانند.

چملر: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی ~~و سرزمین~~ پر پیچ و خم.

چملک‌سرا: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی دارای خانه‌های کنار چشمه.

چمن: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین سبز و خرم و یا دارای مرغزار. عده‌ای آن را آبادی چهل گوش چمنی می‌دانند.

چمندان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین سر سبز.

چموش دوزان: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی سکنه دوزندگان نوعی پاپوش به نام چموش

چناراء پالودق: نام دیگر آبادی حیران علیا می‌باشد. آبادی کنار کوهستان.

چنار بن: روستای دهستان ماقچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین پر از درخت چنار.

چنار رودخان (چنار رودخانه): روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین محل رویش درختان چنار کنار رودخانه.

چنجه: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. سرزمین جایگاه امید و امیدواری.

چنگریان (چنیگیران): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و سرزمینی که دیوارهای آن گل لگدمال شده باشد. عده‌ای آن را محل شکار پرنده چنگر می‌دانند.

چنگول (چنگل): روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی محل چند درختچه گل.

چنه سر (Chanasar): روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی دارای دیوارهای گلی.

چنی بین: ر. ج: قنبر محله. دهکده دارای دیوار گلی.

چوب تراشان: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی سکنه صنایع طریف چوب.

چوب تراش محله: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. آبادی که سکنه آن در صنعت چوب دست دارند.

چوبير: شهر و مرکز دهستان چوبير و مرکز بخش حويق تالش. به مکانی که در آن چوبها را با جريان آب انتقال دهند.

چوبير (يوسف آباد): روستای مرکز دهستان چوبير بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمینی که در آن چوبها را با جريان آب انتقال دهند.

چوبه (Chuba): روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. سرزمین مرکز تهیه چوب.

چوبان محله: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگان‌رود تالش. دهکده‌ای که بیشتر سکنه آن چوبان باشند.

چور کلایه: دو روستا به این نام در دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر وجود دارد. سرزمین ناآباد.

چورک موزان: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی تهیه کنندگان نان مزه دار، نان مرغوب، نان خوش مزه.

چور کوچان: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. جور زمین باير بدون آب می‌باشد. چور کوچان در اصل جور کوچان یعنی سرزمین باير سکنه کوچان قدیم.

چوري: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. سرزمین باير و بدون آب. عده‌ای آن را مکان پر از قرقاوی می‌دانند.

چوسر: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمینی که اهالی آن در تهییه چوب نقش دارند.

چو شادستان (چو شاهستان): روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای که اهالی آن چوب‌های شاهانه تهییه می‌کنند.

چوشل Choshal: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین طایفه‌ای از قوم شال که شایعه پرداز بوده‌اند.

چو فلکی (چفلکی): روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی چوب و فلک. زیرا در قدیم جریمه هر جرمی در این آبادی چوب و فلک بود.

چوکام: دهستان بخش خمام رشت. آبادی و مکان سر زبان افتاده. **چوگده:** روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی سر زبان افتاده.

چولاب: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. سرزمینی با آب گل آلود.

چولا ده: روستای دهستان خطبه سرا بخش کرگان‌رود تالش. دهکده درون سرزمین گودالی. تپه چوب باتان.

چون چنان: روستای دهستان علیآباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت. در اصل چینه نشینان (چوب نشینان) بود.

چوازیه: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی تپه جنگل‌بانان یا چوب باتان.

چهار خانه‌سر بالا: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که دارای چهار خانه مشخص به سمت بالا است.

چهار خانه‌سر پائین: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای با چهار خانه مشخص به سمت پائین.

چهاردهه: روستای دهستان املش شمال بخش مرکزی املش. سرزمین تشکیل شده از چهار آبادی.

چهارده: دهستان بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین تشکیل شده از چهار آبادی.

چهار سوپشته: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی که از چهار طرف تپه دارد.

چهار فریضه: دهستان بخش مرکزی بندر انزلی. به علت قرار داشتن چهار آبادی ساحلی به نام‌های کول وئر، بشم، سنگاچین^{روستان} و کپورچال در این منطقه به چهار فریضه مشهور گردید.

چهش: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روDOBار. سرزمینی که به داشتن چاهش مشهور است.

چهل گاچه: روستای دهستان خارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین دارای چهل آغل.

چیت بن: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین محل کشت نوعی گیاه بومی از خانواده ترب به نام چیت.

چیچال: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روDOBار. سرزمینی با آب و هوای ولرم. عده‌ای آن را سرزمین چاله‌ها می‌دانند.

چی چی نی کوتی: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین جولانگاه گنجشک‌ها.

چیران: روستای دهستان روDپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین چراگاه. عده‌ای آن را سرزمین چیری‌ها یا پرنده‌ها می‌دانند.

چی محله: روستای قنبر محله آستارا.

چینی جان: روستای مرکز دهستان چینی جان بخش مرکزی روDسر. آبادی محل سکونت ترک زیانان باقی مانده از مغولان که گیلک‌ها به آنان چینی می‌گفتند

ح

حاج ابراهیم ده: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی رونق یافته توسط خاندان حاج ابراهیم.

حاج امیرونه بین: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی کنار طویله گاوداری خاندان حاج امیر.

حاج بهرام محله: روستای دهستان اسلام بخش العالیم تالش. روستای آباد شده توسط خاندان حاج بهرام که حدود ۲۰۰ سال پیش با استیپ به مکه رفته بود.

حاج سلیم محله: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. سرزمین آباد شده توسط خاندان حاج سلیم.

حاج شهباز محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمین آباد گشته توسط خاندان حاج شهباز.

حاج یدالله محله: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی عمران شده توسط خاندان حاج یدالله.

حاجی آباد: روستای مرکزدهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی رونق یافته توسط یک حاجی.

حاجی آباد: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. آبادی عمران شده توسط یک حاجی.

حاجی آباد: روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی رونق گرفته توسط یک حاجی.

حاجی بکنده: روستای مرکزدهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. سرزمینی که در آن کانالی به هزینه یک حاجی ایجاد گردید.

حاجی بیجار و جاسن گنس (حاجی بیجار و جاسن): روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که شالیزارهای آن توسط یک حاجی رونق گرفت.

حاجی ده: روستای دهستان دشت‌ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار.
دهکده‌ای که اغلب سکنه آن حاجی باشند.

حاجی سرا: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. روستایی که آبادی آن توسط یک حاجی بنا شده باشد

حاجی شیر کیا: روستای دهستان دشت‌ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار.
سرزمین آباد شده توسط آب کوه شیر کیا

دهستان

حاجی محله: ر، ج: زمان محله.

حاجیه محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمینی که آبادی خود را مدیون یک حاجیه خانم است.

حایمر: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. محل زندگی مارها.
حبیب‌آباد: ر، ج: کهنه و انسرا.

حرم‌سرا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. محل عشرت

حسن آباد: روستای دهستان بلسبنیه بخش کوچصفهان رشت. سرزمین آباد شده توسط خاندان حسن.

حسن آباد: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. سرزمین آباد شده توسط خاندان حسن.

حسن بکنده: روستای دهستان شیرجوپشت بخش روبدنیه لاهیجان. آبادی کنار کانال ایجاد شده توسط خاندان حسن.

حسن دایرمان (حسن دیرمان): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین رونق گرفته توسط خاندان حسن.

حسن رود: روستای دهستان لیچارکی حسن رود بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی رونق گرفته توسط خاندان حسن.

حسن سرا (حسنک‌سرا): روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. آبادی و سرزمینی که توسط خاندان حسن رونق گرفت.

حسنعلی ده: روستای دهستان شیرجوپشت بخش روبدنیه لاهیجان. دهکده

محل سکونت خاندان حسنعلی.

حسنی کوه: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کوهستانی محل سکونت خاندان حسن.

حسین‌آباد: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. آبادی عمران یافته توسط خاندان حسین.

حسین‌آباد: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان حسین.

حسین‌آباد: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی رونق گرفته توسط خاندان حسین.

حسین‌آباد: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان حسین.

حسین‌آباد: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی رونق گرفته توسط خاندان حسین.

حسین‌آباد چاف: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی عمران یافته توسط خاندان حسین.

حسین‌سر: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی و سرزمینی که توسط خاندان حسین عمران گردید.

حسین‌کوه: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین کوهستانی که توسط خاندان حسین‌آباد گردید.

حشکوا: روستای دهستان بلسبنہ بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمین گل ولای. عده‌ای آن را جایگاه صالحان می‌دانند.

حشمت‌آباد: روستای دهستان دلفک بخش خورگام رودبار. آبادی رونق یافته توسط خاندان حشمت.

حلاج محله: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که بیشتر سکنه آن نداف (پنبه زن) می‌باشند.

حلقه بسته: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی دارای سد محلی دایرہ مانند. عده‌ای آن را دهکده‌ای می‌دانند که خانه‌های آن بصورت دایره‌ای کثیر هم قرار دارند.

حلقه سرا (حلق سرا): روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. روستایی که خانه‌های آن بصورت حلقه دور هم قرار دارند.

حليمه جان: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد بلوکات رودبار. در اصل آلیما جان یعنی گردشگاه عقاب می‌باشد.

حوریان: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر سرزمین زبها و بهشت مانند. برخی آن را از واژه سوریا (خدای آریائی خورشید) می‌دانند.

حوله چولا: نام دیگر آبادی فندق‌پشته می‌باشد. سرزمین حوالی منطقه گل آلو.

حويق Haviq: شهر و مرکز دهستان بخش حويق تالش. سرزمين آباد سمت چپ. عده‌ای آن را سرزمین میوه‌ها و کوه بلند می‌دانند.

حيان: روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. محل زندگی.

حیدر آلات: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که وسایل باقی مانده از خاندان حیدر در آن بدست آمده. در اصل حیدر لات سرزمین آبرفتی خاندان حیدر.

حير: ر. ج: آهکلان. سرزمين دامنه‌اي.

حیران سفلی (گنجی کش): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمین پائینی که بلحاظ زیبایی موجب حیرت گردد.

حیران عليا (چناراء پالودق): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمین بالایی که به علت زیبایی موجب حیرت شود.

حیران وسطی: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمین میانی که به علت زیبایی موجب حیرت گردد.

حيله سرا: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمين حقه‌ها.

خ

خاجان چهار دانگ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. سرزمین

چهار قسمتی که مرز آن بوسیله فرو رفتگی و برآمدگی مشخص گردد.

خاجان دو دانگ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. سرزمین دو

قسمتی که مرز آن بوسیله فرورفتگی و برآمدگی معلوم شود.

خاچکیان (خواجه کین): روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی

سر این مرز.

خاصمه سرا (خاس خانی): روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی

تالش. آبادی و سرزمین خوب معنی. عده‌ای آن را مکان رویش گیاه کوله

خاس می‌دانند.

خاصمه کول (خصه کول): روستای دهستان دشتوبیل بخش رحمت‌آباد و

بلوکات رودبار. سرزمینی که در تپه‌های آن گیاه بومی خاس رویش کند.

خاک شور: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی با خاک

شور.

خاکیان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین

خاکی.

حالشت: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. در اصل حال

پشت. آبادی پشت جویبار.

حالصان: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین

متعلق به ارباب یا دولت.

حالگی: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. سرزمینی که شعبه

کوچکی از رودخانه از آن عبور کند

حالکیاسر (خلکیاسر): روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی

سکنه دوست داران خاندان کیا.

خالو باغ (شهید مطهری): روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که در آن باغات درخت گوجه سبز زیاد باشد.

خاله سر: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی سر رودخانه جایگاه سرخس‌ها.

خاله سرا ۵۹: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. دهکده‌ای پر از سرخس که در کیلومتر ۵۹ جاده انزلی به تالش باشد.

خاله‌سرا ۵۷: روستای مرکز دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. دهکده‌ای پر از سرخس که در کیلومتر ۵۷ جاده انزلی به تالش باشد.

خالیا گل: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی و سرزمین خالی از گل و لای.

خانا پشتان: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی پشت خانه.

خانا ورسرا: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. دهکده‌ای نزدیک سه راهی، عده‌ای آن را آبادی کنار چشمه می‌دانند.

خان الله: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی رئیس و بزرگ محل.

خان حیاطی: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. سرزمین متعلق به خان.

خانقهه بالا و پائین: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی دارای خانقهه و زیارتگاه. جلال آل احمد مدتی در این روستا زندگی می‌کرد.

خانقهه پر: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی کنار خانقهه.

خانکسرای سفلی: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی پائینی دارای خانه‌های کوچک.

خانکسرای علیا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی بالایی دارای خانه‌های کوچک.

خان گاچه: نام دیگر آبادی کرفکل می‌باشد. معنی آن آغل متعلق به خان یا سرزمین هزار آغل.

خانه پشتان (خانا پشتان): روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پشت سر خانه‌ها.

خانه‌سر: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی کنار خانه.

خانه سوک: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روستای آبادی نزدیک خانه‌ها.

خانه کنار: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار یک خانه مشخص.

خانه وانه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین نگهبان خانه‌ها.

خانه‌های آسیاب: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. دهکده‌ای که خانه‌های آن کنار آردکویی هستند.

خجکه: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کوهستانی که در آن درخت خوج یا گلابی وحشی رویش کند.

خجه دره: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی کنار دره‌ای که در آن درخت خوج رویش کند.

خدا شهر: روستای دهستان روپیش بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که به علت بزرگی خودش شهر گفته می‌شود.

خرابات: ر. ج: لات فومن.

خرار: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. از (خر + ار) تشکیل می‌شود که به معنی (بزرگ + علوقه)

خرارود **Khrarud**: روستای مرکز دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. دهکده‌ای که رودخانه بزرگ از آن عبور کند.

خواسان پشتنه: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی

روی تپه خاوران محل تابش خورشید.

خراسان‌سر: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین خاوری محل تابش خورشید.

خراط محله: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی و سرزمینی که اهالی آن در کار چوب و خراطی مهارت دارند.

خراط محله (متعلق محله): روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. آبادی که متعلق به سکنه خراط باشد.

خرتاب: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی رو به خورشید.

خرجگیل: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی محل باج و خراج گیلک‌ها در ابتدای سرزمین ترک نشین.

خرخونی: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی دارای چشمه بزرگ.

خرشتمن: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی دامنه کوهی که در آن نوعی نعناع وحشی به نام خرس رویش کند.

خرشک: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی محل رویش گیاه محلی خرس.

خرطای: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمینی رو به آفتاب با توده و انباشتگی بزرگ.

خرطوم: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه نژاد بزرگ.

خرف: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین پر از سرخس.

خرفکام: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین محل رویش سرخس‌های کوچک.

خرفکل: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت.

سرزمینی که در تپه‌های آن سرخس رویش کند.

خرف کوره: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی نزدیک کوره میان سرخس زار.

خرما: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. در اصل خوره ماه به معنی سرزمین بلندی که به ماه برخورد می‌کند. عده‌ای آن را به غلط منسوب به خرامه زن بابک خرمدین می‌دانند.

خرم آباد: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمینی که بر اثر آفتاب گیر بودن آباد گردید.

خرم بیشه: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین جنگلی و سرسبزو آفتاب گیر.

خرم رود: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین آفتاب گیر که رودخانه از آن می‌گذرد.

خرم کش Khorram kash: ر. ج: خره کش. سرزمین کناری آفتاب گیر

خروم: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. روستای خرم و سرسبز.

خره پو: روستای دهستان کلیشم بخش مرکزی رودبار. سرزمین با گل و لای خشک شده.

خره کش (خرمکش): روستای دهستان احمدسرگوراب شفت. آبادی پر از گل و لای کنار کوه. گوشه مه آلود.

خری دول (خوی دول): روستای ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای گودال بزرگ.

خسادان سفلی: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین پائینی پر از خس و خار.

خسادان علیا: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین بالایی پر از خس و خار.

خسروآباد: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی و

سرزمینی که بوسیله خاندان خسرو عمران گردید

خسرو محله: روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل آستارا. سرزمینی که بوسیله خاندان خسروآباد گردید.

خسمخ: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی و سرزمین دارای خار و خس بزرگ.

خشتا مدخ: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی ~~صوبه سرا~~. آبادی با ساختار خشتی بزرگ و عظیم.

خشت مسجد: روستای مرکز دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی دارای مسجد با دیوارهای آجری.

خشت مسجد: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای مسجد و بقعه آقا سید دانیال با دیوار آجر

خشکارسرا: روستای دهستان اوشیان بخش چاپکسر رودسر. سرزمین ابتدای منطقه خشک نسبت به منطقه مرطوب. عده‌ای آن را مرکز تهیه شیرینی محلی به نام خشکار می‌دانند.

خشکار وندان: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی مرکز تهیه نوعی شیرینی محلی به نام خشکار. عده‌ای آن را آبادی سکنه خشت کار می‌دانند.

خشک اسطلخ: روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت نشا رشت. آبادی دارای آبغیر خشک شده.

خشک بیجار: شهر و مرکز بخش خشک بیجار رشت. سرزمین بنا شده روی شالیزار خشک شده.

خشک دهننه: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. روستای مجاور دهننه خشک شده رودخانه.

خشک رود: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. آبادی بنا شده در بستر رودخانه خشک.

خشک رودبار: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی کنار رودخانه خشک شده.

خشک لات: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چاپکسر رودسر. سرزمین سنگ زار روی آبرفت خشک رودخانه.

خشک نو دهان بالا: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی تازه بنا شده در بالای بستر رودخانه خشک.

خشک نو دهان پائین: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی تازه بنا شده در پائین بستر رودخانه خشک

خشکه دریا: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی بنا شده روی آبگیر عظیم خشک شده.

خصه کول: ر. ج: خاصه کول.

خطائیه: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. جایگاه خطاکاران

خطبه سرا: روستای مرکز دهستان خطبه سرا بخش کرگانرود تالش. آبادی مکان خواندن خطبه عقد یا نماز در منطقه.

خطیبان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه واعظ.

خطیبان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی سکنه واعظ.

خطیب گوراب: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین و میدانگاه سخنوران.

خلج لر: روستای دهستان چوبه بخش حويق تالش. آبادی محل سکونت قوم خلچ کوج کرده از خلجنستان قم.

خلج محله: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. آبادی محل سکونت قوم خلچ.

خلخالیان: روستای دهستان چوبه بخش حويق تالش. آبادی سکنه کوج کرده از خلخال.

خلخالیان: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی سکنه

کوچ کرده از خلخال.

خلشا: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. در اصل خل شاخه بوده و مرکز تهیه شاخه قطور درخت برای ایجاد مسکن محلی می‌باشد.

خلشا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین تهیه شاخه قطور در منطقه چهارده بزرگ.

خلور جان: روستای دهستان شیخ نشین بخش شباند من ماسال. سرزمین میان کوه که محل نگهداری احشام باشد. عده‌ای آن را سرزمین درختان گوجه سبز می‌دانند.

خلیان: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی و سرزمین تهیه شاخه‌های کلفت. عده‌ای آن را سرزمین دوستان می‌دانند.

خلیف آباد: نام دیگر آبادی گیلانه اسلام تالش است که به معنی سرزمین آباد شده توسط خلیفه.

خلیفه کنار: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه سرا. آبادی مجاور محل سکونت حاکم.

خلیفه گری: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین و جایگاه خلیفه.

خلیفه گوابر: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی و سرزمین جایگاه خلیفه.

خلیفه محله: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. سرزمین مکان سکونت خلیفه.

خلیلان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه خاندان خلیلی.

خلیل سرا: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمینی که توسط خاندان خلیل آباد گردید.

خلیل محله: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمینی که با سکونت خاندان خلیل آباد گردید.

خلیله‌سرا: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. سرزمین آباد شده توسط خاندان خلیل.

خلیله‌سرا: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. سرزمین آباد شده توسط خاندان خلیل.

حمام: شهر و مرکز بخش خمام رشت. سرزمین سازندگان خم و کوزه سفالین. تحری واژه خوبان. سرزمین من.

خمپته اربوسرا: روستای دهستان رحیم آباد بخش رحیم آباد رودسر. خم یعنی کوزه و پته یعنی انباشته. آبادی فوق سرزمین کوزه‌های انباشته از دوشاب خرمالو می‌باشد.

خمسر: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی سازندگان کوزه‌های سفالی.

خمیران: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. روستای محل سکونت کوزه گران.

خمیران: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه کوزه گر.

خمیر محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین سازندگان کوزه و سفال.

خمیر محله: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم آباد رودسر. سرزمین سازندگان کوزه و سفال

خمیر محله: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین تهیه کوزه و سفال.

خمیر محله: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین تهیه کوزه و سفال.

خمیر محله: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی

سازندگان کوزه و سفال.

خنا چاه (دارسازی): روستای مرکزدهستان حومه بخش مرکزی رشت.
سرزمین دارای چشمۀ عده‌ای آن را سرزمین پر آفت و چاله می‌دانند.

خنقجه: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین مکان نگهداری قوچ عده‌ای آن را خنقجه به معنی سرزمین کشت کنف می‌دانند.

خواجه علیوندان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سر! سرزمین سر مرز محل سکونت خاندان علیوند.

خواجه کری: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگان‌رود تالش. سرزمین با مرزهای طولانی.

خواجه کین: ر. ج: خاچکین به معنی سرزمین سر این مرز.

خواجه گری (خواجه گری جوکندان): روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. سرزمینی تا مرز کوه

خوب ۵: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده بهتر نسبت به اطراف خود.

خود بچر: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. سرزمینی که در آن احشام برای خود بچرند.

خود کار محله: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. احتمالاً دهکده‌ای که یک دستگاه اتوماتیک در آن کار گذاشته بودند.

خورتاب‌سرا (خورتاسرا): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین مکان تابش آفتاب.

خورتای: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین مورد تابش خورشید.

خورسنند کلایه: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین افراد شاد و راضی.

خورگام: دهستان و بخش شهرستان رودبار. سرزمین قدمگاه خورشید.

۲۸۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

خور گردان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین مکان گردش خورشید.

خوشابر: دهستان بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین سلطان و یا قلعه دارای چراغ راهنما. عده‌ای آن را سرزمین خوش آب می‌دانند.

خوش سرا محله لیل: ر. ج: پیله محله. مکان خوش درخت زار لیلکی.

خو شل: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین طایفه‌ای از قوم شال که تنها از خودشان باشند.

خولک: روستای دهستان رستم آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. آبادی محل سکونت خودی‌ها و هم خانواده.

خوی دول: ر. ج: خری دول.

خیاط محله: روستای دهستان سیاهکل رو به بخش چابکسر رودسر. آبادی سکنه خیاط پیشه.

خیل گاوان: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین و اردوگاه گاوانها.

خیمه سر (خیمه سرا): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی محل اردوگاه.

۵

داخل **Dakhol**: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین درگاه حکام. عده‌ای آن را آبادی پر از مترسک می‌دانند. عده‌ای آن را داه خیل به معنی ده اردوگاه می‌دانند.

دادا محله **Dade mahlla**: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین پدری.

دارا محله: ر. ج: دره محله رودبار.

داریاغ: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین پر از باغات درخت. عده‌ای آن را باغ بلند می‌دانند.

دارسازی: ر. ج: خناچاه. مرکز تهیه دار چوبی برای ساختن خانه است.

دارسرا: روستای مرکزدهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین پر درخت.

داروگر محله (کشکر محله - بلالم دوم): روستای دهستان رضامحله بخش مرکزی رودسر. آبادی رونق گرفته توسط خاندان داروگر.

دافچاه: روستای دهستان کتهسر بخش خمام رشت. سرزمین کنار چشمه باد خیز.

دافسار: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمین باد خیز.

داقان سرا: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. دهکده مخروبه.

داکله سرا: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمین بنیادی.

داماش: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روobar. سرزمین گرم بدون باد و بوران. به کسی ماش داده.

دانگایه: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. جایگاه و سرزمین آباد.

داوان: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین نگهبانان متعلق.

دباغ شهر: ر. ج: دو بخشن. مکان پاک کردن پوست حیوانات.

دتور سر Datusar: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. سر آبشار.

دخاله کوه: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی بین دو رشته کوه.

درا پشتان: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی سر راه پشتی.

دراز لات بالا: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین طولانی بالای دشت آبرفتی رودخانه

دراز لو: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی منسوب به طولانی بودن مسیر راه آن.

دراز محله: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین دارای محله طولانی.

دران: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین دارای درگاه امیر نشین.

دران: ر، ج: وزشت. درگاه امیر نشین.

دربند: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. آبادی دارای بست محلی.

دربند: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. آبادی دارای بست محلی.

در تموش: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. دهکده درتمشک زار. عده‌ای موش را پا افزار دانسته و درتموش را چهار کفش می‌دانند.

در خانه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. دهکده‌ای که محل سکونت جواد خان حاکم دارالحکومه بوده.

درز گروی: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمین شکاف کوهستان. عده‌ای آن را آبادی سکنه خیاط می‌دانند.

درزی گوابر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی محل سکونت خیاط پیشه.

درزی محله: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای روسر. دهکده‌ای که بیشتر سکنه آن خیاط باشند.

درسنگ: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی و سرزمین گسیخته شده. سرزمین محدود.

درفشه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین نور و روشنایی.

درفک: ر. ج: دلفک. درفک شکاف باریک در توده یخ و برف.

درگاه: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی راه ورود به آستانه مبارک سید جلال الدین اشرف.

درگاه: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی راه ورود به بقعه سیده سلیمه.

در وار محله: روستای دهستان چوبر بخش خویق تالش. سرزمینی که گذرگاه آن در مانند باشد. برخی آن را مکان کوج کنندگان درو خلخال می‌دانند.

در واژ: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده‌ای که در اغلب خانه‌های آن همیشه باز باشد.

دروود خان: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. در اصل دو رودخان به معنی سرزمین دارای دو رودخانه می‌باشد.

درویشانبر: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی سکنه افراد درویش مسلک.

درویش خانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای چشمها که آب آن را دراویش متبرک نموده‌اند.

دره پشت: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی پشت دره.

دره جیر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دره پائینی.

دره دشت: روستای دهستان دشت‌تپل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی دشت مجاور دره.

دره محله (دارا محله): روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی داخل دره.

دریا بن: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمینی که به دریا ختم شود.

دریاسر: روستای مرکز دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی نزدیک دریا.

دریا کنار: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی کنار دریا.

دزدک: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. سرزمین جانوران دزد کوچک مانند آبدزدک.

دزدکسو(دزکسو): روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی سر راه راهزنان کوچک.

دز رود (دزدرو): روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه محل عبور دزدان.

دزلی: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. آبادی منسوب به دز یا قلعه معین.

دست خط محله: ر. ج: گشت. سرزمینی با قیاله دست خط. عده‌ای آن را مکان نگهداری یک اثر خطی مانند قران می‌دانند.

دستک: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی تشکیل شده از یک دسته جمعیت کوچک. محل دارای پل با دسته چوبی.

دشتان سر: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی سر دشت.

دشت دامان: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین سر سبز دشتی.

دشت رز: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. رز در بعضی از منابع به معنی برنج آمده و دشت‌رز سرزمین دشتی برنج کاری می‌باشد.

دشت علم: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. دشتی که در گذشته علم معروفی در آن بر پا بود.

دشتک: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. آبادی دارای دشت کوچک.

دشتگان: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. سرزمین دشت مانند.

دشت میان: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی درون دشت.

دشتولیل: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار.

سرزمین دشتی وحشی.

دشمن کرده: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. در اصل

دشمن کرده از بناهای دشمن زیاری می‌باشد

دعوای لات (البرز): روستای دهستان املش جنوی بخش مرکزی املش.

آبادی و سرزمین دشت آبرفتی رودخانه که همواره بر پر آن دعوا و اختلاف

وجود داشته.

دعوی سرا: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر سرزمین داوری.

دفراز: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار سرزمین

دفینه راز. تکیه گاه عده‌ای آن را دیو رز سرزمین درخت انگور وحشی

می‌دانند.

دکان بیجاری: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی

کنار مغازه سر شالیزار.

دگاسر: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو رودبار. همان دهگاه سریا

سرزمین سر دهکده.

دگرمان گشی: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی کنار آرد

کوبی.

دلچه: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. سرزمین کوچک محل رویش

انبوه علف‌های خود رو. عده‌ای آن را سرزمین عقاب‌های کوچک می‌دانند.

دلدیم بزرگ: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار.

آبادی کنار سرزمین عقاب. کنار ساحل برکه بزرگ.

دلفك (درفک): دهستان بخش خورگام رودبار. سرزمین لاشخور و عقاب.

دله خانی: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. دله

جانوری از خانواده سمورها می‌باشد. دله خانی چشمه مورد استفاده دله‌ها.

عده‌ای آن را دال خانی یا چشمه عقاب می‌دانند.

دليجان: روستاي دهستان بازكيا گوراب بخش مرکзи لاهيجان. سرزمين گذرگاه عقاب.

دليجان: روستاي دهستان اشكور عليا و سيارستاق ييلاقى بخش رحيمآباد رودسرا. سرزمين جولانگاه عقاب.

دليجان: روستاي دهستان شيخ نشين بخش شاندرمن ماسال. سرزمين گذرگاه عقاب.

دليوندان: روستاي دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادي و سرزمين عقاب.

دموچال (آقا سيد حسن): روستاي دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهيجان. آبادي نزديك چاه.

دمير اوغلى كش: روستاي دهستان حيران بخش مرکзи آستارا. آبادي کنار كوه پسر آهنی.

دبمال ده: روستاي دهستان خورگام بخش خورگام روبار. آبادي بعد از دهکده قبلی.

دو آب: روستاي دهستان شوئيل بخش رحيمآباد رودسرا. دهکده‌ای مجاور دو رودخانه.

دواپ مردخ: روستاي دهستان حومه بخش مرکзи رشت. دهکده مجاور دو رودخانه در منطقه مردخ.

دوال کوه: روستاي دهستان آليان بخش سردار جنگل فومن. آبادي مجاور کوهستان که سكنه آن در تهيه نوعی گيوه به نام دوال شهرت دارند. عده‌ای آن را سرزمين کمربند کوه می‌دانند.

دواهيل (دواهيل لنزى): روستاي دهستان چوبر بخش حويق تالش. مكان رویش گشنيز دارويى.

دوباج: نام دو روستاي دهستان على آباد زيباکنار بخش لشت نشا رشت. آبادي بر گرفته از نام امير دوباج حاكم وقت در منطقه لشت نشا.

دو بخش: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت.
سرزمین دو قطعه‌ای. این آبادی به نام‌های دباغ شهر، ملامحله، پائین محله
کولک نیز نامگذاری شده است.

دو دران: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای دو
درگاه امیر نشین.

دود ده: روستای دهستان چوب بخش حويق تالش. روستایی که در آن دود
زياد تولید شود.

دورش: ر. ج: دیو رش روبار.
دو سال ده: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. دهکده‌ای که
هنگام نامگذاری دو سال از بنای آن گذشته بود.

دوست کوه: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. تحریف کلمه
دو زد کوه یا پناهگاه کوهستانی دزدان.

دوست لات: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. در اصل دوزد
لات آبادی و سرزمین دشت آبرفتی محل دزدان و راهزنان بود.

دو گل: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد
روسر. دهکده‌ای که مشخصه آن دو درخت گل باشد.

دو گلسر: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر روسر. دهکده‌ای که با
معروفیت دو درخت گل شناخته می‌شود.

دو گلسر: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای روسر. دهکده‌ای که
مشخصه آن دو درخت گل باشد.

دو گور: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل دو بقعه
آقا میر شجاع الدین و آقا سید علی. عده‌ای آن را سرزمین دو شهر قدیمی
می‌دانند.

دوله گوابر(توت باغ): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر.
سرزمین دره و کوهستان.

دول بین: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی دارای آبگیر.

دول کوه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای کوه و دره.

دوله زمین: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی دارای آبگیر گود.

دوله سر: روستای دهستان کوههستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی کنار آبگیر.

دوله ملال: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی درون دره پر از درخت لرک (کهل).

ده بنه: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده کوههستانی.

ده بنه: روستای دهستان شیرجوبشت بخش رودبنه لاهیجان. دهکده آباد.

ده بنه اسلام آباد (دهبنه شاقاجی): روستای دهستان اسلام آباد بخش سنگر رشت. دهکده آباد منطقه شاقاجی.

ده جان: روستای دهستان اطاور بخش اطاور لنگرود. دهکده گسترش یافته

ده سر: روستای دهستان جیرهنه بخش لشت نشا رشت. آبادی سر منطقه.

ده سر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی سرمنطقه.

ده سر: روستای مرکزدهستان کیاشهر بخش کیا شهر آستانه اشرفیه. آبادی سر منطقه.

ده سر: روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی سر منطقه.

دهشال: روستای مرکزدهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده گذرگاه شغالان.

دهکده قدس: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که به نام قدس شریف اسم گذاری شد.

دهگاه: روستای مرکز دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی

جایگاه منطقه. برخی آن را دهکاء به معنی ده کاه ریخته شده می‌دانند.

دهگاه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی جایگاه منطقه.

ده مردسر: **Damarde sara** روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت نشا رشت. آبادی مرکز تولید (دامرده) وسیله هموار کردن شالیزار.

دهنه‌ده: **Dohondeh** روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. دهکده‌ای که در مجاورت دهکده دیگر باشد. دهکده دارای دو خانه.

دهنه‌سر سپید رود کهنه: روستای دهستان دهنه‌گاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی سر دهنۀ رودخانه خشک.

دهنه‌سر شیجان: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. آبادی سر رودخانه‌ای که دائم شبنم می‌زند.

دهنه سیاه درون: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. دهکده دهنه ورودی دشوار رود به دریا.

دیارجان: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده‌ای که از دور آشکار باشد. عده‌ای آن را سرزمین کوهستانی شیب دار می‌دانند.

دیان‌سر: روستای دهستان ییلاقی اردۀ بخش پره‌سر رضوانشهر. ده با حساب و کتاب.

دیرا کری: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. مکان بسیار دیرآباد شده.

دیز بن: **Dezbon** روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده دارای قلعه.

دیز گوه: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. در اصل دیگ کوه دهکده کوهستانی دارای حفره‌های دیگ مانند.

دیز گاه: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین جایگاه قلعه.

دیز گاه محله: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش.

سرزمین و جایگاه قلعه.

دیگه‌سرا: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام‌تالش. سرزمین و منطقه باد خیز.

دیلچ محله (دیلچ محله): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. محوطه چپ شده در صحراء برای گوسفند و ماکیان.

دیلماده (دیلمعده): روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. دهکده‌ای که به علت دشواری راه عبور موجب تحول معده انسان می‌شود.

دیلمان: شهر و مرکز دهستان وبخش دیلمان سیاهکل. سرزمین و جایگاه باب دل من.

دیله: روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل آستارا. به راه راست هدایت شده.

دیمابن: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی و سرزمین کناری.

دیماجانکش: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. آبادی نزدیک کوه

دیماسو: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. در اصل دی ماهسرا یعنی سکونت گزیدن در ماه دی می‌باشد.

دیناچال: روستای مرکز دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمینی که در آن چاله نباشد.

دیو دره: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی روسر. سرزمین دره بزرگ. عده‌ای آن را دره موجودات موهومی می‌دانند.

دیو رو: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. سرزمین رودخانه وحشی و بزرگ و روشن.

دیو رو: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمینی که رودخانه وحشی و بزرگ و روشن از آن عبور کند.

دیورش (دو رش): روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روdbار. سرزمین تپه بزرگ.

دیو شل (سرهنده): روستای مرکز دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی دلیران لنگ. خانه خدای روشنائی.

دیو شل پشتنه: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی بالای تپه دلیران لنگ. خانه خدای روشنائی روی پشتنه.

تبرستان

ذ

ذوالپیران: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. در اصل زواله پیران سرزمینی که به هنگام نامگذاری اغلب افراد مسن در بعدازظهر بیرون از خانه بوده‌اند. برخی آن را روستای افراد پیر و عارف می‌دانند.

ر

راجعون Rajeun: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات روdbار. سرزمین درختان راج یا راش. عدمای آن را راه جو می‌دانند.

راجیر: روستای دهستان طاهرگوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی سر راه پائینی.

راحیجان: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. در اصل راهی جان سرزمین به سمت مکان آباد می‌باشد.

رادارپشتنه: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. در اصل راه دارپشتنه آبادی قرار گرفته در مسیر پشت تپه درختان است.

رادار کومه: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی به طرف خانه روستایی.

راسته کنار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده کنار مسیر.

راسته کنار: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. دهکده کنار مسیر.

راسته کنار: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی کنار مسیر راه راست.

راسته کنار بوئین: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی کنار گذرگاه انبار غله.

راسته کنار پسیخان: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی کنار گذرگاه پسیخان بزرگ.

رانکوه: شهر و مرکز بخش رانکوه املش. سرزمین (روی آن کوه. عده‌ای آن را رویان کوه به معنی کوه حد و مرز گیلان و مازندران می‌دانند).

راهدار خانه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که در مجاورت راهدار خانه باشد.

راهنما محله (رهنما محله): روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش. دهکده‌ای که دست یابی به آن نیاز به راهنما دارد.

رباب چال: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی‌ی که چاه آن متعلق به خاندان رباب باشد. عده‌ای آن را سرزمین رو به آب چاه می‌دانند.

رجاکل: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی مجاور پشت آبراهه‌های مزارع.

رجب‌سرا: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی که بوسیله خاندان رجب رونق گرفت.

رجور ازبرم: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی بالاتر از دهکده ازبرم که در روی بلندی قرار دارد.

رجه‌سرا (طاهرسرا): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی سینه کش کوهستان.

رحمت آباد: دهستان بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. سرزمین مورد رحمت خداوند. توسعه یافته بوسیله خاندان رحمت.

تبرستان.info

رحیم آباد: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی رونق یافته توسط خاندان رحیم.

رحیم آباد: شهر و مرکز بخش رحیم آباد رودسر. آبادی توسعه یافته باع نارنج خاندان رحیم.

رز دار: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین درخت انگور.

رزدارستان: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهیز رضوانشهر. آبادی پر از درخت انگور. عده‌ای رزدار را درختی از خانواده توسکا می‌دانند.

رزد رود: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. رودخانه پرخور.

رز دره: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی با دره پر از درختان انگور.

رزوان: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی نگهبانان باع انگور. عده‌ای آن را سرزمین نگهبانان شالیزار می‌دانند.

رزگند: روستای دهستان کلشت بخش مرکزی رودبار. آبادی روی تپه انگور.

رزه: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. رزه حلقه‌ای است که قفل را بر آن گذارند و در این آبادی در منازل دارای رزه می‌باشد. عده‌ای آن را سرزمین پر از گیاه رزه (رازک) می‌دانند.

رزه گردن: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم آباد رودسر. سرزمین کوهستانی با گردندهای حلقوی.

رزین دول: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی کبار گودالی که در آن لاستیک‌های فرسوده می‌ریزند. عده‌ای آن را آبگیر لاستیکی می‌دانند.

رستم آباد: شهر و مرکز دهستان رستم آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار. آبادی رونق گرفته توسط خاندان رستم آقا.

رستم آباد جنوبی: دهستان بخش مرکزی رودبار.

رستم آباد شمالی: دهستان بخش مرکزی رودبار.

رستم محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. دهکده آباد شده توسط خانواده رستم.

رسم جی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی تابع قاعده پاکیزه. عده‌ای آن را محل سکونت حق العمل کاران پاک و درست می‌دانند.

رسین: روستای دهستان شوئل بخش رحیم آباد رودسر. سرزمین محکم و استوار.

رشت: شهرستان مرکز استان گیلان. از واژه رش به معنی باران ریزمندی آید. عده‌ای آن را شهر ابریشم نازک می‌دانند. از نظر لغت به معنی جای گود و فرو افتاده می‌باشد و رشت بازار یعنی بازاری که در گودی قرار گرفته باشد.

رشت آباد: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. دهکده‌ای که توسط اهالی رشت آباد گردید.

رشته رود: روستای دهستان رستم آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. دهکده کنار رودخانه درون گودی.

رشی: روستای دهستان دشت‌ویل بخش رحمت آباد و بلوکات رودبار. آبادی محل گذرگاه باران خیز، راه باریک روستائی.

رضا محله: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین آباد شده توسط خاندان رضا.

رضا محله: روستای مرکز دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. برگرفته از نام یک جوان (رضا) که در هنگام عبور نظامیان روسی کشته شد.

رضا محله: دهستان بخش مرکزی رودسر. سرزمین رونق گرفته توسط خاندان رضا.

رضوان شهر: شهرستان غربی استان گیلان. سرزمینی که توسط خاندان رضوانی آباد گردید.

رضی نساء: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی مردان و زنان.

رعیت محله (садات محله): روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی سکنه رعیت‌های سادات.

رفتگی: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزاکوچک چنگلی صومعه‌سرا. آبادی سر فرورفتگی.

رفو چاه: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. سرزمین دارای گودال مکنده و فرو رونده.

رکن سرا: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده بزرگان رکو: روستای دهستان چوبیر بخش حويق تالش. آبادی راه کوه.

رمشایه: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمینی که دیوار خانه‌های آن از شاخه‌های نازک درختان ساخته شده باشد.

رمضان بیجار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که شالیزارهای آن متعلق به خاندان رمضان می‌باشد.

رناسک بن: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار، محل رویش بوته‌های روناس کوچک.

رندل: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگان‌رود تالش. محل رنده و صاف شده.

رنده‌سر: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. سر بخار. برخی آنرا سر مکان نجاری می‌دانند. عده‌ای نیز سر جایگاه صاف معنی می‌کنند.

رنگال: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. رنگارنگ.

رنگرج محله: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که سکنه آن رنگرز باشند.

روا جیر: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. ده رو به پائین.

رو برابر: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. در اصل رود

۲۹۶ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

برابرآبادی محل بقعه دو برادران.

رودآباد: روستای دهستان رحمتآباد بخش رحمتآباد و بلوکات رودبار.
دهکده‌ای که به علت عبور رودخانه از آن آباد گردید.

رودبار: شهرستان جنوبی استان گیلان. سرزمین کنار رودخانه.

رودبار چیره (رودبار جیر ده): روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن.
آبادی پائین کنار رودخانه.

رودبار دهسر: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املشی دهکده سر رودخانه.

رودبارسرا: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. دهکده مجاور رودخانه.

رودبارسرا: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده کنار
رودخانه.

رودبارسرا: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار
رودخانه.

رودبارک: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسر. دهکده کنار
رودخانه کوچک.

رودبارکی: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. دهکده کنار
رودخانه کوچک.

رود بر ده: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. دهکده کنار رودخانه.

رودبنه: دهستان و شهر و مرکز بخش رودبنه لاهیجان. سرزمینی که در اثر
مجاورت با رودخانه آباد گردید.

رود پشت: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی پشت
رودخانه.

رودپشت: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی پشت
رودخانه.

رود پیش: روستای مرکزدهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. دهکده جلوی
رودخانه.

رود خانه: روستای دهستان دشتولیل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار.
دهکده‌ای که رودخانه از آن بگذرد.

رودسر: شهرستان شرق استان گیلان. سرزمینی که چند رودخانه از آن
می‌گذرد.

رودسر: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی سر
رودخانه.

رودسر تازه‌آباد: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر.
دهکده تازه بنا شده در کنار رودخانه.

رود کل: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. دهکده روی تپه
کنار رودخانه.

رود کنار: روستای دهستان دیناچال بخش پره‌سر رضوانشهر. آبادی کنار
رودخانه.

رود گوابر: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین جایگاه
رودخانه.

رود میانه: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. آبادی کنار
رودخانه میانی.

روشن آب‌سر بالا: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی
بالایی رودخانه آب زلال.

روشن آب‌سر پائین: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی
پائینی رودخانه آب زلال.

روشن ۵: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده‌ای با
محیط روشن.

روشن ۵: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. دهکده‌ای با
محیط روشن.

روم دشت: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دشت
مخصوص چرای رمه.

روهام بیک محله (اسلامآباد - لکه پشت): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که با سکونت خاندان روهام بیکآباد گردید.

ریاب: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین افزونی آب. روشتایی آب.

ریزه مندان: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای آبگیر کوچک.

ریسن Reysan: روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. ریک: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. در اصل زیگ به معنی سرزمین شنزار می‌باشد.

ریک حويق: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. سرزمین شن زار منطقه حويق.

رینج محله Rinaj: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. مسیر آرزوها.

رینه: ر. ج: آق مسجد. می و شراب.

ڙ

زارم گلايه: روستای دهستان کیا شهر بخش کیا شهر آستانه اشرفیه. زارم نوعی گیاه نیمه پهنه بوج کنار چشمه‌ها و برکه‌ها می‌باشد زارم گلايه سرزمین مکان رویش این گیاه است.

زرآبچه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. در اصل زرد آبچه سرزمین دارای رودخانه آب گل آلود می‌باشد.

زرآکی (زرکی): روستای دهستان شوئیل بخش رحیمآباد رودسر. زر به معنی مالیات و زرآکی سرزمین مالیات بگیران است.

زربیل: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. در اصل زل بیل به معنی آبگیر پر از زالو.

زدخان لات: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین بزرگ شنزار دشت آبرفتی رودخانه.

زرد دول: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی قرار گرفته در دل دره زرد.

زرد کام: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمینی که هنگام خزان کاملأً زرد می‌شود.

زرد کش: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار در اصل زرده کش به معنی مکان چادر زدن کولی‌ها می‌باشد. عده‌ای آن را سرزمین کوهستانی زرد می‌دانند.

زر دلجه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین کوچک محل رویش علف‌های خود رو. عده‌ای آن را سرزمین عقاب طلایی می‌دانند.

زرگام: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی زیر محله.

زرکلام: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی زیر کلبه دامدار کوه نشین.

زرگوش: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. دهکده‌ای که بیشتر مردمان آن دارای گوشواره طلایی هستند. عده‌ای آن را سرزمین مردمی می‌دانند که به علت ندادن مالیات گوش آنها را بریده بودند.

زرمی: روستای دهستان لیسار بخش کرگانروド تالش. آبادی مردم پرهیزکار.

زرنگ محله (تنبل محله – اسلام آباد): روستای دهستان چاپارخانه بخش خمام رشت. دهکده‌ای که بیشتر اهالی آن زرنگ و زبل باشند.

زره ژیه: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمینی که در تپه‌های آن ذرت کاشته شود.

زربین دشت (زیر گند دشت): روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی زیر تپه کوچک درون دشت.

زعفان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سر. در اصل ضعیفان سرزمین افراد کم در آمد و ضعیف می‌باشد.

زکابر: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. زکاب به معنی آب تراوش شده از هر چیز می‌باشد. زکابر سرزمینی مجاور چنین آب غیر قابل مصرف است.

زمان محله (حاجی محله): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که با سکونت خاندان زمان آباد گردید.

زمی: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. دهکده‌ای که مردم آن نای نواز خوبی بوده‌اند.

زمیدان: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که از میدان شروع شود.

زمیدان بالا: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. دهکده بالای میدان.

زمیدان سرا: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای از میدانگاه.

زندانه: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. دهکده‌ای که ساختار آن همانند زندان باشد.

زنده کش: روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش. دهکده‌ای که دام را زنده زنده کشتار می‌کردد.

زنش: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین باران و بوران و سرمآزده. طوفان برف و باد.

زنش دره (ایراکی): روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. دره منطقه طوفانی و باران خیز.

زنگول بره: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای روسر. آبادی محل نگهداری گوسفندان و بره‌های راه عبور خوک نر

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۰۱

زودل: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی و سرزمین پیشوایان.

زور زمه: روستای اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمینی که با زور تبدیل به کشت زار شد.

زهنهده Zehandeh: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. آبادی بعد از دهکده قبلى.

زهون بره: روستای دهستان سمام بخش رانکوه امنش دهکده‌ای که از همان طرف باشد.

زيارتگاه: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی دارای زيارتگاه.

زياز: روستای دهستان مرکزاشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین روستایی.

زياز محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین آباد شده توسط دهقانان.

زيبا کنار: ر. ج: علی‌آباد مرکز دهستان علی‌آباد زيباکنار لشت نشا رشت است که به علت داشتن سواحل زيبا به اين نام گفته می‌شود.

زيده بالا: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. دهکده بالايی با مردم سرزنده.

زيده پائين: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. دهکده پائينی با مردم سرزنده.

زيدي: روستای دهستان اشکور عليا و سيارستاق يلاقى بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که سکنه اوليه آن زيدي مذهب بوده‌اند. عده‌ای آن را آبادی کسانی که در شستشو غسل و سوانس دارند می‌دانند.

زير ۵: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده پائينی.

زيرده: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. دهکده پائينی.

زیر گند دشت: ر. ج: زرین دشت.

زیزا کش (زیرا کش): روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل.
سرزمین محل وفور پرنده کوچک به نام زیزا. عده‌ای آن را سرزمین زیر
کوهستان می‌دانند.

زیگسار: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و
سرزمین پرنده زیگ.

زیمسار: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین سرما
خیز.

زین بشته: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده‌ای که برای
رسیدن به آن باید از این تپه عبور نمود.

س

садات محله: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. دهکده سکنه
садات.

садات محله: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. دهکده محل
سکونت سادات.

садات محله: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده سکنه
садات.

садات محله: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. دهکده
 محل سکونت سادات.

садات محله: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی سکنه
садات.

садات محله: ر. ج: رعیت محله.

садات محله (بیجایه): روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی
lahijan. آبادی محل سکونت سادات.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۰۳

سادات محله (شاه مراد محله): روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده سکنه سادات خاندان شاه مراد.

سارسر: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی و سرزمین دشت و صحرای صخره‌ای.

سارسر: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. آبادی و سرزمین دشت و صحرای صخره‌ای.

سارسر: روستای دهستان اطاور بخش اطاور نگروه. آبادی و سرزمین دشت و صحرای صخره‌ای.

سارم: روستای دهستان مرکز اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین و جایگاه صخره‌ای. جایگاه رئیس یا مقر فرماندهی.

سارمه: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین صخره‌ای. برخی آن را محل مه آلود می‌دانند.

ساسان‌سرا: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و سرزمینی که توسط خاندان ساسان رونق گرفت.

سالانسر (سلونسر): روستای دهستان رستم‌آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار. آبادی دارای چندآبگیر.

سالستان: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی و سرزمین پر از درخت سال یا سیا ال.

سالستان: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. آبادی و سرزمین پر از درخت سال یا سیا ال.

سالکده: روستای دهستان کیا شهر بخش کیا شهر آستانه اشرفیه. آبادی محل سکونت دلیران.

سالک معلم: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین و آبادی بقعه سالک معلم پسر و هب از منسوبان پیغمبر.

سالو محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین زالوها.

سالله: ر. ج: سنگده رضوانشهر.

سالی‌سر: ر. ج: سیاه خاله‌سر.

سان محله: ر. ج: کماچال بالا محله. سامان محله.

سبز علی‌سرا: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. دهکده‌ای که توسط خاندان سبز علی‌آباد گردید.

سبز کوه: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی در کوهستان سبز.

سپر دان: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین و جایگاه رونده.

سپر دان: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین و جایگاه رونده.

سپهر پشت: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پشت آسمان.

ستار آباد: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که توسط خاندان ستارآباد گردید.

سجوب سر: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده‌ای که سه رودخانه از آن می‌گذرد.

سجیدان: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. سرزمین و جایگاه نیکو رویان.

سجیران: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. در اصل سی جیران یعنی آبادی زیر کوهستان سنگی

سحر خیز محله: روستای دهستان شیرجو پشت بخش رودبنه لاهیجان. دهکده‌ای که اهالی آن صبح زود آماده به کار باشند.

سخی بن: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سخ (سق) درخت آزاد می‌باشد و سخی بن سرزمین مکان رویش درختان آزاد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۰۵

سده: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای صد خانوار. عده‌ای آن را سرزمین متشکل از سه ده می‌دانند.

سرا بستان: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین سر سبز و پر از باغ و بوستان.

سرابجار: روستای دهستان شیرجویشت بخش روبنه لاهیجان. سرزمین سر دیوار پرچین. عده‌ای آن را سرزمین سر بالا می‌دانند.

سرا رود: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه.

سراش: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرا شبی.

سرآکه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. منطقه خانه‌آباد.

سرآگاه: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. سرزمین مکان خانه‌ها.

سرا گوابر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و جایگاه خانه‌های مسکونی.

سرا لیوه: روستای دهستان لوند ویل بخش لوندویل آستارا. سرزمین محل رویش نوعی گیاه بومی به نام چرم لیوه از خانواده آلوها.

سراوان: روستای مرکز دهستان سراوان بخش سنگر رشت. آبادی سر آب. یعنی آب نسبت به بقیه آبادی‌ها زودتر به آن می‌رسد. عده‌ای آن را سرزمین سکنه نگهبانان می‌دانند.

سرا ور سو (سره ورسو): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مسکونی سمت کوه.

سراه: ر. ج: بوئین.

سرای دشت: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دشتی دارای قلعه.

سر تربت: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. آبادی سر بقعه

آرامگاهان سلاطین آل کیا.

سرچشممه: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین کنار چشممه.

سرچکه (سه چکه): روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. مکان سه راهی یا سه شاخه.

سرخانی: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی سرچشممه.
سرخ تله (سرخ قله): روستای دهستان شوئیل بخشی رحیم‌آباد رودسر. آبادی نزدیک کوه سرخ.

سر خشکی: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی بنا شده در سر منطقه بی‌آب.

سردادب خانه پشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی پشت سردادب.

سردادب هونی: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمین کشت زار و پراز کلوخ کنار سردادب.

سردار آباد: روستای دهستان خارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمینی که توسط یک سردار نام آباد گردید.

سر داربن (سر داو بن): روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی کنار درخت.

سردار جنگل: دهستان و بخش شهرستان فومن. نظر به فعالیت مبارزاتی میرزا کوچک جنگلی در این مکان سرزمین سردار جنگل نامیده می‌شود.

سردسرا شاهی جان: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی حاکم نشین منطقه سرد سیر.

سر دشت: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار دشت.

سر ده: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی سر دهکده.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان ۳۰۷ /

سر شکه: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی سر تپه سرگین دامی که به مصرف کود می‌رسد.

سر فریروود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. دهکده مجاور رودخانه زیبا.

سرگ: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی کوچک.

سرگله: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی سر کرت مزرعه.

سر لیله: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی نزدیک درختان لیلکی.

سرهستان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. دهکده‌ای که به علت سر سبزی موجب سرمستی می‌گردد.

سرو لات: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین دشت آبرفتی سبزه زار.

سر وندان: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. دهکده سر آب بندان یا حق تقدم در آبگیری است.

سرهنهده: ر. ج: دیو شل بخش مرکزی لنگرود. آبادی سر این دهکده.

سز رود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار رودخانه رونده.

سساطلان: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی دارای سه آبگیر.

سس مس: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین محل رویش یک نوع گیاه انگلی به نام سس مانع زراعت باشد. محل افراد سرمست.

سطل سر(ستل سر): روستای مرکزدهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی سر آبگیر.

سفید آب: ر. ج: ویر سر. جریان کف آلود آب موجب سفیدرودخانه شده است.

۳۰۸ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

سفیدخانی: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی دارای چشمه سفید.

سفید دار بن (سفیدار بن): روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی کنار درختان سپیدار.

سفید دشت: ر. ج: سیفه دشت بخش پرهسر رضوانشهر.

سفید رود (ماستخور - علی آباد پائین): روستای دهستان کلستر بخش مرکزی رودبار. کلمه اوستایی اسپت رود آبادی کنار سفید رود.

سفید سنگان (اسپی سنگن): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی دارای صخره و سنگ‌های روشن.

سفید سنگان: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی دارای صخره و سنگ‌های سفید.

سفید مزگی: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت. دهکده‌ای که ساکنان اولیه آن مژگان سفید داشتند.

سقالکسار (سقالکسرو): روستای دهستان لakan بخش مرکزی رشت. آبادی سر تپه.

سکا چال: نام دیگر آبادی سو کا چا می‌باشد. گودال سمت کوه. سکام:Sekam: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی محل سکونت اقوام سکاها.

سلامجان: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی دارای آبگیر.

سلامکجان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی دارای آبگیر کوچک.

سلامکجان: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی دارای آبگیر کوچک.

سل بیجار: ر. ج: استخر بیجار. شالیزار دارای آبگیر.

سلجه: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده دارای

آبگیر کوچک.

سل چو: ر. ج: اسطلخ زیر سرزمین پائین آبگیر چراگاه.

سلش: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی دارای آبگیر پر گل و لای.

سلش دیسام: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی دارای آبگیر پر گل و لای مجاور رودخانه دیسام (دی = دل و سام نوعی گیاه وحشی).

سلطان سرا: روستای دهستان ماجیان بخش کلاچای روستایی. دهکده حاکم نشین.

سلطان مرادی: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی محل سکونت خاندان مرادی.

سلکی سر: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی کنار آبگیر کوچک.

سلوش: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی دارای آبگیر. محل تولد مادر سید علی کیا بانی سلسله کیانیان می‌باشد.

سلوک بن سفلی: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین پائینی افراد دلیر.

سلوک بن علیا: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین بالایی افراد دلیر.

سلوک بن وسطی: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین میانی افراد دلیر.

سله موز: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی و سرزمینی که مرز آن یک آبگیر باشد.

سله یوردی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین دارای آبگیر.

۳۱۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

سلی: روستای دهستان چلوند بخش مرکزی آستارا. سرزمین محل رویش درخت سیا ال از خانواده ذغال اخته.

سلیمان چپر: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم آباد رودسر. سرزمینی که توسط خاندان سلیمان دیوار کشی و پرچین بندی گردید.

سلیمان داراب بالا: روستای دهستان لakan بخش مرکزی رشت بقعه سلیمان دارابی عیسی شامی در آبادی موجب چنین اسمی گردیده است.

سلیمان آباد (سلینگوا **Selingava**): روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین آباد شده توسط خاندان سلیم. سلینگ سه پایه فلزی برای استفاده در روی آتش و پختن غذا است. در سلیمان آباد از این وسیله زیاد ساخته می‌شود.

سلیم چاف: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی سالم و دور از آفات در منطقه چاف.

سلیم سرا: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین سالم سمام: روستای دهستان رستم‌آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار. سرزمین دارای کوه‌های حفره دار.

سمام **Somam**: دهستان بخش رانکوه املش. در اصل سومام سرزمین زاهدان و مقدس می‌باشد.

سند بالا **Send bala**: روستای دهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. سند به مکان پست گفته می‌شود. سند بالا آبادی بالاتر از سرزمین گل زار پست.

سند پائین: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی پائین‌تر از سرزمین گل زار پست.

سندس **Sendes**: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی مرکز رویش گل‌های ابریشمی

سندیان: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی و سرزمین پست.

سنديكه: روستای دهستان ييلacci ارده بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمين پست مجاور كوه.

سنگاچين: روستای دهستان چهار فريضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی افاده به تحجیر می‌كند و دارای ديواره سنگی در منطقه‌اي که اغلب ديوارها لوله گياهي بودند می‌باشد.

سنگ بن: روستای دهستان ديلمان بخش ديلمان سياهكل. سرزمين سنگ زار.

سنگ بنگ: روستای دهستان اشكور سفلی بخش رحيم آباد رودسر. آبادی داراي نشانه‌های سنگی.

سنگ بیجار: روستای دهستان رود پيش بخش مرکزی فومن. دهکده‌اي که در شاليزارهای ان سنگ باشد.

سنگ بیجار بست بهمبر: روستای دهستان ضيابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار بست محلی که در شاليزارهای آن سنگ باشد.

سنگ تاش: روستای دهستان لات ليل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی روی سازه صخره‌اي.

سنگ جوب: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگ ده (ساله): روستای دهستان ييلacci ارده بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده سنگلاخ.

سنگر: شهر و مرکز بخش سنگر رشت. به معنی پشتيبان و تکيه گاه آمده و علت آن وجود کوههای اطراف می‌باشد. سرزمين تحت حفاظت طبیعی.

سنگرود: روستای دهستان جيرنده بخش عمارلو روذبار. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگ سرا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمين صخره‌اي.

سنگ سرك: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روذبار. آبادی کنار قطعه

سنگ بزرگ.

سنگرود: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روبار. آبادی مجاور رودخانه با بستر سنگی.

سنگسرود: روستای دهستان اشکور علیاوسیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی سر رودخانه با بستر سنگی.

سوتا پا را (ستو تا پا را): روستای دهستان جویق بخش جویق تالش. آبادی و سرزمین شیر بران.

سوت گوابر: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل آبادی و جایگاه سکنه پر سر و صدا.

سوخته کش: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی بنا شده در کنار محل سوخته شده.

سوخته کوه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی مجاور کوهستان سوخته.

سوخته کوه: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی روی کوهستان دچار خشکسالی شده و سوخته.

سوخته کیش: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی بنا شده روی شمشاد زار سوخته.

سوخته لوله: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی بنا شده روی نیزار سوخته.

سورا پشت: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش آبادی قرار گرفته در پشت راه کوه.

سور جان محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. آبادی محل رویش درخت محلی سور (زربین).

سور شفیع لات: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین دشت آبرفتی با درختان زربین و محل سکونت خاندان شفیع.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۱۳

سور کوه: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی کوهستان پر از درخت زربین.

سورم: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمینی که مانند دیوار کشیده شده باشد.

سوست (توس): روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگان‌رود تالش. در اصل سیست به معنی کوهستان

سوستان: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. در اصل سیستان یعنی منطقه کوهستانی سخت.

سوسرما: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. دهکده‌ای که خانه‌های آن سمت کوه باشند.

سوقه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده دارای بازار.

سو کا چا (سکا چال - سکا چا): روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی محل سکونت اقوام سکاها.

سو گوابر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و جایگاه سر دماغه کوه.

سو گوابر: روستای دهستان اطاور بخش اطاور لنگرود. آبادی و جایگاه سمت دماغه کوه.

سو هاجر: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی سمت خانه هاجر نام.

سه پستانک: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روDOBار. آبادی و سرزمین محل رویش گیاه سه پستان.

سه پیران کاشانی: ر. ج: سیاه پیران کاشانی.

سه پیران کسمایی: ر. ج: سیاه پیران کسمایی.

سه چکه: ر. ج: سر جکه سیاهکل.

سه سار: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی

صومعه‌سرا. سرزمین سه صخره‌ای. عده‌ای آن را سرزمین کوهسار می‌دانند.
سه شنبه: روستای دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا.
دهکده‌ای که در گذشته روزهای سه شنبه در آن بازار دایر بود.

سیابکون: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین
کوهستانی سخت. دهکده کنار سیاه آب.

سیاپشت: ر. ج: سیاه پشت.

سیا رستاق: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد
رودس. آبادی و سرزمین کوهستانی.

سیاوان محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودس. آبادی محل
نگهبانان کوهستان.

سیاوش کوه: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد
رودس. آبادی کوهستانی رونق گرفته توسط خاندان سیاوش.

سیاوی: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. سیاه آب. سیاه
بید.

سیاه استخر: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای آبگیر
کوهستانی.

سیاه استخر: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای آبگیر
کوهستانی.

سیاه استخر: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای آبگیر
کوهستانی.

سیاه بیجار: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. دهکده‌ای که
شالیزارهای آن از آب کوه بهره گیرند

سیاه اسطلخ: روستای دهستان پیربازار بخش مرکزی رشت. آبادی دارای
آبگیر پر گل و لای که آب آن از کوه آمده باشد معنی دارد.

سیاه اسطلخ: روستای مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا.

آبادی دارای آبگیر با آب کوهستان معنی دارد.

سیاه اسطلخ سقط الملک: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای آبگیر گل آلود متعلق به خاندان سقط الملک.

سیاه اسطلخ میرزا ربيع: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی دارای آبگیر گل آلود متعلق به خاندان میرزا ربيع.

سیاه اسطلخ وارسته: ر.ج: سیاه اسطلخ سقط الملک.
سیاه بیجار: روستای دهستان توکی بخش مرکزی بیباھکل. دهکده‌ای که آب شالیزارهای آن از کوه تأمین می‌شود.

سیاه بیل: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. آبادی دارای آبگیر مجاور کوه.

سیاه بیل: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی دارای آبگیر کنار کوه.

سیاه بیل: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی دارای آبگیر کنار کوه.

سیاه بیلن خوشابر: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی دارای قلعه کوهستانی.

سیاه پشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی پشت کوه.

سیاه پیران کاشانی (سه پیران کاشانی): روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی بقعه آقا سه پیران و محل سکونت خاندان کاشانی.

سیاه پیران کسمایی (سه پیران کسمایی): روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور بقعه سه پیران و محل سکونت اهالی کسمای.

سیاه تن Syahtun: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سر. سرزمین کوهستان خاموش دودگرفته.

سیاه جعفر(سیا جعفر): روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی

کوهستانی محل سکونت خاندان جعفر.

سیاه چال (صفرآباد - کند سر): روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین کوهستانی دارای گودال.

سیاه چال (ارشاد محله): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. کوهستان دارای گودال.

سیاه خانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان ~~شیاهکل~~. آبادی دارای چشمکه کوهستانی.

سیاه خاله‌سر (سالی سر - صالح سر): روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی محل عبور رودخانه دارای آب سیاه و سخت به علت عبور آب از خاک‌های آغشته به ذغال..

سیاه خولک: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین پر از پرندۀ چکاوک کوچک. عده‌ای آن را سرزمین کوهستانی با چاله‌های فراوان می‌دانند.

سیاه درویشان: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی دراویش سیاه پوش یا سیاه چهره. عده‌ای آن را رودخانه سخت جوش می‌دانند. گروهی آن را تحریف شده سیاه درفشان یعنی سیاه پرچم داران می‌دانند.

سیاه دشت بن: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین دشت و صخره.

سیاه دول: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی کنار دره کوهستان صخره‌ای.

سیاه دوله: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمین دره سخت.

سیاه رودبار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی مجاور رودخانه‌ای که از کوهستان صخره‌ای آمده باشد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۱۷

- سیاه رودپشتہ:** روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار.
آبادی روی تپه پشت رودخانه.
- سیاهروودکنار:** روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده‌ای که رودخانه سیاه رود از آن می‌گذرد.
- سیاه صوفیان:** روستای دهستان بلسبن بخش کوچصفهان رشت. سرزمین کوهستانی که توسط خاندان صوفی آباد گردید.
- سیاه کاربن:** روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل در اصل سیاه کاروان مکان پیدایش کاروان از دور است. زمین سیاه و خشک.
- سیاه کت:** روستای دهستان لیسار بخش کرگان‌رود تالش. آبادی کنار تخته سنگ‌های صخره‌ای.
- سیاه کرد گوابر:** روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. جایگاه کوهستانی محل سکونت کردها.
- سیاه کش:** روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی گوشه کوهستان.
- سیاه کش:** روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی گوشه کوهستان.
- سیاه کش:** روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی گوشه کوهستان.
- سیاه کش:** روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی گوشه کوهستان.
- سیاه کشان:** روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی بین کوهستان‌ها.
- سیاهکل:** شهرستان شرقی استان گیلان. سرزمین کنار آب و کوه. مردان کوهستان. برخی آن را سرزمین دارای گل سیاه می‌دانند.
- سیاهکلده:** روستای دهستان دیو شل بخش مرکزی لنگرود. آبادی مردمان کوه نشین.

۳۱۸ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

سیاهکلرود: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی مردمان کوه نشین کنار رودخانه.

سیاهکل محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین مردمان کوه نشین.

سیاه گله: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین کوهستانی.

سیاه کوچه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای گذرگاه تاریک به علت وفور درختان.

سیاه کوه: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین کوهستان سخت.

سیاه کوه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین کوهستان سخت.

سیاه کوه: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین کوهستان سخت.

سیاهگل (بشکلی محله - سیاهکیل): روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی دارای گل و لای سخت.

سیاه گل چال (سیاه گل چای): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دارای گودال پر گل و لای.

سیاهگل وندان: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. سرزمین پر گل و لای.

سیاه گوراب بالا: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوهستانی بالایی دارای میدانگاه فروش محصول.

سیاه گوراب پائین: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوهستانی پائینی دارای میدانگاه فروش محصول.

سیاه لات: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. آبادی روی صخره

دشت آبرفتی رودخانه.

سیاه لرزه: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین کوهستانی هراسناک.

سیاه مرد: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین مردمان کوهی.

سیاه مرز گوابر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. جایگاه آباد با مرز کوهستانی.

سیاه مزگی: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی محل سکونت اهالی سیه مژگان.

سیاه منسه بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی بالای کوهستان فرح انگیز.

سیاه منسه پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پائین کوهستان فرح انگیز.

سیاههورود: روستای مرکز دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کنار رودخانه کوهستانی.

سیاه وزان: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی مورد وزش بادهای سرد کوهپایه ای.

سیاههونی: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین خاک‌های سخت و پر کلوج.

سی بستان: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین سبزه زار کوهستانی.

سیبلی: روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل آستارا. سرزمین دارای صاحب. عده‌ای ان را آبادی بخشش گران می‌دانند.

سی بن: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمین کوهستانی سخت.

سی پل: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. روستای دارای پل سنگی و یا آبادی کوهستانی محل سکونت قبیله پهل.

سیچ: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمین دارای گذرگاه سخت عبور.

سیچاره: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین صعب العبور.

سیدآباد: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. سرزمین آباد شده توسط خاندان سید و یا خاندان سعید.

سیدان **Saedon**: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. در اصل سی دان سرزمین سنگ.

سیدسر: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی محل سکونت سیدها. برخی آن را سر صید گاه می‌دانند.

سیدسر: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه سیدها. عده‌ای آن را صیدسرما می‌دانند.

سید لر: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی سکنه سادات. برخی آن را مکان صید می‌دانند.

سید محله: روستای دهستان شیر جو پشت بخش رودبنه لاهیجان. دهکده‌ای که بیشتر افراد آن سید باشند.

سید محله: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. دهکده‌ای که بیشتر اهالی آن سید هستند.

سید محله: ر. ج: لیپا:

سید محله شیرآباد: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. دهکده محل سکونت سیدها در منطقه شیرآباد بزرگ.

سی سرا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده کوهستانی.

سی سر علی شاهروود: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. آبادی کوهستانی منطقه علیشاهروود.

سیغ چال: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سیغ به معنی زیبا و نیکو. سیغ چال سرزمین فرورفته زیبا.

سیفه دشت (سفید دشت): روستای دهستان ییلاقی ارد بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین دشتی پر از درختان سپیدار.

سیکاش: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. شیشه کوهی.

سیگارود: روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی مجاور رودخانه‌ای که از کوه سخت سرچشمه می‌گیرد.

سیلاب کش: روستای دهستان اطاوقور بخش اطاوقور لنگرود. آبادی مجاور محل سیلاب رودخانه.

سیله‌سو: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سر چراگاه.

سیمبری خاله: روستای دهستان دینا چال بخش پرهسر رضوانشهر. سرزمین کنار رودخانه‌ای که میدانگاه مخصوص کشتی گیری داشته باشد. برخی آن را رودخانه سر مرز معنی کرده‌اند.

سینا هونی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین پر از کلوخ.

سیو سرگ: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کوچک و سر تیزی کوه.

سیوبر Siver: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین و جایگاه سخت و کوهستانی.

سئون سر (سئول سر): روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سر مکان آب شونده.

ش

شاد بندری(شاه بندری): روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی منتهی به بندر بزرگ.

شادخال (شاه خال): روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی کنار شاخه بزرگ رود خانه.

شادده سر(شاهده سر): روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. دهکده بزرگ.

شاد راج سفلی (شاه راج سفلی): روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی پائینی با درختان راج (راش) بزرگ. محل پادگان نظامی و گارد شاهی.

شاد راج علیا (شاه راج علیا): روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی بالایی با درختان راج (راش) بزرگ. محل پادگان نظامی و گارد شاهی.

شاد کلایه (کیا کلایه – شاه کلایه): روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. آبادی و سرزمین بزرگی که مقر یکی از سلاطین آل کیا بوده.

شاد کوه (شاه کوه): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی مجاور کوه بزرگ.

شاد گلدی محله (شاه گلدی محله): روستای دهستان چویر بخش حويق تالش. سرزمینی که به حضور حاکم مفترشد بودند.

شاد مراد محله (شاه مراد محله): روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی مکان سکونت خاندان شاه مراد.

شاد مراد محله (سادات محله – شاه مراد محله): روستای دهستان ماچیان بخش کلچای رودسر. آبادی محل سکونت خاندان سلطان مراد که سر دو برادر سید را در کیا کلایه بریده بودند.

شاد ملک بره (شاه ملک بره): روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده‌ای که سکنه آن مطیع امیر منطقه بوده‌اند.

شاد میلرزان (شاه میلرزان): روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. آبادی مزار شاه محمود دینوری که ستون وسط آن لرزش دارد.

شاد نشین (اسلام آباد - شاه نشین): روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی حاکم نشین.

شارم: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی جولانگاه شغال‌ها. عده‌ای آن را دهکده بافتگان پارچه نازک ورنگین می‌دانند.

شاغلا (شاغولا - شاه قلعه): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی دارای قلعه.

شالتوک: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین و قله محل شغال‌ها.

شالده: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی محل سکونت قوم شال.

شالده: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی محل سکونت طایفه شال.

شالکا: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی جولانگاه شغال‌های کوچک.

شالکو (شالکوه): روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی محل سکونت شال بافن معنی. عده‌ای آن را سرزمین شغال‌ها می‌دانند.

شالکه: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی کوهستانی محل سکونت اقوام شال. عده‌ای آن را محل سکونت شال بافن می‌دانند.

شالما: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی مکان سکونت طایفه شال.

شالما: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین محل زندگی اقوام شال.

شالما کوه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین کوهستانی محل سکونت اقوام شال.

شاندرمن: شهر و مرکز بخش شاندرمن ماسال. سرزمین تولید و پرورش زنبور

علل. سرزمین خانه‌های باشکوه. مسیر در حال رفتن من.

شاندرمن محله: روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش.

سرزمین محل سکونت اهالی کوچ کرده از شاندرمن.

شانکاور **Shanekavar**: روستای مرکز دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و سرزمین پر از پرنده شانه بسر. عده‌ای آن را سرزمین زنبور داران می‌دانند.

شانگهای پرده: روستای دهستان لیجار کی حسن رود بخش مرکزی بندر انزلی. دراصل شانه کا پرده یعنی دیوار هدید نشین. عده‌ای آن را شنه کا پرده به معنی دیوار تا حد شانه انسان می‌دانند.

شاه بندری: ر. ج: شاد بندری.

شاه خال: ر. ج: شادخال.

شاه ده: ر. ج: پائین شاد ده. آبادی بزرگ.

شاه دهسر: ر. ج: شاد دهسر.

شاهراج سفلی: ر. ج: شاد راج سفلی.

شاهراج علیا: ر. ج: شاد راج علیا.

شاه رسول: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی محل سکونت خاندان رسول بزرگ.

شاھرود: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که رودخانه بزرگ از آن می‌گذرد.

شاه شهیدان: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. آبادی و سرزمین مزار شاه شهیدان.

شاه قلعه: ر. ج: شاغلا.

شاه کلایه: ر. ج: شاد کلایه.

شاه کوه: ر. ج: شاد کوه.

شاه گلدي محله: ر. ج: شاد گلدي محله.

شاه مراد محله: ر. ج: شاد مراد محله.

شاه مراد محله: ر. ج: شادمراد محله یا سادات محله.

شاه ملک بره: ر. ج: شاد ملک بره.

شاه میلرzan: ر. ج: شادمیل لرزان.

شاه نشین: ر. ج: شاد نشین.

شاھی سرا: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودرس. دهکده‌ای با خانه‌های بزرگ.

شبخوس پهلو: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی کنار درختان شبخوس (گل ابریشم)

شبخوس سرا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین پر از درختان شبخوس (گل ابریشم)

شبخوس لات: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دشت آبرفتی محل رویش درختان شبخوس (گل ابریشم).

شبخوس لات (رانکوه): شهر و مرکز بخش رانکوه املش. سرزمین دشت آبرفتی که در آن درخت گل ابریشم (شبخوس) رویش کند.

شرفشاه ده: روستای دهستان روبدنه بخش روبدنه لاهیجان. دهکده مکان سکونت خاندان شرفشاه.

شرکت بی‌سیم گاز: ر. ج: شاندرمن محله.

شرمدشت: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودرس. آبادی دشتی پر از درختان ممرز.

شرمدشت (عزت‌آباد شرمدشت): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودرس. سرزمین پر از درختان ممرز.

شرم لنگه: روستای دهستان اهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که قسمتی از آن پر از درختان ممرز باشد

شریف‌آباد: ر. ج: پائین محله زمیدان.

شريف علی‌سرا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی محل سکونت خاندان شريفعلی.

ششکلايه: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی تشکيل شده از شش منطقه.

ششگل: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی با معروفیت وجود شش درخت گل.

ششلو: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. دهکده محل سکونت شش طایفه.

شصتنارود بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی بالای رودخانه شصتان.

شصتنارود پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پائین رودخانه شصتان.

شعله پس: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده بعد از شulle و روشنایی. عده‌ای آن را شغل پس می‌دانند.

شفا رود: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده‌ای که رودخانه شفا ف رود از آن بگذرد.

شفت: شهرستان غربی استان گیلان. سرزمین ناهموار و ناراست و کج.

شفت محله: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین محل سکونت اهالی شفت.

شفیع آباد: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین آباد شده توسط خاندان شفیع.

شکار اسطلخ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی کنار آبگیر محل شکار.

شکارسر: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. دهکده‌ای که خانه شکارچیان موجب آبادی آن گردید.

شکال گوراب بالا: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی بالای دارای آبگیر و میدانگاه شغال‌ها.

شکال گوراب پائین: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی پائینی دارای آبگیر و میدانگاه شغال‌ها

شکالم (شکاكم): روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی تپه‌ای محل بافندگان پارچه‌های درشت بافت.

شکر باغان: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌نرا. آبادی و سرزمین کشت نیشکر.

شکر پس: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی بعد از شکارگاه.

شکر کش محله: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی کنار شکارگاه. برخی آن را محل شکر گیری می‌دانند.

شلشه دره: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمین دره‌ای که تنها قوم شال از آن عبور می‌کردند. عده‌ای آن را دره گذرگاه شغال‌ها می‌دانند.

شلقون: روستای دهستان چویر بخش حويق تالش. آبادی دارای آتشگاه.

شلکه بانان: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. دهکده کوهستانی محل سکونت نگهبانان قوم شال.

شلمان: شهر بخش کومله لنگرود. آبادی دارای مکان ماهی گیری با اسبابی به نام شل. عده‌ای آن را محل آتشکده من و برخی آن را سرزمین دارای خاک سست و نرم می‌دانند.

شله ويل: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. شله یعنی پیله نارس کرم ابریشم بوده و شله ويل سرزمین تولید این پیله است.

شليشه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. گذرگاه شغال‌ها. شمام: روستای دهستان رستم آباد جنوبی بخش مرکزی روبار.

سرزمین گذرگاه. عده‌ای ان را مکان دوزندگان نوعی پا افزار به نام شم می‌دانند.

شمس بیجار: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین شالیزارهای خورشیدی. عده‌ای آن را سرزمین شالیزارهای متعلق به خاندان شمس نام می‌دانند.

شمشادپشته (شمشدپشته): روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین دارای تپه‌های پر از شمشاد.

شمشادسرا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین محل رویش گیاه شمشاد.

شمیدین (شمیدیم): روستای دهستان خرا رود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین نزدیک.

شنبه بازار: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. روستایی که در آن روزهای شنبه بازار تشکیل شود.

شنبه بازار: ر. ج: چکوچه پشت.

شندر بالنگه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی مکان دفن افراد قطعه شده.

شوک Shevak: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. در اصل شهوک یعنی سرزمین قورباغه‌های نفرت‌انگیز. عده‌ای آن را خارستان می‌دانند. برخی آن را شاه نشین می‌پنداشند.

شولم Shulam: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین محل سکونت بافندگان نوعی پوشک به نام شوله. عده‌ای آن را محل سکنه قوم شول می‌دانند.

شوله: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین محل سکونت قوم شول که از فارس کوچ نموده‌اند. عده‌ای آن را مکان بافندگان شوله نوعی بالا پوش شبانه برای چوپانان می‌دانند.

شونان: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. از این راه.

شونده چولا: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. سرزمین گلی محل رویش گیاه آقطی که به زبان محلی شوند گفته می‌شود.

شوئیل: روستای مرکز دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین محل زندگی.

شهباز محله: ر. رج { حاج شهباز محله.

شهران (شیران): روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. دهکده‌ای که در قدیم به اندازه شهر رونق داشت.

شهر بیجار: روستای مرکز دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. شر بیجار یا شالیزار نامحدود. در گذشته به آن بیجارچی می‌گفتند که به معنی مکانی که در آن هیچ منبع‌ای برای اعلام فعالیت‌های اجتماعی نبوده است.

شهرستان: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی شهر مانند.

شهرستان: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی شهر مانند.

شهر سمام: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. آبادی و سرزمین محل سکونت افراد زاهد.

شهمیرسرا: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت نشا رشت. آبادی دارای آبگیر و حوضچه که محل سکونت شهمیر دیلمی شاعر قدیم بوده.

شیجان: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. آبادی و سرزمینی که دائم شبتم زند.

شیخ‌آباد (شیخ محله): روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. دهکده‌ای که توسط یک شیخ‌آباد گردید.

شیخانبر (شیخانور): روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. کنار شاه چشم.

شیخان گفشه: روستای دهستان گفشه بخش لشت نشا رشت. سرزمین محل سکونت شیوخ در منطقه گفشه.

شیخ زاهد محله: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی محل سکونت پیر زاهد.

شیخ سرا: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی محل سکونت شیخ محل.

شیخ علی بست: روستای دهستان اسلام آباد بخش سینگر رشت. دهکده‌ای که سد محلی آن با هزینه شیخ علی به اتمام رسید.

شیخ علی توسه: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی پر از درخت توسکا که متلق به خاندان شیخعلی باشد.

شیخ علی کلایه: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی محل سکونت خاندان شیخ علی.

شیخ علی محله: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی محل سکونت شیخ علی.

شیخ محله: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی محل سکونت شیخ محل.

شیخ محله: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. آبادی محل سکونت ملای منطقه.

شیخ محله: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی محل سکونت شیخ اهل سنت.

شیخ محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی محل سکونت ملای محل.

شیخ محله: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی مکان سکونت شیخ محل.

شیخ محله: ر. ج: شیخ‌آباد.

شیخ نشین: روستای مرکز دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی محل سکونت شیخ اهل سنت. عده‌ای را عقیده بر این است که نام اصلی روستا شَخ نشین به معنی سرزمین شبنم روی زمین نشسته است.

شیرآباد: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. سرزمین و منطقه بزرگ.

شیرآباد محله: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. دهکده‌ای در منطقه شیرآباد بزرگ.

شیران: ر. ج: شهران.

شیرایه: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت سرزمین گذرگاه شیر در قدیم بوده است.

شیرایه: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. گذرگاه شیر در قدیم.

شیربچه پیر: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی که بقعه شیر بچه پیر در آن قرار دارد.

شیرتر: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی تولید کننده شیر.

شیرجوبشت بالا: روستای دهستان شیرجوبشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی بالایی پشت رودخانه شیر جو.

شیرجوبشت پائین: روستای دهستان شیرجوبشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی پائینی پشت رودخانه شیر جو.

شیر چاک: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی درون دره شیر.

شیر دره: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی درون دره شیر.

شیر ذیل (نماز ژیه): روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین دامنه کوهستانی شیر افکن (سالار).

شیر علی بیک محله: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. آبادی و سرزمین محل سکونت خاندان شیر علی بیک.

شیرک ده: روستای دهستان دلفک بخش خورگام رودبار. دهکده گذرگاه شیر کوهی.

شیر کوه: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار.
آبادی کوهستانی جولانگاه شیر کوهی.

شیر کوه چهارده: روستای مرکز دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه
اشرفیه. آبادی نزدیک کوهستان در منطقه چهارده.

شیرکوه محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده
محل کوهستانی بزرگ.

شیر محله: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای روسر. دهکده تولید
کنندگان شیر.

شیر وا: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین تولید
شیر.

شیرین نساء: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین زنان
خوب روی.

شیشار: روستای دهستان خوشاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و سرزمین
پر از بید. عده‌ای آن را سرزمین رویش شمشاد می‌دانند.

شی شارستان: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین
محل رویش شمشاد و به نظر برخی بید.

شیشه گوراب: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. آبادی و
میدانگاه فروش محصولات شیشه‌ای.

شیلان: روستای دهستان جوکنдан بخش مرکزی تالش. آبادی و محل سکونت
ماهی گیران.

شیله سر (شیلسرو): روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی.
آبادی محل ماهی گیری با شیل.

شیله وشت: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین
محل رویش گیاه شملک نوع مرغوب.

شیوا: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین فصیح و رساب.

شیول کنار: روستای دهستان رود پیش بخش مرکزی فومن. کنارسرازیری.
شیه: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین آفرینندگان کارهای شاهانه.

ص

صالح بر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کنار سرزمین خوب.

صالح سر: ر. ج: سیاه خالهسر.

صالح کوه: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کوهستان نیکو.

صحنه سرا: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی میدانگاه.

صدای پشتنه: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی قرار گرفته در پشت دستگاه خرمن کوبی پر سر و صدا.

صف سر (صفت سو): روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. در اصل صاف سر یعنی سرزمین مسطح.

صفر آباد: ر. ج: سیاه چال و کند سر.

صفرا بسته: روستای دهستان کیاشهر بخش کیا شهر آستانه اشرفیه. روستایی که در مسیر راه آن درختان به طور منظم ایستاده‌اند.

صفر سرا: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی محل سکونت خاندان صفر.

صمد آباد: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین آباد شده توسط خاندان صمد.

صوفیان ده: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی محل سکونت خاندان صوفی.

صوفیان سر: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده سر محل زندگی خاندان صوفی.

صولی محله: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. سرزمین خاکستری.
عدهای آن را دهکده پر از خانه‌های ناودان دار می‌دانند.

صومعه‌سرا: شهرستان غرب استان گیلان. در اصل سوماسرا یعنی جایگاه زاهد مسیحی. عدهای آن را سرزمین چراغاه می‌دانند. برخی نام آن را به علت مجاورت مزار شیخ عبد الله صومعه‌ای می‌پندارند. بعضی‌ها آن را سوماسرا یعنی سرزمین ماه روشن و زندگی بخش آورده‌اند.

صیاد لور: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستانه. آبادی مکان سکونت شکار چیان.

صیاد محله: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. دهکده محل سکونت شکارچیان.

صيد گاه حويق: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی ساحلی سر مرکز ماهی گیری در حويق.

صيد گاه دهنۀ سر سفید رود: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی کنار صید گاه ماهی گیران در سر محل تلاقی رودخانه با دریا.

صیقلان: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی محل کار و سکونت آهنگران.

صیقلان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل کار و سکونت آهنگران.

صیقلان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی محل کار و سکونت آهنگران.

صیقلان ورزل: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی کنار کوه محل کار و سکونت آهنگران.

صیقل بنه: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی محل کار و سکونت نعلبندان.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۳۵

صیقل ده: روستای دهستان دهگاه بخش کیا شهر آستانه اشرفیه. دهکده محل کار و سکونت آهنگران.

صیقل ده: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. آبادی زیبای جغرافیایی و محل کار آهنگران.

صیقل سرا: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی محل کار و سکونت آهنگران.

صیقل سرا: روستای دهستان دینا چال بخش پرهسره رضوانشهر. آبادی سکنه آهنگر.

صیقل وندان: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی متسوب به آهنگران.

ض

ضیابر: روستای مرکزدهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کنار رودخانه ضیابر. عده‌ای آن را زر یاور ویا زره ور میدانند که سرزمین کنار دریا است. برخی آن را سرزمین روشن و نورانی (منظور سادات) می‌پندارند.

ضیا کوه: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کوهستان روشن.

ط

طارش: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش.

طارم‌سر: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی روی بلندی با حصار چوبی. سر خیمه گاه.

طارم‌سر: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی روی بلندی با حصار چوبی. خانه خیمه گاه.

طارم‌سر: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی و

سرزمین خانه‌های چوبی با حصار چوبی. خانه خیمه گاه.

طاسکوه: روستای مرکز دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین کوهستان سنگین و ملال انگیز.

طالب آباد: روستای دهستان لیجارکی حسن رود بخش مرکزی بتدر ارزلی. آبادی گسترش یافته توسط طالب خان بزرگ خاندان دریابیگی.

طالب سرا: روستای دهستان اطاور بخش اطاور لنگرود. آبادی رونق گرفته توسط خاندان طالب.

طالش: ر. ج: تالش.

طالشان: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی سکنه طالش و بافتگان طیلسان نوعی پوشش مخصوص اقوام تالش.

طالش کوه: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کوهستانی طالش نشین.

طالش محله: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی سکنه طالش نشین.

طالش محله: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه طالش نشین.

طالش محله: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی سکنه طالش نشین.

طالش محله: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی سکنه طالش نشین.

طالش محله بهمبر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی طالش نشین منطقه بهمبر بزرگ.

طالقان: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی سکنه کوچ کرده از طالقان. جایگاه دراز.

طالکوه: روستای دهستان خورگام بخش خور گام روبار. آبادی و سرزمین

کوهستانی پر از گیان پیچک تال. عده‌ای آن را تالکوه یا سرزمین کوهستانی پلنگ‌ها می‌دانند. کوهستان دراز.

طالم سه شنبه: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. دهکده‌ای که در روزهای سه شنبه در آن بازار برقرار می‌شود.

ظاهر بیک محله (آزاد محله): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. سرزمینی که با سکونت خاندان طاهر بیک آباد گردید.

ظاهرسر: ر. ج: رجم‌سرا آبادی رونق گرفته توسط خاندان طاهران

ظاهر گوراب: روستای مرکز دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی و بازار رونق گرفته توسط خاندان طاهر. عده‌ای آن را تار گوراب می‌گویند.

طبق‌سر: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. دهکده‌ای که محصولات خود را روی طبق به معرض فروش قرار دهند.

طراز کوه: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمین محل تقسیم آب رودخانه. مکان معامله ارباب و رعیت.

طش Tash: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین جنگلی آبادشده توسط تیشه و تبر. عده‌ای آن را محل آتشگاه می‌دانند.

طلا برو: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی رودبار. آبادی و سرزمین کنار کوه صخره‌ای.

طولا ب محله گلرو دبار: ر. ج: پائین محله گلرو دبار. طولانی رود.

طولا رود (طولا رود پائین): روستای مرکز دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی پائین رودخانه گل آسود.

طولا رود بالا (قجله محله - علی بیک محله): روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی بالایی رودخانه گل آسود. طولانی رود.

طولا رود پائین: ر. ج: طولا رود.

طولای بالا (طولای بزرگ): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی بالای منطقه گل آسود.

طولای پائین (طولای کوچک): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی پائین منطقه گل آلود.

طول گیلان: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی گیلک نشین در نوار طولانی برای سرزمین تالش نشین.

طول لات: روستای مرکز دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. آبادی طولانی روی دشت آبرفتی بجا مانده از یک روودخانه.

طهماس گوابر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی و جایگاه خاندان طهماس.

ظ

ظهرابعلی سرا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین آباد شده توسط خاندان ظهرابعلی معنی می‌دهد.

ع

عاشور آباد: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین آباد شده توسط خاندان عاشور.

عاشق کل: ر. ج: ما شاء الله کل.

عباس آباد (مریدون): روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. سرزمین آباد شده توسط خاندان عباس.

عباس کوه: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کوهستانی رونق گرفته توسط خاندان عباس.

عباس گوابر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی و جایگاه سکونت خاندان عباس.

عثماوندان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. در اصل اوسماؤندان یعنی آبادی صاحب منسبان و افراد گرامی.

عربان: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. دراصل اریان یعنی محل پیش پرداخت مزد کارگران.

عروس محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. دهکده‌ای که عروسی‌های منطقه در آن صورت گیرد

عروس محله: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که عروسی‌های منطقه در آن انجام گیرد.

عزت‌آباد شرمدشت: ر. ج: شرمدشت.

عزیز کیان: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی سوران عزیز.

عسگرآباد: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. آبادی رونق یافته توسط خاندان عسگر.

عسگرآباد: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین آباد شده توسط خاندان عسگر.

عسگرآباد (عزت‌آباد): روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین آباد شده توسط خاندان عسگر.

عمارلو: بخش شهرستان رودبار. آبادی و سرزمین منسوب به آماردها یا آماردلو.

علم‌سر: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. دهکده‌ای که مشخصه آن یک علم باشد.

علویان: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی محل سکونت سادات علوی.

علی‌آباد: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین آباد شده توسط خانواده علی.

علی‌آباد: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. سرزمین آباد شده توسط شخصی به نام علی.

علی‌آباد: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. سرزمین آباد شده توسط شخصی به نام علی.

علی‌آباد: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین‌آباد شده توسط شخصی به نام علی.

علی‌آباد (زیبا کنار): روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت‌نشا رشت. سرزمین‌آباد شده توسط شخصی به نام علی.

علی‌آباد پائین: ر. ج: سفید رود.

علی‌آبادسرا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. سرزمین‌آباد گشته توسط شخصی به نام علی.

علی‌آباد کپور چال: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی توسعه یافته توسط خاندان علی سود مند.

علی اوست محله: روستای دهستان ماجیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان علی.

علی بزایه: روستای دهستان گفسه بخش لشت‌نشا رشت. آبادی مکان پرورش زنبور عسل توسط خانواده علی.

علی بیک‌سرا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمینی که توسط خاندان علی بیک رونق گرفت.

علی بیک محله: ر. ج: طولا رود بالا.

علی خان‌سرا: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. سرزمینی که توسط خاندان علی خان‌آباد گردید.

علی‌سرا: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی محل سکونت خاندان علی.

علی‌سرا: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام‌تالش. آبادی محل سکونت خاندان علی.

علی‌سرا: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی محل سکونت خاندان علی.

علی‌سرا: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی محل سکونت خاندان علی.

علیسروود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. دراصل علی‌سر رود

سرزمین متعلق به خاندان علی که در سر رودخانه باشد.

علی کلايه: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی منسوب
به خانواده علی.

علی نوده: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی تازه بنا
شده توسط خاندان علی.

علی وا: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی که خانواده
علی نگهبان آن باشند.

عنبرآپشت: روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی پشت
سرزمین رویش گیاه عنبرک (مامیران). عده‌ای آن را آبادی پشت شالیزار
برنج عنبر بو می‌دانند.

عنبرا دول: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی دره‌ای
مکان کشت برنج عنبر بو.

عنبران محله: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. دهکده محل
رویش گیاه عنبرک یا مامیران. عده‌ای آن را مکان کشت برنج عنبر بو
می‌دانند.

عنوی: روستای دهستان چوبر بخش حوقیق تالش. دهکده جانبی.
عوض لر صیاد لر (عیوض لر صیاد لر): روستای دهستان ویر مونی بخش
مرکزی آستارا. آبادی محل سکونت طایفه عیوض که صیاد باشند.

عین شیخ: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده سکنه
شیوخ.

غ

غريب محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که توسط
افراد غیر بومی آباد گردید.

غلامرضا باغ: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. روستای آباد شده به وسیله احداث باغ توسط خانواده غلامرضا.

غلامعلی سرا: نام دیگر آبادی اسماعیل سرا می‌باشد. سرزمینی که توسط خاندان غلامعلی آباد گردید.

تبرستان

ف

فایبلی: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی دارای آبگیر.

فیلشه: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبگیر کوچک.

فیل سرا: روستای دهستان رحیم آباد بخش رحیم آباد رودسر. آبادی دارای آبگیر.

فیل گاو سرا: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی دارای آبگیر که محل آبشخور گاوها باشد

فتاتو: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. سرزمین پر آفت. عده‌ای آن را سرزمین جوانمردان می‌دانند.

فتح کوه: روستای دهستان رحمت آباد بخش رحمت آباد و بلوکات رودبار. در اصل پتکوه سرزمین کوهستانی پت و پهن

فتحمه سر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه سرا. آبادی بی‌اصل و ریشه. عده‌ای آن را سرزمین فراوانی شبنم یخ زده می‌دانند.

فتیده (فتوى ۵۵): روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی پر نعمت. عده‌ای آن را سرزمین فتوا گران می‌دانند.

فخب: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. در اصل فخر آب شکارگاه آبی می‌باشد. عده‌ای آن را سرزمین رودخانه پر پیچ و خم می‌دانند.

فخر آباد: روستای دهستان علی آباد زیباکنار بخش لشتنشا رشت. سرزمین آباد شده توسط فخر الدوله مادر خاندان امینی.

فوج محله: ر. ج: نمازی محله.

فرشکی چوکام: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. سرزمین گسترده سر زبان افتاده.

فرشم: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. سرزمین گسترده ماسه ای...

ف شامل: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. سرزمین بلند.

فشتال: روستای دهستان خرا رود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین تپه و پشتہ.

فشتام: روستای دهستان اسلامآباد بخش سنگر رشت. فش به معنی بلندی و فشتام سرزمین بلند.

فشتکه: روستای دهستان چاپار خانه بخش خمام رشت. فشت صدای مار. فشتکه سرزمینی است که در آن صدای مار زیاد شنیده شود.

فشتم: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت سرزمین بلند و تاریک.

فشخام: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین ستم دیده گان. محل تولید کنف. خانه تابستانی.

فسکچه: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. سرزمین سایه دار.

فشكپشته: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی روی تپه تشکیل شده از پسته برنج.

فسوپشته: روستای دهستان شیرجو پشت بخش رود بنه لاهیجان. فشو صدای خرمن کوب. فشوپشته آبادی پشت دستگاه خرمن کوب.

فصیل دشت: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین دشتی پر گل ولای که دارای قلعه و حصار باشد.

فكجور: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین آشیانه بالایی.

فکش: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مجاور آشیانه.

فلاح‌آباد: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین‌آباد شده توسط خانواده فلاح.

فلکده: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. دهکده‌ای با آسمان صاف. **فندق‌پشته (حوله چولا):** روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی روی بلندی جنگل فندق.

فوشازاده: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. در اصل پوشازده پناهگاه شاهزاده می‌باشد. برخی آن را مکان در خود فرو رفته می‌دانند. عده‌ای آن را برگرفته از نام بقعه فوشازاده (حامد اشکوری) می‌دانند. برخی نیز آن را پوشازده یا پوشال ده می‌پندارند.

فوشه: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. پناهگاه.

فومن: شهرستان غربی گیلان. از واژه پومن یعنی جایگاه اندیشمندان آمده. فوم یعنی نخودو لوبیا بنابراین فومن سرزمین کشت نخود و لوبیا است. در کتاب حدود العالم مکان فومن همان پیلمان شهر می‌باشد که به تدریج به فیمان شهر و فیومان شهر و فومن شهر تبدیل گردید. عده‌ای نیز بانی آن را یک فرد روس با نام فیامین می‌دانند.

فی آب: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. فی بیانگر زمان و مکان است بنابراین سرزمین در آب می‌باشد.

فیشم Fishom: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین پر از سر و صدای مارها. عده‌ای آن را سرزمین ماسه بادی (فیشم) می‌دانند.

فیض‌آباد: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان فیض الله خان.

فیلدہ: روستای دهستان رستم‌آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار. در اصل پیلاده یعنی دهکده بزرگ می‌باشد.

ق

قاسم آباد سفلی: روستای مرکزدهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی پائین توسعه یافته توسط خاندان قاسم.

قاصده: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. در اصل غازده سرزمین غازها می‌باشد.

قاضیان: روستای دهستان سروان بخش سنگ رشت سرزمین محل سکونت داوران وریش سفیدان.

قاضی چاک: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم آباد رودسر. سرزمین دره‌ای محل سکونت داوران.

قاضی گوابر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین و جایگاه ریش سفیدان.

قاضی محله: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. آبادی محل سکونت خاندان قاضی سعید.

قجله محله: ر. ج: طولارود بالا.

قرابا^{bala}: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین خانوادگی. عده‌ای آن را محل تهیه سریشم ماهی می‌دانند.

قراخان محله: روستای دهستان چوبیر بخش حويق تالش. دهکده محل سکونت خاندان قراخان (خان سیاه).

قران Garan: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. دهکده‌ای که یک قران با ارزش و قدیمی در آن نگهداری می‌شود.

قروق: روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش. سرزمین ومنطقه ممنوعه و اختصاصی.

قره دشت (قره داشت): روستای دهستان چوبیر بخش حويق تالش. آبادی دشت سیاه به علت تراکم درختان.

قره سوی: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. سرزمین رودخانه سیاه.

قسم هر ده: ر. ج: ماشین خانه.

قشلاق: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین نسبتاً گرم نسبت به اطراف خود.

قصاب‌سرا: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده‌ای که دارای کشتارگاه باشد.

قصاب علی‌سرا: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی محل سکونت قصاب علی.

قصاب محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. دهکده محل سکونت خاندان قصاب. عده‌ای آنرا قصبه محله می‌دانند.

قصاب محله: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که محل سکونت خاندان قصاب باشد

قلعه: روستای دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. آبادی دارای قلعه‌ای به نام عنبران.

قلعه بین: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی دارای قلعه.

قلعه بین: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی مجاور قلعه.

قلعه بین یوردی: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین دارای قلعه.

قلعه چال: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی مجاور قلعه‌ای که در گودال بزرگ قرار دارد.

قلعه دوش (قلعه چین): روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی دارای قلعه کتف مانند.

قلعه رودخان: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی مجاور قلعه تاریخی حسامی.

قلعه زا (گلزا): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. دهکده دارای قلعه.

قلعه کل: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی دارای قلعه روی تپه.

قلعه گردن: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی دارای قلعه روی گردن مسیر.

قلعه گل: روستای دهستان چوبه بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی دارای قلعه گلی.

قنبه محله: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. دهکده‌ای که با سکونت خاندان قنبه رونق گرفت.

قنبه محله: ر. ج: لکه پشت.

قنبه محله (جنی بین - نقله کش - چی محله - محله زنبور داران): روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل آستارا. آبادی دارای دیواره‌های گلی و محل سکونت خاندان قنبه.

قندی سرا: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی سکنه قناد.

قوشه لانه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمین جولانگاه قوش. عده‌ای آن را سرزمین علف زار می‌دانند.

ک

کاچا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی و سرزمین گودالی نزدیک کوه متعلق به چهارده بزرگ. عده‌ای آن را سرزمین پرورش کرم ابریشم می‌دانند.

کاجان: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کوهستانی محل رویش درختان کاج.

کاربند: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی سکنه پیشه ور.

- کارخانه رئیسیان: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش.
دهکده‌ای که کارخانه رئیسیان در آن می‌باشد
- کار سنگ شاهیجان: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی
شاه نشین که سکنه آن در کار سنگ سازی باشند.
- کار سیدان: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی و
سرزمینی که کارگران آن سید باشند
- کارگاه پرورش ماهی دکتر یوسف پور: روستای دهستان خرارود بخش
مرکزی سیاهکل. وجود کارگاه موجب چنین اسم گردیده است.
- کاس احمدان: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی محل
اقامت خاندان کاس احمد (احمد زاغ چشم).
- کاسان: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمین کاس‌ها
از اقوام اولیه گیلان.
- کاس خورده: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. دهکده آفتایی
محل سکونت اقوام کاس.
- کاشکی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین محل
سکونت کاش‌ها (کاس‌ها).
- کاظم آباد: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی رونق
یافته توسط خاندان کاظم.
- کاغذی: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین تولید کاغذ.
عده‌ای آن را آبادی منسوب به یک چیز نازک مثلأً گردی پوست نازک
می‌دانند.
- کاکرود: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار
رودخانه محل سکونت اقوام کاک.
- کاکرود: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی کنار رودخانه محل
سکونت طایفه کاک.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۴۹

کالموز: روستای دهستان بلسبته بخش کوچصفهان رشت. دهکده‌ای با مرز آب کنده یا دره.

کانروود: روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل استارا. آبادی کنار رودخانه‌ای که با کنده شدن نقب ادامه مسیر می‌دهد.

کاوه لنگه: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که قسمتی از آن متعلق به خاندان کاوه باشد.

کاه بیجار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی با شالیزارهای کوچک.

کبوتر آبکش: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. مجاور بودن روستا با حوضچه‌ای که کبوتران از آب آن استفاده می‌کنند موجب انتخاب چنین اسمی شده است.

کبود مهر: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمینی با تابش آفتاب آسمانی آبی.

کپور چال: روستای مرکزدهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. سرزمینی که در گودال‌های آن ماهی کپور بوده است. برخی آن را کفر چال می‌ذانند.

کتشال بالا (بالا کتشال): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی بالایی سکنه تهیه کننده تخته شال بافی (کت).

کتشال پائین (پائین کتشال): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پائینی سکنه تهیه کننده تخته شال بافی (کت).

کتله: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمین بلند.

کتمجان سید عبد الوهابی Kotomjan: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی شمشاد زار محل حصار سکونت خاندان سید عبد‌الوهاب.

کتمجان معتمدی: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی
شمشاد زار محل حصار سکونت خاندان معتمدی

کتمجان یوسف علی: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی
شمشاد زار محل حصار سکونت خاندان یوسف علی.

کته خورته پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. دهکده
آفتتابی پائینی. عده‌ای آن را سرزمین دارای اینبار ذغال آفتاب خور می‌دانند.

کته سرو: روستای مرکزدهستان کته‌سر بخش خمام رشت. دهکده سر ابار.

کته شصت آبادان: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه.
دهکده‌ای که با احداث ۶۰ خانه آباد گردید

کته شصت آبادان چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه
ashrafie. دهکده‌ای در ناحیه چهارده که با احداث ۶۰ خانه آباد گردید.

کتیک جان: نام دیگر روستای کشکشان می‌باشد. آبادی تختگاه امیر نشین.

کتیک لاھیجان: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی
تختگاه امیر نشین محل پروش کرم ابریشم.

کتیگر (اقا سید شریف): روستای دهستان لakan بخش مرکزی رشت. آبادی
و سرزمینی که در پناه کوه باشد.

کج محمد گوابر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و
جایگاه سکونت خانواده کج محمد

Kojid: روستای مرکز دهستان کجید بخش رانکوه املش. گردنه کوه.
برخی آن را کوه چیر می‌دانند.

کجیل: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین
مکان کشت گیاه کنجد.

کچا: روستای دهستان سراوان بخش سنگر رشت. آبادی تولید کنندگان ابریشم
نامرغوب.

کچلام: روستای دهستان شیر جو پشت بخش رودبنه لاھیجان. کچل یا کچلک

جانور کوچکی است که مشک آب را پاره می‌کند. کچلام سرزمینی است که این جانور در آن زیاد باشد.

کچل بن: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. سرزمین محل زندگی جانور کوچکی به نام کچل.

کچلک: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. اگر کچ را ابریشم کم بها در نظر بگیریم کچلک آبادی تولید کننده این ماده است. اما اگر کچ را فلس ماهی در نظر بگیریم کچلک سرزمین پرازان فلس ماهی می‌باشد.

کچلک محله: روستای کوچک محله.

کچوم محله: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی تولید کنندگان ابریشم نارس.

کدوسر: روستای دهستان سنگر بخش سنگرشت. آبادی محل کشت کدو. **کرارود جمشیدآباد:** روستای دهستان رستم آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار. سرزمین راه زودخانه پر شکوه جلال آبادی رونق یافته توسط خاندان جمشید.

کرباس: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. آبادی مرکز تهیه کرباس.

کرباس سرای سفلی: روستای دهستان رحیم آباد بخش رحیم آباد رودسر. آبادی پائینی سکنه بافندگان کرباس.

کرباس سرای علیا: روستای دهستان رحیم آباد بخش رحیم آباد رودسر. آبادی بالایی سکنه بافندگان کرباس.

کربلایی مهدی گوده: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی رونق گرفته توسط خانواده کربلایی مهدی.

کرج وندان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمین کشاورزان وجین کار.

کردآباد: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی رونق یافته توسط اقوام کرد.

کرد خیل ولم: روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت‌نشا رشت. سرزمین و مکان اردوگاه کردها.

کردسرا کوه بالا: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی بالای کوهستانی سکنه اقوام کرد.

کردسرا کوه پائین: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پائین کوهستانی سکنه اقوام کرد.

کرد گاور: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین کوهپایه‌ای کرد نشین.

کرد محله: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی و سرزمین محل سکونت اقوام کرد.

کرد محله: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین محل سکونت اقوام کرد.

کرد محله: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین محل سکونت اقوام کرد.

کردده‌سرا: روستای دهستان لوندویل بخش لوندویل آستارا. آبادی و سرزمین محل سکونت اقوام کرد.

کرف‌پشته: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی تپه پر از سرخس. عده‌ای آن را سرزمین درختان افرا می‌دانند.

کرف‌پشته ایلیاتی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی تپه پر از سرخس و محل سکونت طایفه ایلیاتی.

کرف‌پشته تازه‌آباد: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پر از سرخس تازه بنا شده.

کرف‌پشته گالشی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی تپه

پر از سرخس که گالش نشین باشد.

کرف چال: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روDOBار. سرزمینی که در گودال‌های آن سرخس باشد.

کرفستان: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین محل رویش سرخس.

کرفستان: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی و سرزمین محل رویش سرخس.

کرف کل (خان گاچه): روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی روی تپه سرخس زار.

کرف محله: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی و سرزمین سرخس زار.

کرگان: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی کهن. عده‌ای آن را آبادی محل پرورش مرغ می‌دانند.

کرگانرود: بخش شهرستان تالش. آبادی و سرزمین کهن رود یا کوهان رود. کرم‌اک بالا (کرم‌اک): روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روDOBار. آبادی منسوب به پهلوان باستانی گیلان به نام ماکان کاکی. برخی آن را لجن زار پر کرم می‌دانند.

کرمون (کرمان): روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. کره رود: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روDOBار. سرزمین رودکشیف. کره رودخان: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. سرزمین رودخانه سخت و کثیف.

کریمان: ر. ج: کلیمان. آبادی سکنه بخشنده. کریم‌سر: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی محل سکونت خاندان کریم.

کزده: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. دهکده محل تولید ابریشم

نامرغوب. برخی آن را کیژده یا کیش‌ده سرزمین شمشاد می‌دانند.

کسار: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سراء.
سرزمین کوهسار.

کسار: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. سرزمین کوهسار.

کسما: روستا مرکز دهستان بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین محل سکونت اقوام کاس.

کسمجان (کسمه جان): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی محل سکونت اقوام کاس. عده‌ای آن را آبادی و مکان قطع کننده جاده می‌دانند.

کشاور: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین کنار کوه.

کشاور خطبه‌سرا: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانزود تالش. آبادی کنار کوه در منطقه خطبه‌سرا.

کشاوه: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسرا. سرزمین کوهستانی.

کش بیل: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی کنار آبگیر.

کشتمی (کیش دبی): روستای مرکز دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین شمشاد زار.

کشتی گیر چاک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دره‌ای که مراسم کشتی گیری محلی در آن انجام گیرد.

کشفی: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. سرزمین لاك پشتان. کشکر محله: ر. ج: داروگر محله می‌باشد. سرزمین پر از زاغچه.

کشکش: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روذبار. آبادی کنار دماغه کوه. عده‌ای آن را سرزمین آوج آسمان می‌دانند.

کشکشا ن Koshkashan (کتیک جان): روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روذبار. آبادی کنار کوهستان. سرزمینی که از

نظر بلندی به کوهکشان می‌رسد.

کشکلایه: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی کنار کوه.

کشکوه Kashkuh: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار کوه.

کشل Kashal: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین کوهستانی محل سکونت طایفه شال. عده‌ای آن را کوهستان شغال‌ها می‌دانند.

کشل آزادسرا: روستای مرکز دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمینی که شغال‌ها آزادانه زیست می‌کنند.

کشل آزاد محله: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی محل زیست آزادانه شغال‌ها.

کشل ورزل: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی جولانگاه شغال‌ها در کوهپایه.

کشلی Keshli: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگان‌رود تالش. آبادی مجاور طاق نمای زیر صخره.

کشمیش: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. در اصل کشمیس به معنی کنار مانع.

کفته رود: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. در اصل کبوتر رود یعنی رودخانه‌ای که کبوتران از آن آب می‌خورند عده‌ای آن را سرزمین رودخانه افتاده می‌دانند.

کفش کل محله (پائین محله بیجار پس): روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی کنار تپه‌ای از کفشهای کهنه.

کفود Kafud: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین بالایی.

کفود مژده: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی سکنه

زور مندان سرزمین بالایی.

ککیورز: ر. ج: گلیورز روبار.

کلاب: روستای دهستان دینا چال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی دارای آبگیر بزرگ.

کلاچاه: روستای دهستان کتهسر بخش خمام شست. آبادی دارای گودال.

کلاچای: شهر و مرکز بخش کلاچای روسر. سرزمین اکنون روداخانه. عده‌ای آن را سرزمین کلاغ‌ها می‌دانند.

کلاچ خانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای چشم‌های که جولانگاه کلاغ‌ها باشد

کلاچ خندان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمین کلاغ‌های شلوغ و پرسو صدا.

کلار ده: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی زیستگاه قورباغه‌ها.

کلامش: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی روبار. سرزمین زراعی و راه عبور به مزرعه. آبادی مرکز تهیه نوعی پاپوش به نام شم.

کلامش بالا: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. دهکده بالایی سرزمین زراعی و مرکز تهیه پاپوش شم.

کلامش پائین: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سر. آبادی پائینی سرزمین زراعی و مرکز تهیه پاپوش شم

کلاک: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی کوچک.

کلا گوابر بالا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین بالایی قورباغه‌ها.

کلا گوابر پائین: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و

سرزمین پائینی قور باغدها.

کلامرود: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی روی تپه بلند مجاور رودخانه. عده‌ای آن را جایگاه خانواده کنار رودخانه می‌دانند.

کلامسر: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی روی تپه. برخی آن را جایگاه خانواده روی تپه می‌دانند.

کلان‌سرا: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی و سرزمین خانه‌های فشرده روی تپه.

کلاهدوز محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده سکنه کلاهدوز.

کلایه: روستای دهستان اشکور علیا وسیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین آباد.

کلایه: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. دهکده‌آباد.

کلایه پهلو: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین مجاور آبادی.

کلتاسر: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سر تپه آخر.

کلچار: روستای دهستان ماجیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین مجاور تپه.

کل چال: روستای دهستان لات لیل بخش اطاوقور لنگرود. آبادی نزدیک گودال آبگیر جولانگاه بزکوهی.

کل دره سفلی: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دره پائینی مقر برهای کوهی.

کل دره علیا: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین بالایی مقر برهای کوهی.

کلدۀ Koldeh: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای که در گذشته دور در آن بزکوهی زندگی می‌کرد. آبادی بلند.

کلدهه (گالده): روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. دهکده بزرگ.

کلرا: ر، ج: کلوغه.

کلروود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد روسر. سرزمین دارای رودخانه‌ای که بزهای کوهی از آن آب می‌خورند.

کلرم (Kalarm): روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین دره بزرگ.

کلسر: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده‌ای که روی تپه باشد.

کل سرا (گل سرا): روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده‌ای که روی تپه باشد.

کلشتاجان: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که اهالی آن کاه و کلش را به صورت انبوه در مسیر راه قرار می‌دادند.

کلشتر: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی روبار. سرزمین کلش دره آبادی و سرزمینی که ساکنان آن نیرو مند و ایستاده باشند.

کلش طالشان: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. آبادی بافت‌گان طیلسان که بام خانه‌های آنان کاه و کلش باشد.

کلفت (Kalfat): روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی و سرزمین ناهموار.

کلکاسرا: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی روسر. آبادی محل پروش مرغ. برخی آن را آبادی ساخت وسایل تهیه نیشکر می‌دانند.

کلکا موس (Kalkamus): روستای دهستان شوئیل بخش مرکزی روسر. سرزمین تپه به یادگار مانده از کاموس. عده‌ای آن را آبادی پراز بچه گنجشک می‌دانند.

کلکوه: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین پراز

بزکوهی. عده‌ای آن را سرزمین کوه و دره می‌دانند.

کلمر: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروود تالش. تپه مارها. دره مارها.

کلنادان بالا: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. در اصل کل نادم یا گیل نادم می‌باشد. سرزمین کنار خاکستر آتشکده بالایی.

کلنادان پائین: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. در اصل کل نادم یا گیل نادم می‌باشد. سرزمین کنار خاکستر آشنا یا یینی.

کلندي (کلنده): روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین سخت و درشت.

کلنکش: روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمین خرفه زار و آبادی روی تپه. برخی آن را گلنکش یعنی سرزمین گل و لای می‌دانند.

کلن کلایه: روستای دهستان ماقچیان بخش کلاچای روسر. سرزمین کشت زار پنبه.

کلنگران: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی مکان رویش خرفه.

کلنگستان **Kelangastan**: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین خرفه زار

کلوج گوابر: روستای دهستان اوشیان بخش چاپکسر روسر. آبادی و جایگاه مردم نان خور.

کلورز **Kaluraz**: ر. ج: گلیورز. آبادی رئیس بزرگ و نظم دهنده. عده‌ای آن را سرزمین انگور وحشی می‌دانند.

کلوزر: روستای دهستان رستمآباد جنوبی بخش مرکزی روبار. کلو به معنی خشن و وحشی می‌باشد. کلو زر سرزمین طلای خشن.

کلوس فروش **Kolosfrush**: روستای دهستان دشتول بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. آبادی فروشنده‌گان اسب. عده‌ای آن را سرزمین هیزم فروشان می‌دانند. آبادی مکان فروشنده‌گان سبزی معطر نیز می‌باشد.

کلوغه (کلرا): روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن.

کله‌سرا: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی کنار اجاق یا تسور عمومی. کنار کوره زغال پزی.

کله دشت: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین دشت سار.

کلید بر: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل سکونت کلیددار امام زاده.

کلید بر: روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود آبادی محل سکونت سید محمد کلید دار امام رضا (ع).

کلیدسر: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی محل سکونت کلید دار مزار مذهبی.

کلیشم: روستا مرکز دهستان کلیشم بخش عمارلو رو دبار. آبادی و محل پرورش زنبور عسل. عده‌ای آن رادروازه و رو دوتنگه عبور به نقاط دیگرمی دانند.

کلیمان (کریمان): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی سکنه کلیمی یا بخشنده.

کما: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین تپه‌ای.

کماچال احمده: ر، ج: تمچال. سرزمین دارای چاه بلند متعلق به خاندان احمدی.

کماچال بالا محله (بالارچه - سان محله): روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای تپه و چاله سرزمین بالایی.

کماچال پائین محله: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی دارای تپه و چاله سرزمین پائینی.

کما دول: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین تپه و دره.

کما کل: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی روی تپه.

کمال الدین پشته: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. سرزمین تپه‌ای محل سکونت خاندان کمال الدین

کمال محله: ر. ج: تنگ دره که توسط خاندان کمال آباد گردید.

کما مردخ: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی تپه مرسدک محل آمگاه پوریای ولی.

کمسار کوچک: ر. ج: کوچک کومسار.

کمسر: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی روی تپه.

کمنی Kumuni: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین خانه‌های کوچک. برخی آن را مخفف کوه میانی می‌دانند زیرا در میان کوهها قرار دارد.

کنارسر (کنارسر بزرگ): روستای مرکز دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی سرزمین بزرگ کناری.

کنارسر اربابی: روستای دهستان گفشه بخش لشتنشا رشت. آبادی کنار یک منطقه متعلق به ارباب.

کنیک: روستای دهستان دشتولی بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. در اصل گنبد یعنی گنبدکوه سرزمین گنبد و خمره مانند.

کند بن: روستای دهستان ماقچیان بخش کلاچای روسر. سرزمین دهکده کوچک.

کندسر: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر روسر. آبادی کوچک.

کندسر: روستای دهستان ماقچیان بخش کاچای روسر. سرزمین و آبادی کوچک.

کندسر (کنده سر): روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی کوچک.

کندسر ز. ج: سیاه چال بخش رحیم‌آباد روسر. آبادی کوچک.

کندسر بی بالان: روستای دهستان بی بالان بخش کلاچای روسر. آبادی کوچک در منطقه بی بالان.

کندسر زین پره: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی کنار حاشیه دور تپه کوچک.

کندسر شکر شکن: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی روی شکارگاه.

کندلات: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات روDOBار. آبادی روی دشت آبرفتی علف چر.

کنذر (گنذر): روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین سرگنج.

کنده‌سرا (کینده‌سرا): روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی سکنه‌ای که با هم دشمنی داشتند.

کنسستان: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. آبادی و سرزمین پر از درخت ازگیل.

کنفگوراب: روستای دهستان روDBینه بخش روDBینه لاهیجان. آبادی و سرزمین محل تولید و فروش محصولات کنفی.

کواکری: روستای دهستان ساحلی جوکندان بخش مرکزی تالش. سرزمین انبوه از کوهستان.

کوببر: ر.ج: کوره بر لاهیجان. کنار راه کوه.

کوبن (کوه بن): روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی روی کوهستان.

کوتاله: روستای دهستان اوشیان بخش چاپکسر روDسر. آبادی چراغ کوهستان.

کوتنه کومه: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. آبادی و سرزمین آلونک‌های کوتاه.

کوجی (گواجی - کوراجی): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روDسر. آبادی کوچک.

کوچصفهان: شهر و مرکز بخش کوچصفهان رشت. از واژه کوچ اسبان یعنی محل نگهداری اسب آمده است.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۶۳

کوچکام: روستای مرکز دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی و سرزمین کوچک.

کوچک ۵ه: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده کوچک.

کوچک کمسار: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی کوچک روی تپه کوهستانی.

کوچک محله: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. نام قبلی آن کچلک محله بود که سرزمین نوعی پرنده کوچک می‌باشد.

کوچی چال: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی دارای چالهای کوچک.

کودکان: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که در سکوی کوهستان باشد.

کوده: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی کوهپایه‌ای.

کوراجی: ر. ج: کوچی.

کور بار: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. بار آتش.

کورجان: ر. ج: کوره جان.

کورچه پشت: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی پشت اجاق کوچک آهنگری.

کور کا (گورکا): روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین گودال پر از کاه.

کورنده: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. دراصل کوران ده سرزمین باد و بوران.

کوره: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی که راه آن به کوه ختم شود. عده‌ای آن راده‌کده دارای کوره ذغالگیری می‌دانند.

کوره بر (کوه بر): روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی

کنار راه کوهستانی.

کوره تاشه: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. آبادی و سرزمینی که راه کوهستانی لغزنده دارد.

کوره جان (کورجان): روستای دهستان روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی و سرزمینی که راه آن به کوه ختم شود.

کوره خرم: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. دهکده‌ای که راه سر سبز و خرم داشته باشد.

کوره رود: روستای دهستان خرجیل بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که راه کوهستانی آن کنار رودخانه باشد.

کوره روبار: روستای دهستان بیلاقی ارد بخش پره‌سر رضوانشهر. دهکده‌ای که راه کوهستانی آن کنار رودخانه باشد

کوریجان: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. دهکده‌ای که در آن کوره ذغال گیری باشد.

Kurya: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. دهکده محل کوره ذغال. جای تاریک بین دو کوه که آفتاب کم بتابد.

کوزان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه سفالگر. **کوزه گران:** روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه سفالگران.

کوشال: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و منطقه کوهستانی محل سکونت اقوام شال. برخی آن را سرزمین شغالان می‌دانند.

کوشالشاد (کوشال شاه): روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی بزرگ کوهستانی محل سکونت قوم شال. جولانگاه بزرگ شغالان.

کوشکوه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دامنه کوهستان.

کوفل: ر. ج: گوپل. کوهی که محل رویش نیلوفر و حشی باشد.

کوکل: ر. ج: گوپل. سرزمین کوه و تپه.

کوکنه: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی درون سایه کوه.

کوگاه: روستای دهستان ماقیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین اهالی اجتماعی.

کولاك محله: ر. ج: گلاب محله.

کولانه: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی مسکونی در کوهستان.

کولوان: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی و سرزمین نگهبانان تپه.

کوله کش: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. آبادی کنار تپه.

کولی‌سران: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی کولی نشین.

کومسار: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمین روی تپه. سرزمین کومه سارها.

کومله: شهر و بخش لنگرود. کوه سبز. کوه ماله یعنی اثر باقیمانده از سبزی‌های کنار کوه.

کوه بن: روستای دهستان چوبیر بخش حويق تالش. آبادی روی کوه.

کوه بن: ر. ج: کوبن بخش شاندرمن ماسال. آبادی روی کوهستان.

کوه بنه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی منتهی به کوه.

کوه بیجار: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوهستانی دارای شالیزار.

کوه پس: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی بعد از کوه.

کوهستان: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی و سرزمین کوهستانی.

کوهستان: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی و سرزمین کوهستانی.

کوهستان (ویل دیو): روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروド تالش. آبادی کوهستانی کنار چاله شیطانی.

کوهستان حویق: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. آبادی کوهستانی درمنطقه حویق.

کویشاد (کویشاہ): روستای دهستان کته‌سر بخش خیمام رشت. سرزمین و آبادی بزرگ.

کویه سفلی: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دارای محله پائینی.

کویه علیا: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین دارای محله بالایی.

کهلبون Kohlbon: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی لب کوه.

کهلهستان: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی و سرزمین پر از درخت لرک (کهل) از خانواده گردو.

کهنه حیاط: روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش. آبادی و سرزمین محصور قدیمی.

کهنه رود پشت: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. دهکده پشت رودخانه قدیمی.

کهنه سر: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی به جا مانده از قدیم.

کهنه سرا: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی دارای خانه‌های قدیمی.

کهنه کلان: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی دارای تپه‌های قدیمی.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۷

کهنه که: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. آبادی کوهستانی قدیمی.

گهنه گوراب: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی دارای میدانگاه قدیمی.

کهنه گوراب: روستای مرکز دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی دارای میدانگاه قدیمی.

کهنه گویه بالا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین بالای جلگه‌ای قدیمی.

کهنه گویه پائین: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین پائین جلگه‌ای قدیمی.

کهنه وانسرا (کهنه بن سرا - جبیب آباد): روستای دهستان رستم آباد شمالی بخش مرکزی رودبار، سرزمین نگهبانان قدیمی.

کیآباد: روستای دهستان رحمت آباد بخش رحمت آباد و بلوکات رودبار. سرزمین آباد شده به علت وجود آب کوه

کیابان: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین آباد شده بواسطه آبی که از کوه آمده باشد.

کیا رود: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه کوهستان.

کیا رمش: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم آباد رودسر. آبادی کوهستانی محصور شده با چوب و شاخه درخت.

کیاسج محله: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین اهالی هم شکل با خاندان کیابیان.

کیاسر: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم آباد رودسر. آبادی سر آب کوهستان.

کیاسرا: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین رونق گرفته توسط خاندان کیاسرای بزرگان.

کیاسرا: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. سرزمین آباد شده بواسطه آب کوهستان.

کیاسرا: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. آبادی محل سکونت خاندان آل کیا.

کیا شکول: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم آباد رودسر. آبادی محل زیست نوعی موش خرمابه نام شکول داشت.

کیا شهر: شهر و مرکز بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. سرزمین آباد شده توسط سلطان حسن کیا.

کیا کلا یه: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی محل سکونت خاندان کیا.

کیا کلایه: ر. ج: شاد کلایه لنگرود که توسط خاندان کیا آباد گردید.

کیا گهان: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. سرزمین جا و مکان خاندان کیا.

کیسار ورزل: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی کنار کوهپایه و سکنه مردم باهوش.

کیسا وندان: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت: آبادی سکنه با هوش و زرنگ.

کیسم: روستا و مرکز دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی اهالی با هوش. برخی آن را خانه خدای برتر می‌دانند.

کیسم چوکل: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی بر سر زبان افتاده مردم با هوش.

کیشاکجان: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. سرزمین مکان رویش شمشاد.

کیشا ویشه سفلی: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی پائین جنگل شمشاد.

کیشا ویشه علیا: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی بالای جنگل شمشاد.

کیش پشته: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی روی تپه شمشاد زار.

کیش چال (کیش چاله): روستای دهستان توکی بخش سیاهکل. آبادی شمشاد زار دارای گودال.

کیش خاله: روستای دهستان دینا چال بخش پرهمن رضوانشهر آبادی شمشاد زار کنار رودخانه.

کیش خاله: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی شمشاد زار کنار رودخانه.

کیش خاله: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی شمشاد زار کنار رودخانه.

کیش خانی: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی شمشاد زار دارای چشمہ.

کیش دره: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمین دره‌ای شمشاد زار.

کیش دیبی: ر. ج: کشتیمی. سرزمین زیر شمشاد زار محل زندگی موجودات موهومی.

کیش روبار: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی شمشاد زار کنار رودخانه.

کیشستان: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی سرزمین پر از درخت شمشاد.

کیش محله: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین شمشاد زار.

کین چاه: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی سر که این چاه.

کینده‌سر: ر. ج: کنده‌سرا تالش.

کیوان‌پشته: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمینی که توسط خاندان کیوان‌آباد گردید.

گ

گاچرا چهارده: روستای دهستان چهارده بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین چراگاه گاو در منطقه چهارده بزرگ.

گاچه ور: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی کنار آغل.

گاز گیشه: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین دارای چاه و سوراخ محل اختفای عروس.

گاکو: ر. ج: گاو کوه.

گالده: ر. ج: کلده. در اصل شغال ده می‌باشد.

گالش خاله: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. سرزمین دامداران کوه نشین کنار رودخانه.

گالش خیل: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین و اردوگاه دامداران کوه نشین.

گالش خیل: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. سرزمین اردوگاه دامداران کوه نشین.

گالش زمین: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دامداران کوه نشین.

گالش کلام: روستای دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی پشته بلند محل سکونت دامداران کوه نشین.

گالشکلام لیلا کوه (میان‌سرا - بالاسرا): روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی روی لیلا کوه که محل سکونت دامداران کوه نشین باشد.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۷۱

گالش گاچه: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی کنار آغل تابستانی دامداران کوه نشین.

گالش محله: روستای دهستان پسیخان بخش مرکزی رشت. سرزمین دامداران کوه نشین.

گالش موشا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین دامداران کوه نشین که موش زیاد باشد.

گاو کلی: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لکنگروود. سرزمین گاوهاي روستایی.

گاو کول: روستای دهستان خرا رود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین تپه‌ای محل اطراف گاوها.

گاو کوه (گاکو): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کوهستانی محل پرورش گاو.

گاو ماست: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی دامپروران و تولید کنندگان مواد لبني.

گاو میشبان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی و سرزمین مکان پرورش گاو میش.

گاویه (امام ۵ه): روستای دهستان شیر جو پشت بخش رودبنه لاهیجان. برگرفته از نام گانوک آلمانی همرزم میرزا کوچک خان. دهکده محل سکونت پیشوای مذهبی.

گتک سرا: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. در اصل کتک‌سرا آبادی مکان کتک کاری و دعوا.

گراکو: روستای دهستان کنارسرا بخش کوچصفهان رشت. آبادی سمت کوه.

گرا کو: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی سمت کوه.

گراکه: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. آبادی سمت کوه. سیاه .۵

گران: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی کوهستانی.

گربه کوچه: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی گذرگاه گربه رو. این آبادی اکنون قسمتی از شهر فومن می‌باشد.

گرد اولادت: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی که اطراف آن پر از درختان ممرز باشد.

گردپشتہ: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی اطراف تپه.

گرد کرف: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی که اطراف آن را سرخس آحاطه کرده باشد.

گرد کوه: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی که در اطراف آن کوه باشد.

گرد کوه: روستای دهستان خرا رود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی که در اطراف آن کوه باشد.

گرد گوابر: روستای دهستان اطاقدور بخش آطاقدور لنگرود. سرزمین و جایگاهی دایره ای.

گرد لات: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو رودبار. سرزمینی که دور آن دشت آبرفتی باشد.

گرد ویشه: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. دهکده‌ای که در اطراف آن بیشه زار باشد.

گرزنه چاک: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین دره‌ای که در آن گیاه گرزنه فراوان باشد.

گرسک بالا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی بالابی مرکز تهیه ریسمان‌های کوتاه.

گرسک پائین: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی پائینی مرکز تهیه ریسمان‌های کوتاه.

گرفم: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. سرزمین کشت نخود و لوبیا.

گرگرود: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی مجاور رودخانه سرخ.

گرمابدشت: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مجاور دشت دارای آبگرم معدنی.

گرمابروود: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای چشمه آبگرم.

گرمارود: ر. ج: بیجار باغ.

گرمماور: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین گرم نسبت به اطراف خود.

گرم جان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمینی که نسبت به اطراف خود گرم باشد.

گرم خانی: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی دارای چشمه آبگرم.

گرمماور: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین گرم نسبت به اطراف خود.

گرمای سر: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمینی که نسبت به اطراف خود گرم باشد.

گرمای سرا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمینی که نسبت به اطراف خود گرم باشد.

گرم سر: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. سرزمینی که نسبت به اطراف خود گرم باشد.

گروسی: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی سکنه کردهای گروس. آبادی دامنه کوهستان.

گروف: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. در اصل گروو به معنی محل جوراب بافی.

گره گوابر: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دسته بنده شده.

گز رودبار: ر. ج: تبر کلایه. رودخانه دارای چاله.

گسگره (گسکره): روستای دستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی و سرزمین کاسه گران و کوزه گران

گسکمینجان: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن هاپیال. سرزمین کمینگاه اقوام کاس.

گشت (دست خط محله): روستای و مرکز دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین زیبا و خوب مناسب سیر و سیاحت با چراگاه مشترک.

گشت رود خان: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. سرزمین زیبای دور رودخانه با چراگاه مشترک.

گشت گوراب: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی زیبا و خوب دارای بازار و چراگاه مشترک.

گشکور: روستای دهستان شبخون لات بخش رانکوه املش. سرزمین دختران خوب و زیبا.

گفشه Gafsha: دهستان بخش لشتنشا رشت. در اصل گبرشاه زردشتی و یا سرزمین گور شاه.

گل: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. آبادی و سرزمین گل.

گلابخواران: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین آب گل آلود.

گلاب محله (کولاک محله): روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. سرزمینی که بر اثر طغیان رودخانه گل آلود باشد.

گل افزان: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه پرورش دهنده گل و گیاه.

گلبازو: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. آبادی سکنه گل باز.

گلرودبار: نام دیگر آبادی تبر کلایه می‌باشد. سرزمین رودخانه گل آسود.

گلزا: ر. ج: قلعه زا. سرزمین دارای قلعه گلی.

گلستان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین پر گل و گیاه.

گلستان سرا: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین پر گل و گیاه.

گلسرا (کلسرا): روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین پر گل و گیاه.

گلسرک: روستای دهستان سراوان بخش سنگر رشت. آبادی و سرزمین پر گل و گیاه.

گل سفید (Gel sefid): روستای مرکز دهستان گل سفید بخش مرکزی لنگرود. آبادی و سرزمین دارای خاک سفید.

گلسو: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی و سرزمین کنار گل.

گلشن: روستای دهستان لیچار کی حسن رود بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی پر گل و گیاه.

گلکش: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین کنار گل ولای.

گلکوه: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی کوهستانی پر گل و گیاه.

گل محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی پر گل و گیاه.

گل محله: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی پر گل و گیاه.

گلوکوه: روستای دهستان شاندر من بخش شاندرمن ماسال. آبادی کوهستانی

پر پیج و خم.

گلوقا: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. آبادی سر گذرگاه پر پیج و خم.

گلیورز (کلورز - ککیورز): روستای دهستان کلستر بخش مرکزی روبار آبادی سکنه سازنده ظروف گلی.

گمل (Gomol): روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. گومل (جمل). سرزمین شتر.

گمل سرا: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. مکان پبورش شتر.

گنجار: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمین گنجها.

گنجارود: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی روسر. در اصل کنج رو به معنی کنار این رودخانه.

گنجعلی سرا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی رونق یافته توسط خاندان گنجعلی.

گنجه: روستای دهستان رستم آباد جنوبی بخش مرکزی روبار. سرزمین کوچک محل دفینه‌های با ارزش. عده‌ای آن را مکان کاروانسرا و نگهداری مال التجاره می‌دانند.

گنجی کش (حیران سفلی): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمین کنار گنج.

گنجی محله: ر. ج: انوش محله تالش.

گند لاور: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. در اصل کنده لاور، مجاور مسیل می‌باشد.

گنذر: ر. ج: کنذر ماسال.

گوابر جور: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی جایگاه بالایی.

گوابر جیر: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی جایگاه پائینی.

گواجی: ر. ج: کوجی.

گواسرا علیا (میان گواسر): روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسرا. آبادی منطقه میانی.

گوپل (کوفل - کوکل): روستای دهستان خورگام بخش خورگام روبار. سرزمین تپه‌ای مجاور کوه. عده‌ای آن را دهکده کنار پل محل عبور گاوها می‌دانند.

گوخس: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. در اصل گیاو خوس سرزمین مکان استراحت گاوها می‌باشد.

گودی گوابر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی و جایگاه گودال.

گودی اولر: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. سرزمینی که خانه‌های آن در گودال قرار دارند.

گودین گوابر: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. جایگاه و آبادی درون گودال.

گوراب: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمین دارای آبگیر.

گوراب: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین دارای آبگیر.

گوراب پس: روستای مرکز دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن. آبادی عقب آبگیر.

گوراب جوار: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی کنار آبگیر.

گوراب جیر: روستای دهستان چاپار خاتمه بخش خمام رشت. آبادی پائین آبگیر.

گوراب زرمیخ (گوراب زرمح): شهر و مرکز دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین بازار بهاری. محل گورهای پر از میخ طلایی.

گوراب سو: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی سر آبگیر.

گوراب لیشاوندان: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. آبادی و سرزمین آبگیری که آبشخور گوساله‌ها باشد.

گوراب ورزل: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی و سرزمین آبگیر مجاور حصار.

گوراندان: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین پر حفره و گودال.

گورج: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین دشتی مکان زندگی گبرها.

گورکا: دهستان بخش مرکزی آستانه اشرفیه. در اضل گورگاه سرزمین دشتی دامنه کوهستان.

گوز لبن: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مرکز تهیه خشت و آجر بد.

گوزه لنگه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی سر گردنه که قسمتی از آن مرکز تهیه خشت و آجر باشد.

گوسفند گویه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که در آن پشكل گوسفند فراوان باشد.

گوشت پزان: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی محل سکونت طباخ‌ها.

گوشک جان: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین کناری.

گوشک سو: ر. ج: باغچه‌سرا. دهکده کناری.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۷۹

گوشل وندان: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی دارای گودال پر آب.

گوکه: روستای دهستان لفجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین مجتمع کوهستانی محل نگهداری گاو.

گوگاه: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی جایگاه پرورش گاو.

گوگاه: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق پیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی جایگاه پرورش گاو.

گولک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین پهلوانان قوم لک. عده‌ای آن را آبادی محل سکونت اقوام لک گاودارمی دانند.

گونش: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. سرزمین بوته‌های خار دار.

گوورد: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. سرزمین آبشخور گاوها.

گوهر دان: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمینی که دانه‌های برنج آن ارزش گوهر داشته باشد

گیاکو: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. گیا به محظوظه دهکده گویند. گیاکو دهکده محظوظه کوهپایه‌ای.

گیجو: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین دارای سفره آب زیر زمینی که پس از خروج رودخانه پیج و خم دار تشکیل دهد.

گیبری: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق پیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین مسیر بسته.

گیسل: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای آبگیر.

گیسوم: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. آبادی پر پیج و خم. آبگیر خدایان نیز معنی کرده‌اند.

۳۸۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

گیشم: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین پست و بلند. عده‌ای آن را آبادی مرکز تهیه پاپوش محلی به نام شم می‌دانند.

گیکاسر: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی دارای حوضچه آبگیر کوهستانی.

گیلاده (گیله): روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. دهکده گیلک نشین در منطقه ترک‌ها.

گیلاکجان: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی سکنه گیلک.

گیلاکش: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی گیلک نشین کنار کوهستان.

گیلاملک: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی گیلک نشین.

گیلان ده: روستای دهستان خرجیل بخش اسلام تالش. آبادی گیلک نشین در منطقه تالش.

گیلان ده (خلیف آباد): روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی گیلک نشین در منطقه تالش.

گیلاوندان: روستای دهستان سنگر بخش ستگر رشت. آبادی و محل سکونت اقوام گیل.

گیلایه: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین آباد شده توسط اقوام گیل.

گیل بام: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. آبادی بلند و کوهستانی گیلک نشین.

گیل پرده‌سر: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی سر پل خشت و گل.

گیل چالان: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی گیلک نشین کنار گودال.

گیل دولاب: دهستان بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین دره آبی گیلک نشین.

گیلده: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. دهکده محل سکونت اقوام گیل.

گیلده: ر. ج: گیلاده آستارا.

گیلزا رود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی گیلک نشین کنار رودخانه.

گیلک محله آلالان: روستای دهستان اسلام بخش اسلام‌تالش. آبادی و سرزمین گیلک نشین پر از شقایق‌های وحشی قرمز:

گیل موشا: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی گیلک نشین پر از موش درختی.

گیلوا دشتان (گیلوا): روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمین دشتی که باد گیله و به آن بوزد.

گیلوا محله: روستای دهستان حاجی بکنده بخش خشک بیجار رشت. آبادی و سرزمین محل وزش باد گیله وا.

گیله‌سر: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی گیلک نشین منطقه ماسال.

گیل یار: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. آبادی یاوران گیلک در کار شالیزار.

ل

لابن: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. دراصل لای بن سرزمین گل و لای می‌باشد.

لات: روستای دهستان کته‌سر بخش خمام رشت. آبادی دشت آبرفتی رودخانه.

لات (خرابات): روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی آبرفتی بستر رودخانه.

لات پر شو: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین آبرفتی تمام شب به علت تاریکی ازدیاد درخت.

لات سرا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی روی سنگزار ساحل رودخانه. عدهای آن را سرزمین آواره‌ها می‌دانند.

لاتک: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی کوچک کنار دشت آبرفتی رودخانه.

لاتک: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کوچک کنار دشت آبرفتی.

لاتک (لاته): روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. سرزمین دشت آبرفتی کوچک.

لات لیل: روستای مرکز دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی دشت آبرفتی محل رویش گیاه لیلکی.

لات محله: روستای اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین آواره‌ها.

لات محله تیک‌سر: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی سرزمین آواره‌ها.

لاته: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود. آبادی درون دشت آبرفتی.

لاته: ر. ج: لات رودسر.

لاچومحله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی لای چوب محله دهکده‌ای در وسط چوب‌های جمع آوری شده جنگلی.

لاحشر: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین گذرگاه ابریشم، سیاهی لشکر.

ladmx: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی دارای دیوار چینه‌ای و گلی بزرگ قلعه مانند.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۸۳

لادمخ: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی دارای دیوار گلی و قلعه مانند.

لارخانی: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای چشمی با آبشار پله‌ای توخالی.

لارسر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. سرزمین سر چشمی که در آن از لار (تنه درخت توخالی) برای انتقال آب استفاده می‌گردید.

لاسک: روستای دهستان چوبیر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی بافت‌گان لاس نوعی بافته ابریشمی سرخ رنگ.

لاشک: ر، ج: لاشه.

لاشه (لاشک): روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت‌نشا رشت. سرزمین غارت شده.

لاشیدان حکومتی: روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. آبادی غارتگران حکومتی.

لاشیدان مطلق: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی غارتگران ذاتی.

لافندسر: روستای دهستان دشت‌ویل بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی سکنه طناب باف.

لاقان: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. سرزمین پر شاخه درخت. عده‌ای آن را آبادی افراد لایق می‌دانند

لاكاران: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل. در اصل لاک کاران یعنی آبادی سکنه سازنده طبق چوبی.

لakan: روستای مرکز دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. سرزمین سرخ. عده‌ای آن را محل سکونت اقوام لک می‌دانند. برخی آن را مکان سکنه سازنده لاک نوعی طبق چوبی می‌پنداشند.

۳۸۴ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

لاکتاسرا: روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر. دهکده گل و لای.

لاکتاشون: ر. ج: لاکاتشم.

لاکاتشم (لاکتاشن - لاکتاشون): روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین طبق لاق تراشان.

لاکسار: روستای دهستان هنده خاله بخش تولیم صومعه سرا^ا لاک یعنی سرخ. لاکسار سرزمینی با درختان سرخ.

لاکلایه: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی پیر گل و لای.

لاکمه‌سر: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی سرخانه‌های گلی.

لاکوژده: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. دهکده پر گل و لای تولید کنندگان ابریشم خام.

لام: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه سرا. دهکده گل آلود پر خس و خار معنی. عده‌ای آن را سرزمین لعل می‌دانند. برخی آن را مکان آسایش می‌پنداشند.

لاله دشت: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمینی که در آن لاله وحشی رویش کند.

لاله گفشه: روستای دهستان گفشه بخش لشت‌نشا رشت. سرزمین محل رویش لاله وحشی در منطقه گفشه بزرگ.

لام بشکست پائین: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پائینی درختان میوه شکسته.

لاهیجان: شهرستان شرق استان گیلان. شهر تولید ابریشم. شهر گل و لای. شهر مردمی.

لایه: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو رودبار. سرزمین پوشیده از خاک بادی.

لب دریا لسکو کلایه: روستای دهستان کیا شهر بخش کیا شهر آستانه اشرفیه. آبادی کنار دریا با خاک قابل کشت.

لبشکا: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. سرزمین زراعی نزدیک کوه.

لپا قاصدق (هره دشت شمالی): روستای دهستان لیسار بخش کرگانروود تالش. آبادی و سرزمینی که در آن گل قاصدق رویش کند.

لپ وندان: روستای دهستان احمدسر گوراب بخش احمدسر گوراب شفت. دهکده کنار آب بند. سرزمین لقمه بزرگ. عده‌ای آن را آبادی سکنه گونه بزرگ می‌دانند.

لپه‌سرا: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات روDOBار. در اصل آبادی لب سه راه.

لتروع: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد روDسر. آبادی کنار رودخانه منشعب شده.

لتشت (لطشت): روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین آبگیری پر آز نوعی گیاه علفی.

لتن پرت (لتن پرد): روستای دهستان لیسار بخش کرگانروود تالش. دهکده پل شیرین. عده‌ای آن را آبادی پل شکسته می‌دانند.

لتوم: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. لات توم. دشت آبرفتی خزانه شالیزار.

لتئین Leteyn: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. سرزمین خانه‌های ساخته شده از چوب تراشیده.

لتین پود (لطیم پرد - امرو گونل): روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی پل شکسته معنی می‌دهد

لچور: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی کنار گذرگاه.

لجه گوراب: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی سر گذرگاه.

عده‌ای آن را بازار فروش لچک (روسربی محلی) می‌دانند.

لختکی: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی قسمت بندی شده.

لو: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی دارای نهر و جوی منشعب از رودخانه اصلی.

لدادرین: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی مجاور درختان کنار رودخانه.

لدادرس: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی کنار رودخانه پر درخت.

لرده (Lardeh): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین پر تگاه دارای نهر و جوی.

لرده (Lardeh): روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین پر تگاه دارای نهر و جوی.

لرزده: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که اغلب دچار رانش گردد.

لرزیان: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمینی که اغلب دچار رانش می‌شود.

لرود: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. آبادی دارای رودخانه گل آلود.

لرود بن: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. لر رودکوچک حاصل از سیلاب و لرود بن سرزمین مجاور چنین رودخانه.

لسبو: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی دارای خاک شل شده.

لسبو محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی و سرزمین دارای خاک سست و نرم.

لسوکو: روستای دهستان جیر هنده بخش لشت‌نشا رشت. آبادی دارای خاک لس و قابل کشت.

لسوکو کلایه: روستای دهستان کیا شهر بخش کیا شهر آستانه اشرفیه. آبادی و سرزمین دارای خاک لس و قابل کشت.

لش: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین گل و لای.

لشت نشاء Lashtanesha: شهر و مرکزی بختی لشت‌نشا رشت. سرزمین لجن زار و تفرجگاه سایه گون. عده‌ای آن را محل لاشعه حاکم ظالمی در شالیزار می‌دانند که به دست زنان برنج کار کشته شده بود.

لشک: ر. ج: لیشك.

لشکاجان سفلی: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین پائینی محل رویش گیاه لشک (عشقه - لبلاب).

لشکاجان علیا: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمین بالای محل رویش گیاه لشک (عشقه - لبلاب).

لشکام: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی و سرزمین پر گل و لای و شبتم. سرزمین جنگاوران.

لشکان Leshkan: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پر گل و لای و شبتم. سرزمین جنگاوران.

لشکچ: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین گل و لای که ناهموار باشد.

لشکریان: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین محل اردوگاه لشکر در قدیم.

لشمروز مخ: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی سر مرز خاک نرم و سخت. محل خوردن اجساد توسط مارها.

لشه: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. سرزمین راکد و ایستاده.

لطفعلی گوابر: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی جایگاه خاندان لطفعلی.

لفمجان: روستای مرکز دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین اهالی خشمگین. عده‌ای آن را آبادی محل رویش نوعی گیاه محلی به نام لوف می‌دانند.

لفوت بالا: روستای دهستان گور کا بخش مرکزی آستانه اشرفیه.

لفوت پائین: روستای دهستان گور کا بخش مرکزی آستانه اشرفیه.

لک: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی و سرزمین محل سکونت اقوام کرد صحرا نشین.

لک پشت: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی پشتی محل سکونت اقوام لک.

لک موج: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. آبادی پا گرد پر از مرغابی.

لکه پشته: ر. ج: روهام بیک محله.

لکه پشته (قنبه محله): روستای دهستان طولا رود بخش مرکزی تالش. آبادی روی تپه محل رویش درختان لیلکی.

لکام: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی و سرزمین مکان رویش نی.

لکن: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین پر از نوعی حشره آفت به نام لل. برخی آن را کنار نیزار می‌دانند.

لکه محله: روستای دهستان چوبه بخش حويق تالش. آبادی و سرزمین محل رویش درختان لیلکی.

للم: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. پر خس و خار.

لسه رود: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی کنار نیزار رودخانه.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۳۸۹

لله کا: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی پر از نیزار.

لله وچهسر (لله وچستر): روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی کنار نیزاری که لوله‌های آن را کنده‌اند.

لیم: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین انبوه از درخت و پشته که برای زراعت تراشیده شود

لمک محله لفمجان: روستای دهستان لفمجان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی کوچک پر از خس و خار.

لموش پشت (لمش پشت): روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی پشت درختچه‌های خار دار.

لمیر: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی درختچه پر خس و خار.

لمیر: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی درختچه پر خس و خار.

لمیر محله: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی درختچه پر

خس و خار.

لنبه: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین بزرگ.

لنزا: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش.

لنژی: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش.

لنگ: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. Lung

لنگرود: شهرستان شرق استان گیلان. در اصل لنگاب رود بود. عده‌ای آن را

لنجرود گویند که محل عبور لنجه‌ها است. برخی نیز آن را یک لنگه آب رود می‌دانند.

لنگل Langol: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. لانه گل، سرزمین گل و گیاه.

لوابن: روستای دهستان خرجیل بخش اسلام تالش. سرزمین لب آب می‌باشد.
لوا چال: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانروود تالش. سرزمین صخره‌ای کنار گودال.

لواده: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش آبادی کنار آب.
لوار: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل کنار کنجاله.

لواسی محله: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمینی که پر از روباه باشد.

لوالی: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی مجاور آب.
لوخ: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی سر خمیدگی.

لور Lur: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمینی که توسط سیلاپ کنده شده باشد. عده‌ای آن را مرکز تهیه لور از شیر می‌دانند.

لورون Loren: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. درخت بومی منطقه تالش. آبشخور چوبی گوسفندان.

لورون بالاده: ر. ج: بالاده.
لوسرا: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین جالیز کاری.

لوسه (لوسه وانجه): روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. سرزمینی که در آن صخره وجود ندارد.

لوشاده: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. در اصل لوش ده دهکده پر گل و لای.

لوشان: شهر بخش مرکزی رودبار. سرزمین گل و لای و محل عبور سیلاپ.
لوکلایه: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. آبادی لب پشتہ.

لولمان: روستای مرکز دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی محل سکونت کولی‌ها. سرزمین درختان انجیر و حشی.

لولمان: دهستان بخش کوچصفهان رشت. سرزمین آباد شده توسط کولی‌ها. عده‌ای آن را سرزمین درخت انجیر و حشی می‌دانند.

لومه دشت (لمو دشت): روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. آبادی درون دشتی که سپاه در آن اطراف کرده بود.

لوندویل: شهر و مرکز بخش لوندویل آستارا. سرزمین خاک شنید صدفی. عده‌ای آن را محل سکونت طناب بافان می‌دانند. محل رویش گل‌ها.

لونک: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. مکان آشیانه کوچک. در اصل لونا یعنی آبادی کنار پرتگاه کوه می‌باشد.

لهداربن: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. له به معنی خس و خار جنگلی است. لهدار بن سرزمین جنگلی پر خس و خار.

لیارچ دمه (لیا رچ رود): روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی و سرزمین روی گودال.

لیا رود: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. سرزمین گود کنار رودخانه.

لیاسی: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی و سرزمین کوه سخت.

لیا شورسرای استاد ولی: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی و سرزمین گود با خاک شور متعلق به خاندان استاد ولی.

لیا شورسرا سفلی: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی و سرزمین گود پائینی با خاک شور.

لیا شورسرا علیا: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقور لنگرود. آبادی و سرزمین بالایی دارای خاک شور.

لیافو: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی و

سرزمین گودفروفته. عده‌ای آن را سرزمین گود محل کشت بقولات می‌دانند.

لیا کل بالا (جور لیا کل): روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی بالای تپه کنار گودال.

لیا کل پائین (جیر لیاکل): روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی پائین تپه کنار گودال.

لیالستان: روستای مرکز دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین چوپانان.

لیا لمان: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و سرزمین چوپانان.

لیا ول وسطی (لیاول سفلی): روستای دهستان دلفک بخش خورگام رودبار. (لیا = چوپان) و (ول = شعله) می‌باشد. بنابراین سرزمین شعله چوپانان پائینی.

لیا ول علیا: روستای دهستان دلفک بخش خورگام رودبار. سرزمین شعله چوپانان بالایی.

لیپا (سید محله): روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی منسوب به قسمت پائین.

لیچارکی حسن رود: روستای مرکز دهستان لیچارکی حسن رود بخش مرکزی بندر آنزلی. آبادی و محل مملک گویان.

لیچاه (لیچا): روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت‌نشا رشت. سرزمین درخت زار نارون که دارای گودال باشد.

لیر: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش.

لیر: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال.

لیسار: شهر و مرکز بخش کرگان‌رود تالش. سرزمینی که در آن گیاه لی رویش کند. به عبارت دیگر همان لی زار است.

لیسارا: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانزود تالش. سرزمین محل رویش گیاه لی.

لیسار محله: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانزود تالش. سرزمین و محله‌ای که در آن گیاه لی زیاد باشد.

لیسانه: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین طوفان.

لیسم: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی مردم شجاع.

لیسن: روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. سرزمین طوفان.

لیسه رود: روستای دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی کنار رودخانه پر حلزون.

لیسه رود تازه‌آباد: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی تازه بنا شده مجاور رودخانه پر حلزون.

لیش: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین لجن زار و آب گرفته.

لیشاکوه: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین کوهستانی محل لجن زار آبگیر.

لیشك (لشک): روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین لجن زار دارای آبگیر پر از گیاه عشقه یا داردوست.

لیشكی: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمین لجن زار. عده‌ای آن را سرزمین گیاه داردوست یا عشقه می‌دانند.

لیفشاگرد: روستای مرکزدهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. محل رویش گیاه لیف صابونی بزرگ که به دور درختان می‌پیچد.

لیفکو خندان: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. سرزمین کوهستانی رویش گیاه محلی لیف (صابونی) که بصورت غنچه باز شده باشد.

لیفکوه (لیفکو): روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی

کوهستانی محل رویش گیاه صابونی لیف.

لیل: دهستان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین محل رویش درختان لیلکی.

لیلا کوه: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. سرزمین کوهستانی پر از درختان لیلکی.

لیلکی: روستای دهستان شونیل بخش رحیم آباد روسر. سرزمین درختان لیلکی.

لیلیچ گوابر (لیلچ گوابر): روستای دهستان شبخوشنلات بخش رانکوه املش. جایگاه درختان لیلکی.

لیما **Leyma**: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد روسر. آبادی و سرزمین پر از خزه.

لیما چال: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد روسر. سرزمین دارای گودال پوشیده از خزه.

لیما گوابو: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد روسر. سرزمین پر از خزه. عده‌ای آن را سرزمین درختان لیمو می‌دانند.

لیموچاه: روستای دهستان گفشه بخش لشت‌نشا رشت. سرزمینی که فورفتگی‌های آن درخت لیمو رویش کند. عده‌ای آن را محل دفن لیموهای اضافه می‌دانند.

لیمه‌سر: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر روسر. سرزمین درختان لیمو.

لیه **Liya**: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی و سرزمین گود باطلaci و آبگیر.

لیه چاک: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دره باطلaci و آبگیر.

لیه چاک: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین دارای دره‌های گود و باطلaci آبگیر.

لیه‌خانی: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد

رودسر. چشمہ گود باطلاقی آبگیر.

لیه کلام: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. کلبه کوهستانی زمین باطلاقی و آبگیر.

م

ماتک: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. در اصل مادرک سرزمین پرورش ماکیان می‌باشد. ده کوچک.

ماچیان: روستای مرکز دهستان ماچیان بخش کلچای رودسر. سرزمین پرورش ماچه (دام ماده اهلی). عده‌ای آن را آبادی افرادی می‌دانند که فوراً با هم روپوشی می‌کنند.

مادرسر: روستای دهستان خرا رود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین مادری. مادیان گوابر: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی و جایگاه محل پرورش مادیان.

مازوگاه (مازوگاه - مازوگه): روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین محل رویش درخت بلوط.

مازندران محله: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی سکنه کوچ کرده از مازندران.

مازندران محله بهمبر: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی منطقه بهمبر و محل سکونت کوچ کنندگان از مازندران.

مازو بن: ر. ج: مازی بن.

مازو دره: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دره‌ای پر از درختان بلوط.

مازو کله پشتنه: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلچای رودسر. سرزمین تپه‌ای محل رویش درخت بلوط.

مازوگاه: ر. ج: مازگاه.

مازیان: روستای دهستان رستمآباد شمالی بخش مرکزی رودبار. سرزمین پر پیچ و خم.

مازی بن: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیمآباد رودسر. آبادی پر از درختان بلوط.

مازی کله: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین محل رویش درخت بلوط.

مازی کله پشته: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین تپه‌ای محل رویش درختان بلوط.

مازی گوابر: روستای دهستان رحیمآباد بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین جایگاه درخت بلوط.

ماسال: شهرستان غربی استان گیلان. به معانی سرزمین کوه بلند، کوه سرخ، کوه عقاب نشین.

ماست خور: رج: سفید رود. در اصل ماستاخول یا ماسه خُل یعنی سرزمینی که حفره‌های آن توسط باد از ماسه پر شده باشد.

ماسرک: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. در اصل ماسه سرک سرزمین ماسه‌ای.

ماسوله: شهر بخش سردار جنگل فومن. کوه بلند. عده‌ای آن را موصله میدانند که مکان کوچ کنندگان اهالی موصل عراق را می‌رساند.

ماسوله‌خانی: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی کوهستانی بلند دارای چشممه.

ماشاتوک: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. در اصل ماشال توک بود. سر محله حاله.

ماشال اعلم: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. سرزمین آباد شده توسط خاله اعلم.

ماشاءالله کل (عاشق کل): روستای دهستان چوبیر بخش احمدسرگوراب

شفت. آبادی روی تپه که توسط خاندان ماشاء الله رونق گرفت.

ماشک تهرانچی:
روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای که در آن خانواده تهرانچی از طریق ماشک انداختن ماهی می‌گیرند. سرزمین پراز گیاه ماشک متعلق به خاندان تهرانچی.

ماشک سپهداری:
روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. دهکده‌ای که در آن خانواده سپهداری از طریق ماشک انداختن ماهی می‌گیرند. سرزمین پراز گیاه ماشک متعلق به خاندان سپهداری.

ماشمیان:
روستای مرکز دهستان دلفک بخش خورگام روستا. آبادی مرکز کشت ماش. عده‌ای آن را دهکده‌ای که خانه‌های آن پوشیده از گیاه به عنوان رخت باشد می‌دانند.

ماشین خانه (قسم هر ۵ه):
روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. دهکده‌ای که ماشین شالی کوبی در آن باشد. برخی آن را محل پارک اتوموبیل می‌دانند.

ماکلان: ر. ج: ماکلوان بالا.

ماکلوان بالا (بالا ماکلوان - ماکلان):
روستای دهستان سردار جنگل فومن. سرزمین نگهبان تپه زیبای بالایی.

ماکلوان پائین:
روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین نگهبان تپه زیبای پائینی.

مال بیجار:
روستای دهستان بازکیا گوراب بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که شالیزار آن پس از درو در اختیار دام باشد.

مالده:
روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده دامداران. مکان دادوستد مال بجائی پول.

مالفجان:
روستای مرکز دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی بزرگ سکنه اهالی خشمگین.

مال محله:
نام دیگر آبادی تنگدره می‌باشد. سرزمین دامپوری.

۳۹۸ / نامگذاری و وجہ تسمیه آبادی‌های گیلان

مالوان: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. سرزمین نگهبان دامها.

مامودان: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی و سرزمین محل سکونت خاندان محمود.

ماوردیان: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. آبادی سرزمین بزرگ و سرزمین مادها.

ماورسوا: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین بلند نزدیک ماه. عده‌ای آن را آبادی بزرگ می‌دانند.

ماهروزه: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. سرزمین روشنایی نور ماه.

ماه سایه: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. سرزمینی که روشنی ماه در آن چنان زیاد است که سایه ایجاد می‌کند.

مایستان بالا: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین بالایی پراز کرم و مار. عده‌ای آن را سرزمین مادها و شهر بزرگ می‌دانند.

مایستان پائین: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین پائینی پراز کرم و مار. عده‌ای آن را سرزمین مادها و شهر بزرگ می‌دانند.

مبارک آباد: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. در هنگام خرید زمین‌های منطقه توسط حاج آقا کوچصفهانی به او مرتب مبارک باد گفته و منطقه به مبارک آباد معروف گردید.

مبارک آباد: روستای دهستان لولمان بخش کوچصفهان رشت. سرزمین آباد شده توسط مبارک نام.

مبارک آباد: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. سرزمین آباد شده توسط مبارک نام.

متشن: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. نتراشیده و صاف نگشته.

متعلق محله: ر. ج: خراط محله.

متعلق محله اربستان: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان.
آبادی پر از درخت خرمالو.

متعلق محله نوبیجار: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان.
سرزمینی که شالیزارهای متعلق به آبادی جدید.

متلا دشت: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. دشت صخره ای.
مثال کوه: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین مثل
این کوه.

مجتمع دامپروری شهید بهشتی: روستای دهستان سردار جنگل بخش
سردار جنگل فومن. مجاورت دهکده با مجتمع موجب چنین اسم گردیده.

محرمان: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی خانوادگی
افراد محروم نسبت به یک دیگر.

محروم زومه: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. سرزمینی که هیچگاه
مه آلد نشود.

محسن آباد: روستای دهستان دهگاه بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. سرزمینی
که توسط محسن خان امین الدوله آباد گردید.

محسن آباد پائین: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه.
سرزمین آباد شده توسط خاندان محسن خان

محله زنبور داران: ر. ج: قبر محله که مرکز تولید عسل است.

محمد آباد: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده‌ای که با
سکونت خاندان سید محمد حاکمی آباد گردید.

محمد جان محله: ر. ج: محمد جعفر محله.

محمد جعفر محله (جور جور - محمد جان محله): روستای دهستان
اطاقور بخش اطاقور لنگرود. سرزمینی که توسط خاندان محمد جعفر آباد
گردید.

محمد علی یوردی: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. سرزمین خاندان محمد علی.

محمود آباد: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین آباد شده توسط بزرگان خاندان محمود.

محمود کیان: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سر. سرزمین آباد شده توسط خاندان محمود.

محمود لات: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق پیلاقی بخش رحیم آباد رودسر. سرزمین دشت آبرفتی آباد شده توسط خاندان محمود.

مخ‌سر: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی محل پرورش زنبور عسل.

مخ‌شو: روستای دهستان دشت‌تولی بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. قطعه سرزمین بزرگ گذرگاه زنبوران.

مراد دهنه: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. سرزمینی که مردم آن را عقیده بر این است که با توصل به بقעה آقا سید حسن به مراد خود خواهند رسید.

مربو: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین دارای راه باریک.

مرجان آباد: روستای دهستان کلستر بخش مرکزی رودبار. سرزمین آباد شده توسط خاندان مرجان.

مرجقل: ر. ج: تولمشهر. سرزمین بچه‌های جسور. عده‌ای ان را سرزمین کشت عدس می‌دانند.

مرخال: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. سرزمین درختان بادام تلخ.

مرداد بن: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی کنار مرداب.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان ۴۰۱

مرداب‌سر: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی سر مرداب یا آبگیر.

مردخه: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. سرزمین مردان خوب معنی دارد.

مردخه (مردخه بزرگ): روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی مردان خوب بزرگ.

مردخه کوچک: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا آبادی کوچک محل سکونت مردان خوب بزرگ.

مردم کده: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه در اصل مردمکده سرزمین محل تجمع مردم.

مردوان: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمینی که مردمان آن نگهبان باشند.

مرزدشت: روستای دهستان کتهسر بخش خمام رشت. دهکده‌ای که مرز آن یک دشت باشد.

مرزلات: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. سرزمینی که مرز آن دشت آبرفتی باشد.

مرسا رود: روستای دهستان تولم بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین ایاز خیز کنار رودخانه درختان راش.

مرسه: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چابکسر رودسر. آبادی و سرزمین ایاز خیز.

مرکیه: روستای مرکز دهستان مرکیه بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی پیمان شکنان و مت加وزین.

مرکیه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. سرزمین پیمان شکنان و مت加وزین.

مریان: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی و

سرزمین مارها.

مریدان: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی سکنه‌ای که مرید مذهبی خاصی داشته باشد.

مریدان: روستای مرکز دهستان مریدان بخش کومله لنگرود. آبادی سکنه مریدآقا سید عبدالله.

مریدون **Moridun**: ر. ج: عباس آباد.

مریم دشت: روستای دهستان بی بالان بخش مرکزی روسر. سرزمین دشتی که محل سکونت خاندان مریم نام باشد.

مریم گلشن: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین باغات گل که معروف‌ترین آن باغ گل مریم می‌باشد.

مزده: روستای دهستان بلسبن بخش کوچصفهان رشت. آبادی افراد زورمند.

مزده علی: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. آبادی محل سکونت پهلوان علی.

مزدهه: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی زور مندان و نیرو مندان.

مسجد پیش: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. آبادی کنار مسجد.

مسجد قباقی: روستای دهستان چوبه بخش حویق تالش. قباقی چوب بلندی است که بالای آن دارای حلقه باشد. مسجد قباقی چنین چوبی را در روی گنبد خود دارد.

مسکین: روستای دهستان چوبه بخش حویق تالش. آبادی مانع دشمنان. عده‌ای آن را سرزمین مرغابی‌های وحشی می‌دانند.

مشکاپشت: روستای دهستان کته‌سر بخش خمام رشت. تپه زنبور عسل

مشکدی: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین زنبور عسل.

مش کله: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. در اصل

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۰۳

مشهدی کله سرزمین محل سکونت اهالی زیارت مشهد رفته.

مشند: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. برگرفته از نام آبشار مشند.

مشه که: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. آبادی تولید و پرورش زنبور عسل.

نصر دشت Masar dasht: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. در اصل مسر دشت به معنی سرزمین دشتی سبزه زار با شبکه‌های یخ زده می‌باشد.

مطالع سرا: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. در اصل همو تاله سرا سرزمین کوهستانی اقبال من.

مطلا کوه: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. کوهستان سنگی.

مظللم کم: روستای دهستان خطبه سرا بخش کرگانروود تالش. سرزمینی که در آن تاریکی نباشد.

معاف: روستای دهستان چهار فریضه بخش مرکزی بندر انزلی. دهکده‌ای که از پرداخت مالیات معاف بود.

معاف: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. دهکده‌ای که از پرداخت مالیات معاف بود.

معاف اومندان: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه سرا. آبادی دارای آبگیر بزرگ که از پرداخت مالیات معاف بود.

معاف محله: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که از پرداخت مالیات معاف بوده است.

معاف وزیری: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه سرا. دهکده‌ای که به دستور وزیر (معاون حاکم) از پرداخت مالیات معاف بود.

معدن سنگروود: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو روذبار. آبادی کار معدن سنگ.

معدن سنگ سیمان: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. آبادی کنار معدن سیمان.

مکش: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمینی که از بلندی کنار ماه باشد.

مگس خانی: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمینی که در اطراف آن چشمه‌های محبوس زیاد باشد. عده‌ای آن را سرزمین پر از صدای وزوز حشرات میدانند.

ملا باغ: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمینی که باغات آن متعلق به یک ملا باشد. عده‌ای آن را آبادی نزدیک باغ ملا میدانند.

ملاز گوابر: روستای دهستان اطاکور بخش اطاکور لنگرود. آبادی و سرزمین پناهگاه.

ملاسر: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای مکتب خانه.

ملاسر: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی دارای مکتب خانه.

ملاسر: روستای مرکز دهستان ملاسر بخش مرکزی شفت. آبادی محل مکتب خانه آقای محبی.

ملاط: روستای دهستان دریاسر بخش کومله لنگرود. سرزمینی که خانه‌ها و دیوارهای آن از آجر و سنگ و گل ساخته شده باشد.

ملا کوه: روستای دهستان روپیش بخش مرکزی فومن. آبادی کوهستانی محل مکتب خانه.

ملال: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. آبادی محل رویش درخت کهل (لرک) از خانواده گردو.

ملال: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. آبادی محل

رویش درخت کمبل (لرک) از خانواده گردو.

ملا محله: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش آبادی دارای مکتب خانه.

ملامحله: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی محل سکونت ملای محل.

ملامحله: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن آبادی دارای مکتب خانه.

ملامحله: ر. ج: دوبخش.

ملامحله چهل ستون: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای مکتب خانه کتار بقعه چهل ستون

ملجا دشت: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین دشت محل رویش درخت نارون.

ملسکام: روستای دهستان گوراب پس بخش مرکزی فومن آبادی و سرزمین هموار.

ملک بگور: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی محل دفن میرون قبر خوان.

ملک جهان: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندرمن ماسال. آبادی محل سکونت امیر منطقه به نام جهان خان.

ملک ده: روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت‌نشا رشت. دهکده حاکم نشین.

ملک رود: روستای دهستان خرارود بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین رود بزرگ.

ملک سر: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سر. آبادی امیر نشین.

ملک میان: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی وسط سرزمین.

ملکوت: روستای مرکزدهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین آسمانی.

Molome: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. در اصل معلومه دهکده‌ای که از هر نقطه معلوم باشد.

مناره بازار: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی محل مناره باقی مانده از دوره سلجوقی.

منجیل: شهر بخش مرکزی رودبار. در اصل میانگیل به معنی سرزمین بین گیلان و قزوین می‌باشد. سرزمین گیل‌ها.

منرز: ر.، ج: میان رز.

منصور محله: ر.، ج: نصفی که توسط خانواده منصور رونق گرفت.

منصور محله: ر.، ج: نصرور محله.

منگو ده: روستای دهستان پیر بازار بخش مرکزی رشت. دهکده مهتابی. عدهای آن را آبادی رونق یافته توسط یک فرد روسی به نام منگو می‌دانند.

مو بندان: روستای دهستان دیوشل بخش مرکزی لنگرود. سرزمین درخت انگور. عدهای آن را سرزمینی که به موبی بند باشد می‌دانند.

مود گان: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی اهالی با محبت

موسی کلایه: روستای دهستان سمام بخش رانکوه املش. سرزمین آباد شده توسط خاندان موسی.

موسی کوه: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. سرزمین کوهستانی محل سکونت خاندان موسی.

موش بیجار (میش بیجار - پیش بیجار): روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. سرزمینی که شالیزارهای آن مورد دستبرد

موسها قرار گیرند.

موشنگا: روستای دهستان سراوان بخش سنگر رشت. سرزمین موسها.

مومن زمین: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی سکنه مومن.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان ۴۰۷

مهدی آباد: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. سرزمین آباد شده توسط خاندان مهدی.

مهدی خان محله: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمینی که توسط خاندان مهدی خان آباد گردید.

مهر بن: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. آبادی و سرزمین مهر پرستان قدیم.

مهویزان: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. مه یعنی بزرگ و ویز یعنی پاک بوده بنابراین مهویزان مکان اهالی پاک و بزرگ می‌باشد.

میان بر: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. آبادی میانی سرزمین کناری.

میان پشته: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی میان تپه‌ها.

میان دشت: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی درون دشت.

میان ده: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. دهکده میانی.

میان ده: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی میانی.

میان ده: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. دهکده میانی.

میان ده پائین: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی میانی سرزمین پائینی.

میان رز (منرز): روستای دهستان سردارجنگل بخش سردارجنگل فومن. آبادی میان درختان انگور. عده‌ای آن را دهکده میان شالیزار می‌دانند.

میان رود: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. دهکده‌ای که از وسط آن رودخانه بگذرد.

میان رود: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده‌ای که

از وسط آن رودخانه بگذرد.

میان رود (مینه رود): روستای دهستان گیل دولاب بخش مرکزی رضوانشهر.
دهکده‌ای که از وسط آن رودخانه بگذرد.

میان سرا: ر. ج: گالشکلام لیلا کوه.

میان سرا: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. دهکده‌ای در
وسط منطقه.

میان شکر کش: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی وسط
شکارگاه.

میان فر رود: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار.
آبادی پیش رودخانه.

میان فریرود: روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. آبادی
کنار رودخانه باشکوه.

میان کل: روستای دهستان چوکام بخش خمام رشت. آبادی میان تپه.

میان کوه: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی میان
کوهستان.

میان گسکو: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی میان
سرزمین کاسه گران.

میان گوابر: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی و جایگاه
میانی.

میان گوابر: روستای دهستان لات لیل بخش اطاقدور لنگرود. آبادی و جایگاه
میانی.

میان گواسر: ر. ج: گواسرا علیا.

میان لنگه: روستای دهستان اشکور‌سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی
قسمت میانی.

میان محله: روستای دهستان چاپارخانه بخش خمام رشت. آبادی میانی.

میان محله پاپکیا ده: روستای دهستان چاف بخش مرکزی لنگرود. آبادی میانی رونق یافته توسط خاندان پاپکیا.

میان محله چاف گاویه: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی میانی سرزمین پر هیا هو.

میان محله ذاکله بر: روستای دهستان آهنداخ بخش مرکزی لاهیجان. آبادی میانی رودخانه ذاکله بر.

میان محله رودبنه: روستای دهستان رودبنه بخش رودبنه لاهیجان. آبادی محله میانی کنار رودخانه.

میان محله گلرودبار: روستای دهستان بازکیاگوراب بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که از وسط آن رود گل آلد بگذرد.

میان محله گفشه: روستای دهستان گفشه بخش لشتنشا رشت. آبادی میانی منطقه گفشه.

میان مرز: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. دهکده وسط کشت زار. عده‌ای آن را آبادی بین مرز دو منطقه می‌دانند.

میران محله: روستای دهستان ماقچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین محل سکونت سادات.

میر دریاسر: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی کنار دریا و محل سکونت سادات.

میرزا حسن لنگه: روستای دهستان ماقچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمینی که قسمتی از آن توسط میرزا حسن آباد گردید.

میرزا کوچک جنگلی: بخش شهرستان صومعه‌سرا به علت مکان جنگ‌های میرزا کوچک جنگلی به این اسم نامگذاری گردید.

میرزا گلبند: روستای دهستان بلوکات بخش رحمت‌آباد و بلوکات رودبار. آبادی محل سکونت خاندان میرزا گلبند.

میرسرا: روستای دهستان چوبر بخش احمدسر گوراب شفت. آبادی سکنه سادات.

میر محله: روستای دهستان رضا محله بخش مرکزی رودسر. آبادی کوچک سکنه سادات.

میر محله: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. آبادی سکنه شیوخ و سادات.

میر محله: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی سکنه سادات.

میر محله: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. آبادی سکنه شیوخ

میر محله: روستای دهستان شیخ نشین بخش شاندربن ماسال. دهکده شیخ نشین.

میشامندان: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی دارای آبگیر مخصوص آبشخور گوسفندان.

میش بیجار: نام دیگر آبادی موش بیجار می‌باشد. سرزمینی که شالیزارهای آن پس از درو در اختیار گوسفندان باشد.

میشکاسر: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی سر کوهستان درخت عناب.

میشکه: روستای دهستان آلیان بخش سردار جنگل فومن. دهکده کوهستانی محل پرورش میش.

میکال: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی مکان آرامگاه امام زاده میکال یعنی هادی بن موسی بن جعفر (ع).

میلاش: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر.

میله‌سرا: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. محله میله گذاری شده.

میه کومی (میه کومه): روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. در اصل ماهی کومه سرزمین خانه‌های ابتدایی ماهی گیران.

ن

نارنج بن: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. آبادی محل رویش درخت نارنج.

نارنج بن بالا: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی بالایی محل پرورش مركبات.

نارنج بن پائین: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود. آبادی پائینی محل کشت مركبات.

نارنج دول: روستای دهستان اسالم بخش اسالم تالش. سرزمین دره‌ای پر از درخت نارنج.

نارنج کل: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. سرزمین کشت نارنج.

نارنج کلایه: روستای دهستان لیل بخش مرکزی لاهیجان. آبادی پر از درخت نارنج.

نارنج کلایه سفلی: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین پائین کشت مركبات.

نارنج کلایه علیا: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. سرزمین بالایی کشت مركبات.

نازک سرا: روستای دهستان گورکا بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی سکنه صنایع ظریف چوبی.

ناش: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین سایه گاه. عده‌ای آن را نی اش می‌دانند

ناصران: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. آبادی محل سکونت خاندان ناصر.

ناصرسرا: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. آبادی محل سکونت خاندان ناصر.

ناصرکیاده میان محله: روستای دهستان شیرجوبشت بخش رودبنه لاهیجان.

دهکده میانی آباد شده توسط خاندان ناصر کیا.

ناو: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین گذرگاه رودخانه.

ناوان: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین گذرگاه رودخانه.

ناو بالا: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین بالایی گذرگاه کنار رودخانه ناورود.

ناو پائین: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. سرزمین پائینی گذرگاه کنار رودخانه ناو رود.

ناوسر: روستای دهستان اطاور بخش اطاور لنگرود. آبادی سر گذرگاه رودخانه که بصورت خندق باشد.

ناوه: روستای دهستان خورگام بخش خور گام روبار. سرزمین گذرگاه رودخانه.

ناوه: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو روبار. سرزمین گذرگاه رودخانه.

نایب محله: نام دیگر آبادی چلوندمی باشد که محل سکونت جانشین حاکم.

نبی دهگاه: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. دهکده محل جایگاه خاندان نبی نام.

نجم آباد: روستای دهستان املش شمالی بخش مرکزی املش. سرزمین آباد شده توسط نجم الدین.

نخبیر گلایه: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. آبادی دارای شکارگاه.

ندامان: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. محله پشیمان شدگان. برخی آن را نو دامان یعنی تازه سرو سامان گرفته می‌دانند.

نرگی: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. دراصل نرگه یا سرزمین شکارگاه محاصره‌ای.

نرگستان: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین نرگه یل شکارجرگه‌ای (محاصره‌ای) و شکار گروهی.

نرماش: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد روتسرا. دارای نرمش و آرامی.

نسا: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. سرزمین بیشه‌ای پشت به آفتاب.

نشاش: روستای دهستان اطاقور بخش اطاقور لنگرود، اداره نکن (معنی لغت).

نشاط: نام جدید روستای نشاش.

نشترود کل: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی سایه‌گاه پشته کنار روختانه.

نصرالله‌آباد: روستای دهستان اسلام‌آباد بخش سنگر رشت. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان نصرالله.

نصرالله‌آباد: روستای دهستان لولمان بخش مرکزی فومن. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان نصرالله.

نصرالله محله: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان نصرالله.

نصفی (منصور محله): روستای دهستان رحمت‌آباد بخش رحمت‌آباد و بلوکات روبار. نصفی نوعی پیاله شراب می‌باشد که در این آبادی پیدا شده است. برخی آن را نصفی به معنی سرزمین خاک پراکنده شده توسط باد می‌دانند.

نصرور محله (منصور محله): روستای دهستان ساحلی جوکنдан بخش مرکزی تالش. سرزمین‌آباد شده توسط خاندان منصور.

نصیر محله: روستای مرکزدهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی محل سکونت خاندان نصیر.

نظر محله: روستای دهستان چلوند بخش لوندویل آستارا. آبادی محل سکونت

خاندان نظری.

نعلبند: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. آبادی محل سکونت و کار پیشه وران نعل ساز و نعل بند.

نعمت‌سرا: روستای دهستان بی‌بالان بخش کلاچای رودسر. آبادی پر نعمت. عده‌ای آن را آبادی محل سکونت خاندان نعمت می‌دانند.

نعمیچی: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. دهکده خبر چیان مرگ.

نفوت: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی یک سو. تحریف کلمه نفوذ به معنی مکان افراد پر عمر

نقاره چیان: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. دهکده‌ای که مردم برای حاکم آن نقاره می‌زدند.

نقاره چی محله: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. آبادی محل سکونت نقاره چیان.

نقره ۵ه: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. در اصل نقاره‌ده مکان موزیک زدن است.

نقله کش: ر. ج: قنیر محله. سرزمین دخمه و زاغه.
نقله کش: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. آبادی دخمه‌ها و زاغه‌ها مجاور گودال عمیق.

نماز زیه: نام دیگر آبادی شیر ذیل می‌باشد که تپه محل نماز خواندن.
نمازی محله (فروج محله): روستای دهستان لیسار بخش کرگان‌رود تالش. آبادی و سرزمین نماز گزاران.

نما هونی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین نشان دهنده زمین کشت زار پر از کلوخ.

نمک آوران: روستای دهستان کلشتر بخش مرکزی رودبار. دهکده‌ای که در ارتباط با تهیه نمک کوهی و حمل آن نامگذاری شد.

نمک رودبار: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار رودخانه شور.

نمی هشت: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین نم گذاشته.

نو: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. آبادی تازه‌بنا شده. نواوه: ر. ج: آق اولر.

نواسطلخ: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. آبادی دارای آبگیر تازه ایجاد شده.

نو بیجار: روستای دهستان لیالستان بخش مرکزی لاهیجان. دهکده‌ای که شالیزار جدید در آن ایجاد شده باشد.

نو بیجار محله محسن آباد: روستای دهستان کیاشهر بخش کیاشهر آستانه اشرفیه. آبادی کنار شالیزار تازه‌بنا شده منطقه محسن آباد.

نوپاشان: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی تازه‌بنا شده پراکنده.

نوحدان: روستای دهستان جیره‌نده بخش لشت‌نشا رشت. سرزمین مکان رویش گیاه نوح (لباب = داردوست).

نو خاله اکبری: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی کنار رودخانه بزرگ.

نو خاله جعفری: روستای دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. آبادی کنار رودخانه فراخ.

نوده: روستای دهستان چویر بخش حويق تالش. دهکده تازه‌بنا شده.

نوده: روستای دهستان علی‌آباد زیباکنار بخش لشت‌نشا رشت. دهکده تازه‌بنا شده.

نوده: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو رودبار. دهکده تازه‌بنا شده.

نوده: روستای دهستان ضیابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. دهکده تازه‌بنا شده.

نوده: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. دهکده تازه بنا شده.

نوده: روستای دهستان رودپیش بخش مرکزی فومن. دهکده تازه بنا شده.

نوده: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده تازه بنا شده.

نوده پسیخان: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. دهکده تازه بنا شده در منطقه پسیخان.

نوده مرخال: روستای دهستان ملاسرا بخش مرکزی شفت. دهکده تازه بنا شده در منطقه درختان بادام تلخ.

نور العرش: روستای دهستان خورگام بخش خورگام رودبار. سرزمین روشنائی یافوت سرخ آسمانی.

نورود: روستای دهستان جیرهنه بخش لشتنشا رشت. آبادی کنار رودخانه تازه.

نوروزآباد: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین آباد شده توسط خاندان نوروز.

نوروز محله: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. آبادی محل سکونت خاندان نوروز.

نوشر: روستای مرکز دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی تازه در قطعه زمین نامحدود.

نوشر: روستای دهستان شیرجوپشت بخش رودبنه لاهیجان. آبادی تازه در قطعه زمین نامحدود.

نوشر: روستای دهستان دهشال بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی تازه در قطعه زمین نامحدود.

نوکاشت: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمینی که به تازگی در آن کشت و زرع صورت گیرد.

نوکنده: روستای دهستان دیناچال بخش پرهسر رضوانشهر. دهکده‌ای که کانال

تازه در آن ایجاد کرده باشند.

نوگوراب: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. آبادی دارای آبگیر تازه.

نومحله: روستای دهستان گشت بخش مرکزی فومن. دهکده نو بنیاد.

نومندان: روستای دهستان لیسار بخش کرگانزود تالش آبادی دارای آبگیر تازه.

نویده: روستای دهستان بلسبنه بخش کوچصفهان رشت. در اصل نبی ده سرزمین خاندان نبی است. برخی آن را نوید دهنده معنی کرده‌اند.

نهار خور لات: روستای دهستان سیاهکلرود بخش چالکسر رودسر. سرزمین سرسبز دشت آبرفتی محل نهار خوران بزرگ منطقه.

نهمزم صیقل گومه: روستای دهستان جیرده بخش مرکزی شفت. سرزمین شکارگاه جلگه‌ای آبرفتی با کلبه‌های صاف.

نیا سن: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر.

نیاکوه: روستای دهستان کیسم بخش مرکزی آستانه اشرفیه. آبادی جلوی کوهستان.

نیاول: روستای دهستان دیلمان بخش دیلمان سیاهکل. سرزمین کنار پیچ روشن.

نی دشت: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار دشت نیزار.

نیسا چاه: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. سرزمین گودالی پشت به آفتاب.

نیسپی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین توکای گلو سیاه.

نیک کری: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین کاملأ بسیار آنبوه از درخت.

نیلاش: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال.

نیلو: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. محلی که در آن نی زیاد روید.

نیلو پرده‌سو: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی سر پل نیلو.

واجارگاه: شهر بخش کلاچای رودسر. سرزمین جایگاه بازار، عده‌ای آن را مکان داوری می‌دانند.

وارده‌سرا: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. وار به معنی خیرت بوده وارد سرا سرزمینی است که موجب خیرت تازه وارد شده‌ها می‌گردد.

واقعه دشت: روستای دهستان کسما بخش مرکزی صومعه‌سرا. در اصل واق دشت سرزمین قور باقه‌ها است.

والی‌سرا: روستای دهستان احمدسرگوراب بخش احمدسرگوراب شفت. آبادی محل سکونت حاکم.

واندار کش: روستای دهستان اطاقدور بخش اطاقدور لنگرود. سرزمین نگهبانان در کوهستان.

وانگاه: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی صومعه‌سرا. آبادی و سرزمین نگهبانان.

وپرسر (سفید آب): روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار رودخانه خروشیان کف آسود.

ورازگاه: روستای دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی و سرزمین جولانگاه گراز. وربن: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین کناری.

وردوم: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. آبادی مجاور علفزار.

ورکوره: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. دهکده کنار کوره یا اجاق.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۱۹

ورگه دره: روستای دهستان خرجگیل بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که در دره اطراف آن گرگ زیاد باشد.

ورمیه: روستای دهستان ماسال بخش مرکزی ماسال. محله نمی‌دهندگان مثلاً مالیات. معاف از مالیات. سرزمین آبده

وزشت (دران): روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین با دوره‌ای از سرما و مه.

وزمتر: روستای دهستان شاندرمن بخش شاندرمن ماسال. سرزمین جایگاه مه و سرما. عده‌ای آن را مکان بیدار کنندگان می‌دانند.

وزمنا: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین مه و سرما.

وزنه‌سر: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی سر باسکول.

وزمی: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوانشهر. سرزمین محل رویش درخت نارون.

وسکه: روستای دهستان ییلاقی ارده بخش پرهسر رضوانشهر.

وسمه‌جان: روستای دهستان پیرکوه بخش دیلمان سیاهکل. در اصولوشه جان به معنی شهر و سرزمین بلدرچین می‌باشد.

وسی: روستای دهستان چوبر بخش حوقیق تالش. سرزمین وسیع و بزرگ.

وشمه‌سر: روستای دهستان حومه بخش مرکزی ماسال. سرزمینی که در آن وشم یا بلدرچین زیاد باشد.

وقفی: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. سرزمین باقی مانده از وقف یک شخص

ولگخانی: روستای دهستان شوئیل بخش رحیم‌آباد رودسر. در اصل ورگخانی سرزمینی که چشممه آن مورد استفاده گرگ‌ها باشد. عده‌ای آن را سرزمین چشممه‌ای برگ ریزان می‌دانند. چشممه قل قل جوشان.

ولد: روستای دهستان گوراب زرمیخ بخش میرزا کوچک جنگلی صومعه‌سرا. سرزمین فرزندان.

ولنی Velni: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیم‌آباد رودسر، نمی‌گذاری. سرزمین پیروزی.

ولنیسپی: روستای دهستان توکی بخش مرکزی سیاهکل. سرزمین توکای گلوسیاه آتشین.

وله چول: روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش. سرزمین شکوفه گل و گل.

ولیچار: روستای دهستان دشتوبیل بخش رحمت‌آباد ملوکات رودبار، سرزمین نگهبان آب‌های روان.

ولیسه: روستای دهستان چینی جان بخش مرکزی رودسر. سرزمینی که در آن آب زمین را می‌لیسد.

ونه خونی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. سرزمین دارای چشم‌آب‌خور کبوتران.

ونیستان: روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش آبادی و سرزمین پر از درخت زبان گنجشک.

ویرمونی: روستای مرکز دهستان ویرمونی بخش مرکزی آستارا. منطقه فراموش شده.

ویزا دشت (بیلاقی ویزا دشت): روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش. آبادی درون دشت پر از درخت گردو.

ویزنه Vizna: روستای دهستان چوبر بخش حویق تالش. آبادی کنار گدار رودخانه. عده‌ای آن را محل پرتگاه و آبشار معنی کردند.

ویسادار (ویزه دار): روستای دهستان بیلاقی ارده بخش پره‌سر رضوانشهر. آبادی پر از درختان گردو.

ویسرود: روستای دهستان چوبر بخش احمدسرگوراب شفت. دهکده کنار رودخانه پراز درخت گردو. عده‌ای آن را آبادی چند کوچه می‌دانند.

ویش خس محله: روستای دهستان خاله‌سرا بخش اسلام تالش. آبادی پر از

خار و خس انشعاب دار.

ویشان: روستای دهستان دلفک بخش خورگام روドبار. سرزمین پر از درخت همانند جنگل.

ویشکا: روستای دهستان نوش بخش خشک بیجار رشت. آبادی و سرزمین بیشه زار.

ویشکاسوقه: روستای دهستان حومه بخش مرکزی رشت. آبادی جنگلی دارای بازارچه.

ویشکا ماتیر: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی دارای بیشه ویشکانک **vishka nanak**: روستای مرکز دهستان سنگر بخش سنگر رشت. آبادی کنار جنگل.

ویشکا ورزل: روستای دهستان لاکان بخش مرکزی رشت. آبادی کنار جنگل کوهستانی.

ویشکی: روستای دهستان اشکور علیا و سیارستاق ییلاقی بخش رحیم آباد روسر. دهکده جنگلی.

ویشه سرا: روستای دهستان طاهر گوراب بخش مرکزی صومعه سرا. آبادی کنار جنگل.

ویشه سرا: روستای دهستان خوشابر بخش مرکزی رضوان شهر. آبادی کنار جنگل.

ویل دیو: ر. ج: کوهستان خطبه سرا تالش. سرزمین بزرگ.

ویه **Vya**: روستای دهستان کلیشم بخش عمارلو رو دبار. سرزمین مکان رویش گیاه محلی وايه.

هادی کیا شر: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای روسر. گذرگاه محل سکونت خاندان هادی کیا.

هادی گوابر: روستای دهستان ماچیان بخش کلاچای رودسر. جایگاه سکونت خاندان هادی.

هالو خانی: روستای دهستان آهندان بخش مرکزی لاهیجان. سرزمین دارای چشم و پراز درخت گوجه سبز.

هرات بر: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. سرزمین بلند.

هرات بر: روستای دهستان رحیم‌آباد بخش رحیم‌آباد رودسر. آبادی کنار بلندی.

هردو آب: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. دهکده مجاور دو رودخانه.

هرزل کوه: روستای دهستان سردار جنگل بخش سردار جنگل فومن. در اصل هر ضلع کوه دهکده‌ای که از هر طرف به کوه ختم شود.

هرکیان: روستای دهستان رستم‌آباد شمالی بخش مرکزی رودبار. آبادی بی‌سروسامان.

هرندان: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش.

هره دشت: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. سرزمین دشت بلند.

هره دشت: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش. سرزمین دشت بلند.

هره دشت شمالی: ر. ج: لپا قاصدق سرزمین دشت بلند محل رویش گیاه هربنگ.

هره شوندشت: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. آبادی و سرزمین دشت بلند محل رویش گیاه آقطی یا پلم.

هشت پر: ر. ج: تالش به علت وجود ساختمان هشت ضلعی ضرغام السلطنه در ابتدای ورود شهر.

هشت روود چونی (هوشت‌چونی): روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. آبادی کنار رودخانه هشت شاخه.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۲۳

هفت بند: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی دارای هفت سد محلی.

هلستان: روستای دهستان مالفجان بخش مرکزی سیاهکل. آبادی کنار منطقه.

هلو بن دره: روستای دهستان اشکور سفلی بخش رحیم‌آباد رودسر. سرزمین دره‌ای که در آن درخت گوجه سبز رویش کند.

هلو چاک: روستای دهستان کجید بخش رانکوه املش. سرزمین دره‌ای پر از درخت گوجه سبز وحشی.

هلو دشت: روستای دهستان لات لیل بخش اطاکور لنگرود سرزمین دشت پر از درخت گوجه سبز وحشی.

هلوسرا بالا: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی بالایی پر از درخت گوجه سبز.

هلوسرا پائین: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. آبادی پائینی پر از درخت گوجه سبز.

هلو کله: روستای دهستان اوشیان بخش چابکسر رودسر. آبادی و سرزمین پاز درختان گوجه سبز وحشی.

هله دمه: روستای دهستان خطبه‌سرا بخش کرگانرود تالش. سرزمین باران و طوفان و باد.

هلهیس: روستای دهستان حویق بخش حویق تالش. پیچه.

هماسر: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش.

هندوانه پردرس: روستای دهستان کنارسر بخش کوچصفهان رشت. آبادی کنار پل محل جمع آوری هندوانه.

هنده خاله: روستای مرکز دهستان هنده خاله بخش تولم صومعه‌سرا. سرزمین باز هم رودخانه یا همین قدر رودخانه. برخی هند را بزرگ معنی کرده‌اند و هند خاله یعنی رودهانه بزرگ.

هنده گران: روستای دهستان طولارود بخش مرکزی تالش. سرزمین همچنان کوهستانی.

هنزنی: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. سرزمین هنوز نیزار.

هنزنی بالا: روستای دهستان حويق بخش حويق تالش. سرزمین بالایی که هنوز نیزار باشد.

هو دول: روستای دهستان ویر مونی بخش مرکزی آستارا. آبادی همان دره.

هودی: روستای دهستان کوهستانی تالش بخش مرکزی تالش.

هو زیه: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی همان بلندی.

هولستون: روستای دهستان حیران بخش مرکزی آستارا. آبادی دور یک ستون کوهستانی.

هونیش: روستای دهستان لیسار بخش کرگانرود تالش.

۵

يارى محله: روستای دهستان خرجگيل بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که در تمام مظاهر اهالی آن کمک کننده یکدیگر باشند.

ياسور: روستای دهستان اشکور عليا و سیارستاق بیلاقی بخش رحیمآباد رودسر. سرزمین آرزو مندان. عده‌ای آن را آبادی پرورش گل یاس می‌دانند.

ياعلى گوابر: روستای دهستان املش جنوی بخش مرکزی املش. آبادی و سرزمین جایگاه اهالی آن کلمه ياعلى را زیاد به کار آورند.

ير شلمان: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. دهکده‌ای برابر آبادی شلمان.

يسن: روستای دهستان پیر کوه بخش دیلمان سیاهکل. آبادی قدیمی بر گرفته از نام اوستایی يسنا. برخی آن را از کلمه يازن به معنی مکانی که از آن برای دست يازیدن به نقاط بالاتر استفاده می‌شد.

يعقوبيه: رو. ج: پائین قاضی محله. محل سکونت خاندان یعقوب معنی می‌دهد.

يكاورك: روستای دهستان توتکی بخش مرکزی سیاهکل.

یکنم Yaknam: روستای دهستان جیرنده بخش عمارلو رودبار. دراصل یک نام و عده‌ای آن را سرزمین یکبار بارندگی ونم می‌دانند.

یگانه محله: روستای دهستان اسلام بخش اسلام تالش. دهکده‌ای که دور از سایر مناطق باشد.

یوسف آباد: روستای دهستان شبخوس لات بخش رانکوه املش. سرزمین آباد شده توسط خاندان یوسف.

یوسف آباد: روستای دهستان املش جنوبی بخش مرکزی املش. سرزمین آباد شده توسط خاندان یوسف.

یوسف آباد: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. سرزمین آباد شده توسط خاندان یوسف.

یوسف آباد: ر. ج: چوبر شفت.

یوسف ۵: روستای دهستان رودبنه بخش رود بنه لاهیجان. آبادی محل سکونت خاندان یوسف.

یوسف محله: روستای دهستان نوشر بخش خشک بیجار رشت. آبادی محل سکونت خاندان یوسف.

بیلاق ویزنه: روستای دهستان چوبر بخش حويق تالش. بیلاق کنار گدار رودخانه.

بیلاقی دارستان: روستای دهستان رستم آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار. آبادی پر درخت منطقه بیلاقی.

بیلاقی لاقه: روستای دهستان رستم آباد جنوبی بخش مرکزی رودبار.

بیلاقی ویزا دشت: ر. ج: ویزا دشت.

تبرستان

www.tabarestan.info

بخش چهارم: لغت نامه:

تبرستان

واژه نامه: چون برخی از لغات و وند واژه‌ها محلی و بومی منطقه می‌باشد معنی آن‌ها در زیر آمده است. البته برخی از واژه‌ها دارای معانی دیگر نیز می‌باشند اما در اینجا فقط به معانی مورد نیاز اکتفا شده است.

آج: نوعی درخت افرا با نام علمی *Acer cappadocicum crenata Zelkova*.
آزاد: درخت آزاد از خانواده نارون با نام علمی.

آسیاب: آرد کوبی

آغوز: درخت گردو با نام علمی *Juglans regia*.
آق: در زبان ترکی به معنی سفید.

آل: قرمز. عقاب.

آلله: شقايق وحشی قرمز.

آمندان: استخر. آبگیر.

ات: نشانه گستردگی مانند تولمات. گسکرات. ورزلات.
ار: علوفه گاو.

اربو (اربا): درخت خرمالوی وحشی با نام علمی *Diospyrus lotus*.
ازگ: شاخه نازک. کوچه باریک. شاخ گاو. اتاق دراز.

اسطلخ: استخر. آبگیر.

اسکا: قوم سکاهای.

اشپل: تخم ماهی.

اشکا: قوم اشک‌ها.

اشمنان: خشمان. خشمگین.

ام: پسوند به معانی: جای سکونت. سان. گون. وش. زاهد. گیاه هم

او: آب در زبان محلی.

اول: روزگار قدیم.

اولس: درخت ممرز با نام علمی *Carpinus orientalis*

اولم: آب بستر جلگه.

اولر: خانه‌ها در زبان ترکی.

بالنگه: بالان گاه. مدفن بی‌دست‌ها.

بخ: آفرین. تمجید.

بر: کنار. طرف. سینه. پائین. سرزمین ممحصور.

برزه: سربرکشیده. شعله درخشنان. بلند.

برگا: کومه

بره: مجاور. حاشیه. دره. سرریز. محل ریزش آب. خوب.

بست: سد محلی. مانع. درزبان محلی به معنی کافی.

بسته دیم: کنار مانع.

بشم: بوران. برف گیر. شبنمی که سحرگاه روی سبزه بنشینند.

بکنده: جفر کانال. لاروبی رودخانه. کندن جوی.

بل: رنگ آبی سیر. پهن و درشت. سنجد. جفت.

بلالم: بستر جلگه‌ای به رنگ آبی سیر.

بلس: درخت افرای جنگلی با نام علمی *Acer Insigne*

بن: سرزمین. جایگاه. انتهای. زیر. باغ وزراعت. تنہ درخت.

بند: سد. مانع. بست. گذرگاه. طناب. قسمت. قله. گردنه کوه. کوهستان.

ریسمان. زنجیر. قفل. مفصل. شال.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۲۹

بنک: اسم مکان.

بنه: آبادی. کوه. گردنه. ریشه. بیخ. جان پناه. درختی از سماق‌ها.

بوز: باد سرد. زنبور عسل. سبزینه و کفك روی درخت.

بیه: رودخانه. نهر. جوی.

بیچ: برجستگی خطرناک و شیطانی اطراف رودخانه.

بیجار: شالیزار.

بیل: استخر. آبگیر. بزرگ. آلت کندن زمین. دندان گران.

بین: همان بن در زبان تالشی.

پا: پایین. کنار.

پو: برگ. کنار. پائین.

پرده: پل.

پرگ: حاشیه. لبه. مرز. سرحد.

پوندک: تپه کوچک. کوه کوچک.

پره: تور ماهی گیری. برگ کاه. حاشیه. لبه. بچه زنبور.

پس: آخر. پشت. بعد. کناره.

پشته: زمین برجسته. تپه.

پلت: نوعی درخت افرا با نام علمی Acer. insigne

پورد (پرده): پل در زبان محلی.

پو: پناهگاه. آغاز. نخست. نخ پشمی. دمبرگ چای. پوس. پوئیدن.

پیر: کهنسال. مسن. پدر. مرشد. شیخ. روحانی.

پیله: بزرگ. درشت. گنده. با شخصیت. پیله کرم ابریشم.

قال: تالاب. آبگیر. پلنگ. نوعی پیچک. درخت ابوجهل.

تالستان: سرزمین آبگیر. گذزگاه پلنگان. پیچک زار.

تالم: چراغ موشی قایق. تاریکی.

۴۳۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

تربه: تربت. گور مقدس.

تم: تاریکی. سیاهی.

ُتم: تخم. بذر. دانه.

تنگ: دره عمیق.

تو: داخل. اندرون. سرا پرده.

توسه: نوعی درخت توسکا با نام علمی *Alnus tourn*.

توک: قله کوه.

تول: گل ولای. گل آلود. ترس. وحشت. جنگ.

تیم: کاروانسرا. خان. تیمچه.

جا: مکان. جای. محل. ظرفیت. رتبه.

جان: پسوند مکان. زن.

جو: جوی. نهر. رودخانه.

جواهر: جثور. بالا.

جوب: جوی. نهر. رودخانه.

جور: بالا در زبان محلی. همسان.

جوقه: جهود. یهودی.

جه: جا. مکان.

جیر: پائین در زبان محلی.

چا: چاه. گودال. چال.

چابوک: چالاک. زرنگ.

چاک: دره. درز. برگ. یونجه زار. سپیده صبح. ترک و بریدگی.

چال: گودال عمیق. فرو رفتگی.

چالک: گودی. چاله.

چای: جرگه. شکارگاه. نخجیر. گیاه دم کردنی. رود به زبان ترکی.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۳۱

چر: گذرگاه خشک در مرداب. محل چرا.

چکو: سر کوه.

چل: گودی. چاله.

چل: گل. گذرگاه. قوم چل. اسب مخصوص.

چم: پیچ و خم. گردنه. تنگه راه عبور. چشم. چشمہ. شیوه. روشن. تمیز.

چم: خزه و جلبک سبز.

چما: پیچ و خم.

چو: شایعه. محل نا آباد. مخربه. چوب.

چور: نا آباد. زمین بایر.

چول: گل و لای در زبان محلی.

چه: پسوند تصغیر

چی: پسوند نسبت.

حال: شاخه‌تر و قابل انعطاف. شاخه رودخانه. لکه بدن. تار مو.

حاله: قسمت. تکه. رودخانه. لنگه. امتداد رشته کوه.

خان: منطقه دارای ۱۰۰۰ خانوار. خانه. کاروانسرا. امیر. رئیس. بزرگ. لانه زنبور

عسل. چشمہ.

خانی: چشمہ.

خج (خوج): درخت گلابی وحشی با نام علمی Pyrus. communis

خر: خورشید. خرم و شاد.

خر: بزرگ. گل تیره. کامرو. آتش. حیوان بارکش. ابر در زبان تالشی.

خرف: کرف. کنف. سرخس.

خره: گل و لای خشک شده.

خس: خار. خاشاک. کاه و علف خشک. خفتن.

خلاص: باتلاق.

۴۳۲ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

خم: کوزه. سفال. خمره.

خمیر: کوزه. سفال.

خندیل: تمشک در زبان تالشی.

خور: خورشید.

خوله: شاخه. سوراخ.

خونی: چشمها.

خیل: اردوگاه. قبیله.

دار: درخت.

درفک: شکاف درون بیخ و برف.

دز: دژ. حصار. قلعه.

دلفك: آشیانه عقاب.

دواں: گیوه روستایی.

دول: دره گود. آبگیر عمیق. پیچ و خم. دلو.

دولاب: آب دره.

دهنه: مصب رود. محل اتصال رودخانه به دریا.

دی: ده. روستا.

دیز: دژ. حصار. قلعه. مانند.

دیهم: نزدیک. کنار. روی. رخسار.

دیو: خدای موهومی مورد اعتقاد گذشتگان. پهلوان. دلیر. وحشی. مفسد.

شیطان. شجاع. جامه پشمین.

دیهی: آبادی با ۱۰ خاتوار.

ربار: رودخانه.

رجه: سینه کشن کوهستان.

رز: انگور. ذرت. برنج.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۳۳

رکج: کوره ساز.

روبار: قشلاق در گویش رودبار.

رودخان: رودخانه، نهر.

روشن: مظہر خدایان مورد اعتقاد اهالی گیلان باستان.

زره: مالیات، طلایی، زیر.

زل: زالو.

زمی: کشت زار.

ژیه: تپه بلند، نقطه بلند، محل جمع شدن آب.

سار: قید تعلق مکان، زار، صحراء، صخره.

سالوک: آبگیر.

سالوک: مقدر، دلیر.

ستان: قید مکان، زار، انبوهی.

ستانک: محل رویش.

سده: آبادی دارای ۱۰۰ خانوار.

سر: آبادی، کنار، راس، بزرگ قوم، مکان.

سرا: خانه، قصر، کوشک، آبادی.

سراوان: دهکده کنار آب.

سرو لات: دشت آبرفتی دارای درخت.

سره: آبادی.

سطل سر: کنار آبگیر.

سفلی: پائین، زیرین.

سل: آبگیر.

سنگ وئر: گذرگاه سنگ.

سو: دماغه کوه، تیغه کوه، جانب، روستایی، نور کم، آب در زبان ترکی.

۴۳۴ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

سوقه: بازار. بازارچه.

سوما: زاهد.

سون: محل رویش.

سی: کوه. سخت. سنگ.

سیاه: سخت. کوه. تیرگی.

شار: شهر. عمارت عالی. شغال. کشور.

شال: شغال. بافته پشمین. تقلبی.

شان: خانه زنبور عسل.

شاه: بزرگ. حاکم. پادشاه. سلطان.

شبخوس: درخت گل ابریشم با نام علمی *Albizia julibrissin*

شو: قطعه زمین نامحدود. گذر. سمت. طرف. معبر.

شرم: درخت ممرز با نام علمی *Carpinus betulus*

شکر: گیاه نیشکر. شکارگاه. خارپشت. صید.

شل: نیزه کوچک. گل شل. مانع و سد ماهی گیری. آتشکده. مست. نرم. شال

پشمین. شل و ول. لنگ.

شم: نوعی پا افزار. چاروق. تنگه عبور.

شی: شبنم. ژاله.

شیجان: محل شبنم زدگی.

شیخ: سالمند. پیر. مرشد. پیشوای دینی. ملای اهل سنت.

شیخانور: کنار چشمه بزرگ.

شیش: درخت بید با نام علمی *Salix tourn*

شیشار: درخت شمشاد با نام علمی *Buxus sempervirens* دراشکورات.

شیل: گذرگاه ماهی.

صیقل: آهنگر. جلا دهنده.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۳۵

صیقلان: مکان صیقل کاری. آهنگران.

طارم: آسمان. خانه چوبی. دیوار و حصار.

طال: دراز.

طالش: قوم طالش از بقایای کادوس‌ها.

طالم: بزرگی. درازی.

طول: کدر. تیره. گل آلد.

علیا: بالا. رویی.

فای: فرا. پیش. به بالا. بسوی خود.

فت: پر آفت. صاحب. زاهد. پت و پهن.

فک: آشیانه.

قره: سیاه در زیان ترکی.

قلعه: دژ. حصار. برج. بارو. کوشک. کاخ.

گا: کاه. علف خشک.

کاکروود: کوه آب رود.

کام: محل. مکان. مراد. میل. دهان. سنجد صحرایی.

کاه: کوچک. علف خشک.

کت: سنگ. تخته. تخت. ده. افتاده.

کتالم: چراغ کوهستان.

کتام: الاصیق بامدادی. تخت گاه. جای تخت.

کته: دهکده. سنگ. تخته. تخت پادشاهی. کتف. نوک. تکیه گاه. انبار. پستو.

برچین کردن قطعه‌ای زمین. جای ذغال و هیزم. جای آرد و گندم.

کده: خانه. جای. محل. مسکن. سرداب. ده. قریه.

کرف: گیاه سرخس با نام علمی Polypodium

کرک: مرغ خانگی.

کری: انبوهی. بسیاری. همسر.

کژ (کچ): قسمت نامرغوب پیله ابریشم.

کش: زاویه دو کوه. کناره. بغل. آغوش. کنار. مجاور. بخشی از دامنه کوه که
گرم‌تر از اطراف خود باشد.

کل: بز نر. نیش زدن گیاه. رشد. بزرگ.

مکل: تپه. پشتہ. ماهور. همه.

گلا: آبادی. زمین زراعتی بدون درخت. کشت زار. جلگه. دشت وسیع.

کلار: قور باغه.

کلاح: ابلق. کلاح.

کلایه: آبادی.

کل دره: دره بز کوهی.

کله: اجاق. کرت. مکان رویش. زار.

کلید: دارنده کلید درب امام زاده. متصدی بقעה.

کم: تپه. شکمه. بر جستگی.

کما: تپه. بلندی. گیاه علوفه‌ای برای گوسفندان. آستین.

کند: تپه گلی کوچک. قند. شکر. دهکده. دلیر. ناهمواری. دندانه. بریدگی.

گنده: تنہ درخت.

گنده: حفر شده.

کندی: دهکده.

کو: کوه. کوی. محله. خرمن. گروه. کدام. توده.

کوره: کوه راه. راه کوهستانی.

کوگاه: اجتماع. قرارگاه گروه.

کوگه: محله. دودمان.

کول: تپه. برآمدگی دو طرف رودخانه.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۳۷

کولار: آبشار.

کول سرک: بالای تپه.

کویه: ده. آبادی. کوی. جلگه معتدل.

که: خانه. کوه

کهدم: نزدیک کوه. کوه دم.

کهل: درخت لرک یا کهل از نام علمی *Pterocarya fraxinifolia*.

کهلستان: سرزمین کهل زار از خانواده گردو.

کیا: خلاصه لقب سلاطین آل کیا.

کیس: زیرک. دانا. چروک. تا.

کیش: درخت شمشاد با نام علمی *Buxus Semperflorens*

گا: گاه. گاو.

گاچه: آغل تابستانی. اصطبل.

گالش: دامدار. کوه نشین.

گاه: حرف اضافه زمان. دوره. عصر. وقت. هنگام. نوبت. موسم. فصل. مکان. جای.

صبح. بستر. تخت. کرسی.

گر: اسم معنی. صفت فاعلی. کوه

گرا: گرایش. سمت. کننده.

گرد: دور. حوالی. اطراف. دلاور.

گرما رود: کنار آب گرم معدنی.

گری: جایگاه. کوه.

گل: لجن. گل و لای.

گم: خار.

گو: گاو.

گوابر: جایگاه.

گوده: دودمان. طایفه. قوم. برآمدگی.

گوراب: بازار. میدانگاه فروش کالا. شن زار. زمین تشنه. گور آب. شهر. دهستان.
مرکز روستایی. زمین باتلاقی و آبگیر.

گه: مکان. جای.

گی: حوضچه آب زیر زمینی.

گیل: قوم گیل. رعیت. دلیر. شجاع. مردم عامی گل.
لا: گل و لای. سیل.

لات: بستر رودخانه خشک. دشت آبرفتی علف چر. دیواره سنگی رودهانه.
سنگ زار ساحل. صخره.

lad: دیوار. حصار.

لاسه: صخره. لان. انبوه. ستان.

لام: میوه درخت:

لو: جوی. علامت جمع در زبان ترکی.

لس: برم. شل.

لش: ایستاده. بیکاره. راکد.

لک: قومیت. میهن. زادگاه. قبیله. لکه روی میوه. طایفه‌ای از کرد.

للکه: درخت لیلکی با نام علمی *Gleditsia caspica*

لله: لوله. نی.

لله رود: نیزار کنار رودخانه.

لوم: آسودگی. راحتی. خار. تکیه دادن. نوعی تمشک. درختچه. بیشه.

لنگه: قسمت. مشابه. مانند. گردنه شیبدار.

لو: پوست درخت. لب. پشتہ. انشعاب بوته جالیزی. منسوب به یک طایفه.

لوا: لب آب. پرچم. درفش.

لور: آبشخور چوبی گوسفندان. نوعی درخت وحشی.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۳۹

لوش: لجن. گل تیره. خلیج حاصل از طغیان و سیلاب.

لوشان: محل عبور سیلاب.

لول: کولی. مست. نوعی درخت انجیر وحشی.

لوم: خار زار. بیشه.

له: خس و خار پیچیده.

لی: درخت نارون با نام علمی *Ulmus procera* و نوعی ^{نگاه محلی برای} حصیر بافی.

لیا: سرزمین گود. روشن. بزرگ. پهلوان.

لیش: زمین لجن زار آب گرفته.

لیم: درخت لیمو ترش با نام علمی *Citrus limonia*

لیم: پناهگاه خزهای برای مار و لاک پشت و قورباغه.

لیو: برگ.

مازو: درخت بلوط با نام علمی *Quercus castaneaefolia*

مان: دودمان. جایگاه. خانه. قرارگاه.

مخ: میخ. محکم. آهن. زنبوز.

مرز: حد. سرحد. زمین. ناحیه. چراغاه. کشور. کشت زار. حاشیه. کناره. اندازه. دشت. محل. جای.

مسر: ایاز. محلی که شبنم بر سبزه نشیند.

مش: زنبور عسل.

ملک: امیر. سلطان. حاکم. پادشاه. فرسته.

من: جایگاه. قرارگاه. دودمان.

مندان: آبگیر. استخر. سل.

میر: آقا. سید. بزرگ محل. کدخدای. امیر. سلطان. شیخ. صاحب خانه.

مینه: میانی. میانه. وسطی. بین.

۴۴۰ / نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان

ناو: جوی آب. قایق. آیشخور پله‌ای رودخانه.

نرگه: جرگه شکار کاه.

نرگه: شکارگاه جمعی.

نسا: پشت به آفتاب.

نشین: محل سکونت. نشستن.

نصیر: ناصر.

نغل: ژرف. گود. عمیق.

نقل (نقله): چاله گود. انتقال. سنگ ریزه.

نیا: جلو. مقدم.

نیا ول: روشن.

وا: با. حفاظت. نگهبانی. باید. باز. میل. باد.

وان: نگهبان.

ور: کنار. بغل. قلعه. محصور. بر. محوطه بسته. گدار. رودخانه.

ورزل: چسیبیده به حصار و قلعه. مماس بر قلعه.

وند: نشانه نسبت. دارندگی. شباهت. گودال پر آب در زبان تالشی.

وندان: نشانه جمع نسبت. پسوند دارندگی و صاحب. آب بند.

ونه (ونی): انبار و طویله نگهداری گاو. کبوتر کوهی.

ویز: گذرگاه. گدار رودخانه.

ویزه (ویسا): درخت گردو با نام علمی *Juglans regia*

ویشکا: بیشه و جنگل. خوشه درخت.

ویشه: خوشه. جنگل. بیشه.

ویل: چاه. شهر.

هره: ایوان باریک و بلند. دیوار نازک خشتشی. بلندی. کوه. سوراخ ریز.

هلو (هلی): درخت گوجه سبز با نام علمی *Prunus divaricata*

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۱

هنده: آن ده. باز هم. این قدر.

یان: علامت جمع. طرف و جانب در زبان ترکی.

یورد: سرزمین. ولایت.

تبرستان
www.tabarestan.info

منابع: **تبرستان**

- ۱- اصفهانی پرویز. لغت نامه جدول کتیبه (۱۱ جلد). چاپ انتشارات کتیبه. سال ۱۳۶۲.
- ۲- اصلاح عربانی ابراهیم کتاب گیلان (جلد ۴ و ۵): نوشه گروه پژوهشگران ایران. چاپ گروه پژوهشگران ایران. سال ۱۳۸۷.
- ۳- انوری دکتر حسن. فرهنگ سخن (۸ جلد). چاپ انتشارات سخن. سال ۱۳۸۱.
- ۴- پاینده لنگرودی محمود. فرهنگ گیل و دیلم فارسی به گیلکی. چاپ انتشارات امیر کبیر. سال ۱۳۶۶.
- ۵- پندی کیوان. سرزمین و مردم فومنات. چاپ انتشارات بلور رشت. سال ۱۳۸۴.
- ۶- تالش انساندوست فرشته. فرهنگ تطبیقی آبادیها و اطلاعات شهرهای استان گیلان (CD). سال ۱۳۸۷.
- ۷- ثابتی حبیب الله. درختان جنگلی ایران. چاپ دانشگاه تهران. سال ۱۳۲۶.
- ۸- دادرس دکتر حسن. علل اسکان و وجه تسمیه روستاهای حاشیه تالاب انزلی. انتشارات سلار. سال ۱۳۸۹.
- ۹- رابینو لویی. ولایات دارالمرز ایران گیلان. ترجمه جعفر خمامی زاده. چاپ طاعتی رشت. سال ۱۳۵۷.
- ۱۰- سرتیپ پور جهانگیر. ریشه یابی واژه‌های گیلکی و وجه تسمیه شهرها و

- روستاهای گیلان. چاپ نشر گیلکان رشت. سال ۱۳۷۲.
- ۱۱- سرتیپ پور جهانگیر. نام‌ها و نامدارهای گیلان. چاپ نشر گیلکان رشت.
سال ۱۳۷۰.
- ۱۲- سرتیپ پور جهانگیر. ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی.
چاپ نشر گیلکان رشت. سال ۱۳۶۹.
- ۱۳- طویلی عزیز. تاریخ جامع بندر انزلی. چاپ مولف. سال ۱۳۷۰.
- ۱۴- عباسی هوشنگ. لشتنشه سرزمین عادل شاه. چاپ نشر گیلکان رشت.
سال ۱۳۷۸.
- ۱۵- عبدالی علی. فرهنگ تاتی و تالشی. چاپ دهخدا بندر انزلی. سال ۱۳۶۲.
- ۱۶- غلامی کفتارودی قاسم. آیینه پیر بازار. چاپ مولف. سال ۱۳۷۹.
- ۱۷- کاظمی اردشیر. فرهنگ دیلمان (واژه‌ها و اصطلاحات). چاپ انتشارات فرا
دید. سال ۱۳۷۹.
- ۱۸- کسری احمد. نام‌های شهرها و دیوهای ایران. چاپ نشر و پخش کتاب.
- ۱۹- کوچکی زاد فرامرز. فرهنگ معانی آبادی‌های گیلان. چاپ انتشارات حرف
نو. سال ۱۳۹۰.
- ۲۰- لاهیجانی م. جغرافیای گیلان. چاپ نجف سال ۱۳۸۹ هجری قمری.
- ۲۱- مرادیان گروسی علی اکبر. وند واژه‌های زبان گیلکی گویش رشتی. چاپ
نشر گیله مرد رشت. سال ۱۳۸۷.
- ۲۲- مسروور ماسالی فرامرز. فرهنگ تالشی. چاپ شرکت نگین ماسال. سال
۱۳۸۶.
- ۲۳- معین دکتر محمد. فرهنگ فارسی (۶ جلد). چاپ انتشارات امیر کبیر.
سال ۱۳۵۶.
- ۲۴- نوبان مهرالزمان. وجه تسمیه (شهرها و روستاهای ایران). چاپ حسینعلی
نوبان. سال ۱۳۶۵.
- ۲۵- نوزاد فریدون. گیله گب (فرهنگ گیلکی - فارسی). چاپ دانشگاه گیلان.
سال ۱۳۸۱.

نامگذاری و وجه تسمیه آبادی‌های گیلان / ۴۴۵

- ۲۶- مجله تحقیقات تالش: دوره کامل تا جلد ۱۵.
- ۲۷- مجله گیلان ما: دوره کامل تا جلد ۴۵.
- ۲۸- مجله گیلو: دوره کامل تا جلد ۱۲۰.
- ۲۹- راهنمائی از آقای احمد شکوری کارشناس جغرافیا.

دکتر حسن دادرس به سال ۱۳۴۱ در
بندر ایزدی به دنیا آمد. وی دارای دکترای
جغرافیا و برنامه ریزی شهری و روستایی
می‌باشد. مدرس دانشگاه، عضو
آژانس‌های گردشگری بوده و تا کنون
هفت کتاب و ده‌ها مقاله علمی از ایشان به

چاپ رسیده است.

برستان



مهندس فرامرز کوچکی زاد به سال ۱۳۲۸
در رشت به دنیا آمد و تحصیلات خود را
در فیزیک و مهندسی کشاورزی به پایان
رسانده است. مدت ۲۴ سال در آموزش و
پژوهش اشتغال ورزید و پس از آن تنها به
کارهای تحقیقاتی روی اورد و ۱۵ عنوان
کتاب از وی به چاپ رسیده است.

